

تحلیلی بر آثار عیلامی موزه‌های باستان‌شناسی شوش و هفت تپه



■ فرح عامری

(کارشناس ارشد پژوهش هنر)

■ سیامک علیزاده

(استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده باستان‌شناسی شوش دانشگاه شهید چمران اهواز)

به نام خداوند
بختناينده مهربان

▲ پاس قلب‌های بزرگشان که فریادرس است و سرگردانی و ترس در پناهشان به شجاعت می‌گراید و به پاس محبت‌های بی دریغشان که هرگز فروکش نمی‌کند؛ مادران، پدران و استادانمان و تقدیم به همه کسانی که جرأت اندیشیدن را دارند.

تحليل بصرى اشياء عيلا مى

موزه شوش و هفت تپه

نويسنده:

— فرح عامرى —

۱۴۰۳-۱۴۰۲

◀ فهرست نویسی پیش از انتشار (فیبا):

✦ سرشناسه: عامری، فرح (۱۳۷۱ -)

◆ عنوان و نام پدیدآور: تحلیل بصری اشیاء عیلامی

موزه شوش و هفت تپه

◆ مؤلف: فرح عامری

◆ ناشر: نشر ایژا / با همکاری انتشارات ارگ نواندیش

■ مؤسسه همکار: کتاب حاضر با حمایت موسسه فرهنگی هنری شروع عصر رهایی منتشر شده است.

■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۶۲۲-۸۰

✦ عنوان و نام پدیدآور: تحلیل بصری اشیاء عیلامی

موزه شوش و هفت تپه

◆ مؤلف: فرح عامری

◆ ناشر: نشر ایژا

eijaaPUB@gmail.com

■ ناشر همکار: انتشارات ارگ نواندیش

■ مؤسسه همکار: موسسه فرهنگی هنری شروع عصر رهایی

■ امور فنی و تنظیم متن: گروه ویراستاری نوین

■ نمونه خوان: بشری عرینی

■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

■ نوبت چاپ: نخست، زمستان ۱۴۰۲

■ طراح جلد: آذر جمشیدی فرد

■ بها: ۱۲۰.۰۰۰ تومان

■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۶۲۲-۸۰

و تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت!
هرگونه چاپ یا زیوراکس از روی این کتاب ممنوع است!
طبق قانون حمایت از آثار مؤلفین و مترجمین



تلفن های مراکز پخش:

۰۹۱۶۷۳۲۰۹۱۴/۰۶۱۳۳۳۳۲۹۴۵۷/۰۹۰۱۲۵۹۱۰۸۴/ ۰۹۳۳۶۱۸۳۶۷۳

ISBN : 978-622-93622-8-0



9 786229 362280

چکیده فارسی

تمدن عیلام باستان، یکی از برجسته‌ترین و با شکوه‌ترین تمدن باستانی و بومی سرزمین ایران در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد که از نظر تاریخی به چهار دوره نیا عیلامی یا «پروتو - عیلامی» (Proto - Elamite Perido) حدود ۳۲۰۰ - ۳۰۰۰ پیش از میلاد، عیلام کهن (Old - Elamite Perido) حدود ۲۷۰۰ - ۱۵۰۰ پیش از میلاد، عیلام میانه (Middle - Elamite Perido) حدود ۱۵۰۰ - ۱۰۰۰ پیش از میلاد و عیلام نو (Neo - Elamite Perido) حدود ۱۱۰۰ - ۵۳۹ پیش از میلاد تقسیم شده‌اند. آثار و اشیایی از این تمدن بر اثر کشفیات باستان‌شناسی از دوره‌های یاد شده، در موزه‌های باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه نگهداری و یا به معرض نمایش گذاشته شده است. سوال اصلی این پژوهش در رابطه با بعضی از این اشیاء مکشوفه، این است. که دارای چه ویژگی‌ها و جنبه‌های هنری هستند؟ و این آثار آیا مفهومی را نیز برای ما بازنمایی می‌کنند؟ بنابراین هدف از پژوهش حاضر، در این راستا می‌توان توصیف و تحلیل بصری بعضی از اشیاء عیلامی انتخابی موجود در این دو موزه می‌باشد. تا بتوان به حداقلی از شناخت آن‌ها از جنبه هنری رسیده شود. ضمناً بنا به ضرورت‌های مورد نظر، پژوهش در صدد این است تا نوع کاربرد آن‌ها را نیز در حد امکان مد نظر قرار دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که احتمالاً این اشیاء بیشتر جنبه کاربردی و تشریفاتی و یا (آئینی) داشته‌اند. همچنین دستاوردهای این پژوهش ضمن ایجاد زمینه برای پژوهش‌های بعدی با رویکرد هنری، شناخت بیشتر این تمدن از طریق مطالعه و بررسی بر روی آثار یاد شده را فراهم می‌نماید.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۲	۱-۱- مقدمه
۳	۱-۲- بیان مسأله
۴	۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش
۵	۱-۴- اهداف پژوهش
۵	۱-۵- روش پژوهش
۵	۱-۵-۱- مدل مفهومی
۷	۱-۵-۲- نمودار مدل مفهومی
۷	۱-۶- پرسش‌ها یا فرضیه‌های تحقیق
۸	۱-۷- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش
۸	۱-۷-۱- متغیرهای اصلی
۸	۱-۷-۲- متغیرهای فرعی
۸	۱-۸- تعاریف و مفاهیم مربوطه
۸	۱-۸-۱- موزه
۸	۱-۸-۲- موزه باستان‌شناسی
۹	۱-۹- نقش عمده موزه‌های باستان‌شناسی
۹	۱-۹-۱- موزه باستان‌شناسی شوش
۱۰	۱-۹-۲- ساختمان موزه باستان‌شناسی هفت‌تپه
۱۰	۱-۱۰- تاریخچه فعالیت
۱۱	۱-۱۰-۱- موزه باستان‌شناسی هفت‌تپه
۱۱	۱-۱۰-۲- جغرافیای عیلام باستان
۱۳	۱-۱۰-۳- تاریخ عیلام باستان
۱۳	۱-۱۰-۴- روش تحقیق
۱۴	۱-۱۱- نوع روش مطالعه
۱۴	۱-۱۱-۱- جمعیت آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه
۱۴	۱-۱۲- روش جمع‌آوری داده‌ها

- ۱۵-۱-۱۲-۱ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها ۱۵
- ۱۵-۱-۱۳-۱- قلمرو مکانی و زمانی تحقیق ۱۵
- ۱۵-۱-۱۳-۱- قلمرو زمانی تحقیق ۱۵
- ۱۶-۱-۱۳-۲- قلمرو زمانی مکانی تحقیق ۱۶
- ۱۶-۱-۱۴-۱- سازمانهایی که در انجام تحقیق همکاری کردند ۱۶
- ۱۹-۱-۲- پیشینه تحقیق ۱۹
- ۳۹-۲-۲- نتیجه گیری پیشینه تحقیق ۳۹
- ۴۲-۳-۱- مقدمه ۴۲
- ۴۲-۲-۳- مقدمه سرزمین‌های باستانی ۴۲
- ۴۴-۳-۳- مختصری از تمدن عیلام باستان ۴۴
- ۴۸-۳-۴- جغرافیای عیلام باستان ۴۸
- ۵۰-۳-۵- در تقسیم بندی تاریخی سیاسی - فرهنگی عیلام ۵۰
- ۵۱-۳-۶- فرهنگ افق آغاز عیلامی (۳۲۰۰ - ۲۸۰۰ پیش از میلاد) ۵۱
- ۵۳-۳-۷- دوره عیلام کهن (۱۵۰۰ - ۲۷۰۰ پیش از میلاد) ۵۳
- ۵۵-۳-۷-۱- دوره عیلام میانه (حدود ۱۵۰۰ - ۱۱۰۰ پیش از میلاد) ۵۵
- ۵۷-۳-۷-۲- شرح کامل منابع عیلام نو ۵۷
- ۵۸-۳-۷-۳- عیلام نو (حدود ۱۰۰۰ - ۵۳۹ پیش از میلاد) ۵۸
- ۵۹-۳-۷-۴- سلسله اوان (Awan) ۵۹
- ۶۰-۳-۷-۵- سلسله سیماش (Simash) ۶۰
- ۶۰-۳-۷-۶- سلسله آنزان (Anzan) ۶۰
- ۶۱-۳-۸- سلسله‌های سلاطین عیلام باستان ۶۱
- ۶۴-۳-۸-۱- موقعیت جغرافیایی شوش ۶۴
- ۶۵-۸-۳-۲- تشخیص سه دوره شوش ۶۵
- ۶۶-۳-۸-۳- نگاهی گذرا به محل‌های باستانی آثار مورد بحث ۶۶
- ۶۶-۳-۸-۴- تپه‌های باستانی و تاریخی شوش ۶۶
- ۶۷-۳-۸-۵- تپه باستانی آکروپل یا ارگ سلطنتی ۶۷
- ۶۸-۹-۳- تپه مرکزی یا شهر شاهی ۶۸
- ۶۸-۳-۹-۱- تپه یا شهر صنعتگران ۶۸
- ۶۹-۳-۹-۲- تپه آپادانا ۶۹

- ۳-۹-۳- ایوان کرخه ۳-۹-۳-۶۹
- ۳-۹-۴- معبد زیگورات چغازنبیل ۳-۹-۴-۷۰
- ۳-۹-۵- هفت تپه ۳-۹-۵-۷۰
- ۱۰-۳- خط و زبان در تمدن عیلام باستان ۱۰-۳-۷۱
- ۳-۱۰-۱- مذهب، آداب و رسوم عیلام باستان ۳-۱۰-۱-۷۳
- ۳-۱۰-۲- موسیقی در مراسم مذهبی عیلام باستان ۳-۱۰-۲-۸۰
- ۳-۱۰-۳- تاریخ و تقویم عیلام باستان ۳-۱۰-۳-۸۰
- ۳-۱۰-۴- هنر مردم عیلام باستان ۳-۱۰-۴-۸۱
- ۳-۱۰-۵- معبد زیگورات چغازنبیل (رنسانس مذهبی) ۳-۱۰-۵-۸۴
- ۱۱-۳- بند زیگورات ۱۱-۳-۸۷
- ۳-۱۱-۱- دایره و مربع در ماندالا ۳-۱۱-۱-۸۸
- ۳-۱۱-۲- نماد ماندالا در بنای مذهبی معبد زیگورات چغازنبیل ۳-۱۱-۲-۸۹
- ۳-۱۱-۳- معماری بنای معبد زیگورات چغازنبیل ۳-۱۱-۳-۹۰
- ۳-۱۱-۴- معبد کوچک مربعی شکل ۳-۱۱-۴-۹۲
- ۳-۱۱-۵- معبد گل (هومبان) ۳-۱۱-۵-۹۲
- ۳-۱۲- معرفی بناهای باستانی اطراف چغازنبیل ۳-۱۲-۹۳
- ۳-۱۲-۱- مختصری از هنرهای تمدن عیلام باستان ۳-۱۲-۱-۹۳
- ۳-۱۲-۲- مهر و آثار مهرها ۳-۱۲-۲-۹۳
- ۳-۱۲-۳- مهره‌های مسطح ۳-۱۲-۳-۹۵
- ۳-۱۲-۴- مهره‌های استوانه‌ای ۳-۱۲-۴-۹۷
- ۳-۱۲-۵- کاربرد مهره به عنوان حرز یا طلسم ۳-۱۲-۵-۹۸
- ۳-۱۲-۶- کاربرد نذری ۳-۱۲-۶-۹۹
- ۳-۱۳- کاربرد تدفین ۳-۱۳-۱۰۰
- ۳-۱۳-۱- مفهوم واژه اسطوره ۳-۱۳-۱-۱۰۲
- ۳-۱۳-۲- شیشه گری در هنر عیلام باستان ۳-۱۳-۲-۱۰۳
- ۳-۱۳-۳- سفال در هنر عیلام باستان ۳-۱۳-۳-۱۰۴
- ۳-۱۳-۴- میخ‌ها و گل میخ‌های تزئینی ۳-۱۳-۴-۱۰۵
- ۳-۱۴- نتیجه‌گیری فصل سوم ۳-۱۴-۱۰۶

- ۱-۴-۱- مقدمه ۱۰۸
- ۴-۲- سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک زن ۱۰۹
- ۴-۳- سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک مرد (سردیس تپتی آهر) ۱۱۶
- ۴-۳-۱- ماسک گلی رنگ آمیزی شده چهره یک مرد (سردیس تپتی آهر) ۱۱۹
- ۴-۳-۲- بخش انتهایی یک ناودان که به شکل سر جانور (شیر) ۱۲۳
- ۴-۳-۳- سنگ وزن به شکل یک اردک ارجان (متعلق به هزاره یکم پیش از میلاد) ۱۲۶
- ۴-۴- مجسمه نگهبان شیردال (شیر- عقاب)، اونتاش گال ۱۳۴
- ۴-۵- مجسمه گاو نگهبان از معبد چغازنبیل ۱۳۹
- ۴-۵-۲- خنجر با دسته مرصع - هفت تپه، عیلام میانه ۱۵۱
- ۴-۶- نتیجه گیری ۱۵۴
- ۵-۱- جمع بندی ۱۵۵
- ۵-۲- نتیجه گیری ۱۵۹
- ۵-۳- پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده ۱۶۱
- منابع فارسی ۱۶۲
- منابع انگلیسی ۱۶۸

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۵۶.....	جدول ۱-۵- سه سردیس عیلامی موجود در موزه باستان شناسی شوش (نگارنده).
۱۵۶.....	جدول ۲-۵- تصاویر اشیاء عیلامی موزه باستان شناسی شوش (نگارنده).
۱۵۷.....	جدول ۳-۵- ویژگی های اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان شناسی هفت تپه (نگارنده).
۱۵۸.....	جدول ۴-۵- ویژگی های اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان شناسی هفت تپه (نگارنده).

فهرست نمودار

عنوان

صفحه

نمودار ۱-۱- مدل مفهومی تحقیق (نگارنده).....	۷
نمودار ۲-۱- جغرافیایی عیلام (نگارنده).....	۱۳
نمودار ۳-۱- قلمرو زمانی تحقیق (نگارنده).....	۱۶
مهر آفرین، رضا	۱۹
علی بمانی، مریم.....	۱۹
ملکزاده بیانی، ملکه	۱۹
محمدی فر، یعقوب	۲۰
جوزی، زهره	۲۰
عامریان، حمید	۲۱
کلاه کج، منصور	۲۱
ویکس، یاسمینا	۲۲
نیاکان، لیلی	۲۳
پورعلی، امین	۲۴
لزرکی، سمر	۲۴
علی سلیمان، صبا	۲۵
زندى، ناهید	۲۶
محمودی، ماندانا	۲۷
قنبری، لیلا	۲۸
هیئتس، والتر	۲۸
کامرون، جورج گلن	۲۹
محمودیان، وحید	۳۰

- ۳۰..... حصاری؛ مرتضی، و یوسفی زشک، روح‌الله
- ۳۱..... فکری نژاد طهرانی، الهام
- ۳۲..... عرب، حسن علی و شریفی نسب، کوثر
- ۳۳..... ترابی، مژده
- ۳۴..... افکنده، احسان
- ۳۴..... هادیان دهکردی، منیژه
- ۳۵..... یوسفی زشک، روح الله و یزدانی، سحر
- ۳۶..... بهروزی، محمد
- ۳۸..... عزیزى خادم، الهام
- ۵۱..... نمودار ۳-۱- دوره‌های تمدن عیلام (نگارنده).

فهرست تصاویر

عنوان

صفحه

۱۲	تصویر ۱-۱- جغرافیایی عیلام باستان.....	
۴۹	تصویر ۱-۳- نقشه قلمروی عیلام و مناطق همجوار.....	
۶۶	تصویر ۲-۳- نقشه شوش.....	
	تصویر ۳-۳- زیگورات چغازنبیل بالا؛ تصویر ایزومتریک و راه‌های ورودی آن و پایین، بازسازی کامل بنا با توجه به قسمت تخریب شده آن.....	۸۷
۹۷	تصویر ۳-۴- مهرهای استوانه‌ای از جنس سنگ و یک تکه گل با اثر مهر.....	
۹۹	تصویر ۳-۵- آویزهای سنگی با نقش حیوانات.....	
۱۰۰	تصویر ۳-۶- الف) گور خمره - هفت تپه، عیلام میانه، ب) تابوت سفالی - هفت تپه، عیلام میانه.....	
۱۰۴	تصویر ۳-۷- میله‌های شیشه‌ای - عیلام میانه، سده ۱۴ پیش از میلاد.....	
۱۰۵	تصویر ۳-۸- سفال - عیلام میانه، شوش.....	
۱۰۶	تصویر ۳-۹- میخ‌ها و گل میخ‌های تزئینی، شوش.....	
۱۰۹	تصویر ۴-۱- سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک زن عیلامی.....	
۱۱۳	تصویر ۴-۲- سردیس زن، از اوروک (الورقاء).....	
۱۱۶	تصویر ۴-۳- سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک مرد، سردیس تپتی آهر.....	
۱۱۸	تصویر ۴-۴- سر یک فرمانروای اکدی، از نینوا (کویونجیک).....	
۱۲۰	تصویر ۴-۵- ماسک گلی رنگ آمیزی شده چهره یک مرد، سردیس تپتی آهر.....	
۱۲۳	تصویر ۴-۶- بخش انتهایی یک ناودان که به شکل سر جانور و از جنس سفال.....	
	تصویر ۴-۷- سنگ وزن اردک ارجان یافت شده از محوطه ارجان شهرستان بهبهان، استان خوزستان.....	۱۲۶
	تصویر ۴-۸- A تابوت برنزی ارجان. B طرح ایزومتریک آرامگاه ساخته شده از سنگ، نشان دهنده موقعیت نسبی آلات و ادوات تدفین.....	۱۲۷
	تصویر ۴-۹- الف) لیوان شوش، پرندگان با گردن‌های کشیده و بز کوهی، هزاره چهارم پیش از میلاد، ب) شوش، هزاره چهارم پیش از میلاد، موزه لوور.....	۱۲۸

- تصویر ۴-۱۰- تصاویر غازه‌های مدوم، تمدن مصر باستان، در حدود ۴۶۰۰ پیش از میلاد، نقاشی دیواری خشک، بلندی تقریباً ۴۵ سانتی متر. موزه مصر، قاهره. ۱۲۹
- تصویر ۴-۱۱- مردم عیلامی و شاخص وزنی سنگ وزن اردک ارجان ۱۳۰
- تصویر ۴-۱۲- به تصویر سنگ وزن، دوره هخامنشی، در حدود قرن ۶-۴ پس از میلاد، شوش ۱۳۲
- تصویر ۴-۱۳- مجسمه نگهبان شیردال (شیر - عقاب)، اونتاش گال ۱۳۴
- تصویر ۴-۱۵- مجسمه گاو نگهبان از معبد چغازنبیل، عیلام ۱۳۹
- تصویر ۴-۱۶- گاو کوهان دار نگهبان چغازنبیل ۱۴۱
- تصویر ۴-۱۷- گاو نگهبان معبد چغازنبیل از روبه رو. ۱۴۲
- تصویر ۴-۱۸- مجسمه انسانی - ابوفندوا عیلام میانه. ۱۴۳
- تصویر ۴-۱۹- از راست نمونه مجسمه زنی با لگن کوچک و نمونه دیگر مجسمه زنی با یک جفت دستبند تک بندی و خلخال در پا از دوره عیلام میانه. ۱۴۵
- تصویر ۴-۲۰- آویز گردن‌بند با نقش ستاره هشت پر، جنس طلاء، تمدن عیلام باستان ۱۴۶
- تصویر ۴-۲۱- مجسمه ملکه ی عیلامی ناپیر آسو همسر اونتاش گال، جنس برنز، شوش، عیلام میانه. ۱۴۸
- تصویر ۲۲-۴- حلقه عیلامی، معبد چغازنبیل. ۱۴۹
- تصویر ۴-۲۳- انگشترهای طلاء که جزء اشیاء قبری واقع در مقابل اینشوشیناک به دست آمده است، ارگ شوش. قرون ۱۳ و ۱۲ پیش از میلاد. ۱۴۹
- تصویر ۴-۲۴- گردن‌بند یکی از زنان کارگزار دربار پادشاه عیلامی. ۱۵۱
- تصویر ۴-۲۵- خنجر با دسته مرصع هفت تپه، عیلام میانه. ۱۵۱
- تصویر ۴-۲۶- بخشی از دسته خنجر منبت کاری شده. ۱۵۴

فصل اول:

کلیات پژوهش

از دیرباز، انسان در پی بهره‌برداری از طبیعت اطراف خود، یخبندان را کشف کرده است. که سنگ می‌تواند ماده اولیه مناسبی برای رفع نیازهای روزانه وی باشد. اینگونه بود که نخستین خراشنده‌ها ابزار اولیه خود را از آن می‌ساخت و در انتخاب نوع آن از هوشمندی بالایی استفاده می‌کرد. این وابستگی به قدری با مردم امروز آمیخته است که امروزه تاریخ اقوام قبلی را عصر نوسنگی^۱ می‌شناسند. از این رو استفاده از این اشیاء برای آن اقوام برای انجام آئین و مناسک مذهبی خود تا کنون رو به پیشرفت بوده و کم‌کم از یک دست کاری خشن به یک اثر هنری تبدیل شده است و نمونه‌های معدودی که در گوشه و کنار موزه‌ها باقی مانده است نشان دهنده هنر مردم آن دوره است. در سرزمین ایران^۲ به ویژه استان خوزستان (شوش، چغازنبیل و هفت تپه)، به دلیل غنای منابع طبیعی نسبت به مناطق همجوار خود، ردپایی از این آثار هنری در جای جای مراکز مسکونی عمده دیده می‌شود. بدین‌سان عیلام که خاستگاه نخستین سلسله‌های سلطنتی در تاریخ نجد ایران است. تا حدود ۷۰ سال پیش بسیار کم شناخته شده بود. اما از آن زمان به تدریج، در نتیجه کشفیات باستان‌شناسی که بیشتر توسط هیئت‌های باستان‌شناسی فرانسوی انجام شده است، نمودار گردید. حتی امروزه نیز به دلیل از بین رفتن شواهد بسیاری از مدارک، در نتیجه جنگ‌ها و تهاجمات پی‌درپی، اطلاعات ما از تاریخ این منطقه بسیار اندک و ناقص است.

با این حال از آن چه تاکنون به دست آمده است، و مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل دقیق مورخان و خاورشناسان^۳ بزرگ قرار گرفته است. تا حدودی به چگونگی این تمدن آگاهی یابیم. باید بیان کرد مطالب این تحقیق در پنج فصل اصلی تقسیم بندی شده‌اند. نخست آغاز تحقیق، تبیین مبانی نظری و سه مرحله تفسیر اثر با رویکرد تحلیل بصری است. سپس به تاریخ و تمدن عیلام اعم از باستان‌شناسی عیلام^۴، نژاد و زبان^۵، تاریخ سیاسی^۶ و مذهب عیلامی^۷ و ... پرداخته شده است. به طوری که در فصل سوم به ویژگی‌های کلی و ارکان اصلی و هنرهای این تمدن کهن پرداخته شده است. در فصل چهارم به تحلیل بصری اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان

-
1. Neolithic Age
 2. Persia
 3. Historians and Orientalists
 4. Archeology of Elam
 5. Race and language
 6. Political History
 7. Elamite Religion

کفصل اول: کلیات پژوهش

شناسی شوش و هفت‌تپه اختصاص دارد. که در این فصل از پایان‌نامه به تعداد ۹ شیء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه^۱ اشاره خواهیم کرد. که به ترتیب دوره‌های تاریخی شناسایی شده و سپس موضوعات و نقوش هنری دسته‌بندی شده و نمونه‌های کلیدی در هر دسته موضوعی به صورت بصری تحلیل می‌شود. پس از تحلیل بصری اشیاء^۲ و نقش عناصر هنری^۳، این پژوهش سعی دارد تا حد امکان باورها و اندیشه‌های نهفته در عناصر بصری عیلام را شناسایی کند. همچنین در فصل پنجم که جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی و پیشنهادها نام دارد، بر اساس نتایج بررسی و گونه‌شناسی اشیاء عیلامی^۴ موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه است. طبقه‌بندی بر اساس اندازه، جنس و نوع، فرم و ...، این اشیاء انجام می‌شود.

۱-۲- بیان مسأله

عیلام نام قدیمی‌ترین تمدن و حکومت شکل گرفته در فلات ایران بوده است. سیرالملوک تمدن عیلام یعنی از زمانی که اولین کتیبه‌ها به خط و زبان عیلامی به دست آمده است. را می‌توان به چهار دوره کلی تقسیم کرد که عبارت‌اند از: عیلام مقدم با پیدایش خط میخی عیلامی یا «پروتو - عیلامی» در حدود هزاره چهارم پیش از میلاد، عیلام کهن در حدود هزاره سوم پیش از میلاد، در واقعیت پیدایش تمدن و فرهنگ مکتوب و قابل تحقیق از همین عصر به بعد انجام می‌گیرد. با پیدا شدن مفرغ، این دوره به دوران برنز معروف می‌شود. این دوران شامل اقوامی بوده که در استان فارس و استان خوزستان امروزی دارای استیلاء و فرمانروایی بوده‌اند (نخعی اشتری، ۱۳۹۱: ۲۲). عیلام میانه در حدود هزاره دوم پیش از میلاد در این دوره شاهد ساخت زیگورات (معبد) چغازنبیل (حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد) می‌باشیم. عیلامی‌ها در این دوره معروف‌ترین خدای خود، اینشوشیناک (نگهبان و حامی شهر شوش) را پرستش می‌کردند (اعظم‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۴). هم‌چنین در این عصر، دیرینه‌ترین تمدن در فلات ایران با پیدا کردن اشیاء و آثاری از شهر شوش در استان خوزستان امروزی، تل باکون فارس و تپه گیان نهادند، با نام تمدن (فرهنگ) عیلامیان شناسایی شده است (نخعی اشتری، ۱۳۹۱: ۲۲). عیلام نو در حدود قرن هفتم پیش از میلاد که آثار این دوره را می‌توان در شوش شوشان یافت (همان، ۲۲). تقسیم نمود. در راستای تاریخ سیاسی عیلام قدرت بین دودمان‌هایی همچون: اوان، سیماش و سوکل‌مخ‌ها و سایر دودمان‌ها در گردش بوده که محققان در تقسیم‌بندی خود فرمانروایی هر یک از این دودمان‌ها را نیز در نظر دارند.

1. Susa and Haftpeh Archaeological Museum
2. Visual Analysis of Objects
3. The Role of Artistic Elements
4. Typology of Elamite Objects

همچنین هدف این تحقیق با توجه به عنوان آن تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه می‌باشد. بدین سان تحلیل بصری در واقع، روش‌شناسی‌هایی است. که به وسیله آن‌ها تصاویر خوانده می‌شوند. در این پایان‌نامه سعی بر آن خواهد شد تا روند توصیف تصاویر و چالش‌های آزموده شده در این زمینه برای توسعه روشی کاربردی در پژوهش‌های هنری مورد بحث قرار گیرد. از جانبی می‌توان گفت که تحقیق بصری در حوزه هنرهای گوناگون، در مجموع با رؤیت، توصیف و تجزیه و تحلیل عناصر بصری همراه بوده و هست. هدف از این روش پژوهش‌ها، بر حسب معمول شناسایی و فهم انتخاب‌های دیداری بوده که توسط هنرمندان در خلق اثر هنری اتخاذ شده است.

در این رهیافت، تحلیل بصری^۱ به طور کلی عوامل فرمی اثر هنری همچون: رنگ^۲، خط^۳، بافت^۴ و اندازه^۵ را خطاب قرار داده و گاهی تحلیل دیداری را در حد تحلیل فرمی شناسایی می‌کند. بعضی مواقع نیز توصیف‌های فرمی براساس اطلاعات تاریخی مطرح می‌شوند و همین طور احتمال است. تفسیرهایی از معانی ممکن اثر هنری، به همراه تحلیل فرمی ارائه گردند. در سنت و روش مطالعات هنری تحلیل بصری به درستی، ترجمه مشاهدات بصری نزدیک از یک اثر هنری، به متن‌های نوشتاری است. ولی تحلیل بصری تنها ثبت ساده مشاهدات نیست علاوه بر این مطرح کردن ادعایی دوباره یک اثر هنری نیز می‌باشد (صالحی، ۱۳۹۴: ۲۶۰). همچنین وجود سؤالات، پژوهشگر را برای انجام چنین پژوهشی ترغیب کرده است. از جمله سؤالاتی ذکر شده می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. آیا اشیاء عیلامی موزه‌های باستان شوش و هفت تپه را می‌توان اشیای هنری دانست؟
۲. از نظر تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه چه ویژگی‌های هنری دارند؟

۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

در این نوشتار سعی بر آن شد، تا تحلیل بصری تعدادی از اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه را مورد تفحص قرار دهیم. بدین جهت از یک سوء شناخت جایگاه اشیاء و از طرف دیگر تحلیل بصری اشیاء عیلامی، همگونی‌ها و ناهمگونی‌ها را از لحاظ متدلوزی و پیکرگونه با

-
1. Visual analysis
 2. Color
 3. Line
 4. Texture
 5. Size

کفصل اول: کلیات پژوهش

دوره‌های عیلام باستان و نقش آن‌ها در آئین‌ها، مناسک و باورهای مردمان کهن مورد توجه قرار گیرند. از آن جایی که تا پیش از این در گستره پژوهش حاضر از لحاظ تحلیل بصری، تجسمی^۱، ترکیب‌بندی^۲، زیباشناسی^۳ و متدلوژی اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه این پژوهش بر آن است.

۱-۴- اهداف پژوهش

هدف از تحلیل اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه در این است. تا بعضی از اشیاء منتخب عیلامی در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه را از بعد بصری، تجسمی، متدلوژی^۴، زیباشناسی اشیاء به طور توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار دهد. مطالعه موارد زیر از اهداف پژوهش این پایان‌نامه می‌باشند:

۱) گونه‌شناسی و دسته‌بندی اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه

۲) شناخت و معرفی شاخص‌های اشیاء عیلامی (قدیم، میانه، جدید) موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه به صورت جداگانه

۳) تحلیل بصری آثار یاد شده با رویکرد هنری و زیبایی‌شناسی

۱-۵- روش پژوهش

این پژوهش از روش پژوهش‌های کیفی متابعت می‌کند و گردآوری مفروضات آن به صورت منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و میدانی صورت می‌گیرد. و در این راستا از پایان‌نامه‌ها، مقالات و پژوهش‌های موجود در این زمینه بهره‌برداری خواهد شد.

۱-۵-۱- مدل مفهومی

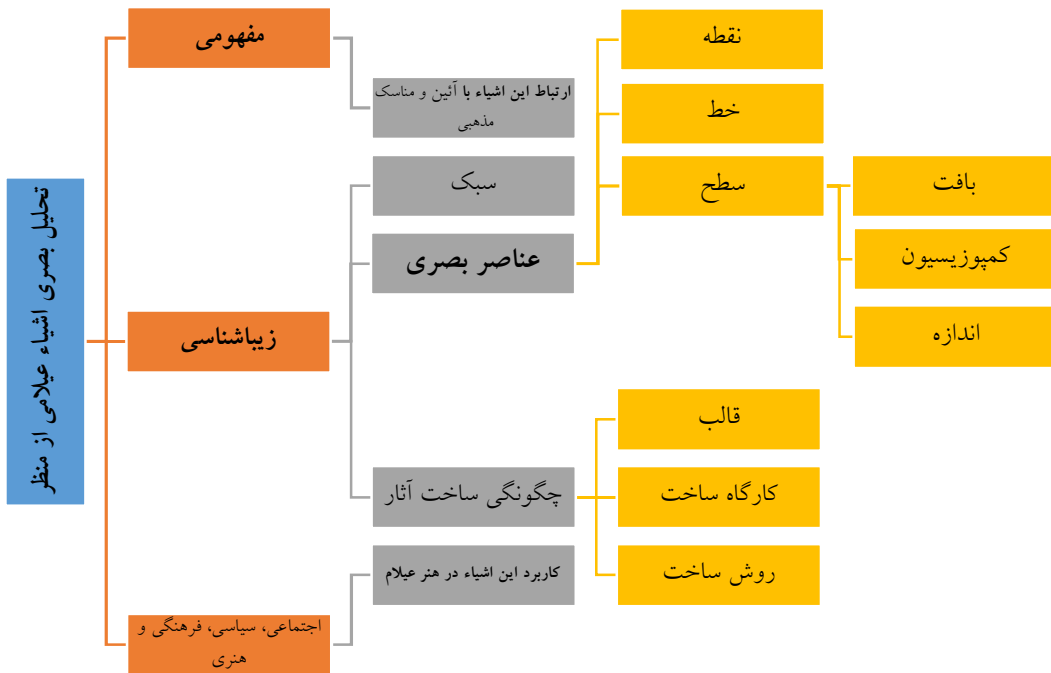
۱) در بخش توصیف و تحلیل بصری اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه شناخت آثار هنرهای تجسمی مستلزم شناخت چند عنصر اساسی ساختار (شکل)، محتوا و نیز تغییرات آن‌ها در دوره‌های عیلام باستان می‌باشد. ساختار، فرم و اساس کلی تصویر و محتوا، هویت اثر و نگرش و بینش خالق اثر هنری را برای مخاطب نشان می‌دهد. زیرا در برقراری ارتباط مخاطب با اثر هنری در اولویت درک زبان تصویری است. بر این اساس، این پایان‌نامه ساختار اثر را قبل از محتوای آن در نظر گرفته و با این رویکرد به تحلیل بصری و تطبیق

-
1. Visul
 2. Compostion
 3. Aesthetics
 4. Methodology

آن با عناصر بصری چون: (نقطه^۱، خط^۲، سطح^۳، بافت^۴، کمپوزیسیون^۵ و...) و همچنین به نحوه ساخت^۶ آن‌ها می‌پردازد و سپس کیفیت‌ها و خصوصیت‌های متنوع و پیچیده کمپوزیسیون این اشیاء هنری را برای ما بیان می‌کند. همچنین این تحقیق تأکیدی است. بر نبوغ هنرمند عیلامی آن زمان که با چه نگرشی صحیح و استفاده طبیعی از عناصر بصری و کیفیات بصری موضوع و مضمون را به مناسب‌ترین شکل بیان می‌کرد. علاوه بر این هدف این پایان‌نامه شناخت ارتباطات آشکار و پنهان عناصر و نیز کیفیت‌های بصری این اشیاء و مفهوم آن‌ها از منظر اجتماعی^۷ و زیبایی شناختی^۸ است.

(۲) در بخش مفهومی ارتباط این اشیاء با آئین و مناسک مذهبی بررسی شده است.

-
1. Point
 2. Line
 3. Level
 4. Texture
 5. Composition
 6. How to Make
 7. Social landscape
 8. Aesthetic



نمودار ۱-۱- مدل مفهومی تحقیق (نگارنده).

۱-۶- پرسش‌ها یا فرضیه‌های تحقیق

وجود پرسش‌های فراوان موجب برانگیختن پژوهش‌کننده به انجام چنین پژوهشی گردیده است. از جمله پرسش‌های ذکر شده می‌توان به نکته‌های زیر اشاره نمود:

۱. آیا اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه را می‌توان اشیای هنری دانست؟
۲. اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه دارای چه عناصر بصری هستند؟ این عناصر چه مفهومی را بازنمایی می‌کنند؟
۳. از نظر تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه چه ویژگی‌های هنری دارند؟

۷-۱- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۷-۱-۱- متغیرهای اصلی

در این تحقیق اشیاء منتخب و مورد مطالعه عیلامی در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه به عنوان متغیر وابسته به حساب می‌آیند. هم چنین این تحقیق قرار است در این موزه‌ها و از آثار خارج شده از منطقه، نیز آثاری را بررسی کند. بدین سان در این راستا تحلیل‌های بصری و هنری به طور کلی و طبق اهداف مفروض نیز به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

۷-۱-۲- متغیرهای فرعی

گونه‌های مختلف اشیاء عیلامی از نظر تحلیل بصری، شکل، ترکیب‌بندی، جنس، شیوه‌های ساخت، تاریخ‌گذاری اشیاء مختلف به دست آمده از دوران عیلام به عنوان متغیرهای فرعی این تحقیق محسوب می‌شوند.

۸-۱- تعاریف و مفاهیم مربوطه

۸-۱-۱- موزه

موزه بنیادی است پایدار و بی‌غایت مادی که درهای آن بر روی عموم مردم باز گشوده است. موزه‌های گوناگون در هر قلمرویی ارائه‌کننده میراث‌های فرهنگی روزگاران گذشته ما هستند. که در خدمت جامعه و ارتقای آن فعالیت می‌نمایند. از طریق آن چه در موزه‌ها در معرض دید و نمایش قرار دارد، زندگی انسان‌های ادوار گوناگون را، از چشم اندازهای مذهبی^۱، سیاسی^۲، اقتصادی^۳، هنری^۴ و ... می‌شناسیم. از این رو هدف و انگیزه موزه‌ها تحقیق در زمینه دلایل، اسناد و مدارک بر جای مانده از انسان و محیط زیستگاه او گردآوری، حفظ و تکوین ارتباط میان این آثار به ویژه به نمایش گذراندن آن‌ها به منظور نظارت و انتفاع معنوی می‌باشد.

۸-۱-۲- موزه باستان‌شناسی

از جمله زیر مجموعه موزه‌های تاریخی، موزه باستان‌شناسی^۵ است. که در برگیرنده آثار تاریخی و هنری است. که به دیرینه مرتبط، و نمایش دهنده فرهنگ و تمدن اقوام گوناگون است. در این دسته از موزه‌ها، مبحث اصلی آثار باستانی، اشیای هنری و تعقیب سیر دگرگونی تاریخی آن‌ها است که از تاریخ آن‌ها فقط در بهتر ملتفت شدن و ادراک چگونگی آن‌ها کمک گرفته

-
1. Religious
 2. Political
 3. Economic
 4. Artistic
 5. Archaeological Museum

کفصل اول: کلیات پژوهش

می‌شود. لذا مختصات این موزه‌ها در آن است که تمامی مجموعه و یا شمار فراوانی از آن‌ها مستقیماً از طریق حفاری‌های باستان‌شناختی به دست آمده‌اند.

۹-۱- نقش عمده موزه‌های باستان‌شناسی

نخستین و محتملاً مشخص‌ترین نقش موزه محلی برای حفاظت آثار است. نتایج حفاری‌ها و واکاوی‌هایی که آثار یا مدارکی از گونه‌های متنوع‌اند باید در محلی نهاده شوند که این مکان معمولاً یک موزه^۱ است. بی‌گمان این آثار به همان قدر که مواد خام باستان‌شناسی را تشکیل می‌دهند. مواد خام موزه‌ها نیز به شمار می‌روند. علاوه بر این دومین وظیفه موزه‌ها این است که محلی برای پژوهش‌های باستان‌شناختی باشند. پس نیازمند است که آثار و مدارک خزانه شده، برای آزمایش، تحلیل، آنالیز^۲ کردن به منظور رسمیت شناختن گذشته حی و حاضر در دسترس محققان و باستان‌شناسان قرار گیرد. هم چنین سومین وظیفه موزه‌ها این است که همراه با یادمان باستانی (اگر چه باقی مانده باشد)، به عنوان پیوندهای باستان‌شناسی برای عموم مردم عمل کند. به کمک لوازم نمایشی موزه هاست که عامه‌ی مردم به رؤیت مشاهده گذشته به همت و اراده باستان‌شناسان قادر می‌شوند. از همین رو گزیده سخن این که می‌توان موزه‌ها را به عنوان یک مرجع اطلاعات باستان‌شناختی یا حتی یکی از ارکان معلومات باستان‌شناسی معرفی نمود.

۱-۹-۱- موزه باستان‌شناسی شوش

بنای موزه باستان‌شناسی شوش با نمای آجری و نزدیک به ۵۵۰ متر مربع دارد. این بنا ما بین باغی به گستردگی ۱۴۶۳۵ متر مربع و بر سر راه دژ دیرینه شوش و در مقابل زیارتگاه مبارکه دانیال نبی قرار دارد. هم چنین بنای اولیه موزه مقارن با آغاز کندوکاوهای شهر سوس (شوش امروزی)، و همین گونه با به استخراج بخش مقدار قابل توجه از آجرهای کشف شده از کاوش و کندوکاوهای سوس و دور - اونتاش (ذیگورات‌چغازنبیل) انجام شده بنابراین در اثناء سنوات بعد بخش‌های نیز به آن افزون شده است. براین اساس موزه باستان‌شناسی شوش در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به منظور نمایش آثار به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ساخته و گشایش یافته است.

سایر مشخصات:

* وابسته به: سازمان کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان

* نوع موزه: تاریخی و باستان‌شناسی

1. Museum
2. Analyze

* نوع آثار: آثار متعلق به دوران پیش از تاریخ، عیلامی، هخامنشی، سلوکی، تاریخی و اسلامی

۱-۹-۲- ساختمان موزه باستان‌شناسی هفت تپه

ساختمان موزه هفت‌تپه با الهام از سبک معماری عیلامیان و با به کارگیری عناصر خانه‌های سنتی ایران متناسب با اقلیم خوزستان طراحی شده است. عمده مصالح به کار رفته در بنا آجر با نمای آجرهای قرمز رنگ بوده و سقف بنا نیز به صورت نمای هلالی اجراء شده که یادآور طاق آرامگاه به دست آمده در هفت تپه بوده است. در مرکز مجموعه حیاط مرکزی به عنوان نمادی از معماری ایرانی وجود دارد و در شمال مجموعه باغ موزه قرار گرفته است. وسعت ساختمان مجموعه هفت تپه ۱۳۴۲ مترمربع است و سه سالن برای نمایش‌اشیاء در نظر گرفته شده است. علاوه بر بخش نمایش آثار، بخش‌های پژوهش‌های باستان‌شناسی دفتر فنی، کارگاه مرمت، آزمایشگاه مواد و مصالح، کتابخانه و مخزن اشیاء در مجموعه میراث هفت تپه فعال‌اند. این موزه در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۵ همراه با محوطه باستانی هفت‌تپه به شماره ۱۷۱۷ در فهرست آثار ملی ثبت شده است. موزه هفت تپه تا مرکز استان خوزستان، شهر اهواز ۹۰ کیلومتر و از معبد چغازنبیل ۲۳ کیلومتر فاصله دارد. راه دسترسی به موزه از جاده ترانزیتی اهواز به شوش ۳ کیلومتر به طرف جاده اختصاصی طرح نیشکر هفت‌تپه است.

۱-۱۰-۱- تاریخچه فعالیت

آغاز فعالیت‌های باستان‌شناسی در محوطه تاریخی هفت‌تپه را باید زمانی دانست. که در جریان تسطیح اراضی و ایجاد جاده طرح توسعه نیشکر هفت تپه، طاق آجری از زیر خاک سر بر آورد. در سال ۱۳۴۴ یک هیئت باستان‌شناسی به سرپرستی مرحوم عزت الله نگهبان برای مستندنگاری وضعیت و کاوش علمی به هفت تپه اعزام شد. با تداوم کاوش‌ها در محوطه هفت تپه ایجاد مکانی دائمی برای استقرار هیئت کاوش و هم‌چنین نگهداری و نمایش اشیاء و دستاوردهای کاوش ضروری بود. با پیشنهاد و کوشش دکتر عزت الله نگهبان و حمایت‌های نیشکرهفت‌تپه در سوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۲ ساختمان موزه و مجموعه هفت تپه افتتاح شد. در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی این موزه تعطیل و به بیمارستان صحرائی تبدیل شد و بخشی از اشیای آن به سایر مراکز میراث فرهنگی^۱ کشور منتقل و بخشی دیگر در انبارهای موزه نگهداری شد. پس از پایان جنگ، در پاییز و زمستان ۱۳۷۲ خورشیدی هیئتی به سرپرستی مهدی رهبر و اسماعیل یغمایی به بررسی وضعیت موجود و ساماندهی مختصری پرداختند. اما در سال ۱۳۷۷ بود که

کفصل اول: کلیات پژوهش

مجموعه و موزه هفت تپه با عنوان مرکز مطالعات و پایگاه میراث جهانی چغازنبیل و هفت تپه^۱ بازگشایی شد. پس از آن، برای نخستین بار در سال ۱۳۷۹ وضعیت فرم و محتوای موزه مورد بهسازی قرار گرفت و پس از ۴۶ سال استانداردهای خود را به روزرسانی کرد و جانی تازه گرفت.

۱-۱۰-۱- موزه باستان‌شناسی هفت تپه

آثار به نمایش در آمده در موزه هفت تپه، دوره‌های متنوع پیش از تاریخ^۲، آغاز نگارش^۳، عیلامی^۴، هخامنشی^۵، اشکانی و ساسانی^۶ را شامل می‌شود. اما آن چه جایگاه موزه هفت تپه را متمایز می‌کند. این است که این موزه به طور تخصصی آثار دوره عیلام (۱۵۰۰ - ۱۰۰۰ پیش از میلاد)، را نمایش می‌دهد. که از کاوش‌های باستان‌شناسی دو محوطه مهم هفت تپه و چغازنبیل به دست آمده‌اند. برخی از اشیای موزه مانند مجسمه شیردال (عقاب بالدار)، انواع گل میخ‌ها، آجرها نبشته‌های عیلامی و... از محوطه میراث جهانی چغازنبیل به دست آمده‌اند. و انواع گل نبشته‌ها به خط میخی عیلامی، تابوت‌ها و پیکرک‌های متنوع و حیوانی نتایج کاوش در محوطه باستانی هفت تپه‌اند. در این میان، تابوت‌ها و پیکرک‌ال‌ه‌ها و نوازندگان از شناخته شده‌ترین آثار موزه هفت تپه هستند.

سایر مشخصات:

* وابسته به: سازمان کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان

* نوع موزه: تاریخی و باستان‌شناسی

* نوع آثار: آثار وابسته به دوره‌های پیش از تاریخ، آغاز نگارش، عیلامی، هخامنشی، اشکانی، ساسانی و اسلامی.

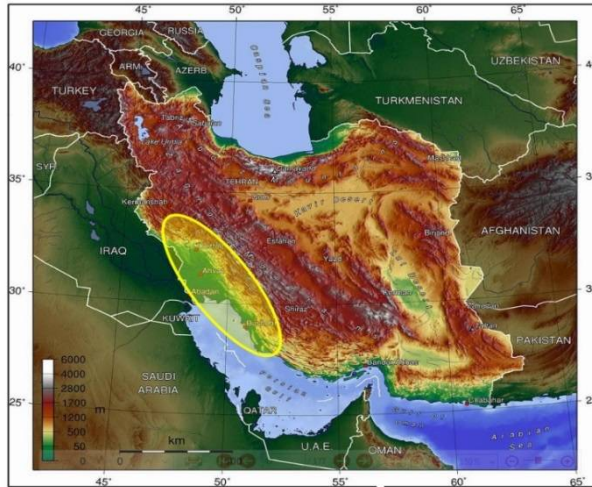
۱-۱۰-۲- جغرافیای عیلام باستان

عیلامیان در گستره تاریخی خود از آغاز هزاره سوم تا اواسط هزاره اول پیش از میلاد قسمت بزرگی از نواحی غربی و جنوبی استان فارس و قسمت‌هایی از استان‌های لرستان، کردستان و کرمانشاه کنونی را دربر می‌گرفته است. برحسب کتیبه‌های باستانی و نقوش به پیدا شده از حفاری‌های باستان‌شناسی قلمروی عیلامی‌ها سراسر دشت خوزستان از جنوب تا استان بوشهر

-
1. World Heritage Site of Chaghazanbil and Haft Tepe
 2. pre-historic
 3. Start writing
 4. Elam
 5. Achaemenid
 6. Parthians and Sasanians

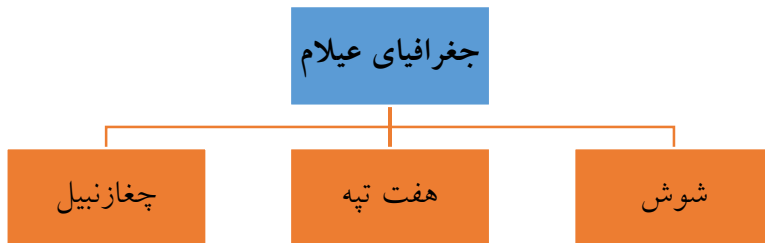
تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه

(لیان باستان) و از شرق تا مرو دشت (انسان باستان) نشان می‌دهد. عیلام از نظر جغرافیایی به دو بخش تقسیم می‌شده است. جلگه شوش (شوشان) یا همان شمال دشت خوزستان و زاگرس میانی و جنوبی است (حاتمی نصاری، ۱۳۹۷: ۲-۳).



تصویر ۱-۱- جغرافیای عیلام باستان (قائم پناه، ۱۳۹۲).

همچنین از مشکلات بسزای مطالعه عیلام، عدم توافق میان نواحی عیلامی با جغرافیای امروزی بوده است. در بعضی موارد محققان با هم دیدگاه متفاوتی را دارند و قسمتی از نقصان معلومات ناشی از حفاری‌های اندک از این دوره می‌باشد. از آنجایی که جغرافیای عیلام به طور دقیق مشخص نیست (جباری، ۱۳۹۵: ۱۵). در میان معدود پهنه‌های حفاری شده از دوره‌های تمدن عیلام در شوش بخش محوطه شهر شاهی^۱، هفت تپه و چغازنبیل آثار و بقایای معماری مسکونی به دست آمده است. منطقه جنوب غرب فلات ایران معمولاً قسمتی از مملکت ایران حساب می‌شود.



1. The area of Shahir Shahi

نمودار ۱-۲- جغرافیایی عیلام (نگارنده).

۳-۱۰-۱- تاریخ عیلام باستان

عیلام نام دوره‌ای فرهنگی- سیاسی می‌باشد، که شعاع نفوذ آن به سرزمین‌های جغرافیایی گوناگونی به طول هزاران کیلومتر می‌رسید. حکومت عیلام اولین امپراطوری ایران بود که از آغاز هزاره سوم تا اواسط هزاره اول پیش از میلاد بر مناطق وسیعی از غرب و جنوب فلات ایران فرمانروایی کرد. قدیمی‌ترین منابعی که در آن واژه عیلام یاد شده، فهرست پادشاهان سومری می‌باشند که به ذکر لشکر کشی «انبارگیسی» پادشاه دودمان اول کیش به عیلام می‌پردازد. این منبع مربوط به سده ۲۷ پیش از میلاد می‌باشد. بنابراین در متون سومری و آکدی نام مملکت عیلام با علامت (NIM)، تعیین شده است (محمدی فر، ۱۳۷۵: ۱۵). نام عیلام را واژه‌ای وام گرفته از متون بین‌النهرینی می‌دانند (علئی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۸).

که گمان می‌رود به معنای قلمروی مرتفع ارتباط داشته است. هم چنین عیلامیان مملکت خود را به صورت هتامتی یا هلتامتی می‌نوشتند و آن را التامت تلفظ می‌کردند که احتمالاً به معنای سرزمین خدا بوده است. باستان شناسان معتقدند که کلمه عیلام به معنای سرزمین یا کوهستان می‌باشد. چرا که متون بابلی نام عیلام به صورت الامتو^۱ یا الام^۲ که به معنای کوهستان و یا کشور طلوع خورشید می‌باشد آمده بوده است. در تورات نیز نام عیلام به معنی کوهستان و سرزمین بلند ذکر شده است (محمدی فر، ۱۳۷۵: ۱۵). البته لازم به ذکر است که در ابتدا فقط شواهد و مدارکی جسته گریخته از دوران آغاز عیلام چه در بقایای باستانی این تمدن چه در مدارک تاریخی کشورهای همجوار مانند بین‌النهرین به دست آمده است. با وجودی که تسلسل و تداوم کامل وضعیت تاریخی این سرزمین را با جزئیات نشان نمی‌دهد ولی به تدریج این شواهد و مدرک افزونی یافته برای تدوین تاریخ عیلام مدارک کافی در اختیار دانشمندان قرار گرفته است (نگهبان، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

۴-۱۰-۱- روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی بوده و این پایان‌نامه با ملاحظه کردن، ماخذها و منابع مطالعاتی و هم چنین روش تحلیل موزه‌ای عمل به گردآوری مستندات آن گردیده است. در موزه با بازآیی به ویتترین اشیاء عیلامی، معلومات مورد نیاز در مورد آن‌ها در فرم‌هایی که از قبل آماده شده بود مندرج گردید. بعد از این تصاویر و سایر ظواهر مورد نیاز با استفاده از امکانات شخصی

1. Elamtu
2. Elam

پژوهشگر تهیه گردیده و به فرمها اطلاق شده است. اما با توجه به چارچوب‌های حفاظتی موجود در موزه‌های ذکر شده و خزانه‌های آنها و هم چنین محدودیت‌های مراجع به کتابخانه‌های کوشش شده است تا کلیه آثار قابل دسترسی معرفی و تصاویری با کیفیت بالا از آنها تدوین گردد تا به توان گامی در بهتر شناساندن آنها برداشت. لازم به یاد آوری است که در این پژوهش اشیاء عیلامی موزه باستان شناسی شوش و هفت تپه مورد واکاوی قرار گرفته که در اختیار پژوهشگر قرار داده شده است. نه همه آثار عیلامی که در دو موزه مورد بحث نگه داری می‌شوند. هم چنین ذکر این نکته را بر خود ضروری می‌دانم که رقم ثبت اشیائی که از موزه باستان شناسی شوش و هفت تپه معرفی می‌شوند. چه اشیاء و آثاری که در ویتترین محافظت می‌شوند. و چه اشیای خزینه بر اساس رقم دفتر کل موزه رقم گذاری شده اند. افزون بر این معلومات فیزیکی مرتبط به اشیاء (ابعاد، نوع، جنس، رنگ، محل کشف و ...) از آرشیو موزه باستان شناسی شوش و هفت تپه گرفته شده است.

۱-۱۱- نوع روش مطالعه

این پژوهش از لحاظ روش در گروه پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی، تاریخی و مقایسه‌ای از نظر مکانی در طبقه بازجست‌های میدانی و کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد. روش جمع‌آوری اطلاعات به کمک بررسی‌های کتابخانه‌ای و اسنادی به صورت فیش‌برداری انجام شده است. بررسی‌های میدانی از طریق ابزار نگرش، گفت و گو، تصویربرداری و... بوده است.

۱-۱۱-۱- جمعیت آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری در برگیرنده اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه می‌باشد. نمونه انتخابی ما از جامعه هدف به صورت گزینشی بوده است.

۱-۱۲- روش جمع‌آوری داده‌ها

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی و جمع‌آوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای و مطالعه منابع مختلف از جمله پایان‌نامه‌ها، مقالات و همچنین به صورت میدانی صورت می‌گیرد. روش جمع‌آوری داده‌ها شامل مراحل زیر است:

(۱) واری کردن کلیه مأخذ اولیه شامل کتاب و شرح و گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی بین‌النهرین و دوره‌های تمدن عیلام

(۲) مراجعه به موزه‌ها و تصویربرداری از اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه

(۳) طبقه‌بندی و گونه‌شناسی آثار عیلامی شناسایی شده از دوره عیلامی

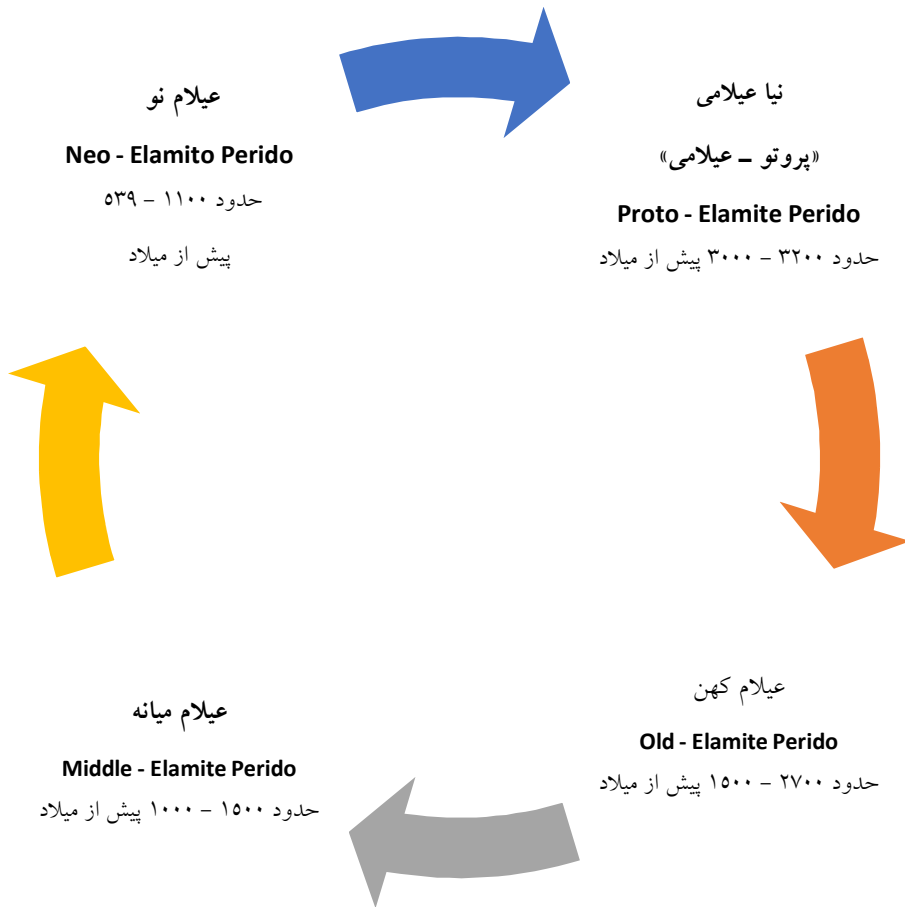
۱-۱۲-۱ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابتدا تاریخ مختصری در رابطه با تمدن‌های بین‌النهرین و عیلام، ویژگی‌های کلی هنر عیلام از جمله: خط، مذهب و عقاید، معماری و... آن‌ها در این پایان‌نامه مورد بررسی قرار گرفت. و سپس سعی بر آن شد به تحلیل بصری اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه نیز بپردازد. همچنین معلومات به دست آمده از روش مطالعات منابع تاریخی، موزه‌ای و مشاهدات که شامل اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه هستند. به روش تحلیل بصری در یافته‌های متنی و تصویری مورد بررسی قرار گرفتند. هدف نهایی در این پایان‌نامه تحلیل بصری اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه و شناخت جایگاه هنر و جهان بینی مردم عیلام باستان در آن زمان بوده است.

۱-۱۳-۱- قلمرو مکانی و زمانی تحقیق

۱-۱۳-۱- قلمرو زمانی تحقیق

این تحقیق در بازه زمانی دوره‌های تاریخی ۵۳۹ - ۳۲۰۰ پیش از میلاد را مورد بررسی قرار داده است. بنابراین قسمت تاریخی مورد نظر در این تحقیق به ترتیب زیر می‌باشد:



نمودار ۱-۳- قلمرو زمانی تحقیق (نگارنده).

۱-۱۳-۲- قلمرو زمانی مکانی تحقیق

این تحقیق در بعد جغرافیایی و مکانی مربوط به تمدن عیلام باستان است. که بیشتر به اشیاء عیلامی ۲ موزه باستان‌شناسی استان خوزستان مورد بررسی قرار می‌گیرد که بیشتر تحقیق در سرزمین خوزستان و به خصوص در مناطق شوش، هفت تپه و چغازنبیل انجام پذیرفته است.

۱-۱۴- سازمان‌هایی که در انجام تحقیق همکاری کردند

* سازمان کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان^۱

* سازمان کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان^۲

1. The General Organization of Cultural Heritage, Handicrafts, and Tourism of Khuzestan Province

2. The General Organization of Islamic Culture and Guidance of Khuzestan Province

- * اداره انجمن هنرهای تجسمی استان خوزستان^۱
- * پژوهشکده و پایگاه میراث جهانی شوش^۲
- * پژوهشکده و پایگاه میراث جهانی چغازنبیل و هفت تپه^۳
- * دانشکده هنر شوستر - دانشگاه شهید چمران اهواز^۴
- * موزه باستان‌شناسی شوش^۵
- * موزه باستان‌شناسی هفت تپه^۶

-
1. Department of Visual Arts Association of Khuzestan Province
 2. Shush World Heritage Research Institute and Base
 3. Chaghazanbil and Haftpeh World Heritage Center and Research Institute
 4. Shushtar School of Art - Shahid Chamran University of Ahvaz
 5. Susa Archaeological Museum
 6. Haft Tepe Archaeological Museum

فصل دوم:

پيشينه تحقيق تمدن عيلام باستان

۱-۲- پیشینه تحقیق

مهر آفرین، رضا در مقاله خود با نام: «بررسی نشانه‌های تمدنی نقوش حیوانی بر روی مهرهای استوانه‌ای ایلام» (۱۳۷۵)، در این باره تحقیقی انجام داده و چنین نتیجه گرفته که از سال ۱۹۰۰ میلادی که هیئت دومرگان با دولت ایران موافقت‌نامه‌ای به امضاء رساند. فرانسوی‌ها نتایج کاوش‌هایشان را در یک مجله تاریخی که MDF چندین بار تغییر نام داده، منتشر ساختند. طرح‌هایی از نقوش مهرها و یا آثار عیلامی که در جریان حفاری‌ها به دست می‌آمد در مجلدات مختلفی از این نشریه انتشار می‌یافت. اما هیچ‌گاه به طور هم‌جانبه یا موضوعی به مطالعه و بررسی نقوش روی مهرها و یا آثارشان پرداخته نشد. معروف‌ترین کسانی که درباره مهرهای عیلامی تحقیقاتی به عمل آورده‌اند، عبارتند از: ایدت پرادا، پیر آمیه، لگرین، دومنکم، پزارد، دو میروشچی و دکتر عزت الله نگهبان.

علی بمانی، مریم در پایان‌نامه خود با عنوان: «بررسی و مطالعه ظروف سنگی هخامنشی در موزه‌های شوش، تخت جمشید ملی و رضا عباسی» (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود چنین نتیجه گرفته است. که در سال ۱۸۵۰ میلادی «ویلیام کنت لوفتوس» همچنان به عنوان زمین‌شناس در یک انجمن انگلیسی برای بازساخت و تشخیص حدود مرزی بین کشور ایران و ترکیه به کشور ایران سفر کرده بود با رئیس انجمن «ویلیام فنویک» و «کلنل ویلیامز» ماموریت یافت که به همراه دوستش «هنری ادریان چرچیل» به شوش سفر کنند و آثار دیرینه آن‌جا را کندوکاو و در حالت امکان ترانشه‌ای در آن‌جا حفاری نمایند. این انجمن بعد از واریسی کوتاهی در شهر شوش به علت معارضه گروهی از اهالی شوش و پیرامون آن به تحریک سرپرستی روحانی شهرستان دزفول امروزی و ناگزیر به ترک کردن شهر باستانی شوش شده‌اند. هدف بررسی موسسه شرق‌شناسی دانشگاه - شیکاگو برای بازدید و بازرسی آثار دیرینه استان خوزستان به سرپرستی باستان‌شناس پرفسور دونالد مک کان اعزام شده بود. هم‌چنین کار خویش را در آوریل، سال ۱۹۴۸ در استان خوزستان آغاز نمود. بنابراین هدف این هیئت بازرسی عمیق مناطق مختلف استان خوزستان کنونی و آثار دیرینه موجود در آن‌ها بوده است.

ملک‌زاده بیانی، ملکه در کتاب خود با نام: تاریخ مهر در ایران (از هزاره‌ی چهارم تا هزاره اول) (۱۳۶۳)، موسوم به «تاریخ مهر در ایران» تنها تاریخ مهر را هزاره چهارم تا هزاره اول پیش از میلاد بررسی کرده است. خانم زهره زجری از دانشگاه تربیت مدرس تنها کسی است که قسمتی

از مهرهای عیلامی را تحت عنوان «مذهب عیلام با نگرشی بر مهرهای استوانه‌ای» به طور کامل مطالعه و بررسی کرده است.

محمدی فر، یعقوب در پایان نامه خود با نام: «پژوهشی نو در سبک و کاربرد پیکره‌های انسانی ایلام» (۱۳۷۵)، در پژوهش خود که درباره کاربرد پیکره‌های انسانی عیلام انجام داده است در مورد هفت تپه چنین گفته و نتیجه گرفته است. که مجموعه عظیم بقایای باستانی هفت تپه در محدود ناحیه طرح نیشکر هفت تپه واقع شده است. این ناحیه از شمال تا نزدیک به ۲۰ کیلومتری جنوب شهراندیمشک امروزی و از جنوب تا نزدیکی ایستگاه دهستان آهودشت واقع در شهرستان کرخه در استان خوزستان را شامل می‌گردد. در مجموع گستردگی زراعت نیشکر در این منطقه نزدیک به ۱۰۰۰۰ هکتار بوده است. که حاوی یکی از حاصل خیزترین ناحیه‌های دشت خوزستان بوده است. آثار دیرینه‌ی هفت تپه با آثار دیرینه شهر شوش در حدود ۱۰ کیلومتر به خط سر راست مسافت داشته و در جانب جنوب شرقی شهر قدیمی شوش (سوس)، واقع شده است. هفت تپه همان گونه که از نام آن مشخص است قاعدتاً باید از هفت تپه تشکیل شده باشد گویا به نظر می‌رسد که کلمه هفت تپه در این مورد به معنی بی‌شمار به کار رفته است. چونان که این مجموعه عظیم باستانی مرکب از ۱۴ تپه بزرگ می‌باشد. اسم باستانی و قدیمی شهری که آثار هفت تپه بدان تعلق دارد هنوز به وضوح روشن و معلوم نیست. برخی از دانشمندان باستان‌شناس قبلاً نظر داشتند که احتمالاً ممکن است. شهر تیکنی **Tikin** باشد. که میان گاه مهم مذهبی در فاصله بین شهر باستانی شوش و چغازنبیل قرار داشته است. اگر چه مدرکی دال بر اثبات این فرضیه به دست نیامده است.

جوزی، زهره در پایان نامه خود با نام: «مذهب ایلام با نگرشی بر مهرهای استوانه‌ای» (۱۳۷۲)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدرسی در رشته باستان‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس، گروه دانشکده علوم انسانی درباره حفاری شوش چنین نتیجه گرفته داده است. باستان‌شناس لوفتوس انگلیسی اولین شخصی بود. که در سال ۱۸۵۱ میلادی در شهر شوش به حفاری و کاوش پرداخته بود و بعد از او در سال ۱۸۸۴ انجمنی فرانسوی زیر نظر متصدی «دیولافوا» به شوش روانه گردید. این هیئت سال‌های پی در پی به کاوش و حفاری در مخروبه‌های شهر باستانی شوش پرداخته بود. همچنین از سال ۱۸۹۷ تا ۱۹۱۱ باستان‌شناس فرانسوی ژاک دو مورگان^۱ ریاست هیئت باستان‌شناسی فرانسوی حفاری‌ها و کاوش‌هایی را در شهر شوش را بر عهده خود

1. Jacques de Morgan

گرفت. پس از توافق و صلحی که به دلیل جنگ جهانی اول پیش آمده بود، ریاست هیئت باستان‌شناسی فرانسوی، در شهر شوش را به «رولان - دومنکم» یکی از باستان‌شناسان فرانسوی، واگذار گردیده و با پایان یابی گماردگی رولان دومنکم در شوش رومن گیرشمن یکی از باستان‌شناس، اعزامی از کشور فرانسه (موزه لور)، به پیش آمد گروه همراه، تکلیف وی را پی گرفت و در آخر کار، آخرین کسی که تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، کار حفاری و کاوش را در شهر شوش ادامه داد. ژان ژوزف فرانسوا پرو^۱ باستان‌شناس فرانسوی بوده است که وی همچنین با کاوش‌های باستان‌شناسی گوشه‌های دیگری از تاریخ عظیم و پر شکوه ایران زمین را از تاریکی‌های خاک بیرون کشید.

عامریان، حمید در مقاله خود با نام: «نگاهی به ایلامیان و هنر آنان و نقش این قوم در آغاز تاریخ ایران» (۱۳۸۴)، در تعریف کلمه هفت تپه پژوهشگر آقای حمید عامریان چنین نتیجه گرفته است. «که در اواخر قرن نوزدهم، ژان ژاک دومرگان از اعضاء هیئت علمی فرانسوی در ایران، به شرح این مجموعه باستانی می‌پردازد و از آن به نام هفت شغال نام می‌برد که برداشت نادرستی از عبارت محلی «هفت چغا» است که در آن «چغا» به معنای تپه مصنوعی است. هفت تپه در زبان فارسی «هفت تل» معنی می‌دهد (هفت واژه‌ای است به معنای «زیاد») و اشاره‌ای است. به تپه‌های چندگانه‌ای که در یک مجموعه وسیع باستان‌شناسی قرار دارد. نام باستانی این منطقه هنوز پرسش برانگیز است. برخی محققان پیشنهاد کرده‌اند که هفت تپه ممکن است همان «تیکنی» باشد. که در اسناد قدیمی و باستانی به عنوان یک مرکز مذهبی بین شوش و جغازنبیل از آن سخن رفته است. اما تاکنون دلیلی برای اثبات این فرضیه در خود هفت تپه به دست نیامده به هر حال چندین نقش مهر و الواح گلی در حفاری هفت تپه به دست آمد که بر آن‌ها نام «کابناک» حک شده که محتمل است نام اصلی هفت تپه بوده باشد (رجوع کنید به: حفاری‌های زاغه هفت تپه مارلیک).

کلاه کج، منصور در مقاله خود با نام: «بررسی سیر تکامل بصری تمدن عیلامی از منظر تجسمی» (۱۳۹۰)، در این باره تحقیقی انجام داده و چنین نتیجه گرفته است. که به فرضیات پژوهشگران و باستان‌شناسان آثار مصور عیلامیان با وجود این که هم گونی‌های بی‌شمار با همسایگان پیشرفته و توسعه یافته خود به عنوان مثال: آکد، بابل، سومر، آشور و... داشته است. بدین سان آثار هنری تمدن عیلام تفاوت‌های آشکاری نیز با آثار هنری آن‌ها داشته بود. منصور

1. Jean-Joseph Francois Peru

کلاه کج این موضوع معنادار را بر ما نمایان کرده است؛ که آثار مصور تمدن عیلامی در روش استیلای خود آهنگی رو به توسعه و پیشرفت داشته بود، بدین شکل که در آثار هنری آن‌ها از اشکال هندسی تزئینی استفاده شده و پس از آن با شمایل‌های انسانی و حیوانی ادامه یافته است.

همین طور این پژوهشگر در مقاله خود بیان کرده که در مرحله‌های بعدی انبوهی از شمایل‌های هندسی، انسانی، حیوانی و دیگر گونه‌ها با ترکیبی گیرا، مقبول و هماهنگ در آثار هنری این قوم قرار گرفته است. پس بسیاری از ترفندهای تجسمی امروزی در آثار مصور آن‌ها از قبیل: تکرار، تأکید، اغراق، ریتم، حرکت، بیان نمادین و بیان توصیفی وجود دارد. همچنین آثار هنری این قوم مجموعه‌ای از موضوعات توصیفی و روایی را که عمدتاً در قالب مهرها، لوح‌ها، جام‌ها و ... است. با تکنیک و روش اجرایی پیشرفته می‌باشد. از این رو با مطالعه این مقاله چنین نتیجه‌گیری گرفته شده است. که تمدن عیلامی در فرآیندی تدریجی، آرام و منطقی سیر کمال و رشد خود نهایت برومندی بلوغ و بر کشیدگی را آزموده است که تأثیر آن به فرض پژوهشگران و باستان‌شناسان تا اعماق تاریخ پیش از اسلام ایران یعنی در دوره ساسانی آشکار بوده است. همچنین به لحاظ مضمونی نیز آثار هنری عیلامی تجربه‌های عملکرد مختلفی از قبیل: تزئینی^۱، سمبولیسم^۲، رئالیسم^۳، روایی^۴ و توصیفی^۵ بوده است. بدین جهت این مقاله اوج چیره دستی و توان تصویرگران این تمدن را بر ما روشن می‌سازد.

ویکس، یاسمینا از دانشگاه سیدنی و دوشنبه، خاور آوارز از دانشگاه مک کواری در مقاله خود با عنوان: «وزن اردک عیلامی در موزه شوش: شواهد جدید برای طرح بهبهان در اواخر قرن هفتم/ اوایل قرن ششم پیش از میلاد» (۲۰۲۲)، این چنین درباره سنگ وزن اردک نتیجه گرفته‌اند: اهمیت طرح بهبهان در چارچوب سیاست عیلام با موقعیت جغرافیایی آن به عنوان چهار راهی از مسیرهای اتصال سوزیانا، فارس و خلیج فارس تضمین شد. با این حال، تنها باستان‌شناسی ذکر شده برای این دیدگاه، مقبره نخبگان اواخر قرن هفتم/ اوایل قرن ششم پیش از میلاد باقی مانده است. که در نزدیکی ارجان در جریان سد سازی رودخانه مارون در سال ۱۹۸۲ کشف شد. یکی دیگر از زیباترین مناطقی که شواهدی برای نقش طرح در زمان می‌افزاید، وزن اردک سنگ آهکی

-
1. Decorative
 2. Symbolism
 3. Realism
 4. Narrative
 5. Descriptive

حکاکی شده در موزه باستان‌شناسی شوش است. که اخیراً به اشتباه از شوش منتشر شده است. این مقاله منشاء وزن را تصحیح می‌کند. تاریخ آن را روشن می‌کند، شمایل نگاری و ساخت آن را توصیف می‌کند، اهمیت آن را در طرح بهبهان و اداره عیلامی پیش از هخامنشی مورد بررسی قرار می‌دهد. هم چنین اردک ارجان بزرگ و یک گیومی که در حدود قرن هفتم تا ششم پیش از میلاد ساخته شده است، متعلق به دسته‌ای متمایز و به خوبی از آثار باستانی در جنوب غربی ایران است. که حداقل از اواخر سومین سال گذشته در جنوب غربی ایران ساخته شده است هزاره پیش از میلاد همراه با وزن اردک سنگی حکاکی شده معاصر از شوش، دوباره بر طول عمر سنت وزن اردک در مراکز شهری غرب عیلامی تاکید می‌کند. کشف آن در دشت بهبهان بر این نکته تاکید دارد. بهبهان اهمیت این منطقه به عنوان یک مرکز اداری متصل به شبکه بزرگ تر نئو عیلامی متاخر مستقر در شوش، که در اواخر قرن ششم پیش از میلاد به امپراتوری ایران به ارث رسیده بود.

نیاکان، لیلی در پایان نامه خود با عنوان: «مطالعه و بررسی ویژگی‌ها و مشخصات خشت‌های رنگین و آجرهای لعاب دار دوران ایلامی»^۱ (۱۳۹۸)، در مورد معماری و گل میخ‌ها و ... هنر تمدن عیلام چنین نتیجه گرفته است که در خلال یک صد ساله اخیر کاوش‌های وسیع باستان شناسی در مناطق جنوب و جنوب غرب کشور ایران مجموعه فرهنگی ارزشمند از تزئینات مرتبط به هنر معماری و تاریخ آغاز نقاشی بر دیوار نگاره‌ها را از هزاره دوم پیش از میلاد تا اواسط هزاره اول پیش از میلاد با ساختمان‌های فاخر برجای مانده از تمدن‌های عیلام، در استمرار هنر در راستای تزئینات وابسته به هنر معماری و پیشرفت آن را هویدا ساخته نموده است. این پیشرفت هنری چندین هزار ساله پیش که بر فراز بقایایی از گل پخته‌ها، آجرهای خام رنگین و آجرهای لعاب‌دار باقی مانده بود، به مانند ارسال پیام به واسطه اندیشه‌های نهان اقوامی است که بر این مناطق جغرافیایی می‌زیسته‌اند و توسط هنرمندان و صنعتگران زبر دست و ماهر زمان به ما رسیده است. بدین سان این سیر روند می‌تواند از دیدگاه تاریخ مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

همچنین آجرهای لعاب دار مربعی شکل گسسته و شکسته مرتبط به تمدن عیلام میانه نو، یافته از شوش با تزئین چند رنگ دارای لعاب سبز رنگ و نقوش محو شده و کم رنگ گل، آرایش و تزئین شده است. در هر کدام از چهار گوشه آن سه گل برگ به حالت لچکی به رنگ سبز و رنگ زرد و در حاشیه و پیرامون بیرونی آن نیز خط‌های موازی و راست گوشه‌های زرد

1. Studying and investigating the characteristics and characteristics of colored clays and glazed bricks of the Elamite era

رنگ به صورت برجسته نقش شده است. این آجرهای لعاب دار حاوی کتیبه‌هایی به خط عیلامی (پروتو - عیلامی) با نوشته پادشاه عیلامی شوتروک نهوتته اول است. به اندازه طول ۸/۳۸ و عرض آن ۳/۳۸ سانتی‌متر است. این اثر به دست دمورگان کشف شده و در حال حاضر در موزه لوور، پاریس نگهداری می‌شود. این نمونه تزئین نزدیک به ۲۶۰۰ سال پیش از میلاد در دوره‌های سومری^۱ گسترش یافته بود و در دوره تمدن عیلام میانه به مثابه چشم مراقب ایزدان در موزائیک‌های تزئینی دیوار و دستگیره در معابد به خصوص در چغازنبیل متداول بود. این شکل گل میخ‌های ساده و یا لعاب دار از دوره تمدن عیلام میانه در آرایش‌ها و تزئینات مرتبط به بنا در عمارت‌های معابد و کاخ‌های به کار رفته است.

پورعلی، امین در پایان نامه خود با نام: «بررسی آثار باستانی شوش با هدف تعیین مزیت‌ها و چالش‌ها با رویکرد توسعه گردشگری فرهنگی» (۱۳۹۳)، در پایان نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران درباره سفالینه‌های هفت‌تپه آقای پورعلی چنین نتیجه گرفته است. سفالینه‌های هفت تپه را به اختصار می‌توان به دو دسته مهم تقسیم نمود: دسته اول سفالینه‌های بدون نقوش رنگی که شمار آن بسیار فراوان بوده است و کم و بیش قسمت ممتد و عمده آثار سفالینه‌های مکشوفه در هفت تپه را مشتمل می‌باشند. این دسته به طور کلی از سفالینه‌های نخودی رنگ با سایه رنگ‌های گوناگون نظیر رنگ نخودی صورتی یا نخودی سبز به گونه‌های مختلف مشاهده می‌گردد. دسته دوم سفالینه‌های نخودی رنگی می‌باشند. همچنان که سطح آن‌ها با نقوش ماده اشکال هندسی با رنگ‌های قهوه‌ای، زرد یا تیره و یا مایل به قرمز آرایش شده‌اند. همانا این تعداد قطعات، قطعات بسیار کم و ناچیزی است که به درستی مجموع آن‌ها نمی‌تواند دسته اصلی خاصی را معرفی نماید. سفالینه‌های ساده و بدون نقوش رنگی که اکثریت سفالینه‌های این دوره را تشکیل می‌دهند. در برخی حالت‌ها با نقوش کنده یا فشرده آرایش شده‌اند. پوشش این گروه سفالینه‌ها همان طور که در متن بالا به آن اشاره شد. به رنگ‌های چون: نخودی مایل به سبز و یا صورتی بر اثر درجه و مدت حرارتی که در کوره بدان رسیده است. سفالینه‌ها با چرخ سفالگری ساخته شده‌اند.

لزرکی، سمر در کتاب خود با عنوان: «بلاد الرافدین و عیلام» (۱۴۳۵)، چنین نتیجه گرفته است. منطقه عیلام دروازه اصلی ارتباط متمدن بین میان رودان (بین النهرین) و ایران بوده و در مجاورت این منطقه از شرق تا جنوب بین‌النهرین است. که پیدایش اولین شهرهای بزرگ در

مقیاس وسیع آن است. تاریخ خود را با تأثیری به تاریخ تمدن بین‌النهرین پیوند می‌زند. این تمدن پلی است که ارتباط متقابل این تمدن را با اعماق شرقی و جنوبی عیلام در دور دست ایران پیوند می‌دهد. این همان چیزی است که از صفحات اول کتاب (بین‌النهرین و عیلام، روابط تمدنی در تاریخ باستان) نوشته دکتر نزار سلیمان السعدون می‌فهمیم.

نمی‌توان تمام جنبه‌های تمدن بین‌النهرین را جدا از مطالعه داده‌های فرهنگی آشکار شده توسط باستان‌شناسی در ایران شناخت. کتاب شامل یک مقدمه و چهار فصل به همراه دو ضمیمه است. سه فصل اول به تاریخ روابط بین‌النهرین و عیلام در هزاره سوم، دوم و اول پیش از میلاد می‌پردازد، در حالی که فصل چهارم به بررسی جنبه‌های فرهنگی این روابط اعم از هنر، فرهنگ، دین، حقوق اختصاص دارد. اقتصاد. ضمیمه اول شامل نام شهرهای باستانی عیلامی است که در متون خط میخی ذکر شده است و ضمیمه دوم شامل تصاویر و اشکال مرتبط با موضوع کتاب است. فصل اول (تاریخ روابط بین‌النهرین و عیلام در هزاره سوم پیش از میلاد) مشتمل بر سه بخش است. که بخش اول شامل مقدمه جغرافیایی است و نویسنده با بیان نام‌های باستانی عیلام در متون خط میخی^۱ شروع به کار کرده است. و از این ارائه می‌دانیم که نام فعلی Elam برمی‌گردد.

علی سلیمان، صبا در پایان‌نامه خود با عنوان: «الحضاره العیلامیه و علاقتها بحضارات وادی الرافدین من بدایه الالف الثالث ق. م حتی منتصف الالف الثاني ق. م» (۲۰۱۷)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ باستان، دانشکده هنر و علوم انسانی گروه تاریخ، دانشگاه تشرین سوریه درباره تمدن عیلام باستان و رابطه آن با تمدن‌های بین‌النهرین این چنین نتیجه گرفته است: که این

۱. خط میخی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشر در تاریخ عراق باستان است. و یکی از دلایل مهم پیشرفت بشر در آن سرزمین، این اختراع پایه‌گذار اصول و قواعد تمدن بشری می‌باشد. و تمام تمدن‌های بشری را تحت تأثیر قرار داده است. گویی خط اختراع نشده است. «انسان نمی‌توانست علوم و دانش خویش را به نسل‌های بعدی منتقل کند، تمدن عراق شهر الوركاء (اوروک در جنوب شرقی سماوه) را به عنوان نخستین مرکز ابداع خط، خوشنویسی و ویرایش در جهان شناخت و این در ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد اتفاق افتاد. باستان‌شناسان آثار معبدی را در لایه چهارم این شهر پیدا کردند. که بیش از هزار قطعه گلی داشت. در این الواح اسناد اقتصادی با خط تصویری ثبت شده است و در دوره‌های بعدی خط مکتوب به تدریج در حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد جای خود را گرفت و شامل «الوركاء» و «جمدت نصر» عراق می‌شود.»

۲. رجوع شود به مقاله سرکار خانم صبا علی سلیمان تحت عنوان: (الحضاره العیلامیه و علاقتها بحضارات وادی الرافدین من بدایه الالف الثالث ق. م حتی منتصف الالف الثاني ق. م) دانشکده هنر و علوم انسانی، دانشگاه تشرین، در تاریخ (۱۴۳۷-۱۴۳۸ هجری شمسی) معادل تاریخ (۲۰۱۷-۲۰۱۶ میلادی) ارائه شده برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد تاریخ باستان.

تحقیق برای وی روشن می‌کند. که تمدن عیلام بسیار متأثر از تمدن‌های متوالی دره بین‌النهرین بوده است و این نفوذ با گشایش جغرافیایی تمدن عیلام به دره بین‌النهرین کمک شایانی کرده است که راه را برای این امر هموار کرده است. انتقال جریان‌های تمدنی به راحتی به سوی تمدنی که به سمت شرق به سمت عیلام است، حرکت کرد. این نفوذ تمدنی در طول حیات دولت عیلام و در طول تاریخ تمدن‌های متوالی بین‌النهرین ادامه داشت و از این رو محققان تا کنون نتوانسته‌اند. جدا از تمدن‌های بین‌النهرین به مطالعه آن بپردازند.

این پژوهشگر بر این باور است که غنای سرزمین عیلام با منابع اولیه که منبع اصلی ساخت تمدن دره بین‌النهرین بوده است. آن را در برابر تهاجمات نظامی پادشاهان دره بین‌النهرین (میانرودان) که روش نظامی را در دره بین‌النهرین در پیش گرفتند، آسیب‌پذیر کرده است. رتبه اول و روش دیپلماتیک در درجه دوم. صبا علی سلیمان نتیجه می‌گیرد. که وابستگی پادشاهان بین‌النهرین به روش دیپلماتیک در برخی مواقع ناشی از ضعف در قدرت نظامی آن‌ها نبوده است، بلکه بیشتر ناشی از تمایل برخی از پادشاهان بین‌النهرین به صلح و فداکاری برای ساختن دولت خود بوده است. در داخل، مانند دوران سلطنت پادشاه یهودا، حاکم دومین سلسله لاگاش می‌توان نتیجه گرفت که عیلامی‌ها مردمی خود کفایت بوده‌اند که ارتباط آن‌ها با هیچ یک از اقوام ساکن در فلات ایران یا دره بین‌النهرین ثابت نشده است، با مقداری اختلاف بین ساکنان کوهستان و ساکنان دشت این اطلاعات از طریق کتیبه‌های سنگی یافت شده در عیلام به دست ما رسیده است، در این مورد می‌توان شباهت‌هایی را بین خاستگاه جمعیت در عیلام و خاستگاه سومری‌ها یافت که ارتباط آن‌ها با هیچ قومی تاکنون ثابت نشده است.

زندگی، ناهید در پایان‌نامه خود با عنوان: «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی پیکرک‌های زنان در دوره ایلام میانی»^۱ (۱۳۹۰)، درباره پیکرک‌های زنان چنین توضیح و نتیجه‌گیری گرفته است: که پیکرک‌های زنان برحسب شکل ظاهری آن‌ها و پس از آن براساس مشتمل ساختاریشان، گونه‌شناسی و ... طبقه‌بندی می‌شوند، همین امر سبب گردیده است تا بر مبنای شایستگی و جایگاه قرارگیری این پیکرک‌ها در جامعه عیلامی هزاره دوم پس از میلاد، دسته‌بندی شوند، در این پایان‌نامه هویت و جایگاه اغلب پیکرک‌ها، آئینی مرتبط‌اند. با مذهب سرزمین عیلام، که در آن زن پیوسته واجد جایگاه منحصر به فرد و ویژه بوده است و از جهت دیگر، بیان‌کننده ارتباطی دو طرفه بین عیلام و همسایه غربی خود، یعنی میان رودان بیان شده است.

1. Classification and typology of women's figures in the Middle Elam period

همچنین ممکن است کوششی که مردم عیلام به جهت دریافت حمایت الهه گان و خدایانشان در آن زمان انجام می‌دادند. منجر به ساختن چنین مجسمه‌های آئینی شده باشد که به درستی قاعده اصلی فرهنگ و تمدن و آئین مردم عیلام در هزاره دوم پس از میلاد را تشکیل می‌داد. مردم عیلام در آثار هنری خود بعد از آن به بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، حقوقی و ... خود رنگ مذهبی و آئینی می‌زدند. از این‌رو در این راه کوششی در بومی نمودن بسیاری از دست ساخته‌های خویش که شامل: پیکرک‌ها، مهرها، سفالینه‌ها و آثار هنری دیگری را داشته‌اند. به طوری که در اواخر هزاره دوم پس از میلاد، موفق به کشف و نشان دادن تصویری از قدرت مذهبی - سیاسی عیلام شدند، از این رو نقطه فراز هنری آن‌ها را می‌توان در مجموعه معابدی، چون معبد چغازنبیل مشاهده کرد. که به عنوان مجموعه‌ای منزه و مقدس، و عبادت گاه‌های خدایان و الهگان می‌باشد. این معابد ویژه الهه‌ها بوده که این پیکرک‌ها به نشانه نماد‌هایی از باورهای این مردم بوده است.

محمودی، ماندانا در مقاله خود با عنوان: «ساختار شکل‌گیری اولیه تمدن ایلام» (۱۳۹۸)، فرهنگ عیلامی‌ها را یک فرهنگ شفاهی بیان کرده است یعنی همچون مردمان کوچ نشین بوده اند، و به علت این که مدارک کمی در اختیار ما است. همانا از متون آشوری و بابلی می‌توان از شهرنشینی آن‌ها سخن به میان آورد. همچنین نویسنده در این مقاله مطرح می‌کند. که گام انتقالی در هفت تپه ساختمان‌های یادمانی وجود داشته که در شوش و انشان نیز چنین سازه‌های معماری وجود داشته است ولی دید جهان‌گرایانه که سخن از آن به میان آمده می‌تواند. سبب پیچیدگی قالب و پیشرفت آن‌ها با کمک خط و زبان خود گردیده است. در نخست شهرنشینی که با یک بینش و تغییر در جهان بینی را در آن‌ها دیده شده است. تا فاز عیلام نو یک گروه اساسی در عیلام به وجود آورده و به فلات ایران، آناتولی و میانرودان شمالی رخنه می‌کند، گرچه با تاخت و تاز متوالی آشوری‌ها دولت عیلام ضعیف و به صدر نشین کوچکی تبدیل گشت.

ولی با این حال فرمانرواهای قدرتمندی مانند دولت‌هایی چون: هخامنشی، پارتی و ساسانی که بعدها به وقوع می‌پیوندد. همین طور با آمدن حکومت‌های اسلامی چون دولت تیموریان بی‌نظمی سیاسی در این منطقه به وجود آمد و تا دوره صفویان این وضع بسان ادامه داشته است. همانا اتحادیه قبیله‌ای به وجود آمد که تحت عنوان قشقایی و بختیاری پا به عرصه وجود گذارند

۱. اساس بسیاری از باورهای مذهبی، اجتماعی و ... است. و در واقع نوع نگاه انسان به طبیعت و تفکر انسان در مورد آن را بدون استفاده از کلمات نشان می‌دهد. در ایران باستان از رموزها و نمادها در سفالگری و سفالینه‌ها بسیار استفاده می‌شد.

و در دشت شوشان (خوزستان امروزی) و فارس (شیراز امروزی) متمرکز شدند، بنابراین این مناطق در دست عیلام بزرگ بوده است.

قنبری، لایلا در پایان‌نامه کارشناسی ارشد (M. Sc) خود با عنوان: «تابستان، فرهنگ و تمدن عیلام» (۱۳۹۱) گرایش تاریخ ایران باستان. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی چنین نتیجه گرفته است: که تألیفات و پژوهش‌های زیادی گردگرد ایران باستان وجود دارد. از جمله این تألیفات کتاب «تاریخ سیاسی عیلام» نویسنده دکتر نادر میر سعیدی است. وی در سال ۱۳۳۵ در تهران متولد شده بود و دارای دکترای تاریخ ایران قبل از اسلام از دانشگاه آزاد می‌باشد. او هم اکنون استاد در واحدهای مختلف همان دانشگاه است. همچنین میر سعیدی در گردآوری این کتاب از تمامی مأخذهای موجود استفاده کرده تا زاویه‌های پنهان شده تمدن عیلام را برای ما بازسای کند.

هینتس، والتر^۱ در کتاب خود با عنوان: «شهریاری ایلام» (۱۳۸۷)، درباره عیلام در کتاب حاضر خود، چنین نتیجه گرفته است: تاریخ تمدن عیلام باستان تاریخ پر رمز و رازی است. که تمدن عیلام باستان هر چند که پا به پای میانرودان باستان حضوری زنده داشته است. ولی ما معلومات فراوانی از آن نداریم از هم این روی تا زمان گردآوری این کتاب هیچ یک از تاریخ نگاران را در خود ندیده بودند. که وارد میدان تاریخ تمدن عیلام باستان شوند. والتر هینتس که خود باز خواننده خط کهن و مخطوط عیلامی بوده است تلاش کرده است با اندک التفاتی ژرف همه پیامدهای باستان‌شناسان را به خدمت گرفته و دست کم سایه ستون فقرات تاریخ و فرهنگ قومی ناشناخته و مبهم را به نمایش در آورد. کتاب حاضر در تاریخ ۱۹۶۴ میلادی به رشته تحریر در آمد. ۴۲ سال بعد پرویز رجبی، عباس اسماعیلی و شادی ابراهیمی آن را به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند. اگر نویسنده امروز کتاب را می‌نوشت سخن بیشتری برای گفتن داشته بود. کتاب ذکر شده کوشیده است در نگاه تاریخی ما جای خالی عیلام باستان را پر کند. نه تنها مجموعه اتفاق‌های بیرونی بساء که آن چه که امروزه می‌توان از فرهنگ تمدن عیلام استیفاء کرد. در کتاب شهریاری ایلام تصویر شده است زبان، خط، دین، حقوق، هنر و ...، اگر چه با کمبود مأخذ و به جهت سختی‌ها در تعبیر متنهای فراوانی از مسأله‌های مبهم و نامعلوم می‌ماند. والتر هینتس در

۱. کتاب مذکور نوشته والتر هینتس، محقق نامدار ایرانی قرن نوزدهم می‌باشد. او آثار دیگری درباره تاریخ، زبان و فرهنگ ایران دارد که همگی آثار بسیار مهمی هستند. او در تاریخ ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۰ میلادی دو بار استاد تمام وقت و رئیس گروه ایران شناسی دانشگاه گوتین شد و تا زمان بازنشستگی با اعتبار و شهرت جهانی این سمت را برعهده داشت.

پایان فروتنی به ناقص بودن معلوماتش اعتراف کرده است و امیدوار است بارقه نوری بر تاریکی تاریخ عیلام باستان بتابد.

کامرون، جورج گلن^۱ در کتاب خود با عنوان: «ایران در سپیده دم تاریخ» (۱۳۸۱)، چنان نتیجه گرفته است که کتاب ایران در سپیده دم تاریخ، یکی از مهم‌ترین و پژوهشگرانه‌ترین کتبی است. که در سال ۱۹۳۶ چاپ شده است و هنوز هم کتاب مرجع عمده‌ای در تاریخ عیلام باستان به شمار می‌آید که تاریخ ایران باستان را تا آغاز دوره مادها و هخامنشی‌ها (یعنی تا آمدن آریایی‌ها به ایران) باز انجام می‌کند. کتاب حاضر به راستی سپیده دم تاریخ ایران است. این کتاب از دوره‌هایی سخن می‌گوید که هنوز هم در ایران ناشناخته و مجهول باقی مانده است. کتاب حاضر بررسی دقیقی است از تاریخ نخستین تمدن ایران و تمدن عیلام باستان و آغاز روزگار آریایی‌ها و به گونه‌ای جمع‌آوری شده است که هم برای پژوهشگران و هم قرائت‌کنندگان عادی مفید و فهم‌پذیر است. هم چنین کتاب حاضر توسط دکتر حسن انوشه برگردان شده است، و از دیدگاه پژوهنده عمده‌ترین و مهم‌ترین بخش این کتاب مفروضاتی است. که کتاب حاضر راجع به دوران مورد مطالعه پژوهنده یعنی تمدن عیلام باستان می‌دهد.

جورج کامرون با علاقه بسیار به پژوهش کردن در مورد ایران در دوره‌های گوناگون پرداخته بود و با دقت بسیار علمی این کتاب را نوشته و استنتاج کرده است. هم چنین درباره تمدن عیلام باستان باید گذشته از علاقه دقت و سعی و کوشش نبایستی نادیده گرفت که جورج کامرون درباره بخشی از تاریخ به بررسی پرداخته است که به ندرت سخن گفته شده و پژوهش شده است. حتی همین دم نیز تمدن عیلام باستان جزء دوره‌های ناشناخته و گمنام تاریخ ایران باستان است. که هر صفحه درباره تمدن عیلام باستان پژوهشگر جورج کامرون و دیگر محققان نوشته‌اند بی‌گمان دشواری زیاد و رنج فراوانی برده است. به همین دلیل کتاب حاضر یکی از پر ارزش‌ترین و معتبرترین کتابی است. که در زمینه عیلام باستان گردآوری شده است. که اکنون نیز جزء مهم‌ترین کتاب‌های مرجع به حساب می‌آید.

۱. جورج گلن کامرون متولد ژوئیه ۱۹۰۵ در پنسیلوانیا در ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۹ در دانشگاه آن آربر میشیگان، تحصیلات کارشناسی را آغاز نمود و تحصیلات خود را در رشته زبان‌های شرقی در دانشگاه شیکاگو به پایان رسانید و در سال ۱۹۳۲ مدرک دکتری را گرفت و مدتی نیز در مؤسسه زبان‌های شرقی دانشگاه شیکاگو به تدریس پرداخت. وی در سال ۱۹۴۸ شیکاگو را ترک کرد و گروه شرق‌شناسی را در دانشگاه میشیگان در آن آربر تأسیس کرد. جورج کامرون به عنوان یک صاحب نظر در زمینه مطالعات زبان‌ها و تاریخ شرق باستان و به ویژه در زبان عیلامی شناخته می‌شد. کتاب وی «ایران در سپیده دم تاریخ» که در سال ۱۹۳۶ منتشر شد، هنوز هم یکی از مرجع اصلی تاریخ عیلام به شمار می‌رود.

محمودیان، وحید در مقاله خود با عنوان: «ارتباط سیاسی - اقتصادی ایلام و بین‌النهرین در دوران باستان» (۱۳۹۷)، چنین نتیجه گرفته است که وضعیت جغرافیایی تمدن‌های عیلام باستان و میان رودان، و حدود وضعیت آنان و بعضی ماجراهای این ناحیه که بین این دوره‌ها در دوران گوناگون چگونه بوده است. منابع اقتصادی عیلام در این دوره‌ها و چگونگی بهره‌برداری از این ماخدها مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. تمدن عیلام همانند یکی از دوره‌های بزرگ باستانی در وضعیتی، میان فلات مرکزی ایران و میان رودان واقع شده است. دنیای دیرینه گذرگاه ارتباطی ناحیه شرق و غرب بوده است. شرایط و وضعیت این دوره‌ها سبب شده تا در عرصه‌هایی از تاریخ به جنگ و ستیز پردازند و در عرصه‌های دیگر به رقابت تمدنی خویش ادامه دهند. اگر چه افزون بر تهاجم و تاخت و تاز به تبادل فرهنگ و تمدن هم پرداخته‌اند، بخش به سزایی از آزموده‌های ارزنده‌ای زندگی بشر در دوره‌ها حاصل تفکر، اندیشه و ارتباط تمدنی در این قلمروها بوده است.

حصاری؛ مرتضی، و یوسفی زشک، روح‌الله در مقاله خود با عنوان: «پیدایش نهادهای پیش حکومتی در فلات ایران؛ خان سالارهای آغاز ایلامی در تپه سفالین پیشوا» (۱۳۸۸)، مجله مطالعات باستان‌شناسی در این مقاله نگارنده چنین نتیجه گرفته است: که در خلال کاوش فصل سوم تپه سفالین، پدیده‌ای منحصر به فرد کشف گردیده شده است که فقط ۲ سر مشق از آن در محدوده شوش لایه ۱۴ گزارش داده شده است. همچنین در این رویداد از علائم نگارشی به جای استفاده از مهر کردن استفاده شده است که گل‌های به کار برده شده از مهر و موم در آن می‌باشد. ۹ قطعه از این تکنیک مهر و موم کردن در طی حفاریات و کاوش‌ها به دست آمده است که از روی هم رفته این علائم بر فراز گل نبشته‌های شوش و تپه یحیی^۱ مورد استفاده قرار گرفته شده است. هم چنین برجسته‌ترین نمونه این علامات نگارشی، علامتی بوده است که شناسه به Heiry Triangle که در واژگان آغاز - عیلامی با نام MI36 شناخته می‌شود؛ در عنوان و تیتر گل نبشته، به عنوان اولین علامت به کار رفته و معرف یک فرد با رتبه اجتماعی بالا یا نهادی می‌باشد که مالک گل نبشته به آن مربوط می‌شود. در مرحله دوم علامت نگارشی به کار رفته بر فراز قفل‌های گلی تپه سفالین، علامتی می‌باشد که در واژگان آغاز - عیلامی با نام M102 شناخته می‌شود که معرف فرآورده‌های دامی مانند پنیر خشک می‌باشد. بدین‌سان این فن مدیریت

۱ تپه یحیی یکی از مهم‌ترین تمدن‌های باستانی ایران زمین می‌باشد که در حدود ۲۶۰ کیلومتری جنوب کرمان در دشت وسیع "صوغان"، تپه‌ای بلند خاکی که حدود ۱۹ متر بالاتر از سطح دشت اطراف قرار دارد.

در درجه نخستین، مبنی بر وجود انبارهای تخصصی با کالای خاص می‌باشد تا مالکین افراد گوناگونی باشند. همچنین این سیستم مهر و موم انبارها به گارگزاران یا مدیران میانی کمک کرده است که بستگی به درون مایه انبارها و مالکین آن‌ها بدون باز کردن فضاهای اطلاعی دستاورد کنند.

فکری نژاد طهرانی، الهام در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان: «بررسی ساختاری و فنی مجسمه‌های سفالی ایلامی با تأکید بر بازنگری وضعیت حفاظتی و مرمتی مجسمه شیر-عقاب یافته شده از محوطه چغازنبیل»^۱ (۱۳۹۱)، درباره نقش عقاب با بال‌های گشوده و نیز گیریفین نزد مردم عیلام چنین توضیح داده است: نقش عقاب با بال‌های گشوده در دوران عیلام باستان تبدیل به سمبل ایزد حافظ شوش قلمداد شده است. «در تمدن عیلام باستان تمثال شاهین را بی‌عیب و کامل‌تر شده و رواج یافته مظهر ایزد (اینشو - شیناک)، قرار داده‌اند. همچنین ایزد اینشوشیناک، ایزد حامی شهر شوش بوده و همه ساکنان حدود پادشاهی عیلام خود را تحت پاسداری وی می‌دانسته‌اند. بدین جهت شاهین با بال‌های گشوده مظهر و تجلی حمایت الهی می‌باشد و خدای حامی نه تنها آدمیزادها را مورد نظر قرار دارد. بلکه جانوران وحشی و اهلی را در پناهگاه نیروی خود حمایت و محافظت می‌کرد، در نقش‌هایی که تمثال شاهین در حال پرواز می‌باشد گویا چنین به نظر می‌رسد که همه کائنات زمینی را تحت رخنه خویش در آورده است.

بدین سان در این مورد این پرنده قوی نمادی از تفوق و حمایت بر اقدامات دنیای خاکی و زمینی آن روزگار می‌باشد.» بر روی مهرهای استوانه‌ای کشف شده از معبد زیگورات چغازنبیل نیز در صحنه‌های دینی که ایزدان ترسیم شده‌اند. نقش عقاب به شکل خدای حامی نقش شده است. همچنین به نظر می‌آید بیشتر در نزد مردم عیلام و در قلمروی ایران گیریفین واجد خصوصیات مثبت بوده است که در تمدن هخامنشی و تمدن ساسانی سمبل خرد ورزی و خجستگی می‌باشد. از نگاهی شاید طبایع دوگانه برایش قائل بوده‌اند زیرا در نزد برخی اقوام بین النهرینی همچون: بابلی، سومری و آشوری سمبل شر و جاه طلبی نیز بوده است. لازم به یادآوری است که تمثال گیریفین یا شیردال در آثار هنری عیلامی، اقوام میان رودان تا یونانی و مصری رؤیت شده است. با عنایت به اینکه در دوران باستان به خصوص در قلمروهای آسیای غربی

۱ رجوع شود به پایان نامه کارشناسی ارشد مرمت اشیای تاریخی و فرهنگی، سرکار خانم الهام فکری نزد طهرانی تحت عنوان: بررسی ساختاری و فنی مجسمه‌های سفالی عیلام میانه با تأکید بر بازنگری وضعیت حفاظتی و مرمتی مجسمه شیر-عقاب یافته شده از محوطه چغازنبیل. استاد راهنما: مهناز عبدالله خان گرجی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

وظیفه و مسئولیت دور کردن بدی‌ها و شرارت‌ها بر عهدهٔ جانوران محافظ بوده است. کاملاً به جا است که یک شیر عقاب از مکان مقدسی همچون معبد حفاظت نماید به ویژه که این عبادتگاه متعلق به ایزد شوش یعنی پادشاه اینشوشیناک که سمبل آن نیز عقاب می‌باشد به درستی شیر - عقاب دروازهٔ زیگورات چغازنبیل نیز از یک سوء سمبل ایزد و از جانب دیگر یک محافظ نیرومند شمرده می‌شده است. همان طور که گاو نر سمبل خدای «دادا» (ادد یا عداد)، هم نگهبانی قدرتمند بوده که مجسمهٔ آن بر دروازهٔ دیگر این معبد بزرگ قرار گرفته است.

عرب، حسن علی و شریفی نسب، کوثر در مقالهٔ خود با عنوان: «دین سالاری؛ کانون‌اندیشه و تمدن در ایلام باستان» (۱۳۸۸)، در مورد هنر پیکره‌سازی و نشانه‌های مذهبی در تمدن عیلام باستان چنین نتیجه گرفته است: مذهب در هنر پیکره‌سازی تمدن عیلام تأثیری مهمی داشته است، در عیلام پیکره‌های مذکر و مؤنث یافت شده که جنس بیشتر آنان از گل است. شمار فراوانی از این پیکرک‌ها جنبهٔ دینی دارند. شکل پیکرک‌ها با نقش‌های برجسته عیلامی حالات گوناگون مذهبی پرستش را نمایش می‌دهند. بعضی اوقات این پیکرک‌ها در حال آوردن هدایایی برای معابد می‌باشند بعضی از آن‌ها دارای عصایی در دست می‌باشند که غالباً آن‌ها را کاهن می‌دانند. گروهی را هم پیکرک‌های اساطیری می‌نامند. هیئت‌های محافظان درون معابد را می‌توان به شکل ابوالهلول یا انواع لاشخور یا سایر موجودات اسطوره‌ای و خیالی دانست. در تمدن عیلام باستان لاماسو به روشنی یک محافظ آسمانی بود که معابد را به همراه با کاریباتو، ایزد دارای کرامات، حفظ می‌کرد. ورودی معبد‌های عیلامی به وسیله‌ی تندیس‌های شیر، گاو نر و گونه‌ای سگ پاسداری و محافظت می‌شد. احتیاجی نبود که این تندیس‌ها خود به تنهایی برای پاسبانی و محافظت معبد‌ها کافی تلقی شوند.

از جمله آن که در زیگورات چغازنبیل، در میان خرابه‌های معابد دادا و ننالی، تمثال‌هایی از گاو نر مزین به سنگ لاجورد بوده‌اند. در این راستا پادشاه آشور بنی پال ۶۶۸ - ۶۲۶ پیش از میلاد در مورد ویران کردن شوش بازگو می‌کند که «گاوهای وحشی، نگهبانان و درهای معابد را در هم شکستم». پیکرک‌های دیگری هم هستند که آنان را در دسته ایزدان و رب النوع‌ها دسته‌بندی کرده‌اند. از طرفی دیگر، مادینه پیکره‌های سفالین شکلی از عیلام در رویکردی چند سنجه‌ای در ارتباط مستقیم با رسم و رسوم‌ها و اعتقادات مذهبی بوده‌اند. به طور خلاصه از میان مجموع پیکرک‌های زنان و مردان عیلامی شماری پیکره‌های زنان بسیار بیشتر از پیکره‌های مردان است. و همچنین شمار پیکره‌های زنانی که واجد جنبهٔ تقدسی هستند بسیار فراوانند.

در همان هنگام که شمار پیکره‌های برهنه اندک از شمار پیکره‌های جامه بر تن است، تعداد پیکره‌های برهنه وابسته به زنان فراوان هستند. تمثال‌های حیوانات نیز به عنوان سمبل ایزدان گوناگون همواره قابل توجه مردم عیلام بوده است. عرف اجتماعی مذهبی عیلام، ایجاب می‌کرد تا پیکره‌های زیادی با رویکرد مذهبی درست شوند. بدین گونه است که از جهان عیلام پیکره‌های زیبا و زیادی باقی مانده است. شاید برجسته‌ترین آنان مجسمه ناپیر آسو همسر اونتاش - هوبال (۱۲۷۰ - ۱۲۴۰ پیش از میلاد)، می‌باشد. که از نوع مفرغ و با سبک قالب‌گیری با وزنی در حدود ۱۷۵۰ کیلوگرم و در اندازه طبیعی درست شده است. شمیلی، فرنوش و غفوری فر، فاطمه در مقاله خود با عنوان: «تحلیل عناصر تصویری سفالینه‌های شوش (براساس رویکرد نشانه‌شناختی)» (۱۳۹۸)، چنین نتیجه گرفته است: که قدیمی‌ترین سفالینه‌های ایران مربوط به محوطه شوش، مهم‌ترین شهر عیلام است. که طی کاوش‌های هیئات دمرگان کشف شده است. شوش نیز یکی از قدیمی‌ترین استقرارگاه‌های انسان در طول ما قبل تاریخ و دوران تاریخی است. سفالینه‌های شوش بخشی از اشیاء تدفینی است. که از شهر مردگان، در پایین‌ترین لایه تپه‌ی شوش که در ارتفاع متوسط ۲۵ متر به دست آمده است. نقوش به کار رفته بر روی ظروف بر گرفته از طبیعت بوده و در برگیرنده تصاویر مختلف گیاهی، حیوانی، انسانی، هندسی، تجریدی می‌باشند. که به صورت مجزاء و در ترکیب با هم آراسته شده‌اند. ترسیم نقش مایه‌ها فقط با یک حرکت قلم استادانه و موزون و یک نواخت انجام می‌گرفت. طراحی ظروف سفالینه‌های شوش به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کاسه و یا قدح، ۲. آبخوری یا جام، ۳. دیگچه و یا دیزی و ظروف کروی.

ترابی، مژده در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با نام: «بررسی عناصر هویت ساز و کاربرد آن در طراحی مبلمان و غرفه‌های خدماتی مورد نیاز در محوطه میراث جهانی چغازنبیل» (۱۳۹۵)، در رشته پژوهش هنر از دانشگاه شهید چمران واحد شوشتر^۱ در مورد مهره‌ها چنین نتیجه گرفته است: علی‌رغم پیشینه دیرین مهرها و هم چنین ارزش و اهمیتی که در بازساخت تاریخ و هویت تمدنی ایران دارد. مطالعات کامل و دقیقی در زبان فارسی بر روی نقش مهرها و شناسایی آن‌ها انجام نگرفته و همین امر موجب عدم شناسایی و معرفی این مستندات شده است. قدمت پیدایش نخستین مهرها مقارن با آغاز تمدن عیلام می‌باشد. «دیرینه‌ترین مهرها در هزاره چهارم

۱. دانشکده - هنر واحد شوشتر یکی از دانشکده‌های وابسته به دانشگاه شهید چمران اهواز و از دانشگاه‌های سراسری می‌باشد، که در رشته‌های هنری فعالیت می‌کند این دانشکده در سال ۱۳۷۳ در شهرستان شوشتر تاسیس شده و تنها دانشکده هنر جنوب غرب ایران در حال حاضر می‌باشد.

بعد از میلاد از گل پخته، سنگ گچ و سنگ مرمر سفید و شیری ساخته شده‌اند، قالب مهرهای نخست دگمه‌ای یا نیمه کروی، بیضی، مخروطی، مکعب و مکعب مستطیل می‌باشند» که جنس این گونه مهرها از سنگ مرمر سفید یا شیری و یا سنگ صابون می‌باشد. و تصاویر بر طرف مسطح مهر کنده کاری شده‌اند. در گونه دیگر که لوله استوانه‌ای (سیلند) شکل است؛ نقوش بر بدنه آن‌ها نقر شده‌اند. در میان مهر چه دایره‌ای و چه دگمه‌ای شکل و چه استوانه‌ای سوراخی برای گذراندن تسمه یا بند کردن آنان در نهایت دقت آماده‌سازی شده است.

افکنده، احسان در مقاله خود با عنوان: «مشروعیت آسمانی در آثار نوشتاری عیلام» (۱۳۹۵)، در مورد دوران کهن تاریخ تمدن عیلام (اواخر هزاره سوم)، این چنین نتیجه گرفته است. که تاریخ عیلام تحت تأثیر ایدئولوژی فرمانروایی بین النهرینی، که با استیلای سلسله آکد در تمدن عیلام جریان یافته بود، قرار گرفت. برخی پادشاهان عیلامی تلاش کرده بودند که به شیوهی سلسله آکد خویش را مجری فرمان ایزدان و برگزیده آن‌ها لحاظ کنند. در عصر سلسله سیماشکی نیز نشانه‌هایی از تأثیراندیشه امپراتوری هم زمان بین النهرینی مشاهده می‌شود. به طوری که برخی حکمرانان این سلسله تلاش کردند تا با اسلوب پادشاهان سلسله‌های میان رودان اور سوم، آئین عبادت فرمانروا را استوار نمایند. پدیده‌ای که در تمدن عیلام باستان نیز همانند بین‌النهرین نتیجه بخش نبود سرانجام لقب‌های پادشاه در کتیبه‌های عیلام میانه و عیلام نو، که در آن‌ها از حکمرانان با القاب خدمتگزار و محبوب ایزدان ذکر شده نشان می‌دهند که پادشاهی مقدس در تمدن عیلام جریان داشته است.

هادیان دهکردی، نیزه در مقاله خود با عنوان: «نقش آنالیزهای فیزیکی و شیمیایی ملات در تعیین اصالت کالبدی بناهای تاریخی مطالعه موردی: زیگورات چغازنبیل»^۱ (۱۳۹۵)، چنین نتیجه گرفته است. که مجموعه چغازنبیل یا شهرک مذهبی دور اونتاش واقع شده در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان شوش امروزی است در اواسط سده سیزدهم پیش از میلاد به دست پادشاه عیلام باستان اونتاش گال بنیان گذاری شده است. این شهرک بنا بر دلایل به دست آمده تنها در طول حکومت ۲۰ ساله (۱۲۴۵-۱۲۶۵) پادشاه اونتاش گال شاهد عملیات ساختمانی گوناگون بوده است. در تاریخ ۶۴۰ پیش از میلاد با حمله و تهاجم آشوری‌ها خسارات زیادی به آن وارد می‌شود. طبق گزارش‌های باستان‌شناسی رومن گیریشمن در تاریخ ۱۳۳۰ هجری شمسی

1. The role of physical and chemical analyzes of mortar in determining the physical authenticity of historical monuments, a case study: Chaghazanbil Ziggurat

شهر از سه دیوار به گسترده‌گی طبق گزارش‌های باستان‌شناسی تقریبی یکصد هکتار ساخته شده که معبد اصلی زیگورات در مرکز دیوار اول واقع شده است.

زیگورات با نقش مربعی شکل طول هر ضلع آن ۱۰۲/۲۰ متر می‌باشد، در زمانی بسیار دور واجد ۵۲ متر ارتفاع و ۵ طبقه بوده که امروزه حدوداً ۲۵ متر از ارتفاع و دو نیم طبقه از آن به جای مانده است. این ساختمان که کاملاً با خشت خام بنیان شده با رو کار آجری پوشیده شده است. معبد زیگورات چغازنبیل و دیگر آثار معماری پس از کاوش (تا پیش از آغاز پروژه حفاظت و مرمت چغازنبیل ۱۳۷۸ هجری شمسی)، به جهت محافظت و نگهداری آن در دوره‌های گوناگون مورد دست اندازی قرار گرفته است. با این که رعایت برخی اصول مرمتی، به مرور زمان با آسیب‌ها و فرسودگی‌های وارد شده، همچنین کمبود اسناد و مدارک لازم در برخی موردها تشخیص این مداخلات دشوار یا همراه با شک و تردید می‌باشد.

یوسفی ژشک، روح الله و یزدانی، سحر در مقاله خود با عنوان: «ارائه نسخه جدید و بازخوانی گل نبشته‌های آغاز ایلامی MDP 31, 33 و MDP 31, 27 موجود در موزه لور» (۱۳۹۷)، چنین نتیجه گرفته است که چند نظریه مهم در رابطه با تحولات این دوره وجود دارد به نظر «پیتمن»، افق آغاز عیلامی واجد یک سیستم نگارشی، هنر مهرسازی و دیگر دلایل مبنی بر وجود نظام مدیریتی بغرنج می‌باشد. که فاقد منشاء بین النهرینی می‌باشد. «رایت»^۱ و «جانسون»^۲ اعتقاد دارند که آغاز عیلامی، فرهنگی در قالب سیستم نوشتاری می‌باشد. که در دشت شوشان و قلمروهای مرتفع غرب فلات ایران و شرق میان رودان بین ۳۱۰۰ - ۲۹۰۰ پیش از میلاد مشاهده شده است.

«آلدن»^۳ نیز از عصر آغاز عیلامی به عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی گسترده در سراسر قلمروی فلات ایران یاد می‌کند که از ۳۳۰۰ پیش از میلاد آغاز شده است و تا ۲۸۰۰ پیش از میلاد ادامه می‌یابد. «رابرت انگلوند»^۴ متعقد است. که پیدایش سیستم مدیریتی و اداری آغاز عیلامی در فلات ایران شامل ابهامات فراوانی بوده و گمان می‌رود در ۳۳۰۰ پیش از میلاد جدا از تحولات سیستم اداری و پیدایش نگارش در میان رودان شروع شده و در تاریخ ۳۰۰۰ پیش از میلاد به سرانجام رسیده است. در واقع با عنایت به مستندات و کتیبه‌های باقی مانده، دوره آغاز عیلامی وهله‌ای از

-
1. Write
 2. Johnson
 3. Alden
 4. Robert Englund

تاریخ ایران است با مشخصه‌های استفاده از نگاره‌های آغاز عیلامی بر روی گل نبشته‌های کوچک که مستطیلی یا بالشتکی هستند. از جنس گل رس تمیز و کاملاً ورز داده شده‌اند. بر حسب معمول به عرض ۲/۵ تا ۵ سانتی متر و طول ۷ تا ۹ سانتی متر می‌باشند. این دوره، در فرجام هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پیش از میلاد هم افق با فرهنگ جمدت نصر و مرحله دودمان‌های کهن در میان رودان است.

بهریزی، محمد در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان: «طراحی پهنه گردشگری با تاکید بر مدیریت زیر ساخت‌های صنعت گردشگری، شوش، ایران» (۱۳۹۹)، در مورد موزه باستان‌شناسی شوش بیان کرده نموده‌ی که ملاحظه بر پا داشتن موزه در کشور ایران از زمانی شروع شد که حفاری‌های علمی باستان‌شناسی در ایران شروع شد، در این امر فرانسوی‌ها متقدم بودند. چندی بعد از رسیدن گروه باستان‌شناسی فرانسوی به ماموریت باستان شناس گیشمن به شهر شوش کشور ایران سرپرستی باستان‌شناسی را در تاریخ ۱۹۲۹ و ۱۳۰۸ خورشیدی تاسیس کردند و قانون عتیقات را در تاریخ ۱۹۳۰ تقریباً ۱۳۰۹ خورشیدی به ثبت رساندند. در آخر در استان تهران موزه «ملی ایران باستان» را در تاریخ ۱۹۳۹ - ۱۳۱۷ خورشیدی افتتاح گردید.

نقشه بنای آن را آقای آندره گذار معمار فرانسوی که سرپرست کل باستان‌شناسی نیز بوده است فراهم ساخت. مباحثی در این جا ایجاد شد که باید جمعیتی را برای گرداندن این موزه و موزه‌هایی که در شهرستان‌های به تبع آن بر پا می‌شد پدید آورد. و از جهتی هم تعدادی از کارشناسان را برای حفاری‌های باستان‌شناسی آموزش داد. این کار سنگین و شاخص بر دوش دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گذاشته شد تا دانشجویهای علاقه‌مند به کار باستان‌شناسی را در این گرایش تا رتبه لیسانس برساند. اولین موزه شهرستانی در شهر مشهد افتتاح شد. افتخار این کار علمی از آن دکتر بهرامی استاد دانشگاه و موزه دار موزه تهران شد. بعد از آن سایر موزه‌ها همچون: موزه تخت جمشید در استان شیراز و دو موزه دیگری در استان اصفهان در کاخ چهل ستون و دیگری در استان شیراز در یک کلاه فرنگی زیبا و بلاخره در شهرستان آبادان با هزینه‌های بسیار گران بنیان شدند. هانیبال تبع این نقشه یعنی طرح برپایی موزه‌های ایران قریب به نهایت کار در گذشته در تاریخ ۱۹۳۶ میلادی فرماندار کل استان خوزستان خواستار تأسیس کردن موزه‌ای در شهرستان شوش و از باستان‌شناس رومن گیشمن خواست که این امر مهم را پیش بگیرند. از همین جهت موزه‌ای با همکاری فرماندار کل استان خوزستان و انجمن باستان‌شناسان فرانسوی که از ۷۵ سال قبل از بنیان این موزه به کار حفاری در شهر شوش پرداخته بود بنیان شد.

موقعیت موزه در پای باروی شهر شوش و البته در دامنه محوطه باستانی آکروپل انتخاب شد و در گرداگر آن باغی به مساحت سیزده هزار متر مربع پدید آمد. سه هزار درخت در اطراف چمن و خیابان‌های پنجگانه باغ زراعت شد که واجد چند صد درخت مرکبات و به خصوص درختان لیمو ترشی بوده که به متصدی باغ شهرستان دزفول هدیه کرده بودند.

یک آبگیر بزرگ هشت گوش از کاشی لعاب دار آبی در آن بنیان و پیرامون آن جداری فلزی کشیده شده بود. کارخانه قند شوش که لوازم و وسایل حمل و نقل مجهز و پیشرفته داشت در تحویل دادن سنگ‌های هنگفت باستانی به باغ موزه همکاری رساند. موزه باستان‌شناسی شوش بر سر راه قلعه باستانی شوش و تقریباً در مقابل آرامگاه مقدس نبی دانیال قرار دارد. نمای ساختمان موزه باستان‌شناسی شوش آجری می‌باشد و خلال سال‌های بعد هم به آن اضافه شده است. موزه باستان‌شناسی شوش حاوی چهار تالار می‌باشد. که هر یک متعلق به یک دوران تاریخی است. که عبارت بودند از: پیش از تاریخ، هخامنشی‌ها، پارتی‌ها و ساسانی‌ها، اسلامی همه پیش نمایش‌های موزه باستان‌شناسی شوش در داخل دیوارها کار گذاشته شده است و ترتیب چیدن نخست آن‌ها با باستان‌شناس مادمازل آنیه کارمند موزه لوور، پاریس و عضو هیئت باستان‌شناسان فرانسوی بوده است. موزه باستان‌شناسی شوش که در اول مارس تاریخ ۱۹۶۷ مصادف با تاریخ ۱۳۴۵/۱۲/۱۱ خورشیدی افتتاح شد. به دست هنرمند و معمار ایرانی به نام «محسن فروغی» بنیان شده است. وی استاد معماری و سرپرست دانشکده هنرهای زیبای - دانشگاه تهران و فرزند محمد علی فروغی (ذکاء الملک)، ادیب و سیاست‌مدار ایرانی در آن زمان بود. هم اکنون مهم‌ترین اشیاء موجود در موزه باستان‌شناسی شوش به شرح زیر می‌باشند:

* شمار زیادی لوح گلی با خط میخی عیلامی (پرتو - عیلامی)
* انواع و اقسام ظروف سنگی و سفالی
* پیکرک‌های سر پادشاه و ملکه آن و همینطور ماسک پادشاه عیلامی بنیان شده از گل که در جنس خود بی نظیر می‌باشد.

* انواع اشیای فلزی و مفرغی
* سر مجسمه حیوانات درست شده از سنگ‌های گوناگون
* انواع و اقسام و سیلندرهای نقش شده که وابسته به دوران عیلامی‌ها می‌باشد.
* مجسمه رب النوع‌های زیادی، باروری و حاصل خیزی که از گل پخته درست شده است.
* اشیاء تزئینی همچون: پروانه طلایی، دکمه طلایی و زیور آلات
* اسکلت و استخوان بندی فیل که از اتاق کار هنرمندی به دست آمده است.

* قبور: در کاوش‌های هفت تپه انواع و اقسام مدفن‌های مختلف آشکار می‌گردد، گمان می‌رود که بر حسب توان مالی افراد، نوع و قالب آرامگاه‌ها تغییر می‌کرده است.

* ابزار و آلات موسیقی

عزیزی خادم، الهام در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان: «مکان‌یابی دهکده گردشگری از طریق سیستم اطلاعات جغرافیایی و هوش محاسباتی با در نظر گرفتن ارزیابی محیطی (شهرستان شوش)» (۱۳۹۴)، از دانشگاه شهید چمران اهواز - دانشکده علوم زمین چنین در رابطه با موزه باستان‌شناسی هفت‌تپه چنین نتیجه گرفته است: که گنجینه یا موزه باستان‌شناسی هفت‌تپه، در حدود ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان شوش^۱ در هفت تپه قرار گرفته است. بنای این موزه در تاریخ ۱۳۴۹ شروع شد و در تاریخ ۱۳۵۱ هجری شمسی به اتمام رسید و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۲ هجری شمسی افتتاح شد. بنای موزه باستان‌شناسی هفت تپه با الهام از سبک معماری بومی و محلی سرزمین ایران در استان خوزستان امروزی هماهنگ با موقعیت اقلیمی این ناحیه و با اقتباس از سبک ویژه معماری عیلامی به دست آمده است. در حفاری‌های هفت تپه به

۱. شوش یکی از مهم‌ترین مکان‌های باستانی جهان است. در کتیبه‌های میخی این سرزمین به نام شوشن (Susan)، و در مآخذ اسلامی (SUS)، آمده است. در تورات و در وقایع دوران دانیال نبی و در کتاب استر نام شوش به چشم می‌خورد. این شهر از نظر جغرافیایی موقعیت مهمی داشت و محل برخورد تمدن‌های باستانی و از چهار راه‌های دنیای کهن بود و نه تنها با غرب بلکه با هند نیز ارتباط تجاری داشت. شوش با سرزمین‌های اطراف مجموعه‌ای را تشکیل می‌داد که به آن هالتامی Haltami می‌گفتند. و شامل نواحی مرتفع مشرف به دجله و فرات می‌شد. و در دوران طولانی عیلام، پایتخت این تمدن بود و به مناسبت این موقعیت؛ عیلام را سوزیان یا شوشان می‌خواندند. ویرانی ناشی از حملات آشور مانع از رونق مجدد این شهر نشد. زیرا در دوران هخامنشی یکی از چهار پایتخت آن حکومت و مقر زمستانی شاهان بود. خزاین سلطنتی آن جا نگهداری می‌شد. در عصر ساسانی شاپور دوم به دلیل نافرمانی ساکنان شوش، شهر را ویران کرد و دستور داد شهر جدیدی به نام ایران شهر در کنار ویرانه‌های شوش بنا کنند. اما پس از مدتی مجدداً نام شوش را بر شهر جدید نهادند. پس از چندی شاپور اسیران رومی خود را در آن جا ساکن کرد. ابو موسی اشعری در سال (۱۷ هجری - قمری) خوزستان را فتح کرد. و به تدریج شوش رونق تجاری خود را بازیافت. در دوران اسلامی محصولات ابریشم، لیمو و نیشکر این شهر شهرت خاصی داشت اما با انتقال مرکز خوزستان به اهواز - شوش از رونق افتاد. پس از پیدایش علم باستان‌شناسی و رونق آن در قرن ۱۹ میلادی شوش مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفت و تلاش آنان موجب کشف آثار بسیاری از تمدن‌های باستانی گردید. آثار تمدن عیلام، بابل، هخامنشی، ساسانی و سایر دولت‌های اسلامی در شوش کشف شد. باستان‌شناسان فرانسوی چون دیولافوا و دومرگان، بخش اعظم آثار به دست آمده را به موزه لوور، پاریس انتقال دادند. امروزه بسیاری از آثاری که متجلی تمدن کهن باستان ایران است - مثل نخستین چرخ کوزه گری، نخستین چرخ ارابه، آجرهای لعاب‌دار کاخ شاهان، لوح قانون حمورابی، کاشی‌های قصر اردشیر و کاخ قراولان داریوش در این موزه نگهداری می‌شود (رجوع کنید به فاضلی پور، ۱۳۷۸: ۳۳).

خصوصاً از نظر طاق‌های هلالی و اضلاع فراوان معبد زیگورات چغازنبیل و با توجه به تسهیلات بایسته برای گردشگران و بازدیدکنندگان در فصل‌های گرما، بنیان شده است. سالن‌ها و ویتترین‌های نمایشی موزه، از گونه‌های مختلف دیواری و آزاد و همین‌طور در مکان پنجره‌ها، به روال ویژه‌ای تعبیه شده‌اند. سکوهایی تعبیه شده در گرداگرد سالن‌های موزه می‌توانند. برای نمایش اشیاء عظیمی که در ویتترین‌ها نمی‌گنجد مورد استعمال قرار گیرند. در ویتترین‌ها و سالن‌های موزه تنها گونه‌های قابل توجهی محدودی از آثار و اشیاء کشف شده در حفاری‌های هفت تپه به تماشا گذارده شده‌اند. این گنجینه دارای ۵ سالن برای نمایش آثار و اشیاء مکشوف شده از حفاری‌های باستان‌شناسی هفت تپه می‌باشند. افزون بر انواع گوناگون قفسه‌های آزاد و دیواری، پنجره‌ها و سکوهایی بنیان شده در پیرامون سالن‌های گنجینه می‌تواند. در نمایش آثار و اشیاء عظیم که در قفسه‌ها جا نمی‌گیرند و مورد کاربرد قرار گیرند. سطح زیر بنای ساختمان در حدود ۱۰۱۸ و مساحت بخش‌های سرپوشیده در حدود ۳۴۰ متر مربع فضای سبز و درخت کاری دارد.

۲-۲- نتیجه‌گیری پیشینه تحقیق

با توجه به پیشینه تحقیق حاضر، ذکر این نکته ضروری است. تاکنون پژوهش مستقلی تحت عنوان «تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه» انجام نشده است. اما هرگونه تحقیق در تاریخ و هنر عیلام تا حدودی شامل کیهان‌شناسی^۱ این تمدن می‌شود. همچنین کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی در پیشینه حاضر مربوط به دانش فرهنگ و هنر، دین، مجسمه‌ها، مهره‌های مسطح و استوانه‌ای و ... در دوره عیلام باستان وجود دارد. که مبنای مطالعاتی در این زمینه قرار می‌گیرند. ضمناً از میان موضوعات ذکر شده در پیشینه حاضر، پژوهشگر داخلی آقای دکتر منصور کلاه کج مستقیماً مقاله‌ای را با موضوعی نزدیک به موضوع تحقیق حاضر با عنوان: «بررسی سیر تکامل بصری تمدن عیلامی از منظر تجسمی»^۲ در تاریخ ۱۳۹۰ به رشته تحریر در آورده است. این مقاله از نظر موضوعی نیز آثار هنری عیلامی از تجارب اجراهای مختلف از قبیل: تزئین، نمادگرایی^۳، رئالیسم، روایت و توصیف می‌باشد. به همین دلیل این مقاله اوج مهارت و قدرت تصویرگران^۴ این تمدن را به ما نشان می‌دهد. همچنین پژوهشگر حاضر به دنبال ارائه

1. Visual analysis of Elamite objects in Shush and Haft Tepe Museum
2. Cosmology
3. Investigating the visual evolution of Elamite civilization from a visual perspective
4. Symbolism
5. Illustrators

تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه

خلاصه از شناخت زیبایی شناختی اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه است، زیرا پژوهشگران کمی در این زمینه به بررسی آن پرداخته‌اند.

فصل سوم:

تمدن عيلا م باستان

۱-۳- مقدمه

در این پایان نامه با توجه به موضوع پژوهش «تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه» نخست به مفهوم واژگان اصلی پژوهش پرداخته خواهد شد و به دنبال آن مفاهیم تخصصی مرتبط با موضوع را بیان خواهیم کرد. اکنون به منظور استفاده هر چه بهتر از نتایج مطالعات مبانی نظری در راستای پژوهش حاضر بایستی شناخت جامع و مختصری نسبت به میانرودان، دوره‌های عیلام باستان و ... مورد توجه و مطالعه صورت گیرد. بنابراین در این مبحث نخست به معرفی سرزمین‌های باستانی، دوره‌های عیلام باستان، تپه‌های باستانی شوش، خط و زبان، مذهب، آداب و رسوم عیلام و ... خواهیم پرداخت.

۳-۲- مقدمه سرزمین‌های باستانی

ناحیه جنوب غربی ایران، در پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران در دوره‌های مختلف و به خصوص دوران آغاز تاریخی، شهرنشینی ارزش و اهمیت خاصی داشته بود. فعالیت‌های باستان‌شناسی نسبتاً فراوانی از حدود ۱۵۰ سال قبل در این ناحیه انجام شده است. بنابراین قلمروهای باستانی «دشت شوشان» و «بین‌النهرین»^۱ از قدیمی‌ترین زیستگاه‌های بشر بوده‌اند. در این دو قلمرو تمدن‌های بسیاری ظهور یافتند که از عمده‌ترین تمدن‌های این دو قلمرو می‌توان به تمدن «عیلام» مربوط به نیمه‌ی هزاره سوم پیش از میلاد در دشت شوشان^۲ و تمدن‌های «سومر»،

۱. «سرزمین‌هایی که بین دو رود دجله و فرات واقع شده‌اند. را بین‌النهرین یا همان میانرودان می‌نامند» بین‌النهرین یا سرزمین عراق امروزی در طول تاریخ و تمدن پرفراز و نشیب خود نام‌های بسیاری به خود گرفته است. که هر نام نشان دهنده تمدن و مرحله‌ای در مورد پیشرفت بشر در این سرزمین می‌باشد. این سرزمین مهد بسیاری از تمدن‌های بشری بوده که از هزاره‌های پنجم و ششم پیش از میلاد تا بعد از میلاد و ظهور اسلام یکی از مهم‌ترین مراکز سکونت و تمدن بشری بوده است. در این سرزمین تمدن‌های بزرگی چون: سومر، آکد، بابل، آشور، کلد، میسان و بسیاری از دولت‌های کوچک و بزرگ مانند «حیره» هر کدام از این تمدن‌ها در فرهنگ، آداب و رسوم و زبان مردمان این سرزمین تأثیرگذار بوده‌اند.

۲. دشت شوشان (خوزستان امروزی) از شمال شهر شوش تا کرانه‌های خلیج فارس را در بر می‌گیرد. این دشت یکی از حاصل خیزترین دشت‌های جهان می‌باشد و به لحاظ بهره‌مندی از جغرافیا و آکولوژی خاص خود نقش مهمی در تاریخ بشر داشته بود. وجود زمین‌های آبرفتی وسیع و چندین رودخانه بزرگ در این دشت در میان رودخانه‌های کارون، دز و کرخه، از دیرباز جاذبه جمعیت‌های عشایری و جوامع بشری، علاقه مردم و جانشینی برای حضور و بهره‌برداری از این دشت را برانگیخته است. به گونه‌ای که شوشان به یکی از نقاط ملاقات جمعیت‌های کوچ رو و عشایری تبدیل شد و باعث شکل‌گیری نطفه نخستین حکومت‌های اولیه شد. چندین سکونت‌گاه پیش از تاریخ و هم‌چنین از هزاره‌های ششم و پنجم پیش از میلاد، سر آغاز سکونت‌گاه دشت شوشان را نشان می‌دهد. در هزاره پنجم پیش از میلاد روستای کوچک

«آکد»، «بابل»، «آشور»، «کلدان»^۱ و «ميسان» در قلمروی میان رودان، اشاره نمود. تعدادی از این تمدن‌ها - همچون تمدن بزرگ سومر - از عرصه جغرافیایی وسیع‌تری نسبت به سرزمین عراق امروزی برخوردار بوده است. همین طور تمدن عیلام یکی از مهم‌ترین و با شکوه‌ترین گنجینه‌های تمدن کهن ایران در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد می‌باشد. عیلامی‌ها بنیان‌گذار نخستین حکومت مرکزی سلطنتی در فلات این سرزمین بودند. دکتر محمد معین عیلام را شامل بر: استان خوزستان، استان لرستان^۲ و کوه‌های بختیاری امروزی می‌داند. «مردم عیلام قلمروی خود را هاتمتی می‌نامیدند که این واژه از دو قسمت «ها» به معنی قلمرو یا سرزمین و «تمتی» به معانی مقدس یا خدایان تشکیل گردیده می‌باشد. به طور کلی به معانی سرزمین مقدس یا سرزمین خدایان می‌باشد». از این رو هرگاه عیلامی‌ها امکان و قدرت داشتند. نقش مهمی در نزاع و درگیری‌های سیاسی بین‌النهرین بازی کرده‌اند و حتی بر قسمت‌هایی از آن قلمرو ولو در زمان کوتاهی فرمان رانده‌اند. در این دشت افزون بر تمدن عیلام و ميسان و آثار تمدن‌های یونان باستان، گنجینه‌های بی‌شماری از تمدن‌های میان‌رودان کشف شده، این دو قلمرو شباهت‌ها و

شوش نیز پدیدار شد و به دلایلی که کاملاً مشخص نیست مرکز مذهبی و سیاسی دشت شوش تبدیل شد. از آن زمان به بعد اهمیت شوش به تدریج و پس از روندی که به شکل‌گیری تمدن «عیلام» انجامید افزایش یافت. که این منطقه به پایتختی با شکوه تبدیل شد.

۱. کلدان یا کلدان (به آکدی): **mat kaldu**، نام یکی از بخش‌های تمدن بابلی است که مهم‌ترین حکومت میان‌رودان را در هزاره اول پیش از میلاد تشکیل می‌دادند. این تمدن در هزاره اول پیش از میلاد پایتخت (با بزرگترین) شکل گرفت. کلدانیان را «بیت یا کین» می‌گفتند و در کرانه چپ فرات، بین بصره و ناصریه فعلی قرار داشت. فرمانروای کلدانیان را پادشاه بیت یا کین نیز می‌نامیدند - همان طور که بابلی‌ها پادشاه خود را پادشاه بابل می‌نامیدند.

۲. ميسان یکی از تمدن‌های مشترک میان قلمروی بین‌النهرین (عراق امروزی) و دشت شوشان (خوزستان امروزی) بوده است. این تمدن در زمان اسکندر مقدونی در حدود سال ۳۲۳ پیش از میلاد شکل گرفت. در ابتدا تابع امپراتوری اسکندر و سپس پس از آن به جانشینان سلوکیش بود. اما در حدود سال‌های ۱۲۹ پیش از میلاد به تدریج از سلوکیان مستقل شدند و مردم عرب پادشاهی مستقل ميسان را به دست گرفتند. این پادشاهی تا حدود سال ۲۴۲ بعد از میلاد وجود داشت و آخرین پادشاه آن «عبد نرگال سوم» بود.

۳. لرستان منطقه‌ای کوهستانی در شمال غربی استان خوزستان می‌باشد که از سمت شمال به جاده قدیم کرمان شاهان به همدان و از شرق به شهرستان نهاوند و بروجرد و از جنوب به شهرستان دزفول و ایالت شوش قدیم محدود می‌شود. این منطقه را رشته کوه‌های پشت کوه و کبیرکوه احاطه کرده‌اند و از دره‌های عمیق و صعب العبور تشکیل شده است. شهرهای مهم استان لرستان عبارت‌اند از: خرم‌آباد در جنوب و هرسین در شمال یکی از اولین باستان‌شناسانی که این منطقه را مورد مطالعه قرار داده آقای دمورگان می‌باشد. که در قرن اخیر از این منطقه و محوطه‌های ما قبل تاریخ «جباب بن روان» عبور کرده و تپه غلام را در دشت غلام کشف کرده است.

اشتراکات تاریخی و فرهنگی و نژادی بی‌شماری با هم داشته و دارند. همچنین تمدن عیلام باستان که دسته‌ای از مناطق نامناسب بود محل زندگی دسته‌های متعدد به شمار می‌آمد که یکی بعد از دیگری در معرض تاخت و تاز بین النهرینی‌ها قرار می‌گرفت. خود آن‌ها نیز مهاجم بودند. بدین جهت قلمروی قدرت مرکزی عیلام در برگیرنده سراسر قلمروی ایران نمی‌شده است. این فرمانروایی ائتلافی بود که قبیله‌ها و اقوام سرزمین را دربر می‌گرفته، اما این گونه یک پارچگی و همبستگی می‌تواند به معنی خلافت نباشد.

بدین سان عیلامی‌ها گروهی قومی بودند که بر حسب معلوم، شاهنشاهی گسترده هخامنشی آن‌ها را از هر جهت منقرض نمود، آن‌ها با این‌رو آن اندازه توان و قدرت داشتند که در آخرین قرن‌های پیش از میلاد به بابل تاخت و تاز کردند. بدین سان تمدن عیلام حداکثر دو هزار سال ادامه یافت. اگر چه با در نظر گرفتن دوره پروتو عیلامی و بنیان شهر شوش در حدود ۴۲۰۰ بعد از میلاد می‌توان وقایع دولت عیلام را تا بروز شاهنشاهی هخامنشی در قرن ششم گستره بخشید که زبان‌های عیلامی در پایان سده وسطی و نام عیلام در اواخر ۱۳۰۰ در نوشته‌های، کلیسای نستوری^۱ درج شده است که بر خلاف تحقیقات انجام شده هنوز معلومات چندانی از خاستگاه و فرجام آن، روابط آن با سایر فرهنگ‌های ناحیه‌های همجوار همچون میانرودان و فلات ایران، و تاثیر و تاثر آن بر تمدن‌های بعد از تمدن عیلام در دست نداریم.

۳-۳- مختصری از تمدن عیلام باستان

تمدن عیلام باستان نام دوره‌ای فرهنگی - سیاسی می‌باشد، که شعاع نفوذ آن به سرزمین‌های جغرافیایی متفاوتی به درازای هزاران کیلومتر می‌رسید. حکومت عیلام نخستین امپراتوری ایران بود. که از آغاز هزاره سوم تا میانه‌ی هزاره اول پیش از میلاد بر منطقه‌های وسیعی از غرب و جنوب ایران کنونی حکومت می‌کرد. دیرینه‌ترین منبعی که در آن نام عیلام یاد شده، فهرست پادشاهان سومری می‌باشد. که به ذکر لشکر کشی «انبارگیسی» پادشاه دودمان اول کیش به عیلام می‌پردازد. این منبع وابسته به سده بیست و هفتم پیش از میلاد می‌باشد. همچنین در کتیبه‌های سومری و آکدی نام سرزمین عیلام با علامت (Nim)، تعیین شده است. نام عیلام را از واژه‌ای اقتباس کردند که آن را از متون بین النهرینی می‌دانند که احتمالاً با مفهوم سرزمین مرتفع ارتباط داشته بود.

1. Nestorian Church

همچنین مردم عیلامی نیز قلمروی خود را به صورت هتامتی یا هلتامتی می‌نوشتند و آن را التامت تلفظ می‌کردند. که احتمالاً به معنی سرزمین خدا بوده است. دانشمندان باور دارند که واژه عیلام به معنای سرزمین یا کوهستان می‌باشد. چرا که نوشته‌های بابلی نام عیلام را به صورت الامتو^۱ یا الام^۲ که به معنای کوهستان و یا سرزمین طلوع خورشید می‌باشد، آمده است. در تورات نیز نام عیلام به معنای کوهستان و سرزمین بلند یاد شده است. عیلام قلمرویی بوده است واقع در جنوب کشور ایران که از شمال به کوه‌های بختیاری و از طرف جنوب به خلیج فارس تا استان بوشهر امروزی، از شرق به دجله (عراق) منتهای می‌شده است. سرزمین عیلام شامل استان خوزستان، استان لرستان کنونی، پشتکوه و کوه‌های بختیاری بوده است. بدین معنی که از مغرب به دجله، از مشرق به بخشی از استان فارس، از شمال به کوه‌های بختیاری و از جنوب به خلیج فارس تا استان بوشهر منتهای می‌شده و در دور اوج عظمت، از سمت مغرب به بابل و از مشرق تا استان اصفهان می‌رسیده است. با عنایت به مطالب بالا، مشاهده می‌گردد که عیلام از دو بخش تشکیل می‌شده است. یکی بخش کوهستانی در شمال (کوه‌های بختیاری) و بخش دیگر که در دشت واقع شده بود. در همسایگی میانرودان و در تماس با تمدن‌های بزرگ آن زمان دارای مرکزیت شهر شوش بود که این شهر به عنوان پایتخت کشور عیلام به شمار می‌رفت. البته می‌توان سرچشمهٔ تکامل و رشد این فرهنگ و حکومت را در جنوب غرب و به طور اخص در شهر شوش جستجو کرد.

این کنش و قوس‌های نظامی و سیاسی الزاماً سبب نفوذ فرهنگ، زبان و مذهب مردم بین‌النهرین بر سرزمین عیلام می‌شد خود عیلام در واقع مثل برخی از اقوام عالم دارای فرهنگ و مدنیت جداگانه‌ای بود. علاوه بر جنبه‌های فرهنگی و تمدنی، عیلام و به ویژه شهر شوش، یکی از مراکز عمدهٔ تجارتی و اقتصادی زمان خود محسوب می‌شده که این امر در گرفتن و یا پراکندن افکار و فرهنگ دیگران یا خود، بسیار مؤثر بوده است. «استرابون جغرافی‌دان یونانی نوشته است که اگر ظهر یک روز تابستان در یکی از کوچه‌های شوش مار یا مارمولکی حرکت کند. در زیر آفتاب سوزان عیلام^۳ می‌سوزد و این حقیقتی است که باستان‌شناس معروف فرانسوی گزارش

1. Elamtu

2. Elam

۳. در مورد نحوه نگارش و تلفظ Elam باید به این نکته اشاره کرد. که نام یا کلمه Elam اصلاً کلمه یا تلفظ عیلامی نیست. و ما این کلمه را در زبان فارسی جدید از زبان عیلامی وام نگرفته‌ایم. بلکه این کلمه از صورت موجود در خط عبری ترجمهٔ فارسی و عربی تورات و از اصل عبری (که «ع» داشته و دارد) رونویسی و گرفته شده است. اصل توراتی

کرده است. دیولافوا در ظهر ماه ژوئیه، دمای هوا به ۷۲ درجه سانتی گراد رسید. میانگین دمای شوش در تیر ماه ۳۸ درجه و کمترین دما در زمستان به حدود ۵ درجه می‌رسید. اما در ماه آوریل گرمای تابستان دوباره شروع می‌شود.» معلومات وابسته به پهنه‌های شهر شوش را اکنون می‌توان از منبع‌های متعدد با عنایت به دوران گوناگون به دست آورد. برای این که در سابق از کاوش‌های سنتی دیولافوا، دموورگان و دومکنم که اغلب جنبه کشف اشیاء و آثار دیرینه در همه دوره‌ها بی‌دخل و تصرف به بافت پراکندگی بوده، ما بقی حفاری‌ها اصولاً مبنی بر حفاری‌های علمی و کنترل شده متناسب با دوران فرهنگی نمایان شده بود. این دوره‌ها مشتمل بر دوره قبل از تاریخ که فرهنگ شوش A و اوروک قدیم، میانی و جدید که به شوش I و شوش II معروف شده است.

عصر آغاز تاریخی که فرهنگ آغاز عیلامی یا شوش III می‌باشد، به همراه آن دوره‌های تاریخی که متعلق به دودمان‌های اوان، عیلام کهن، میانه و نو، هخامنشی، پارت و ساسانی می‌باشد. که از شوش IV شروع و تا شوش XI ادامه می‌یابد. دوره‌های اسلامی نیز تا سده هفتم هجری در قسمت‌هایی از محوطه‌های شوش وجود داشته است. بدین سان عیلام نیز از دیدگاه تاریخی به دوره و دودمان‌های عیلام به ترتیب به کهن، میانه و نو طبقه‌بندی می‌شود که عیلام کهن شامل دودمان اوان حدود ۲۵۰۰ - ۲۲۰۰ پیش از میلاد، سیماش حدود ۲۱۰۰ - ۱۹۰۰ پیش از میلاد، سوکل مخ حدود ۱۸۵۰ - ۱۵۲۰ پیش از میلاد می‌باشد، عیلام میانه به دنبال سوکل مخ‌ها پدید آمد. که این دوره به سه دودمان تقسیم و به نام پایه‌گذار یا اولین پادشاه آن شناسایی می‌شود. عیلام میانه از حدود ۱۵۰۰ تا ۱۴۰۰ پیش از میلاد، کیدینویدها، عیلام میانه از حدود ۱۴۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد، ایکی - هالکی‌ها، عیلام میانه (۱۲۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد) شوتروکی‌ها،

«عیلام» خود برگرفته از شکل رایج در زبان آکدی می‌باشد، درست مانند واژه هند که ایرانیان (و سپس یونانیان به تقلید از ایرانیان پس از حمله اسکندر مقدونی و بازگشت آن‌ها به اروپا) آن سرزمین نامیده‌اند. معروف به بهارات هند یا هندوستان نامیدند. و از طریق یونانیان در جهان به ایندیا مشهور شده است. در مورد کلمه عیلام، آکدی‌ها و سپس (عبرانیان) باعث شدند. که عیلام هل - تمتی نامیده شود. و همانطور که امروز هندی‌ها نام‌های سنتی و فرهنگی ایرانی دارند. عیلامی‌ها نام سنتی و فرهنگی آکدی نیز دارند، بنابراین ثبت عیلام منطقی تر است. از سوی دیگر، صورت کلمه (NIM)، در سومری به معنای سرزمین بلند، مانند کلمه‌ای قرضی است. که وارد زبان آکدی شده و آن را (الامتو) تلفظ می‌کنند. علامت آکدی هم ریشه با علی / اعلی / یعلو / الاعلی دارد. در زبان عربی به معنای مکان بلند دقیقاً ترجمه همان نیم سومری می‌باشد.

1. Kidinuids
2. Igihalkids
3. Shotrukids

دورهٔ عیلام جدید، از حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد تا پیروزی کوروش بر بابل یعنی ۵۳۹ پیش از میلاد ادامه یافت که این دوره نیز به سه دوره طبقه‌بندی شده است، که عبارت بوده‌اند از: عیلام جدید (حدود ۱۰۰۰ - ۷۴۴ پیش از میلاد)، که از این دوره اطلاعات اندکی در دست می‌باشد. عیلام جدید (حدود ۷۴۴ - ۶۴۶ پیش از میلاد)، این دوره یک قرن تعامل شدید بین عیلام و آشور داشت که در عهد غارت وحشیانهٔ شوش به دست پادشاه آشوری، آشور بانی پال (آشوربنی پال) به نقطهٔ کمال رسید. در این دوره مادها و پارس‌ها در کوه‌های ایران ظهور می‌کنند. که عیلام جدید از حدود ۶۴۶ - ۵۳۹ پیش از میلاد در این دوره ارتباطی بین عناصر عیلام و ایرانی به چشم می‌خورد. دورهٔ زمانی متاخر از عیلام جدید از آخرین حملهٔ آشوریانی پال به قلمروی عیلام تا تثبیت نهایی شاهنشاهی هخامنشی را در بر می‌گیرد. عیلام جدید که از تاریخ ۱۸۵۰ پیش از میلاد (عیلام کهن)، آغاز و تاریخ ۶۴۰ پیش از میلاد (پایان عیلام جدید)، سرانجام پیدا کرد.

دورهٔ پیش از عیلام کهن را «پروتو - عیلامی» خوانده‌اند که سبب آن وجود خط پروتو عیلامی در این عصر می‌باشد. دورهٔ عیلامی میانه شاهد به قدرت رسیدن دودمان‌های کیدینوی‌ها، ایگی هالکی‌ها و شوتروکی‌ها بودیم. دورهٔ به قدرت رسیدن پادشاهان انشان و شوش، به بیان دیگر حدود سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد، را عصر طلایی تاریخ عیلام می‌دانند. اقتدار و سلط تمدن عیلام بر پایهٔ قدرت و توانی بود که با آن مناطق گوناگون ذکر شده را تحت یک حکومت پیوسته و متحد کرد و برای مبادلهٔ منابع طبیعی هر منطقه‌ای نهایت توان را به کار گرفت. بنابراین تأسیس شهر شوش در مدت ۴۲۰۰ پیش از میلاد می‌توان تاریخ دولت عیلام را تا ظهور شاهنشاهی هخامنشی در قرن ششم وسعت بخشید. در دورهٔ عیلامی قدیم در پی هم دودمان‌ها آوان، سیماشکی و دودمان سوکلمه‌ها یا (دودمان اپارتی)، به قدرت و سلطنت رسیدند. تمدن عیلام این کار مهم را با نوعی ساختار حکومتی فدراتیو به انجام رسانید. نظام موروثی و تقسیم قدرت عیلامی‌ها وابستگی تام و جامعی به شکل حکومتی آن‌ها داشت. شکل عادی و معمولی قدرت عیلامی‌ها حاکمیت یک تن فرمانروا بر شاهزادگان فرو دست بود. این فرمانروا در روزهای نخستین فرمانروایی عیلامی در شهر شوش امروزی زندگی می‌کرد. و شوش در واقع پایتخت فدرال^۱، عیلامی‌ها بر شمرده می‌شد. در جوار این فرمانروا برادر او که از نظر سنی به او نزدیک

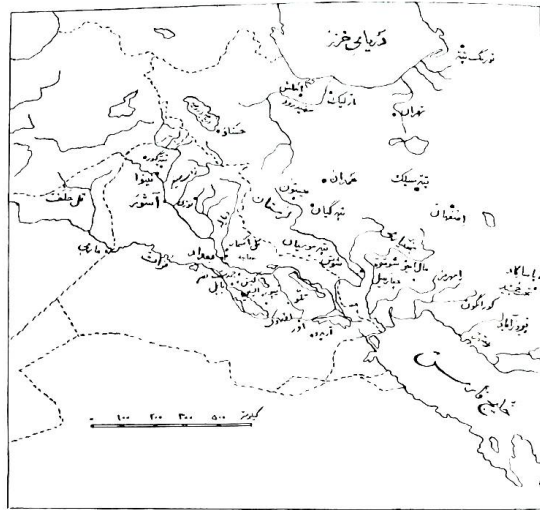
۱. متحد - اتحاد

بود به عنوان قائم مقام حکومت می‌کرد. و قرارگاه وی نیز معمولاً در شهر بومی دودمان حاکمه بود. این قائم مقام جانشین احتمالی فرمانروا به حساب می‌آمد. در کنار فرمانروا و قائم مقام وی یک مامور دیگر با عنوان نائب السلطنه یا شاهزاده شوش (منطقه شوش)، وجود داشته بود. نائب السلطنه برحسب معمول از فرزندان فرمانروا و یا در صورت نبود آن، برادر زاده او بود. هنگام مرگ فرمانروا قائم مقام به جای وی می‌نشست. شاهزاده شوش همچنان در مقامش باقی می‌ماند و برادر قائم مقام که از نظر سنی نزدیک به وی بود، قائم مقام جدید می‌شد. اگر چه تمامی برادران فوت می‌کردند شاهزاده شوش به قائم مقامی می‌رسید و در این هنگام فرمانروا قادر بود فرزند و یا برادر زاده خویش را شاهزاده شوش بنامد. چنین نظام پیچیده و بغرنج حکومتی که در آن نظارت و موازنه و قدرت توارث در حد عالی بود و پیوند دو جانبه و یا پیوند برادر با زن برادر از برای حفظ قدرت و سلطنت صورت می‌گرفت. به تدریج رو به فروپاشی و انحطاط گذاشت. هر چه که قابل ملاحظه و چشمگیر است. چگونگی عمل کرد این نظام می‌باشد. در صورتی که فرزندان فرمانروا تنها در تمدن‌های عیلامی میانه و جدید می‌توانستند به جای پدر به قدرت برسند.

۴-۳- جغرافیای عیلام باستان^۱

گستره جغرافیایی تمدن عیلام باستان که در تصویر ذیر آمده است. مشتمل بر: استان خوزستان، استان ایلام امروزی، استان لرستان هایدالو^۲ (یا خایدالو) که در جای استان خرم آباد امروزی تا پیش از کشف شده‌های واپسین باستان‌شناسی، مرز و بوم عیلام را تنها فقط دشت خوزستان^۳ می‌دانستند.

-
1. Geography of ancient Elam
 2. Lorestan Haidalo
 3. Khuzestan



تصویر ۳-۱- نقشه قلمروی عیلام و مناطق همجوار (ملکزاده بیانی، ۱۳۹۴).

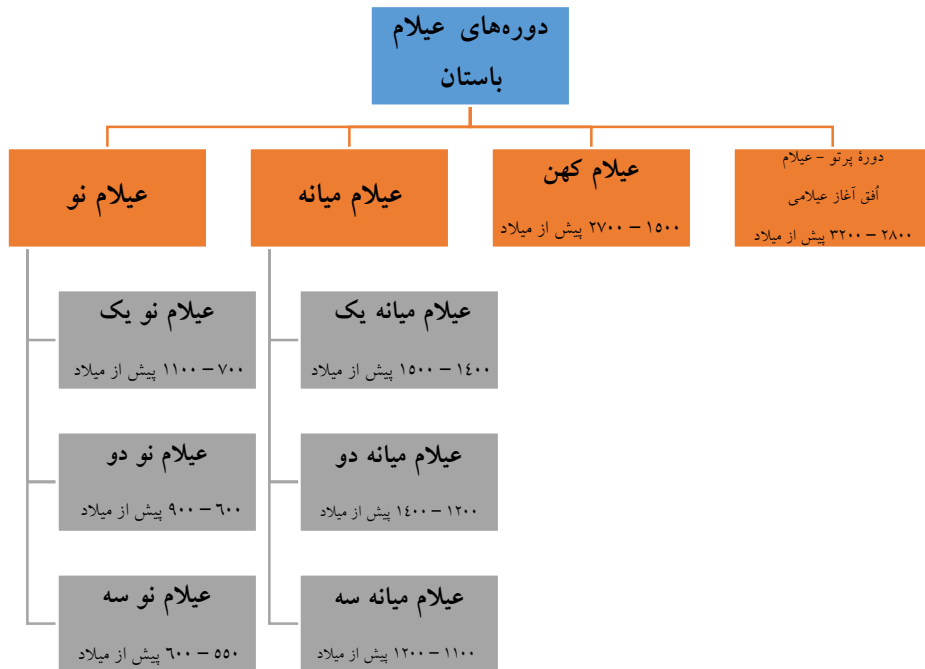
و این در حالی است که سومری‌ها و آکدی‌ها، عیلامی‌ها را با علامت (NIM) «قلمروی - مرتفع» می‌نوشتند و (NIM) واژه‌ای بود. درست چرا که سرزمین عیلامی‌ها، تنها مشتمل بر: جلگه شوش که مهم‌ترین شهر عیلام و از دیرینه‌ترین و متمدن‌ترین شهرهای عیلام بوده است. ظاهراً مدت طولانی شوش پایتخت آن شمرده می‌شده است. جغرافی‌دانان قدیم یونان و روم مانند استرابون^۱، ایالتی از عیلام را که شوش در آن واقع بود، به دلیل اهمیت این شهر، سوزیان یا سوزیانا^۲ خوانده‌اند. عیلام با دره سند نیز روابط تجارتی و سرانجام روابط فرهنگی داشته و از بعضی رهیافت‌های هنری این اقلیم متأثر بوده است. و بالعکس بر آن تأثیر می‌گذاشته، چنانچه بعضی از مهرهای استوانه‌ای^۳ و تکه سنگ‌هایی که روی آن‌ها به شیوه گود کنده‌کاری شده، از دره سند^۴ به این اقلیم آمده و در مقابل دره سند، مهر استوانه‌ای و لوازم و ادوات آرایش عیلامی‌ها مورد پیروی قرار گرفته است. گذشته از این کتاب مقدس^۵ تنها مرجعی است که پیش از تحقیقات باستان‌شناسی^۶ نام عیلام را به وضوح می‌برد و از عیلامی‌ها به عنوان نوادگان حضرت موسی^۱، قوم قوم عیلامی و در نهایت باب‌ها به طور یک حکمرانی^۲ یا یک تمدن یاد می‌کند.

1. Strabo
2. Suzian or Suziana
3. Cylindrical seals
4. Indus Valley
5. Holy book
6. Archaeological research

۵-۳- در تقسیم بندی تاریخی سیاسی - فرهنگی عیلام^۳

در تقسیم بندی تاریخی سیاسی - فرهنگی عیلام به چهار دوره بزرگ تعیین شده است:

- ۱) دوره پروتو - عیلامی (افق آغاز عیلامی): ۲۸۰۰ - ۳۲۰۰ پیش از میلاد.
- ۲) دوره عیلام کهن (قدیم): ۱۵۰۰ - ۲۷۰۰ پیش از میلاد.
- ۳) دوره عیلام میانه (۱): ۱۴۰۰ - ۱۵۰۰ پیش از میلاد، (۲) ۱۲۰۰ - ۱۴۰۰ پیش از میلاد، (۳) ۱۱۰۰ - ۱۲۰۰ پیش از میلاد^۴.
- ۴) دوره عیلام نو (جدید): (۱) ۷۰۰ - ۱۱۰۰ پیش از میلاد، (۲) ۶۰۰ - ۹۰۰ پیش از میلاد، (۳) ۵۵۰ - ۶۰۰ پیش از میلاد (زینلی، ۱۳۹۶: ۱۵).



1. Elamites as descendants of Prophet Moses
2. Governance
3. Historical political-cultural division of Elam
4. Before Christ

نمودار ۳-۱- دوره‌های تمدن عیلام (نگارنده).

۳-۶- فرهنگ افق آغاز عیلامی (۳۲۰۰ - ۲۸۰۰ پیش از میلاد)

دوره‌های فرهنگی به طور کلی مبتنی بر دگرگونی‌های سفال^۱ یا معماری بوده که تقسیمات گاهنگاری به نسبی را برای ساحت‌های گوناگون پیش از تاریخ^۲ فراهم می‌ساختند. اما دوره فرهنگی نوینی در ایران وجود دارد که به جرات می‌توان گفت که زیر بنای مادی این فرهنگ، صنایع دستی مرتبط با مدیریت اداری است. طبق اسناد، شیل نخستین کسی می‌باشد که اصطلاح آغاز عیلامی را به کار می‌برد. در کار خود به نکته یا اهمیت ولایت‌های مختلف آن زمان مانند: آنزانی‌ها در کنار شوشی‌ها نیز اشاره می‌کند. و ذیل پاتس آن‌ها را «متون شوش ۳» مینامد. فرهنگ دوره آغاز عیلامی، به درستی به عنوان بخشی از اواخر هزاره چهارم، معاصرترین دوره با فرهنگ جمدت نصر^۳ و مرحله اول سلسله‌های قدیم در بین‌النهرین می‌باشد. از این رو تمدن آغاز عیلامی با ویژگی خاص خود آغاز شد که شامل یک سیستم ابداعی خط و نگارش، هنر مهرسازی و یک سری از اسناد تخصصی شده دیگر می‌باشد. دوره آغاز عیلامی یا پروتو عیلامی در اصل به عنوان یک اصطلاح زبان‌شناختی برای توصیف نگاره‌های استفاده شده بر روی کتیبه‌های گل بوده است. اما به مرور زمان این اصطلاح تعمیم یافت و به دوره‌ای از تاریخ ایران اطلاق شد که با مواد فرهنگی آغاز عیلامی مشخص می‌شود. دوره آغاز عیلامی کهن‌ترین دوره تمدن عیلامی می‌باشد که با سفال‌های رنگی اولیه شوش مشخص می‌شود. این دوره دو دوره دیگر را دنبال داشت، دوره اول از دوره سلسله‌های سومری قدیم تا سارگون آکد و دوره دوم از زمان سارگون تا حمورابی^۴

۱. سفال، سופال، سوفار، سفاله، این اصطلاحات طبق تعاریف فرهنگ لغت و دایره‌المعارف عموماً به معنای اشیایی هستند. که از خشت پخته ساخته شده‌اند، مانند: کاسه، کوزه و ... همچنین سفالینه، سفال ساخته شده را گویند. و سفالینه نیز در بردارنده انواع اشیایی است که از سفال می‌سازند.

۲. آغاز سرگذشت انسان در ایران به دیرینه‌ترین اعصار قبل از تاریخ و شاید حدود ۸۰۰۰۰۰ سال پیش بر می‌گردد. دوران پیش از تاریخ ایران به بر اساس سیر پیشرفت فنی و ابزار سازی آدمیان، پارینه سنگی پیشین، پارینه سنگی میانه، پارینه سنگی پسین، میان سنگی، نوسنگی و دوره‌های فلزات (به ترتیب مس، مفرغ و آهن) تقسیم می‌شود.

۳. جمدت «Jemdrdt Nasr»، در ۱۰۰ کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد و طی دو فصل بین سال‌های ۱۹۲۶ - ۱۹۲۸ کاوش شد. و نام خود را به یکی از دوره‌های فرهنگی میان‌رودان داده است. بسیاری از آثار آن که در موزه‌های آشمولین، آکسفورد و شیکاگو قرار دارند و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج کاوش‌های دهه ۱۹۲۰ میلادی در چندین جلد با عنوان اسناد کاوش‌های جمدت نصر منتشر شده است. اخیراً راجر ماتوز در این زمینه مطالعه و تحقیقی کرده است.

۴. حمورابی، پادشاه بزرگ و ششمین پادشاه سلسله آموری بابل حدود ۲۱۳۸ - ۲۰۸۰ پیش از میلاد می‌باشد.

(هامورابی) به طور کلی می‌توان گفت که دوره عیلام دوران پیش از تاریخ ایران می‌باشد. که شاخص آن پیدایش و استفاده از گل نبشته‌های حاوی کتیبه‌های عیلامی می‌باشد. مرکز تمدن آغاز عیلامی «حوزه رود کر» بوده که همزمان با دوره‌های اوروک جدید بود جمدت نصر و مرحله اول سلسله‌های باستانی سومر در گاهشماری بین‌النهرین است. این گل نوشته‌ها نیز از سیلک، تپه یحیی، تل ملیان و نقاط دیگری به دست آمده که همگی از شروع یک فرهنگ آغاز - عیلامی حکایت دارند. سیلک در ۳ کیلومتری جنوب غربی کاشان قرار دارد و شامل دو تپه شمالی و جنوبی و دو قبرستان A و B است. که فاصله دو تپه اصلی از یک دیگر حدود ۶۰۰ متر می‌باشد که این محوطه^۱ یکی از مراکز اصلی فرهنگ آغاز عیلامی در مرکز فلات ایران به شمار می‌رود. در این دوره ظروف منقوش رایج می‌شوند، که این موضوع نشان از ارتباط گسترده فرهنگ آغاز عیلامی با فرهنگ جمدت نصر در بین‌النهرین است (عامریان، ۱۳۸۴: ۳۶ - ۳۷).

این دوره در کنار فعالیت‌های تجاری و سیاسی، شاهد شکوفایی مجسمه‌سازی، مهرسازی و سایر هنرها در منطقه تحت نفوذ این فرهنگ می‌باشیم (نجفی، ۱۴۰۰: ۱۲). به این ترتیب عیلامی‌ها مرحله ما قبل تاریخ را پشت سر گذاشتند و وارد مرحله جدید تاریخ خود شدند. همچنین بقایای یک بنای آجری در انشان یافت شد. که با رنگ‌های مختلف رنگ آمیزی شده بود. ابعاد و شکل این بنا نشان دهنده مکانی است. برای نگهداری و توزیع کالا که نشان دهنده نوعی رشد و پیشرفت اجتماعی و سیاسی در شیراز (فارس) می‌باشد. به طور کلی دوره آغاز عیلام نشان دهنده آغاز یک نظام سیاسی - حکومتی در فلات ایران بوده و این امر در کتیبه‌های تاریخی میانرودان به وضوح نشان داده شده است. دوره‌ای که علاوه بر فعالیت‌های تجاری - سیاسی، در آن ما شاهد شکوفایی هنر مجسمه‌سازی، مهرسازی و نیز اساطیر هستیم. دوره‌های فرهنگی اساساً مبتنی بر سفال‌گری یا تغییرات معماری بوده که تقسیم‌بندی‌های زمانی نسبی را برای مکان‌های مختلف پیش از تاریخ ارائه می‌کرد. اما دوره فرهنگی جدیدی در ایران وجود دارد که به جرات می‌توان گفت اساس این فرهنگ، را صنایع دستی مرتبط با مدیریت اداری است طبق شواهد شیل، وی اولین کسی بود که اصطلاح عیلامی (پروتو - عیلامی) را به کار برده است. وی در کار خود به نکته مهم ولایت‌های مختلف آن زمان مانند آنزانی‌ها در کنار شوشی‌ها نیز اشاره می‌کند. دنیل

۱. آثار انسانی یا آثاری که توسط بشر و طبیعت خلق شده اند. و همچنین شامل مناطق و محوطه‌های باستانی می‌شوند که از نظر تاریخی، زیبایی‌شناسی، قوم‌شناسی یا مردم‌شناسی ارزش جهانی استثنایی را دارند.

پاتس آن‌ها را متن‌های شوش ۳ می‌نامد. اولین بررسی‌ها و حفاری‌ها در شهر باستانی شوش در استان خوزستان^۱ توسط لوفتوس در سال‌های ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۳ انجام شد.

در تاریخ ۱۸۸۳ مارس دیولافوا به شوش آمد و دولت فرانسه موافقت ناصرالدین شاه را جلب کرد. دوره آغاز - عیلامی در نوشته‌های رای و جانسون از حدود ۳۱۰۰ پیش از میلاد بعد از دوره اوروک^۲ جدید آغاز می‌گردد. آلدن دامنه زمانی آن را گسترده تر از این می‌داند. وی اصطلاح آغاز عیلامی را چیزی فراتر از یک گاهنگاری زمانی به حساب می‌آورد که پیش از او مطرح شده است. بلکه به عنوان یک پدیده فرهنگی گسترده در سراسر سرزمین ایران از ۳۳۰۰ پیش از میلاد آغاز گردید و با گذشت حدود پنج قرن تا ۲۸۰۰ پیش از میلاد تداوم می‌یابد. اگر چه بعضی تلاش‌ها برای ارائه یک مدلی از ساختار اجتماعی، سازمان اقتصادی و مکانیسم‌های از گسترش آغاز عیلامی (پروتو - عیلامی)، مطرح گردیده است. لیکن بایست پذیرفت که ما اطلاعات اندکی درباره تمدن آغاز عیلامی داریم. عبدی پیشنهاد می‌کند که با ترک واژه «دوره» و استفاده از «افق آغاز عیلامی» برای این محدوده زمانی، می‌تواند در تشخیص دقیق تر زمانی و محلی بودن چهارچوب جغرافیایی آن کمک کرد که شاخصه آن مدارک مربوط به مدیریت اداری است. که در بخش‌های مختلفی از ایران یافت می‌گردد (رجوع کنید به: فلکی و احمد زاده، ۱۳۹۴: ۵-۴).

۷-۳- دوره عیلام کهن (۱۵۰۰ - ۲۷۰۰ پیش از میلاد)

با آغاز دودمان اوان یا دوره پادشاهی «پلی» پادشاه معرفی شده این عصر، آغاز می‌شود. در این بازه زمانی دودمان‌های اوان، سیماش (نایب الحکومت‌های بزرگ) و اپارتی فرمانروایی می‌کردند.

۱. سرزمین خوزستان که یکی از قدیمی‌ترین مناطق فرهنگی فلات ایران را تشکیل می‌دهد. از هزاره هفتم پیش از میلاد به طور مداوم مسکونی بوده و آثار به دست آمده از آن به خوبی توالی فرهنگی را نشان می‌دهد. اگر چه شباهت‌های زیادی بین عناصر فرهنگی دشت خوزستان و جنوب میانرودان به ویژه در دوران‌های پیش از تاریخ وجود داشته است. اما این شباهت‌ها، برخلاف آن چه تصور می‌شود، نتیجه تأثیر یک طرفه نبوده، بلکه روابط متقابل در ایجاد آن نقش داشته است. به عنوان مثال: تزئین ظروف با نقوش حیوانات یکی از ابتکارات هنرمندان فلات ایران بوده است. که برخی از سفالگران بین‌النهرینی نیز در ادوار مختلف از آن استفاده کرده‌اند. مقایسه نوع، شکل و تزئین سفال‌های فلات ایران نشان از برتری قابل توجهی نسبت به سفال‌های بین‌النهرین تقریباً در تمام دوران ما قبل تاریخ دارد.

۲. الورکا / اوروک: اوروک Uruk / (ورکا Warka کنونی): در جنوب عراق واقع شده و یکی از شهرهای باستانی میانرودان (بین‌النهرین) می‌باشد. که در قرن چهارم تا اواسط قرن اول پیش از میلاد زندگی می‌کردند و با ایزدان آنو اینانا مرتبط بودند. اسناد اوروک حاوی کهن‌ترین متون تا دوره سلجوقی بود. در دوره سومریان و در حماسه گیلگامش از این شهرها بسیار نام برده شده است.

بر اساس ماخذهای پر ابهام و آمیختگی موجود ممکن است. دودمان اوان در جایی که اکنون دزفول قرار گرفته و سیماش در خرم آباد امروزی واقع بوده‌اند. بدین جهت ریاست فرمانروایان عیلامی در دوره‌های کهن آن نزدیک به ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسید. از خصوصیت‌های تاریخ عیلام در این زمان برخورد با میانرودان به ویژه درگیری با شهر اور^۱ می‌باشد. به جای این فرمانروایان اولین دودمان اوان یا شوشتر نشست. یازدهمین حکمروای این دودمان با نارامسین (حدود ۲۲۵۴ - ۲۲۱۸ پیش از میلاد)، حکمروای بزرگ آکد رابطه‌ی دوستانه برقرار کرد.

بنابراین چندی بر نیامد که یک سلسله حاکم‌های جدید به نام دودمان سیماش (به احتمال زیاد در کوهستان‌های جنوبی لرستان)، ظاهر گردید. که مهم‌ترین رویداد این دوره استیلای شولکی^۲، فرمانروای سومین دودمان اور (۲۰۹۴ - ۲۰۴۷ پیش از میلاد)، بر عیلام بود. بر اثر این حادثه، عیلامی‌ها شوریدند و دودمان سوم اور را بر افکندند. و این رویداد در مراثی میانرودان و متون عامی مدت‌های طولانی ثبت شد. در میانه‌ی سده نوزدهم پیش از میلاد قدرت عیلام به دست خاندان جدیدی به نام اپارتی^۳ افتاد، شیروکدوش^۴ سومین پادشاه این دودمان در ائتلاف‌های نظامی علیه قدرت نو ظهور بابل فعالیت داشت. ولی نتوانست پادشاه بابل حمورابی (یا به تعبیر درست حمورابی، تقریباً ۱۷۹۲ - ۱۷۵۰ پیش از میلاد)، را حذف کند. و عیلام در تاریخ ۱۷۶۴ پیش از میلاد فرو کوبیده شد. اما بعد از مرگ پادشاه بابلی حمورابی، فرمانروایی کهن بابل به سرعت رو به نابود شدن رفت و چندی بر نیامد که عیلامی‌ها انتقامی سخت از آن‌ها گرفتند. پادشاه کوتیر - نهونته^۵ اول، بر سامسوئیلونه^۶، در تاریخ (۱۷۴۹ - ۱۷۱۲ پیش از میلاد)، فرزند پادشاه حمورابی حمله و چنان شکستی بر بابلی‌ها وارد کرد که این رخداد پس از هزاران سال در کتیبه پادشاه آشوری، آشور بانی پال ثبت شد. همچنین می‌توان گفت که عیلام با این پیروزی دوباره به استقلال رسید. و از پایان دودمان اپارتی که در پایان سده شانزدهم پیش از میلاد به وقوع رخ داده بود چیزی دانسته نیست.

-
1. Ur
 2. Shulgi
 3. Eparti
 4. Shirukdush
 5. Kutir - Nahhunte
 6. Samsuiluna

۱-۷-۳- دوره عیلام میانه (حدود ۱۵۰۰ - ۱۱۰۰ پیش از میلاد)

بنابه گفته پاتس در تاریخ عیلام در همان هنگام که جزئیات انتقال از دوران سوکلمه به دوره عیلامی - میانه شناخته شده نیست. عصر میانی عیلام بعد از دو قرن که منابع راجع به آن چیزی ننوشتند، با قدرت گیری دودمان انزانی که محدوده آن به گمان بسیار در کوه‌های شمال شرقی استان خوزستان امروزی بوده آغاز شد. همچنین «آغاز دوره عیلام - میانه بر حسب معمول تقریباً ۱۵۰۰ پیش از میلاد و اواخر آن تقریباً ۱۱۰۰ پیش از میلاد، به شمار گرفته می‌باشد» در دوره عیلام میانه سه مرحله قابل تشخیص می‌باشد که هر کدام به نام دودمانی حاکم در آن دوره هویدا می‌شود که در آن‌ها میسر نیست، و احتمالی نزدیک به یقین می‌باشد (عیلام - میانه - یک)، که به سبب دارا بودن انبوه اسناد و مدارک از شوش ارزش و اهمیت داشت. همین‌طور (عیلام - میانه - دو)، که با پیوند میان اعضای خانواده سلطنتی معاصر خود بوده در دودمان کاسی‌ها در بابل مشخص شده است. در این دوره پادشاه اونتاش - ناپیریشا مکان دیگری را در چغازنبیل^۱ بنیان نهاد. در آن کاخ معبد پله دار یا زیگوراتی ساخت که در آن جا ایزدان نواحی بلند همراه با ایزدان دشت عبادت می‌شدند. (عیلام - میانه - سه) که در این دوره سرنگونی و نابودی کاسی‌ها یکی از عمده ترین چهره‌های تاریخ عیلام، پادشاه شوتروک ناهونته اول رخ داد.

بنا به فرموده پاتس، بر حسب اسناد و مدارک، پادشاه نوکد نزار، چهارمین پادشاه دودمان جنوب بابل در قلمروی دریا (اصطلاحی است، که به تالاب‌های جنوب عراق گفته می‌شود). به دوره عیلام میانه خاتمه داد. میانه‌ی نیمه دوم هزاره سوم بعد از میلاد زمان پادشاه شیلهاک - اینشوشیناک، اوج نمایان و شکوفایی فرهنگی و تمدن عیلام باستان بوده است. پادشاه تپتی - آهار مؤسس هفت‌تپه نیز از پادشاهان عظیم این دوره بوده که در دوره تاریک دوم فرمانروایی می‌کرده است. همین‌طور در زمان پادشاه خونبا نومنا تقریباً حدود ۱۲۸۵-۱۲۶۶ پیش از میلاد، چهارمین پادشاه این سلسله توسعه سیاسی به سرعت رخ داد و برای وی لقب «گسترش دهنده امپراتوری» را به ارمغان آورد. پادشاه اونتاش گال یا (اوتادس (د) گال یا اونتاش هوبان)، فرزند وی که هم

۱. این بنا که در تاریخ ۱۹۷۹ میلادی در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفت. در استان خوزستان ایران و در جنوب شرقی شهر باستانی شوش قرار دارد. این بنا در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد توسط اونتاش - گال برای ستایش خدای اینشوشیناک، نگهبان شوش ساخته بود. این بنا در حمله آشوربانی‌پال پادشاه قهار آشوریان همراه با تمدن عیلام باستان ویران شد و بعد از آن در زیر خاک ناپدید شد تا زمان حاضر که توسط عیلامی‌شناس فرانسوی رومن گریشمن خاک‌برداری و کاوش شد

دوره با پادشاه شلمنصر اول آشور از حدود ۱۲۷۴-۱۲۴۵ پیش از میلاد و پایه گذار شهر اونتاشی (چغازنبیل امروزی) بود. به جای وی بر تخت نشست. عیلام در سالهای بعد از اونتاش گال با قدرت نو ظهور آشور به شدت و وحدت وارد جنگ و آشوب واقع شد. توکولتی - نینورتای اول از حدود ۱۲۴۴-۱۲۰۸ پیش از میلاد) پادشاه آشور به کوههای شمال عیلام لشکرکشی کرد. عیلامی‌ها در زمان پادشاه کیدین - خوتران^۱ دومین پادشاه بعد از اونتاش گال با موفقیت تمام در مقابل این لشکرکشی ایستادگی کردند و در حمله و تهاجم به بابل آن را به باد غارت دادند. ولی این گونه بر می‌آید که قدرت آشوری‌ها بیش از عیلامی‌ها بوده است. توکولتی - نینورتا برای مدتی سلطه آشوری‌ها را بر جنوب میان رودان گسترش داد و کیدین - خوتران در سایه حمایت قدرت وی قرار گرفت.

دودمان انزانی به عاقبت الامر رسید. فرمانروایی شوتروک نهونته اول^۲ در حدود ۱۱۶۰ پیش از میلاد، بعد از یک دوره نا آرامی و آشوب داخلی و در نیمه دوم دوره عیلام میانی شروع شد. بعد از این فرمانروا که پایه گذار اصلی دودمان جدید بود. دو پادشاه نسبتاً قدرتمند ولی کم تاثیر به قدرت رسیدند و پایتخت آن‌ها گویا شهر شوش امروزی (سوس) بود. عیلام در این دوره یکی از بزرگترین قدرت‌های نظامی خاور نزدیک شد. توکولتی - نینورتا در حدود تاریخ ۱۲۰۸۸ پیش از میلاد از دنیا رفت و آشور گرفتار دوره‌ای از ضعف داخلی و نا بسامانی سیاسی واقع شد، عیلامی‌ها بلافاصله از این موقعیت بهره گرفتند. و به ناحیه رود دیاله و قلب بین‌النهرین (میانرودان) لشکرکشی کردند. پادشاه شوتروک - نهونته اول، بابل را به تصرف خود در آورد و ستل حمورابی، را به شهر شوش منتقل کرد. پادشاه شیلخاک - این - شوشیناک برادر و جانشین کوتیر - نهونته فرزند ارشد شوتروک نهونته عیلامی با این وجود نگران بهره گیری از ضعف آشور به نفع خود برد، ولی تا شمال منطقه کرکوک امروزی لشکرکشی کرد.

اما دومین دودمان ایسین^۳ در بابل علیه سلطه عیلامی‌ها سرکشی کردند. استیلای عیلامی‌ها را در مرکز بین‌النهرین نابود کردند. فرمانروایی نظامی عیلام به سرعت رو به نابودی رفت. پادشاه نبوکد نصر اول بابلی تقریباً حدود ۱۱۲۴ - ۱۱۰۳ پیش از میلاد به عیلام حمله کرد. عیلام را از پا انداخت و حکومت عیلام با دومین یورش بابلیان در هم کوبیده شد و دوره عیلام میانه به پایان

1. Kidin – Khutran

2. Shutruk – Nahunte

3. Isin

یافت. حتی می‌توان این گونه بازگو کرد که کتیبه‌های کهن، عیلامی خطی و به خصوص کتیبه‌های شوش^۱، دربردارنده فهرست آثار و موادی می‌باشد که برای قربانی و یا مصرف روزانه عبادتگاه‌ها و تشکیلات مرتبط مصرف می‌شده است. تعداد زیادی از الواح و کتیبه‌های عیلامی از دوره عیلام میانه به ویژه از شوش و چغازنبیل^۲، تل ملیان در استان فارس^۳ به دست آمده است. کتیبه‌های ملیان اولین گروه بزرگ اسناد عیلام میانی می‌باشند که کاربرد زبان عیلامی را به عنوان زبان اداری نشان می‌دهند. پیش از آن حداکثر در شوش زبان آکدی زبان اداری بود که پیشینه آن به حدود نیمه نخست هزاره دوم می‌رسد. نکته گفتنی این که در طی دوره عیلام میانه، نظام کهن جانشینی خلافت و تقسیم قدرت نیز از بین رفت. فرزند جانشین پدر می‌شد و چیزی از تقسیم قدرت به صورت نظام فدراتیو یعنی همان (وحدت - اتحاد)، باقی نماند. این نکته به گمان بسیار به افزایش قدرت مرکزی عیلام در شهر شوش، منقضی شده و لشکرکشی‌های مؤثر و قاطع آن را در خارج از عیلام و پیروزی‌های آن را در پی داشته بود. همینطور نظام کهن منطقه گرابی^۴ که با فدرالیسم^۵ معادل می‌شده، آسیب دید.

و منازعات و جنگ‌های فرقه‌ای و خانگی که عیلام را در دوره جدید آن به ضعف و سستی کشاند. ریشه در دگرگونی‌های محوری قرن‌های سیزده و دوازده بعد از میلاد داشت.

۲-۷-۳- شرح کامل منابع عیلام نو

مستندات و مدارک مربوط به تمدن عیلام بالغ بر سه هزار سال پیش را در بر می‌گیرد. اما چند وقفه مهم وجود دارد که تاریخ عیلام جدید را با چنین وقفه‌ای در حدود دوره عیلام جدید یک، نزدیک به ۱۰۰۰ - ۷۴۳ پیش از میلاد آغاز می‌کند. و تا میانه سده‌ی هشتم پیش از میلاد طول می‌کشد تا منابع آکدی و عیلامی هر گونه معلومات و آگهی مهمی مربوط به اوضاع سیاسی به دست ما دهند. منابع متفاوت عبارت بوده‌اند از: کتیبه‌های شاهی، وقایع نامه‌ها، نامه‌ها، پرسش‌های تفرالی، اسناد حقوقی و اداری، و چند متن دیگر که فراخور با این عناوین و نمونه‌های کلی نیستند. یک بازنگری کامل و انتقادی این انواع واحد ماخذها و ویژگی‌ها و کاربرد آن‌ها فراتر از چهارچوب این اثر است. که تنها فقط شرح کلی مختصری از منابع نوشتاری در پی می‌آید.

-
1. Susa inscriptions
 2. And Tal Melian in Fars province
 3. From Shush and Chaghazanbil
 4. Regionalism
 5. Federalism

۳-۷-۳- عیلام نو (حدود ۱۰۰۰ - ۵۳۹ پیش از میلاد)

پس از نابودی تمدن عیلام میانه، تا چندین سده تاریخ عیلام در پیچیدگی و تاریکی فرو رفت و نخستین نشانه‌های ظهور دوباره قدرت عیلامی‌ها را ما می‌توانیم. در اوایل هزاره اول پیش از میلاد مشاهده نماییم. که دوره آغاز تمدن عیلام نو می‌باشد. این دوران را می‌توان در شوش شوشان یافت. جمعیتی که در این دوره زندگی می‌کردند. شامل وابستگان از پیشینیان لرها، کادوس و مادها بودند عیلام نو (۵۳۹ - ۱۰۰۰ پیش از میلاد) از حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد تا پیروزی کوروش کبیر بر بابل به تاریخ ۵۳۹ پیش از میلاد می‌رسد. همچنین تمدن عیلام نو را به چهار مرحله دسته بندی کرده‌اند. این دسته‌بندی برحسب ملاحظات تاریخی و تغییرات اطلاعات باستان‌شناسی در نظر گرفته شده است. که عبارت بوده اند از: IA، (حدود ۱۰۰۰ - ۹۰۰ پیش از میلاد)، II، (حدود ۷۵۰ - ۶۵۳ پیش از میلاد)، IIIA، (حدود ۶۵۳ - ۶۰۵ پیش از میلاد) و IIIB، (حدود ۶۰۵ - ۵۳۹ پیش از میلاد) می‌باشند. از این روی دوره (عیلام نو ۱۰۰۰-۷۴۴ I- پیش از میلاد) به دوره‌ای بین پایان عیلام میانی در تل ملیان و ظهور اولین فرمانروای عیلامی در هزاره نخست پیش از میلاد در رویداد نامه بابلی، اشاره دارد. که بر پیوند سیاسی مجدد عیلام و میان‌رودان دلالت دارد.

در حالی که از مرحله کهن (عیلام نو I، حدود ۱۰۰۰ - ۷۴۴ پیش از میلاد)، معلومات اندکی در دست داریم. دوره عیلام نو II (۶۴۶ - ۷۴۳ پیش از میلاد)، به یک سده تعامل شدید آشور و عیلام مربوط می‌شود که در زمان غارت وحشیانه شوش به دست پادشاه آشوری (آشوربانی پال) به اوج رسید. مرحله میانی، عیلام نو اسناد و مدارک کافی در منابع آشوری وجود دارد، زیرا که این مرحله دوره نزاع و درگیری‌های شدید بین پادشاهان آشوری و تعدادی از حکمرانان عیلامی بود. که بیشتر با شورشیان جنوب بین‌النهرین متحد و یکپارچه بودند. کنیه‌های پادشاه شوتروک نهونته دوم (حدود ۷۱۷ - ۶۹۹ پیش از میلاد)، از شوش پیوند دوران دیرینه را در تاریخ عیلام نشان می‌دهد. اما اغلب مستندات باستان‌شناختی آن دوره در این مکان به شدت به هم ریخته است. همچنین ارتباط اغلب تاریخچه سابقه نظامی آشور با باستان‌شناسی عیلام از این نظر ساده و ناممکن است که بیشتر شهرهای غرب استان خوزستان که فشار تعرض‌های آشور (آسور) را متحمل شده بودند. هنوز شناخته نشده اند چه برسد به این که خاک برداری شوند. این گمان نیز وجود دارد که زیر فشار شدید آشوریان عیلام همچون دوره عیلام میانه، دیگر حکومتی یک

پارچه و یک دست نبود که بخش‌های بلند فارس و دشت‌های خوزستان را به هم پیوند می‌داد. شهرهای خاصی چون هیدلو یا مدکتو دیگر در هیچ زمانی زیر فرمانروایی پادشاه عیلامی واحدی نبودند.

سر انجام دوره عیلام نو III (۶۴۶ - ۵۳۹ پیش از میلاد) عیلام نو ۳ که خود به دو مرحله طبقه بندی شده است. دوره اول آن ۵۸۵ - ۷۵۰ پیش از میلاد به دیدگاه تاریخی از زمان اسارت و مرگ «ت - اومن» تا حاکمیت «نبوپلسر» می‌باشد. بدین‌سان با دوره قبل از پادشاه آشوربانی‌پال به شوش تداخل دارد. دوره دوم آن ۵۳۹ - ۵۸۵ پیش از میلاد با دوره‌ای از زمان حرکت نبوکد نصر دوم تا شکست و انهزام نبونیدوس و به فرمانروایی رسیدن پادشاه کوروش کبیر همزمان می‌باشد. برای اشاره به دوره‌ای از آخرین حمله پادشاه آشوربانی‌پال^۱ به عیلام تا تثبیت نهایی شاهنشاهی جدید هخامنشی‌ها و سقوط بعدی پادشاهی کهن شوش و انشان می‌باشد. که در دوره عیلام نو حاکمیت اغلب در دست فرمانروایان دره‌های اطراف دشت شوشان بود و تمدن عیلام دیگر آن قدرت دوره‌های پیشین را نداشته بود. در طول تاریخ عیلام سلسله‌های گوناگونی بر این سرزمین حکومت کردند که به اختصار در زیر خواهند آمد:

۴-۷-۳- سلسله اوان (Awan)

در مورد تاریخ سلسله اوان باستان‌شناسان متعددی تاریخ‌های نزدیک به هم را معرفی کردند. شیرین بیانی^۲ می‌نویسد: راجع به یافته‌های باستان‌شناسی نخستین سلسله عیلامی که بر عیلام فرمانروایی نمود، سلسله اوان در حدود ۲۷۰۰ پیش از میلاد و تاریخ فروپاشی آن ۲۲۰۰ پیش از میلاد می‌باشد. سلسله اوان با ۱۲ پادشاهی که تا امروز شناسایی گردیده بود. با عنایت به فهرست پادشاهان عیلامی، و دیگر اسناد و مدارک موجود باستان‌شناسی، آغاز این سلسله در تاریخ ۲۷۰۰ پیش از میلاد می‌باشد. پادشاهان و سلاطین این سلسله تا تاریخ ۲۲۰۰ پیش از میلاد در ناحیه یا ایالت اوان فرمانروایی کردند. یکی از پادشاهان شناخته شده این دوره اوان «هیتا» و «پلی»، که

۱. آشوربانی‌پال / آشور بنی پال (به آکدی (Assur - bani - apli)). از حدود ۶۶۹ تا ۶۲۵ یا ۶۳۱ پیش از میلاد؛ وی پادشاه آشور بود. آشوربنی‌پال آخرین فرمانروای مقتدر آشوری‌ها بود. که جانشین پدرش اسرحدون شد. معنای نام وی این است: «آشور وارث (بدیل) یا همان به وجود آورنده یک جانشین است». در کتاب مقدس، نام وی (Asenappar)، است. ژوستینوس مورخ رومی نام خود را (ساردانا پالوس) نوشته است. در سال ۶۳۹ پیش از میلاد، آشوربنی‌پال، پادشاه آشور، عیلام را شکست داد و شهر شوش را غارت کرد. پس از این جنگ، عیلام باستان هرگز نتوانست به قدرت سابق خود بازگردد.

۲. شیرین بیانی تاریخ نگار، پژوهش گر، استاد دانشگاه و نویسنده ایرانی است.

چهارمین پادشاه این سلسله بوده و در تاریخ ۲۶۰۰ پیش از میلاد فرمانروایی می‌کرده ثبت شده است. به دلیل معاهده‌ای که بین او و «نارامسین» پادشاه آکد منعقد گردیده بود. در بخش مذهب عیلام با معاهده ذکر شده بیشتر آشنا خواهیم شد. همچنین با عنایت به تاریخ پیشنهادی مورخان و باستان‌شناسان متفاوت به نظر می‌رسد در تاریخ ۲۵۷۰ پیش از میلاد برای اولین بار سلسله‌ای در عیلام ساخته شد که نقطه مرکز آن شهر اوان بود.

۵-۷-۳- سلسله سیماش (Simash)

پس از سلسله اوان فاصله زمانی ۱۰۰ سال در تاریخ عیلام باستان رؤیت می‌گردد، که تاریخ و اتفاقات آن هنوز آشکار نشده است. پس از این زمان از سال ۲۱۰۰ پیش از میلاد، شاهد روی کار آمدن سلسله سیماش می‌باشیم. سلسله سیماش ۳۰۰ سال یعنی از تاریخ ۲۰۳۰ تا ۱۸۵۰ پیش از میلاد به این سرزمین حکمرانی کردند. فهرست پادشاهان عیلامی شوش بعد از ۱۲ پادشاه اوان به همین تعداد از پادشاهان عیلام نام برد. جایگاه پایتخت جدید تمدن عیلام (سیماش) یعنی شهر را از تاخت و تاز پادشاهان تازه نفس و محفوظ نگاه داشته بود. این فرمانروایان در حدود ۲۱۰۰ پیش از میلاد فرمانروای جدیدی در میانرودان (بین النهرین) به وجود آوردند. و برای آخرین بار در فرهنگ دیرینه سومری با قرار دادن این مدنیت و فرهنگ در چهارچوب یک فرمانروایی کاملاً سامی شده جانی تازه دمیدند. آن‌ها بر سوزیان نیز مسلط و صاحب اختیار شدند و در حدود یک سده صلح و آبادانی را در این سرزمین تأمین کردند. تزیت اول در تاریخ ۲۰۷۰ پیش از میلاد؛ سلسله اول سیماشکی یا سیماش را پایه‌گذاری کرد.

۶-۷-۳- سلسله آنزان (Anzan)

دودمان آنزان یا (سلسله آنزان)، که مؤسس آن «ایکهایکی» می‌باشد. از تاریخ ۱۳۵۰ تا ۱۲۱۰ پیش از میلاد به پادشاهی رسیده‌اند. شماری از مورخان و باستان‌شناسان^۱ تمدن عیلام را در ردیف تمدن‌های سومری‌ها و بابلی‌ها^۲ می‌دانند. زیرا تمدن عیلام به طور واقعی و آن گونه که مقبول و شایسته است. معرفی نگردیده است، دلیل اصلی آن است که به علت دیرتر معرفی شدن در فهرست طبقات تمدن‌ها قرار نگرفته و با مدارک دشمنانش، شناسایی شده است.

1. Historians and Archaeologists
2. Sumerian and Babylonian civilizations

۸-۳- سلسله‌های سلاطین عیلام باستان^۱

در این عصر خانواده‌های بسیاری در عیلام حکومت را در دست گرفتند. با تجلی این دودمان که به بیانی دیگر مشتمل بر دوره‌های عیلام کهن، عیلام میانه و عیلام جدید (نو)، می‌باشد. حکومت عیلام به فرمانروایی و عظمت و اقتدار سیاسی، نظامی و تجاری دست می‌یابد. بدین سان در این زمان تمام سرزمین عیلام به تصرف پادشاهان و حکام این عصر در آمده و پیروز شدند پادشاهی و تمدن بزرگی را تشکیل دهند. سلسله‌های سلاطین عیلام باستان شامل چند خانواده بود که هر کدام به نوبه خود مدتی بر عیلام حکومت راندند این خانواده‌ها عبارت بوده‌اند از:

* دوره خانواده پارتی، مؤسس آن «آپارت» یا «ابارت» بوده است. این دوره از ۱۸۵۰ پیش از میلاد تا ۱۵۰۵ پیش از میلاد شروع و ادامه دارد. دوره خاندان اپاراتی را دوره «سوکالماهو» یا عیلام کهن نیز می‌نامند.

* خاندان ایکهالکی، سلاطین این دوره از سال ۱۳۵۰ تا ۱۲۱۰ پیش از میلاد بر کشور عیلام حکومت کردند.

* دوره خاندان شوتروک - این خاندان نیز از سال ۱۲۵۰ تا ۱۱۱۰ پیش از میلاد به مدت ۱۰۰ سال بر مناطق تحت فرمانروایی عیلامیان حکومت کردند.

* دوره حکومت، خانواده‌های ایکهالکی و شوتروک‌ها را عیلامی‌های میانه می‌نامند.

* سلسله عیلام جدید (نو) سلاطین عیلام جدید از ۷۶۰ تا ۶۴۰ پیش از میلاد بر کشور عیلام حکومت می‌کردند. بین برخی سلسله‌ها گسست‌هایی رخ می‌دهد. که تاریخ و وقایع آن‌ها به خوبی مشخص نیست (جوزی، ۱۳۷۲: ۱۴).

همچنین در دوره پادشاهی به نام تپتی آهر^۲ به حکومت می‌رسد. که وی مجموعه بزرگ هفت تپه را می‌سازد و در این دوره هفت تپه مرکز عیلام قرار می‌گیرد. در دوره دوم پادشاه مقتدر عیلام اونتش - نیپریش (گل) به حکومت می‌رسد که مهم‌ترین اقدام وی ساخت شهر عظیم دور - اونتاش یا همان چغازنبیل و زیگورات معروف آن می‌باشد. در دوره سوم پادشاهی شوتروک نهونته اول و دودمان او را داریم. که در زمان سلسله وی بین‌النهرین از عیلام شکست‌های زیادی می‌خورد. آن منطقه چندین بار توسط پادشاهان عیلامی غارت می‌شود. این دوره که عصر

1. The dynasties of ancient Elam sultans

2. Tepti - Ahar

کلاسیک عیلام هم نامیده می‌شود؛ اوج اقتدار عیلامی‌ها می‌باشد. بیشترین داده‌های باستان‌شناسی نیز از این دوره به جای مانده است. این دوره نیز پس از حمله نبوکد نزار اول در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد مضمحل شد. کم‌کم قدرت آن‌ها افول کرد و قدرت عیلامی‌ها به دره‌های اطراف دشت شوشان منتقل گشت (نجفی، ۱۴۰۰: ۱۴).

بدین جهت در رابطه با نژاد مردم عیلام به آسانی نمی‌توان اظهار نظر کرد. ولی می‌توان گفت که مردم عیلام نژادی در هم آمیخته داشته‌اند. و تا امروز هیچ گونه اتصال و پیوستگی آن‌ها را به یکی از اقوام شناسایی شده نمی‌توان مشخص کرد. راجع به نژاد بومیان عیلام باستان عقاید مختلفی وجود دارد. به نظریه دیولافوا و دومرگان این است. که بومی‌های اولی این قلمرو حبشی بودند بعضی‌ها باور داشتند که سواحل خلیج فارس تا استان سیستان و بلوچستان از حبشی‌ها مسکون بوده است. به هر جهت پس از سده‌های زیاد مردمانی که در پیرامون شط العرب و رأس خلیج فارس سکونت داشته و موسوم به مردم سومری بودند. به این سرزمین آمده و چیره شدند. پس از آن‌ها جمعیت سامی نژاد به این قلمرو آمدند ولی استیلای آن‌ها در نواحی کوهستانی آن دوامی نداشت. از مردمان کوهستانی نام کوسی‌ها یا کیس‌سی‌ها بسیار ذکر شده است. یونانی‌ها آن‌ها را اکسیان خوانده‌اند. این‌ها جمعیتی بودند استقلال طلب و مطیع کردن آن‌ها بسیار دشوار بود. به طوری که تسلط و توانایی بیگانه‌ها بر آن‌ها دوامی نداشت.

البته گروهی دیگر ساکنان اولیه عیلام را افرادی شبه سیاه می‌دانند که با درآویدی‌های هند پیوستگی داشته‌اند آن‌ها در واقع این بومیان را از نژاد مدیترانه‌ای به شمار می‌رفتند. دسته سوم، ساکنان اولیه عیلام را از نژاد آسیاسس یا آریایی می‌دانند. که به هیچ کدام از نژادهای هند و اروپایی و سامی وابستگی ندارند. ولی گمان دارد که مردم عیلام با لولوبی‌ها وجوه مشترک و چند معنایی داشته‌اند که قومی کوهستانی بودند و در شمال منزلگاه آن‌ها میزیستند. بر دیوارهای قصر ویران شده داریوش در شوش، که در حدود ۵۰۰ پیش از میلاد بنا شده بود، هنرمندان و اهل ذوق سه نوع نژاد را نشان داده‌اند. برخی‌ها از آنان سفید پوست و ظاهراً ایرانی بوده‌اند. هرچند که جامه و لباس عیلامی بر تن داشتند. دسته دیگر: به رنگ قهوه‌ای و سومی تقریباً سیاه بود. این مردم ممکن است عیلامی‌های داخل قلمروی عیلامی باشند. حتی امروزه مردم سیاه پوست که به هیچ عنوان به سیاه پوستان آفریقایی شباهت ندارند، در استان خوزستان کنونی مشاهده می‌شوند. این مردم خود را عرب می‌دانند و به زبان عربی سخن می‌گویند. احتمال دارد که جمعیت عیلام‌باستان

مخلوط بوده و از اولین ساکنان سیاه پوست این ناحیه به حساب می‌رفته‌اند که در هم آمیخته از نژادی غیر معلوم و سامی‌ها بودند که از میان رودان به آن بخش آمده بودند در حدود (۲۵۰۰ پیش از میلاد)، دشت عیلام که ایرانی‌ها آن را استان خوزستان خوانده‌اند.

مردم عیلام در هزارهٔ چهارم پیش از میلاد زندگی شهرنشینی را با اسکان یافتن در بخش جنوب غربی ایران شروع کردند و بر نواحی گسترده‌ای دستیابی یافتند. به گونه‌ای که از دوران‌های بعدی به سواحل خلیج فارس لیان (بوشهر امروزی)، هم دست یافتند. بدین جهت ایالات مهم عیلام عبارت بوده‌اند از: شوش، اوان در شمال غربی شوش، سیماش شامل بخش شمال و شمال شرقی دشت خوزستان و دارای نواحی کوهستانی، انزان یا انشان در شرق و جنوب شرقی مال‌امیر بختیاری و پارسوماش که شامل مسجد سلیمان^۱ کنونی بوده است. اوان و سیماش و انزان نام سلسله‌های عیلامی می‌باشند که مدتی بر عیلام فرمانروایی کردند. کتابت در این زمینه تاریخ عیلام سزاوار و مستلزم اتکایی متزلزل بر جرح و تعدیل و حدس و گمان می‌باشد. بی‌نظمی‌ها، وقفه‌ها، فقدان هماهنگی قابل تشخیص میان منابع بین‌النهرینی و عیلامی ایجاب می‌کند که بیش‌ترین استنتاج‌ها موقت باشد. به قدر کافی ابهامی در اسناد و مدارک وجود دارد که کلکسیون وسیعی از تفسیرها را به توان به طور نتیجه بخش مورد بحث قرارداد. منابع عیلامی حی و حاضر، به خودی خود، در زمینه تعیین یک توالی گاه شناختی و تاریخی مطمئن و مفصل، امید کمی می‌بخشیند. بدین سان، تحلیل و تجزیه تاریخ عیلام لزوماً مبنی بر منابع میانرودان می‌باشد. که مبنای گاه شناختی و تاریخی برای تاریخ‌های ۷۴۳ تا ۶۴۶ پیش از میلاد فراهم می‌کنند. تعیین گاه شناختی آن متون عیلامی که خارج از این گروه قرار می‌گیرند (یعنی آن‌هایی که ممکن نیست با توالی تاریخی مبنی بر میان رودان پیوسته شوند)، بی‌صراحت و موقت می‌باشد.

این پژوهش دیدگاه و رویکردی حداقل را بر اساس این اصل پذیرفته است. که توالی تاریخی فراهم شده به وسیلهٔ منابع بین‌النهرینی بسیار مهم است. در هر جای ممکن، اسناد و مدارکی از منابع عیلامی با گاهشماری تاریخی فراهم شده به وسیلهٔ منابع میانرودان ارتباط و پیوند داده شده‌اند. همین طور تمدن عیلام در تمامی این دوره‌ها با «سومر^۲، بابل^۱ و آشور^۲» در جنگ و ستیز

1. Suleiman Mosque

۲. سومر یا به عبارت دقیق‌تر (شومر)، اولین تمدن شهری در منطقه تاریخی جنوب بین‌النهرین (میانرودان) بوده که آن را اولین تمدن در جهان باستان می‌نامیدند. سومری‌ها یکی از اقوام باستانی بودند که در جنوب سرزمین امروزی عراق یعنی بین‌النهرین زندگی می‌کردند.

بود و بعضی مواقع نیز از طریق تجارت با آنها رابطه دوستانه برقرار می‌کرد. از جانب دیگر، عیلام با دیگر مناطق فلات ایران هم رویه مشابهی داشت. در تمامی این موارد مهم‌ترین هدف تمدن‌های متعلق مهار وابستگان جنگجو در شرق و بهره‌برداری از نواحی اقتصادی فلات بود.

۱-۸-۳- موقعیت جغرافیایی شوش

شهرستان شوش در شمال غربی استان خوزستان امروزی در دشتی حاصل خیز و پر محصول در سراسیمبی شرقی رود شاهور به وجود آمده و از آغاز تا امروز به همین نام نامیده می‌شده است. شهر شوش، مهم‌ترین شهر عیلام و از دیرینه‌ترین و متمدن‌ترین شهرهای عیلام باستان بوده است. که مدت طولانی پایتخت آن محسوب می‌شده است، هم چنین جغرافی‌دانان قدیم یونان و روم مانند استرابون، ایالتی از عیلام را که شوش در آن واقع بود، به سبب اهمیت این شهر، سوزیان یا سوزیان نامیده‌اند. همینطور این شهرستان به استثنای جنوب غربی، گرداگرد این دشت را کوه‌هایی فرا گرفته که عبارت بوده‌اند از: کوه‌های زاگرس در شمال، کوه‌های مرتفع مرکزی در شرق و جنوب شرقی، کبیر کوه در مغرب و شمال غربی و تپه‌های پست و بلند در جنوب از لحاظ جغرافیایی، این شهر در طول ۴۷ درجه و ۱۷ دقیقه و عرض ۳۲ درجه و ۱۲ دقیقه قرار گرفته و بلندای آن از سطح دریا ۷۸ متر می‌باشد. تپه‌های شوش کم و بیش در ۵۰ کیلومتری جنوب اندیمشک و در ۱۱۴ کیلومتری شمال اهواز و در کنار جاده‌ای که از اندیمشک به سمت شهرستان اهواز و از طرف غرب با استان ایلام امروزی، از جنوب غرب با دشت آزادگان و از شرق به شهرستان دزفول کشیده و واقع شده است. گسترش این پهنه‌ها بنا بر دلایل باستان‌شناسی تقریباً ۴۰۰ هکتار می‌باشند. همچنین اطلاعات راجع به پهنه‌های شهر شوش را امروز می‌توان از منابع بی‌شماری با عنایت به دوره‌های گوناگون به دست آورد. زیرا گذشته از کاوش‌های سنتی

۱. بابل یک کلمه آکدی به معنای «دروازه خدا» است. این تمدن در حدود هزاره دوم در شهر بابل شکل گرفت و یکی از تمدن‌های بین‌النهرین به شمار می‌رود. همچنین یکی از مهم‌ترین فرمانروایان این تمدن حمورابی (هامورابی)، می‌باشد. که مدون‌ترین قانون دوران باستان را نوشته و برای تبرک در شهر شوش (شوش کنونی) قرار داده است.

۲. تمدن آشور یکی از تمدن‌های بین‌النهرین می‌باشد. این دولت آشوری دولت مهمی بوده که در خاورمیانه کهن شکل گرفت و در ابتدا تابع تمدن بابل بود. در تاریخ ۱۸۰۰ پس از میلاد، فرمانروایان اولیه آشوری شهرهای آشور، نینوا و اربیل را متحد کردند و سلسله‌های پادشاهی آشوری پس از سال ۱۴۲۰ این دوره‌ها در برگیرنده دوره قبل از تاریخ که فرهنگ شوش A و اوروک قدیم، میانی و جدید که به شوش I و شوش II شناخته شده است، دوره آغاز تاریخی که فرهنگ آغاز عیلامی یا شوش III می‌باشد. میلادی تشکیل شدند. آشور حدود هزار سال دوام آورد. سنخریب و آشورینی‌پال مهم‌ترین پادشاهان این تمدن بزرگ می‌باشند.

دیولافوا، دمورگان و دومکنم که بیشتر جنبه کشف اشیاء و آثار باستانی در تمام دوران بدون توجه به بافت پراکندگی بوده، ما بقی کاوش‌ها اصولاً مبتنی بر حفاری‌های علمی و کنترل شده متناسب با دوره‌های فرهنگی ارائه شده بود.

۲-۳-۸- تشخیص سه دوره شوش

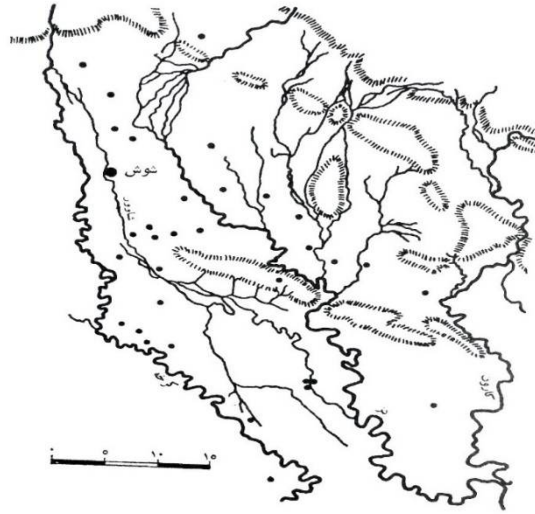
* دوره I لایه‌های طبقات ۲۷ تا ۲۳

* دوره II لایه‌های طبقات ۲۲ تا ۱۷

* دوره III لایه‌های طبقات ۱۶ تا B۱۴

دوره I، نخستین اشغال و استقرار در شوش را عرضه می‌دارد و به مرحله شوش A معروف است، زیرا که مواد سفالی آن با آن چه که لوپرتون از جعفر آباد و شوش به دست آورده تطابق دارد. این مواد سفالی در لایه‌های ۲۷ تا ۲۵ به طور خاص با تزئین نخودی منقوش مشخص شده که در لایه‌های ۲۴ و ۲۳ با تغییراتی تداوم می‌یابد. این تغییرات که شاخص آن ظهور خشت‌های کوچک‌تر در ساختمان‌ها و فراگیر شدن سفال‌های نوعی اوروکی است تا لایه ۱۷ ادامه یافت. از طرفی جانسون لایه ۲۴ را مربوط به شوش A پایانی دانسته و در پس آن لایه‌های ۲۳ و ۲۲ را دوره اوروک قدیم، لایه‌های ۲۱ و ۱۹ را اوروک میانی و لایه‌های ۱۸ و ۱۷ را هم زمان با اوروک جدید تطبیق می‌دهد (رجوع کنید به: افشارمحمدی، ۱۳۹۷: ۲۰). به دنبال آن دوره‌های تاریخی که راجع به سلسله‌های اوان، عیلام کهن، میانه و نو، هخامنشی^۱، پارت^۲ و ساسانی^۳ می‌باشد که از شوش IV آغاز و تا شوش XI ادامه می‌یابد دوره‌های اسلامی نیز تا سده هفتم هجری^۴ در قسمت‌هایی از تپه‌های شوش وجود داشته است. از این رو این پهنه‌های پهناور در میان دو رود بزرگ کرخه^۵ «رود خواسپ» در غرب و رود دز «رود کوپراتس» تقریباً در شرق و اولای یا اولئوس در شمال منطقه قرار داشته و جای گرفته‌اند. رودخانه‌ها هم منبع بسیار خوبی برای کشاورزی و هم سدی طبیعی برای سرزمین در مقابل مهاجمان آن زمان بودند. و در هر صورت در رشد و شکوفایی تمدن شوش^۶ یا (شوشان) مؤثر واقع گردیدند. بخش اصلی قلمروی عیلام، دشت شوش یا شوشون بوده است، که صورت یونانی آن سوزیانا می‌باشد.

-
1. Achaemenid
 2. Part
 3. Sassanid
 4. 7th century AH
 5. Big Karkeh River
 6. Susa civilization



تصویر ۳-۲ - نقشه شوش (هیتس، ۱۳۹۶، ۹).

۳-۸-۳- نگاهی گذرا به محل‌های باستانی آثار مورد بحث

هدف از طرح این قسمت نشان دادن اطلاعات مختصری پیرامون نقاط جغرافیایی^۱ و کاوش‌های به انجام شده در محل‌های کشف شده که در این پایان‌نامه از آن‌ها یاد شده می‌باشد. همین‌طور در پایان شماری از منابع ذکر می‌گردد. تا در صورت لزوم و کسب اطلاعات افزون‌تر به آن‌ها مراجعه گردد.

۳-۸-۴- تپه‌های باستانی و تاریخی شوش

در صنعت جهان گردی و گردشگری آثار تاریخی، به صورت کلکسیونری از سبک‌ها، آثار معماری، سنگ‌تراشی و کاشی‌کاری و دیگر هنرها می‌باشد. که خود از زیباترین و پر ارزش‌ترین جاذبه‌های گردشگری و توریستی محسوب می‌شوند. شهرستان شوش به دلیل دیرینگی زیاد تاریخی با وجود چندین تمدن باستان و تمدن اسلامی، واجد آثار تاریخی پر ارزش و سزاواری می‌باشد. این آثار در سطح شهرستان عبارت بوده‌اند از: تپه‌های باستانی شوش که شامل آکروپل - گورستان دوران اور تپه‌های مرکزی شهر شاهین تپه شرقی یا شهر معرف صنعت گران عیلام شامل محوطه‌های زیر می‌باشد.

* کاخ‌های داریوش و خشایار شاه هخامنشی

1. Geographical points

* قلعه، پایگاه باستان‌شناسان دوره قاجار

* شهر پانزدهم عیلامی

* معبد زیگورات چغازنبیل

* هفت تپه مربوط به دوره عیلامی و چندین تپه باستانی دیگر

ایوان کرخه و بیش از صدها تپه ما قبل از تاریخ در این منطقه وجود دارد.

گسترش این حیطة‌های باستانی قریب به ۴۰۰ هکتار می‌باشد. پهنه باستانی شوش در مجموع از چهار تپه تشکیل می‌شوند. یکی از این تپه‌ها آکروپل می‌باشد این تپه از سایر تپه‌های دیگر بلندتر می‌باشد. ولی بعد از آن که عملیات کاوش آغاز شد، از ارتفاع آن کاسته شد. تپه آکروپل مشرف به تپه آپادانا می‌باشد که در شمال واقع شده است. در بخش شرقی این تپه شهر شاهی قرار دارد تپه شهر شاهی از تمامی تپه‌های دیگر وسیع‌تر می‌باشد. همچنین پهنه‌ای به نام برج بزرگ اصلی زندان نیز در جنوبی‌ترین بخش شهر شاهی وجود دارد. بدین جهت کم ارتفاع‌ترین این تپه که از یک رشته پستی و بلندی تشکیل شده است. شناخته شده به شهر صنعتگران می‌باشد. این تپه در بخش شرقی سه تپه دیگر واقع شده است. محوطه تاریخی شوش به عنوان هجدهمین اثر در فهرست میراث جهانی در روز ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۴ در نشست یونسکو به ثبت رسید (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۳).

۵-۸-۳- تپه باستانی آکروپل یا ارگ سلطنتی

کلمه آکروپل را فرانسوی‌ها بدین دلیل بر سنت کاوش کنندگان اروپایی روی این تپه گذاشته اند. «مرحوم مشیر الدوله حسن پیرنیا» در کتاب خود به عنوان «ایران باستان» به جای واژه آکروپال واژه ارگ به کار برده است. منظور «مرحوم مشیر الدوله حسن پیرنیا» از آکروپل تپه‌ای می‌باشد. که دستاورد آن کشف اشیاء با ارزش و با عظمت از تمدن و فرهنگ مردمان عیلامی، هخامنشی و اسلامی می‌باشد. در آکروپل شوش به ریاست ژاک دمرگان به کشف آثار معماری و اشیاء نفیسی از آن گونه ماکت یک پرستشگاه انجام شد. و بقایای از معبد اینشوشیناک، قسمت‌هایی از تزئینات ساخته شده از آجرهای قالبی که نشان دهنده خصوصیات هنر عیلام میانه در ساختن و طراحی آجر بود به دست آمد. که تا حدودی تاثیر تمدن‌های مجاور به ویژه «میانرودان» را به نمایش می‌گذارد. بدین سبب شوش که در ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد پایتخت مذهبی و سیاسی مردم عیلام بوده توانست. آثار تمدن شوش اول یا (شوش A) را از بلندی ۵ متری از سطح اولیه، در این تپه (تپه آکروپل) آشکار گردد و سیر تحول آجرهای قالبی را که آن با

شروع آجرهای لعاب‌دار در ابنیه‌های یادمانی شوش مانند: ارگ شوش و ... آشکار شده است که بر روی آن شهر اصلی ساخته شده است. این شهر زیبا و آباد در تاریخ ۶۴۷ پیش از میلاد به دست پادشاه آشور، آشوربانی‌پال به آتش کشیده شد.

۳-۹- تپه مرکزی یا شهر شاهی^۱

شهر شاهی در شرق آکروپل و آپادانا واقع شده است. که در قدیم محل زندگی درباریان بوده است. طی کاوش‌هایی که روی این محوطه انجام شده است. این شهر شاهی خود سه ناحیه را که از دیدگاه ارزش و اهمیت همسان نبودند در بر می‌گیرد: کاخ، بروی صفه‌ای چهار گوش که به شکل مصنوعی بالا آورده شده و حدود ۱۵ هکتار را در بر می‌گیرد. آپادانا یک محله «مسکونی» در حدود ۵۰ هکتار (شهرشاهی) و یک دژ دفاعی کوچک (آکروپل) که، در بلندترین نقطه، گره اصلی سیستم حفاظت توده جمعیت را که به علت آب‌های رودخانه شاور^۲ به جانب غرب کشیده شده بود تشکیل می‌دهد. این قلمرو از بالا به پایین مربوط به آثاری از دوران عیلامی هخامنشی، اشکانی، ساسانی تا دوره‌های اولیه به دست آمده است. بقایای شهر پانزدهم در همین محوطه قرار دارند که متعلق به اوایل دوره عیلام می‌باشند. حفاری در پهنه‌های به مساحت ۶۰۰۰ متر مربع صورت گرفته شده است و طی آن مشخص گردید طبقه اول از عهد اسلامی است. و اولین آن‌ها مربوط به سده ۸ می‌باشد. آثار کشف شده در این بخش روشن می‌سازد که ساکنین این اطراف از خاندان سامی نبوده و اغلب بومیانی بودند که قبل از مهارت آریایی‌ها در سرتا سر اطراف جنوبی و مرکز ایران سکونت داشته‌اند.

۱-۹-۳- تپه یا شهر صنعتگران

ویلا رویال یا شهر صنعتگران در ناحیه شرقی شهر شوش امروزی واقع شده است. از این رو با حفاریاتی که بر فراز این تپه انجام گرفته بود، آثاری از دوره‌های اشکانیان، ساسانیان و دوره اسلامی کشف گردید. رؤمن گیرشمن باستان‌شناس فرانسوی هنگام حفاری‌های باستان‌شناسی بعد از جنگ جهانی دوم، مسجدی از اوایل اسلام در این مکان به دست آورد. تمدن شوش به دلیل ارزش و اهمیت بی‌شماری که در دنیای زمان خود داشته بود اثرات قابل توجهی بر تمدن‌های فلات - ایران بر جای گذاشت، یکی از اثرات مهم و ارزشمندی که تمدن شوش بر فلات ایران

1. The central hill or the royal city

2. Shower River

گذاشت. وارد شدن خط (پروتو - عیلامی)^۱، به انضمام دیگر آثار فرهنگی توسط عیلامی‌ها به فلات ایران بود. چرا که ارزش و اهمیت و شکوه تمدن شهر دیرینه شوش و نفوذ آن بر تمدن‌های دیگر، با استفاده خط در ارتباط مستقیم بود. در الواقع می‌توان گفت شهر شوش از نقطه نظر سوق الحیثی دارای ارزش و اهمیت بوده چرا که محل به هم پیوستن دو تمدن بزرگ جلگه میانرودان جنوبی و تمدن فلات ایران بوده است. تمدن‌های ذکر شده از نظر فرهنگی، اقتصادی اثرات بسیاری بر همدیگر داشته‌اند.

۲-۹-۳- تپه آپادانا

وجه نام‌گذاری این نام به دلیل بقایای کاخ معروف آپادانای داریوش در روی تپه است. کاخ آپادانا در شمال غربی شهر شوش واقع بوده است. کاخ شوش شباهت زیادی به کاخ زیبای سارگن دارد. همینطور این کاخ که وابسته به سده هشتم پیش از میلاد می‌باشد. در «خورساباد» از زیر خاک بیرون آورده شد. کاخ شوش تنها فقط نمونه کاخ‌های باستانی در این ناحیه می‌باشد. پس از این از آن جایی که بقایای کاخ «آپادانا»ی داریوش از این مکان به دست آمده، این تپه نیز نام آپادانا به خود گرفته است. ستون‌ها و ته ستون‌هایی که شکسته و گسسته شده و همچنین کف سیمانی رنگین از تالارهای آپادانا به دست آمده است.

۳-۹-۳- ایوان کرخه

شاپور دوم ساسانی (۳۷۹ - ۳۰۹ میلادی) در ۲۵ کیلومتری بالای شوش بر ساحل راست رودخانه کرخه یک شهر جدید شاهی بنا کرده که در متن پهلوی شهرستان‌های ایران از این شهر به نام «ایران کرد شاپور» نام برده است، یعنی شهری که شاپور ساخته است. و امروزه آن را ایوان

۱. از جمله امکانات مهمی که عیلامیان به آن دست یافتند، خط بود که به آن خط پرتو - عیلامی معروف شده است. خط پرتو - عیلامی که یک خط تصویری و بصری است. با خط عیلامی دوره‌های بعد متفاوت بود. پرتو عیلامی اولین بار در کاوش‌های شوش از لایه Cb یافت شد و این دوره در منطقه جمدت نصر در بین‌النهرین قرار دارد. این لایه جدیدتر از لایه Iva مربوط به دوره اوروک است. که در طی آن خط سومری برای اولین بار ظاهر شد. با وجود تفاوت در جزئیات، شباهت کافی بین این دو خط وجود دارد که نشان می‌دهد. خط پرتو عیلامی از خط سومری گرفته شده است. اگرچه نقوش انتزاعی و استادانه عیلامی‌ها - مثلاً: حیوانات روی سفال‌های دوران شوش A - لزوماً منجر به پیدایش خط تصویری شد. اما ظاهراً نیاز به خط در سومر زودتر از شوش احساس می‌شد. منشاء خط پرتو- عیلامی می‌تواند تقریباً ۲۹۰۰ سال پیش از میلاد باشد. این خط را همانطور که در اشیای به دست آمده از سیلک در نزدیکی کاشان مشاهده شد. از راه‌های تجاری به ارتفاعات ایران می‌رسید. خط مذکور، مانند سومر، اساساً از مجموعه‌ای از تصاویر حیوانات، کوزه‌ها، ظروف و اشیاء دیگر تشکیل شده بود و مدت‌ها به همین شکل باقی ماند.

کرخه می‌گویند. پروفیسور گیرشمن در سال ۱۹۵۰ میلادی در این شهر دست به کاوش زد که بقایای معماری آن را آشکارتر ساخت. طرح شهر به روش غربی است، شهر به شکل مستطیلی است که چهار کیلومتر طول و یک کیلو متر عرض آن است. شهر را باروی مستحکمی در بر گرفته که این بارو با خشت ساخته شده بود. در این شهر آثار دو بنا که به شاپور نسبت داده شده به دست آمده، یکی کاخی است که با آجر و ساروج ساخته شده و مرکب از یک تالار چهار گوش که گنبدی آن را پوشانیده است. در دو بخش جانبی آن با شیوه‌ای تازه با استفاده از طاق ضربی پوشانده شده بود، سقف آن‌ها را با استفاده از پنج طاق که فضای میان آن‌ها با استفاده از طاق‌های متقاطع بوده، پوشانیده بودند. طاق‌هایی که از دیواری به دیوار دیگر زده شده و برای مقاومت در برابر فشار طاق‌های گهواره‌ای عرضی اختصاصی یافته‌اند. لازم به ذکر است که متأسفانه کل معماری موجود به خاطر جنگ تحمیلی از بین رفته است. بنای ایوان کرخه به شماره ۴۷ در فهرست آثار ملی^۱ به ثبت رسیده است (رجوع کنید به: پورعلی، ۱۳۹۳: ۹۰).

۴-۹-۳- معبد زیگورات چغازنبیل

این معبد در تاریخ ۱۹۷۹ در لیست بازماند (میراث)، جهانی یونسکو در استان خوزستان - کشور ایران، جنوب شرقی شهر باستانی شوش جای گرفته است. ساخت آن در تاریخ ۱۲۵۰ پیش از میلاد و به دست اونتاش گال برای عبادت ایزد اینشوشیناک نگهبان شهر شوش انجام شده است. این معبد در حمله پادشاه آشوربانی‌پال به انضمام تمدن عیلامی پایمال شد و بعد از آن زیر خاک از دیده‌ها ناپدید گردید تا دوران امروزی که توسط باستان‌شناس رومن گیرشمن عیلام‌شناس فرانسوی خاک‌برداری گردید.

۵-۹-۳- هفت تپه

هفت تپه در میان شهرستان اهواز و شهرستان شوش و نیز در مسیر شوش و محوطه چغازنبیل واقع شده است. امروز عنوان هفت تپه در صفحه استان خوزستان به دلیل کشت زارهای نیشکر و کارخانه‌های فراوان معرفی شده است. این مجموعه آثار باستانی با آثار باستانی شهر شوش در حدود ۱۰ کیلومتری به خط مستقیم مسافت داشته و در جانب جنوب شرقی شهر دیرینه شوش واقع شده است. هفت تپه همان گونه که از اسم آن مشخص است اساساً لازم است. از هفت تا تپه ساخته شده باشد ولی این گونه بر می‌آید. که واژه هفت تپه در این مورد به معنای (فراوان) به کار

رفته باشد چون این محوطه بزرگ باستانی آمیخته شده از ۱۴ تپه عظیم می‌باشد. پهنه باستانی هفت‌تپه، مربوط به دوره عیلام میانی می‌باشد. در هفت‌تپه سطح و بدنه حصارها به طور کلی با گچ پوشش می‌شده است. سطح این پوشش سفید رنگ با تزئیناتی که یا از نقش‌های کنده شده هندسی مانند: دایره، مثلث، مربع و یا صحنه‌هایی که از الوان متفاوت ساخته می‌شده است تزئین می‌گردید. پهنه هفت‌تپه در برگیرنده ۱۴ تپه باستانی می‌باشد. عمده‌ترین آثار هفت تپه عبارت بوده‌اند از: آرامگاه تپتی آهار (۱۳۵۷ پیش از میلاد)، که از آجر تشکیل شده و در واقع یک آرامگاه دسته جمعی و یک بنای دیگری که کاوشگران، آن را معبد - آرامگاه می‌نامند. ساخت بنای معبد - آرامگاه و یا ساختمان تشریفات مذهبی پیرامون آرامگاه پادشاه در خاورمیانه پیشینه دیرباز دارد در این مکان قرار دارد. این آرامگاه به نظر می‌رسد که پیش از معبد زیگورات چغازنبیل ساخته شده است و برجسته‌ترین نمونه آن مقبره پادشاه دودمان سوم اور، در شهر اور می‌باشد. هر چند ناگفته پیدا است، طاقی که بر روی مقبره تپتی آهار (۱۳۵۷ پیش از میلاد)، زده شده از جمله اولین طاق‌های آجری می‌باشند؛ که تا امروز بر جای مانده‌اند. همین طور بنا بر کتیبه سنگی شماره یک آرامگاه تپتی - آهار (۱۳۵۷ پیش از میلاد)، زیگورات‌های شماره ۱ و ۲ هفت تپه برای رب النوع کیرواشیر (خدای بزرگ مورد ستایش تپتی آهار)، ساخته شده‌اند. در بیشتر قسمت‌های سالن شماره یک هفت‌تپه، آثار نقاشی روی جدار که به مرور زمان فرو ریخته، رؤیت شده است. این گونه نقاشی دیواری بیشتر بخش بالای جدار را تزئین می‌کردند. این نقوش هم هندسی بوده و هم صحنه‌های طبیعی را به نمایش می‌گذارد. رنگ‌های استفاده شده در این نقاشی‌ها مشتمل بر: آبی، زرد، خاکستری، سیاه و سفید بوده است.

۳-۱۰- خط و زبان در تمدن عیلام باستان

راجع به زبان عیلامی‌ها اظهارات گوناگونی از سوی دانشمندان و باستان‌شناسان مختلف شده که به گفته برخی از آنان در این پایان‌نامه می‌پردازیم. مردم عیلام از نظر زبان و هویت مردمان مستقل و بومی فلات ایران پیش از ورود ایرانیان به این ناحیه بوده‌اند. عیلامیان نقش بسیار مؤثر و مهمی در ارتباط با میانرودان کوهستانی و ساکنان دشت‌ها داشته‌اند. در آغاز تحت نفوذ مردمان جنوبی میان رودان یعنی سومری‌ها که آفریننده و کشف‌کننده خطوط بوده‌اند قرار داشته‌اند. وقتی سومری‌ها خط تصویری را به عنوان ابزار کمکی برای نگهداری و حفاظت حساب‌هایشان ابداع نمودند. این ابداع به سرعت به همسایه عیلامی آن‌ها رسید. بدین سان در زمره امکانات مهمی که مردم عیلام بدان دست یافتند. خط بوده است که به خط پروتوعیلامی شناخته شده است. خط

پروتوعیلامی که یک خط تصویری می‌باشد. با خط عیلامی^۱ دوره‌های بعد مغایرت داشت. پروتوعیلامی نخستین بار در کاوش‌های باستان‌شناسی شوش از لایه CB به دست آمده و این دوره که در محدوده جمدت نصر در میانرودان قرار دارد. جدیدتر از لایه IVA از دوره اوروک است. که در مدت آن خط سومری برای نخستین بار ظاهر گشت. بر خلاف مغایرت‌های در جزئیات، به اندازه کافی همانندی میان این دو خط وجود دارد که نشان می‌دهد خط پروتوعیلامی از خط سومری بر گرفته شده است. ولی آثار نگاشته شده چندانی از آن‌ها به جای نمانده است. اکثر اوقات کتیبه‌ها به خط عیلامی نوشته می‌شد. بدین سان عیلامی‌ها با نوآوری و کشف خط و ثبت وقایع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود وارد دوران تاریخی شدند و حکومت عیلامی را تشکیل دادند که برای مدتی قریب به بیش از دو هزار سال دوام داشت. از این قبایل و اقوام برخی‌ها در درجات بالاتری از تمدن و فرهنگ سیر می‌کردند. و دارای تشکیلات حکومتی و اجتماعی و خط ویژه به خود به نام (پروتو - عیلام) یا عیلام کهن بودند. و دارای تشکیلات حکومتی و اجتماعی و خط ویژه به خود به نام (پرتو - عیلام)، یا عیلام کهن بودند. خط آغازین عیلامی‌ها احتمالاً حداکثر ۱۵۰ نشانه داشته بود. از این خط منحصراً تصویری، به تدریج یک خط هجایی به وجود آمد. نشانه‌های خط هجایی - ترسیمی در مرحله آخرین خود حدود ۸۰ نشانه بود. و طبق معمول از بالا به پایین نوشته می‌شد.

در این خط شمار قابل توجهی ادات واژه بست، پیشوند و میان‌وند خاص یا به بیان مختصر و مفیدتر، (وند) دارد. با وجود اختلاف‌های جزئی شک و تردیدی نیست که خط تصویری عیلامی به شالوده الگوی سومری گردآوری شده است. به این جهت بود که نوشته‌های تک خطی در عیلام و سومر صورت گرفت. این جریان نه تنها معاملات تجاری را ممکن ساخت بسا که بیان مسأله مهم‌تر شخصی و سیاسی، دینی را نیز امکان‌پذیر کرد. کتیبه‌های خطی عیلامی با مرگ پادشاه کوتیک - اینشوشیناک، حکمران و نایب السلطنه سرزمین شوش، در حدود ۲۲۲۰ پیش از میلاد از میان رفت و خط سومری - بابلی جایگزین آن شد. حکاکان در شوش خط میخی آکدی را ساده‌تر و بی‌آلایش کردند و تا حدود نوشتار الفبایی پیش بردند. مدت‌ها بعد در عهد داریوش هخامنشی، خط میخی فارس باستان به دست کاتبان آرامی زبان متداول یافت، که خط میخی و

۱. آن چه عیلامی‌ها برای ما به جا گذاشته‌اند به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند: عیلامی متقدم و عیلامی که به خط میخی سستی نوشته شده است.

یک خط الفبایی می‌باشد. اما کم و بیش همگی سنگ نوشته‌های داریوش به سه زبان باستان، عیلامی و بابلی نوشته شده‌اند. این گونه بر می‌آید که زبان عیلامی که بر روی الواح گلی آمده، زبان تعدادی از دیوانیان در فارس و در واقع عیلام بوده است. زبان عیلامی در نوع خود زبانی پیوندی و الصاقی می‌باشد.

بدون هیچ گونه عناصر تصریف ریشه‌اسامی و افعال در این زبان تغییر نمی‌کند. اما فقط با یک شباهت رده‌شناسی نمی‌توان مسئله بالا را حل نمود. زبان و خط عیلامی (پروتوعیلامی)، موقعیت خویش را بعد از ورود وابستگان مهاجم نیز حفظ کرده و زبان دوم نوشتاری سلطنت فلات ایران در روزگار هخامنشی بود. هر چند که عیلام از خود زبانی داشت ولی خط و زبان آکدی را قبول و تأیید کرده و آن را به کار گرفته بود. بر طبق کتیبه‌های به دست آمده از بین النهرین، تا آنجایی که می‌دانیم قوم ذکر شده زاده بومی آن قلمرو بوده و به زبان الصاقی و غیرسامی که هنوز هم درست شناسایی نشده سخن می‌گفته‌اند. مردم عیلام، به طور کلی مدنیت و فرهنگ خاصی داشته‌اند، آن‌ها خطی برای خود ترتیب داده بودند. بدین سان عیلامی‌ها هرگز نتوانستند از حالت ملوک الطوائفی بیرون آیند. آنان تشکیل ائتلافی‌ای از دولت شهرهای جداگانه از همدیگر داده بودند که پایتخت آن در خوزستان امروزی و تاریخ ۶۴۵ پیش از میلاد پادشاه آشوربانی‌پال حکمران قهار آشور حکومت عیلام را مقهور و منقرض کرد.

۱-۱۰-۳- مذهب، آداب و رسوم عیلام باستان

در این قسمت تصمیم گرفته شد گزیده‌ای از مذهب آئین دوران عیلامی توضیح داده شود. هر چند که اسناد و مدارک باقی مانده از عیلام مختصر و متفرق می‌باشد، اما با این وجود می‌توان از میان آن‌ها نفوذ نیرومند مذهب را بر فرمانروایان و قضات و عیلامیان باز شناخت. با این حال بر حسب مدارک موجود مذهب عیلامی‌ها روی هم رفته همان مذهب مردم سومر، آکدی و بیشتر برگرفته از مذهب و تشریفات و آئین مذهبی بابلی‌ها می‌باشد. مردم عیلام عالم را پر از ارواح مجسم میدانستند. و آن‌ها را هم الهه می‌پنداشتند. مجسمه الهگان را می‌ساختند و مذهب آن‌ها شرک و پرستش طبیعت و بت بود. به عقیده مردم میان رودان، ارواح در خورشید، ماه و ستارگان سکنی می‌گزیدند. در گذر زمان، این سیارات جایگاه ایزدان را پیدا کرده و مورد عبودیت قرار گرفتند. بر حسب منابع گزیده که وجود دارد می‌توان پی به نقش بسیار مهم دین در زندگی عیلامی‌ها داشت. مذهب عیلام حائز ویژگی‌هایی خاص می‌باشد. که آن‌ها را با مناسک و اقدام

مجاور در بین‌النهرین پیوند می‌داد. مذهب مهم‌ترین نبرد فرهنگی میان‌رودان می‌باشد. که ویژگی‌های خاص خود را حفظ کرده است.

این ویژگی‌ها بخشی از آن فردیت می‌باشد که در برگیرنده نوعی ستایش و حتی احترام نامتعارف به زنانگی می‌باشد و مذهب عیلامی طی قرن‌ها استوار ماند. هر چند که مذهب عیلامی‌ها نشان دهنده بسیاری از خصوصیت‌ها می‌باشد. که آن‌ها را با سنت‌های بین‌النهرین مربوط می‌سازد. اما به طور کلی مذهب آن‌ها به گونه‌ای فردیت، پایداری و خصوصیات ویژه خود را حفظ کرده است. بدین جهت مستندات موجود پیرامون مذهب مردم عیلام جزئی و پراکنده می‌باشد. اما از دیدگاه نظر باستان‌شناسان مذهب بر فرمانروایان و عیلامی‌ها نفوذ داشته است. افزون بر این مذهب عیلامی ویژگی‌های مشترک و در عین حال کاملاً مشخص و متمایزکننده‌ای با مذهب میان‌رودان داشته بود. بنابراین باستان‌شناسان و دیگر پژوهشگران توانسته‌اند قسمتی از آثار مربوط به قوم عیلام را معرفی و ما را با اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و به خصوص وضعیت مذهبی عیلامی‌ها آشنا کنند. باستان‌شناسان در مطالعاتشان راجع به مذهب مردم عیلام، در جستجوی آن بوده‌اند که اشیاء یا سازه‌هایی که به مذهب وابسته می‌شود را معرفی نمایند. بر حسب مستنداتی چون سفال‌ها، ابزار سنگی و مفرغی، پیکرک‌های گلی، مهرها و اثر آن‌ها، جنگ‌افزارها، نقوش برجسته، کتیبه‌های الواح گلی و سنگی و سنگ افراشته‌ها (استل‌ها)، ظروف، مهرها، مجسمه‌ها، سنگ وزنه‌ها، اشیاء ساخته شده از طلا و مفرغ در محوطه‌های عیلامی می‌باشد.

مردم عیلام ایزدان خود را بر روی سطوحی از قبیل: نقش برجسته‌ها، پیکرک‌ها، مهرها، اثر مهرها، سنگ افراشته‌ها، آجر نیشته‌ها، ظروف، صفحه‌های مفرغی و سنگ آهکی یاد می‌کردند. صحنه‌های مذهبی را هم به شکل ستایش، قربانی، بارعام و حمل مجسمه ایزدان نشان می‌دادند. این هنرها به شیوه هنری خانگی و اجتماعی رشد و پیشرفت کرده و تمایلات مذهبی را در خود منعکس نمودند. بنابراین مذهب عاملی تعیین‌کننده و نقش پرداز در شکل‌گیری و پیشرفت و رشد حجاری‌های صخره‌ای می‌باشد. بدین سان در این نقوش که تحت اختیارات تام حکمرانان قرار داشت. عناصر مذهبی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. هنر مهرسازی تحت تأثیر سمبولیک‌های مذهبی توانست هر آن چه که در فکر مردم عیلام می‌گذشت را بدون هیچ گونه محدودیت مهارتی، به نمایش بگذارد. نفوذ مذهب در زندگی روزانه مردم عیلام انگیزه‌ای جهت رشد

ایدئولوژیکی^۱، هنری و صنعتی می‌باشد. ردپای معابد و آرامگاه‌ها را در تمام استقرارگاه‌های عیلامی می‌بینیم. دیدگاه‌های مذهبی مردم عیلام نسبت به زندگی باعث شدند. تا افزون بر بنیادهای ابتدایی معماری که از همسایگان دریافت می‌کردند، نوآفرینی‌هایی نیز داشته باشند. زیگورات با معبد اصلی که تقلید از میانرودان می‌باشد.

به گونه‌ای عیلامی ظهور کرد. و طرحی جدیدی داشت. مردم عیلام قومی بودند. که به خدایان بی‌شمار اعتقاد داشتند. تشکیلات وسیعی متشکل از کاهنان و راهبه‌ها در جهت اجرای روند امور مذهبی و شناسایی و معرفی مردم عیلام به مذهبشان وجود داشت. از این رو مذهب به عنوان بخش مهمی از زندگی عیلامی‌ها را تحت تأثیرات بی‌واسطه‌ای در شکل‌گیری و رشد فرهنگ عیلامی داشته است. و شاید بدون توجه و اهمیت به مذهب، تمدن عیلام هیچ وقت به چنین پایه‌ای از رشد و پیشرفت نمی‌رسید. در این برهه، توجه به سحر و جادو، نیروهای جهان زیرین (دنای مردگان)، عنصر زن، و همچنین پرستش مار از ویژگی‌های شاخص مذهب عیلام می‌باشد. عنصر مار که ریشه در سحر و جادو دارد. و یک موتیف راستین تمدن عیلام می‌باشد. این موتیف بر روی کوزه و سفال‌ها نمادی از آزادی می‌باشد. در مقابل ابلیس، مارهایی که با سرهای انسانی به آن جنبه الهی می‌دهند. از سایر حیوانات که برای مردم عیلام دارای ارزش و اهمیت می‌باشند، عوامل مفیدی چون: گاو، شتر، خورشید، ماه، آب و ... از معابد را داشتند.

بر روی آثار مهرها، گاوهایی دیده می‌شد که گاه بر روی آن‌ها صلیبی قرار داشت. که این صلیب خود نشانه‌های مذهبی کاسی‌ها (کاسی‌ها در کوه‌های زاگرس اقامت داشته‌اند) می‌باشد. که در هنر عیلام ظهور یافته است. در خاک‌برداری‌های معبد چغازنبیل نیز مجسمه گوساله‌ای به ابعاد طبیعی به دست آمده است که گمان می‌رود در کنار درب ورودی معبد زیگورات قرار داشته است. مذهب و معبد در عیلام آن قدر مقدار در گیر با جشن‌ها، قربانی‌ها و اعیاد خاص گردید؛ که جهت تحقیق و تعیین تاریخ آن‌ها، تقویم‌های مخصوصی ایجاد کردند. در مراسم‌های قربانی،

۱ ایدئولوژی یا مرام (به انگلیسی Ideology)، مجموعه سامان مند باورها و اندیشه‌های ثابت سیاسی و اجتماعی از جمله سیستم‌های فکری، فلسفی و مذهب که فرد، گروه یا جامعه دارد. و در تعیین خط مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آن‌ها در مسائل سیاسی - اجتماعی موثر است.

۲. دکتر یوسف مجید زاده به دلیل اهمیتی که برای ایزد ماه قائل بودند معابدی برای آن می‌ساختند، در کتاب «تاریخ و تمدن عیلام» به این موضوع این چنین اشاره کرده است. «آت - هوشو مانند پدر بزرگ خود اپرتی و دایی خویش شیلهه، معبدی برای ایشوشیناک در شهر شوش بر پا ساخت». وی همچنین ساخت معبد خدای ماه را که اپرتی و شیلهه آغاز کرده بودند، به پایان رسانید.

حیواناتی از قبیل گوسفند و گاو برای ایزدان عیلامی و حتی ایزدان بیگانه، قربانی می‌کردند. در روزهای جشن و شادی، پیروزی، مجسمه‌ها و تمثال‌های خود را از زیگورات و پرستش گاه‌ها بیرون آورده و نسبت به آن‌ها ادای احترام و تعظیم می‌کردند.

بدین‌گونه مردم عیلام نیز هم چون دیگر تمدن‌ها، اعتقادات و باورهای مذهبی - آئینی وابسته به خود را در تار و پود فرهنگ و هنرشان وارد کرده و از آن سهم و بهره‌های بسیاری بردند. در این برهه معماری به عنوان گویاترین و ناب‌ترین راه نمایش و بروز تفکر دینی - آئینی و اسطوره‌ای، مورد اهمیت و توجه هنرمندان مذهبی و عارف مسلک بوده و هست، برجسته‌ترین نمونه این تمثیل در میان بسیاری از بناهای تاریخی - مذهبی ایران زیگورات چغازنبیل می‌باشد. مذهب این قوم بر طاعت و عبادت ایزدان متعددی استوار بوده و در رأس مجموعه ایزدان آن‌ها الهه‌ها قرار داشتند. به درستی قدیمی‌ترین اسناد و مدارک راجع به مذهب عیلام، لوح گلی کشف شده از شوش می‌باشد. که بازگو کننده میثاق دوستی بین هیتا شاه دودمان اوان (۲۲۷۰ - ۲۲۴۰ پیش از میلاد) و نرام - سین شاه آکد در میانرودان می‌باشد. بررسی این کتیبه نشان می‌دهد. که مردم عیلام به ده‌ها ایزد اعتقاد داشتند و در بین آن‌ها ایزدانی همچون: پی نیکر^۱ (الهه آسمان و مادر ایزدان عیلام)، هومبان (ایزد عیلام)، اینشوشیناک (ایزد شوش و دوراونتش)، و نروندی^۲ (الهه پیروزی)، نهونته^۳ (ایزد خورشید) و نینورت^۴ (ایزد زمین) وجود دارند. از ایزدان نام برده شده عیلامی دو تن در کتیبه‌های سلطنتی و عادی از همه برتر و بالاتر می‌باشند.

یکی هومبان و دیگری اینشوشیناک نام خدای اول به وسیله خط نشانه‌ای آکدی نوشته شده است. و به معنی (برتر از همه) است. اینشوشیناک به مفهوم (آقای شوش) نیز معنی می‌دهد با وجود این غالب حکمرانان عیلامی در آثار خویش علاوه بر این دو ایزد مکرر از الهه‌گیری ریشا به عنوان ربه النوع مادر نام برده‌اند. طی کاوش‌های شوش و چغازنبیل صدها پیکره از این الهه به دست آمده است و این مطلب می‌رساند که اجتماع عیلام قلباً برای این ایزد احترام خاص و فراوانی قائل بوده‌اند. همچنین در دنیای عیلامیان مکان والا و برتر به یک الهه تعلق داشت و این امر مشخصه مذهب عیلامی می‌باشد. الهه پینیکیر به طور واضح برای عیلامیان (مادر - شایسته) همه ایزدان عیلامی بود. همین حق تقدم به نوعی الهه مؤنث بیان کننده نوعی مادر سالاری نزد

-
1. Pinikir
 2. Narundi
 3. Nahunteh
 4. Ninurt

پیروان این مذهب بوده است. مبحث شگفت‌آور آن است که مردم عیلام هرگز از داشتن دو یا سه الهه مادر دچار آشفتگی نمی‌شدند. در هزاره دوم الهه مادر دیگر به نام (کیریریشا) نیز در عیلام به عرصه ظهور در آمد. هم چنین ایزدانی برای رعد و برق، حاصل خیزی، ماه، پیروزی، قدرت، کاتبان، سرنوشت، خورشید، عالم سفلی، عشق، زمین، آب، کوه، مادر - خدا، هوا، باران، آتش، زندگی و نگهداری نیز داشتند. برخی ایزدان در تمام طول تاریخ تمدن عیلام مورد پرستش می‌شدند. از آن پس در هزاره دوم پیش از میلاد مادر سالاری به تدریج بر جریان ترفیع و ارتقای مقام مردان گردان نهاد. به دنبال آن ترتیب جدیدی در نظام ایزدان عیلامی ایجاد شد و به همین ترتیب، تلفیق جدیدی در ایزدان به وجود آمد. اما الهه زن هرگز از گروه ایزدان برتر عیلامی حذف نشد. خدای مذکری که الهه بزرگ مجبور شد جای خود را به او بدهد (مرهومبان) نام داشت. به سبب ارتقای شهر شوش از مقام یک شهر کاملاً عادی هزاره سوم به مقام پایتخت امپراتوری خدای شوش نیز طبعاً والا و برتر شد.

لقب او «اینشو - شیناک» بود. اینشوشیناک در رأس هرم ایزدان قرار گرفته بود. و در میان ۳۷ ایزد مقام ششم را داشته بود همچنین یک هزار سال بعد او، مرهومبان و کیریریشا یک تثلیث کاملاً تثبیت شده را میان سران ایزدان ساختند. اما هنوز این رب النوع در مقام سومی جا داشت. تا سرانجام به مقام اول دست یافت. در پی ارتقاء اینشوشیناک عناوینی به معنای پدر ضعیفان از جانب عموم مردم و پادشاه خدایان از جانب سلاطین در خور او گشت و به این صورت حکمرانان بعدی خود را خدمتگزاران صمیمی او نامیدند. آن چه اکنون می‌بینیم شاهد آن است. که تنها فقط اینشوشیناک بوده است. که عمیق‌ترین نفوذ و اعتبار را بر روایات عیلامی‌ها داشته بود. به همین جهت شاه اونتاش - ناپیریشا، هزاران متن نیایش را بر حصارهای معبد خود در زیگورات چغازنبیل نقش کرده است. مدیریتی که در ساختار سازه‌های معبد به کار رفته بسیار عالی می‌باشند. نقطه اوج تکامل معماری مذهبی عیلام را می‌توان در معبد چغازنبیل مشاهده کرد. با سخنان انسانی به وی متوسل شد: «باشد که این خدای اینشوشیناک راضی و رحمتش را نصیب ما کند و...»، حتی کسی که عیلام را سرنگون کرد. پادشاه آشوربانی‌پال، اینشوشیناک را این گونه توصیف کرده بود: خدای اسرارآمیزی که در مکانی ناشناخته ساکن است، جایی که هیچ‌کس نمی‌تواند وجود الهی وی را کشف کند. رب النوع اینشوشیناک همواره یکی از رب النوع‌های والا و برتر عیلامی‌ها بود و در تثلیث ایزدان عیلامی نیز حضور داشت.

اگر چه رب النوع اینشوشیناک هرگز بزرگ‌ترین رب النوع نبوده، اما جایگاهی رفیع و برتر نزد همه گروه‌های عیلامی داشت و حتی با میثاق، سوگند، و شهادت پیوسته بود. یعنی رب النوع اینشوشیناک نزد آن‌ها حتی با داوری زمینی نیز ارتباط داشت. داور عالم پس از مرگ در عیلام از بزرگترین ایزدان عیلامی است، یعنی در واقع مردم عیلام کار قضاوت روان را بر عهده رب النوع بزرگ اینشوشیناک نهادند. که نشان از ترس از قضاء و سرنوشت روانشان و اهمیت این مسئله دارد. به درستی یکی از قدرتمندترین و مهم‌ترین ایزدان عیلام در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد حاکم قبور، مسئول رویش از زمین و سازنده و نگهدار ستون زمین بود. و در محکمت قضایی هر دو عالم، دادرس و قاضی شناسایی شد که معلومات ما در رابطه با مراسم مذهبی عیلامی‌ها بسیار محدود است. ولی همین اندازه ظاهر شده که از همان آغاز ارباب انواع مورد ستایش بوده اند و ممکن است حیات را آفریده‌ی الهه مونت می دانستند. که همسری داشته و وی نیز رب النوع بوده است. آن‌ها جهان را پر از ارواح می‌دانستند و رب النوع بزرگ را (اینشوشیناک)، می‌نامیدند. الهه‌ای که در عیلام، در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد مردم را به سمت رب النوع اینشوشیناک هدایت می‌کرد الهه ایشنی کاراب یا لاگامال می‌باشد بدین جهت رب النوع اینشوشیناک با ارتباط نزدیک با الهه ایشنی - کاراب به ایزدی میثاق جایگزین شد.

بنابه خط افقی روی چانه و ویژگی‌های الهه ایشنی کاراب، الهه منقوش بر حصار معبد ایشنی کاراب است که خانواده سلطنتی را نزد رب النوع اینشوشیناک راهنمایی می‌کند. پرستشگاه اینشوشیناک، یک درب برای ورود به پایین زمین بوده است. و آن جا مکان رب النوع اینشوشیناک بوده است. بدین جهت رب النوعی که در سراسر عیلام به او سوگند می‌خوردند. بدین سان نقش این رب النوع‌ها فقط زمانی ظاهر شد که یک یافته غیر معقول در شوش لوحه‌ای را با متن زیر ظاهر نمود: (آن‌ها به مسیر خود وارد شده و به راه خود می‌روند. ایشنی کاراب به جانب آن‌ها می‌آید ... در گور رب النوع اینشوشیناک قضاوت خود را رابطه با آن‌ها خواهد راند). بر این اساس کلید رمز آمیز رب النوع اینشوشیناک در آن است. که او حکمران عالم مردگان می‌باشد. و الهه ایشنی کاراب نزدیک‌ترین همکار او در عالم دیگر می‌باشد. در این زمینه همچنین جالب توجه است که در کتیبه‌های قانون عیلامی شهود همیشه به وسیله دو ایزد، ایزد اینشوشیناک و ایزد خورشید شناسایی می‌شوند در نتیجه این دو ایزد به عنوان ایزد نور و تاریکی و در عین حال ایزد زمین و سرزمین و مردگان محسوب می‌شوند در این حال ایزد خورشید خدمتگزار اینشوشیناک

می‌باشد: وقتی که اشخاص، حتی پادشاهان در زیر نور در حرکت اند وفاداری ایشان متوجه ایزد خورشید می‌شود. اما وقتی به سرزمین سایه‌ها می‌رسند رعایای رب النوع اینشوشیناک می‌شوند. ولی پرستش او تنها به پادشاهان و پیشوایان مذهب اختصاص داشته بود.

از کهن‌ترین اسناد و مدارک موجود در این باره می‌توان به معاهده هیت پادشاه اوان (از قلمروهای عیلام)، پادشاه نارامسین آکدی در سده بیستم و سوم پیش از میلاد (تقریباً ۲۲۲۳ پیش از میلاد)، اشاره نمود. که نام‌های ایزدان و الهگان عیلامی در آن ذکر شده است. الهه بزرگ یا الهه مادر همیشه جایگاه ویژه‌ای در این مذهب داشته بود. مجسمه‌های الهه برهنه یکی از ویژگی‌های تکرار شونده تمدن عیلامی می‌باشد که در تمام حفاری‌های باستان‌شناسی به آن‌ها بر می‌خوریم. الهه بزرگ مقام اول را در رده رب النوع‌های عیلامی داشته است که احتمالاً مبنی بر نظام مادر سالاری بوده است. به این دلیل که آن‌ها پینیکی^۱ را «مادر شایسته همه ایزدان» عیلامی می‌دانستند. در مذهب عیلامی‌ها چند الهه یا مادر ایزدان وجود داشته بود. در زمره آن‌ها الهه کریرشا^۲ در طول هزاره دوم در سراسر عیلام که آن هم به معنی «الهه بزرگ»، در بین عیلامی‌ها نفوذ داشت و حتی در دوره‌های متاخر عیلام الهه پارتی هم به رسمیت شناخته شد. البته در گذر زمان رب النوع بانوی بزرگ در رده‌های بعدی قرار می‌گیرد. از مقام نخست خود سقوط می‌کند پس از ایزدان پرستش شش رب النوع در میان آن‌ها متداول بوده که اینان در ایزدی با او شریک و سهیم بودند. بعد از آن‌ها به دسته از ارواح معتقد بودند. آنچه که به نظر می‌آید هر شهر عیلامی واجد رب النوعی محلی بوده و ساکنان آنان یکی از ارواح را به عنوان خدای محلی خود می‌پرستیدند. پیکره ایزدان را می‌ساختند و هنگامی که مجسمه شهری را به شهر دیگر می‌بردند عقیده داشتند که ایزدی آن شهر را انتقال داده‌اند، سرانجام مذهب آن‌ها شرک و بت پرستی بوده است. فرمانروایان و دودمان سلطنت در زمان حیات آن‌ها، خدا محسوب می‌شدند. با این حال مشخص است که موسیقی در تشریفات مذهبی آن‌ها نقش بنیادی داشته است. چه پادشاه کوتیک - اینشو - شیناک برای نوازندگان در ورودی معبد شوش مقرری خاصی برقرار کرده بود. وجود نوازنده‌ها در نقش برجسته «هنی»^۳ درکول فره مربوط به دوران عیلام جدید نیز بیانگر این امر می‌باشد. اجرای موسیقی در تشریفات دینی نیز سبب رشد و کمال و گسترش این هنر در زمان‌های بعد شده است.

-
1. Pinicair
 2. Kirersha
 3. The prominent role of "Henny"

۲-۱۰-۳- موسیقی در مراسم مذهبی عیلام باستان

مذهب هنری است که در گذر زمان و در دوره‌های مختلفی رشد و پیشرفت کرده است. مذهب به عنوان یکی از عمده‌ترین عوامل رشد و کمال موسیقی شمرده می‌شود و معابد که سرپرست امور مذهبی و نیایشی بودند. نتیجه مستقیمی در نمایان شدن این هنر دارند. همچنین به کارگیری چند نفر نوازنده برای اجرای برنامه‌های موسیقی^۱ توسط کوتیک - اینشوشیناک در تاریخ (۲۲۲۰ - ۲۲۴۰ پیش از میلاد)، و هزینه کردن از اموال و دارایی معابد به این قصد، خود دلیلی بر اهمیت و ارزش اجرای موسیقی در مراسم دینی می‌باشند در نتیجه هنری که تا این حد در حضور پادشاه و معبد^۲ اهمیت و ارزش دارد، نه فقط حفظ شده بلکه به در گذر سنجیده شده و درونمایه غنی می‌یابد.

۳-۱۰-۳- تاریخ و تقویم عیلام باستان

تقویم عیلامی در طول دوران پادشاهی آکدی‌ها در شوش آن گونه متأثر از نفوذ بیگانه گردیده بود که به سختی می‌توان شکل اصلی آن را تصور کرد. در زمان پادشاهی بابلی‌ها فقط نام دو ماه عیلامی در تقویم به جای مانده بود. که نام دو ماه دیگر ادار و ابوم از میانروان گرفته شده بود. که نه در جای خود بلکه برای سایر ماه‌های دیگر به کار می‌رفت. هشت ماه دیگر و زمان آن‌ها آن چنان درهم ریخته و مغشوش می‌باشند که دانشان در یک انضباط صحیح امکان‌پذیر نیست. لیست زیر نام ماه‌های عیلامی در تقویم اصلی را با هم زمانی کم و بیش آن‌ها با ماه‌های ایرانی نشان می‌دهد. جای ماه‌های ردیف سوم و نهم تا یازدهم بسیار شبه‌ناک است و تنها ماه‌های مشخص و به خوبی شناسایی شده، ردیف‌های اول و پنجم می‌باشند.

۱. لانوپ، مهر ۲. هالپات، آبان ۳. کیزیر - زو - کالیکی، آذر ۴. الامات، دی ۵. زیلیلیتوم، بهمن ۶. هرشویی، اسفند ۷. پاپاکوم، فروردین ۸. آلالیما، اردیبهشت ۹. کازیت، خرداد ۱۰. تاتی، تیر ۱۱. لاهوم، مرداد ۱۲. تاریت، شهریور (السادات وزیریان، ۱۳۹۲: ۲۹).

۱. موسیقی Music، هنر انتزاعی است. که با استفاده از فاکتور صدا، وزن و ترکیب آن‌ها با یک دیگر به بیانی احساسی و عاطفی دست می‌یابیم، امروزه هنر موسیقی با توجه به شرایط فرهنگی به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شود. مانند: موسیقی محلی، موسیقی آوازی، موسیقی الکترونیک، موسیقی مذهبی، موسیقی جاز و ...

۲. معبد، قلب هر شهر را تشکیل می‌داد.

۴-۱۰-۳- هنر مردم عیلام باستان

درباره هنر عیلامی باید گفت هنر عیلامی بازتابی از زندگی شهری، روستایی و شبانی و تأثیراتی از تمدن میانرودان بوده است. مکشوفه‌های باستان‌شناسی در قرن‌های آخر غبار از روی تمدن عیلام باستان به کنار می‌زند. این قلمرو را نه عنوان قلمروی الصاق و پیوند خورده شده به میانرودان و تحت لوای آن تمدن بساء که تمدنی مستقل، دارای فرمانروایی، هنر، تاریخ، معماری، زبان، خط قلمداد می‌کند. که در چهارچوب آثار واشیای آنان همچون: معماری، حجاری، فلزکاری^۱، سفال‌گری، پیکره‌تراشی و مهرسازی ظهور یافته است. همه اشیاء تمثال‌ها، کتیبه‌ها، بناها که از بعد آواره‌های هزاران ساله خارج می‌شود در نهایت زیبایی و ظرافت می‌باشند؛ که سبب دیگر بر هنر و تمدن والای مردم عیلام است. و از گذر زمان دراز بر این مردم و این قلمرو به وجود آمدن تمدنی شایسته و سزاوار حکایت و نقل می‌کند. افزون بر هنری که مردم عیلام در ساخت تمثال‌ها، معماری و مهرها به استعمال می‌بردند. باید از قوانین ساری و جاری که در تمدن عیلام باستان وجود داشته و به آن انجام می‌شده نیز توصیه کنیم؛ که نمونه دیگری از تمدن و پیشرفت اجتماعی مردم عیلام می‌باشد. آثار هنری عیلامی‌ها به جزء معماری، نقوش برجسته بر فلز، سنگ‌های یادمان، مهرهای استوانه‌ای، ظروف، پیکرتراشی که در میان رودان متداول بوده است. «در این سیر تنها یک استثناء وجود داشته بود و آن هم اشیای گوناگون تزئینی از قیر طبیعی بود. این کالاهای عیلامی برای خود نام و محبوبیت به خصوصی در سراسر منطقه به دست آورده بودند» پیش از این هنرمندان ظروف را به شکل حیوان می‌ساختند.

(همچنین «تزئین ظروف با نقش جانور یکی از ابتکارات هنرمندان فلات ایران بوده که طی دوره‌های مختلف هر از گامی برخی از سفال‌گران بین‌النهرین آن را به کار می‌بردند» گونه‌های این تأثیر و همگرایی در میان بسیاری از آثار تمدن‌های منطقه بین‌النهرین وجود دارد) «(کلاه کج، ۱۳۹۰: ۵۴). از دیگر ویژگی‌های هنر عیلامیان نیز نماد و موتیف‌های ویژه هنر آن بوده است: هنرمندان عیلام هنر سمبلیک را به گونه توصیفی و تشریحی آن ترجیح می‌دادند. آن‌ها همچنین

۱. رشته فلزکاری به معادن و صنعت فلزکاری منطقه زاگرس (استان ایلام امروزی) وابسته بود. زیرا اقوام ساکن پشتکوه (عیلام) در این صنعت استاد بوده‌اند. سرزمین عیلام نقش بسیار مهمی در گسترش صنعت فلزکاری در قلب آسیای غربی داشته است.

۲. اساس بسیاری از باورهای مذهبی، اجتماعی و ... است. و در واقع نشان دهنده نگرش انسان به طبیعت و تفکر انسان در مورد آن بدون استفاده از کلمات است. در ایران کهن از رموزها و نمادها در سفال‌گری و سفالینه‌ها بسیار استفاده می‌شد.

نقش حیوانات را به نقش انسان ترجیح می‌دادند. گذشته از موتیف‌های مار، مردم عیلام علاقه بسیاری به خلق کائنات اساطیری و هیولایی داشتند. در این زمینه پیوسته موتیف‌های تازه‌ای پیشنهاد می‌داشتند. تمایل عمیق مردم عیلام به خلق کائنات غیر واقعی و اساطیری بیش از هر جای دیگری می‌توان در هنر مهرسازی رؤیت کرد.

گریفون، تلفیقی از عقاب و شیر (شیر - دال)، یک ابداع عیلامی بوده است. که با در نظر گرفتن سابقه این نقش در شوش می‌توان گفت ظهور گریفین در هنر مصر به گمان زیادی متأثر از هنر عیلام بوده است. هنرمندان عیلامی که مجسمه ساز بودند. این ظرف را به گونه‌ای ساخته بودند که ظرف در واقع بخشی از بدن حیوان بود. و سر و اعضای بدن حیوان مانند: عناصر جداگانه به عنوان دسته در کنار ظرف استفاده می‌شود. با آغاز سلطنت پادشاه اونتاش گال در قرن سیزدهم استفاده از ظروف سفالی لعاب‌دار و ظروف چینی بدلی بسیار ارزش‌مند و مهم شد، به ویژه استفاده از آجرهای لعاب‌دار^۱ تزئینی که در واقع نوعی کاشی محسوب می‌شود. در تزئین کاخ‌ها و معابد بسیار رایج بود. «مردم عیلام هنری را آشکار کردند که از یک سو تحت تأثیر همسایگان غربی خود (سومر، آکد^۲) و از سوی دیگر از سبک‌ها و آداب و رسوم مردم کوهستانی که در شرق بودند، تأثیر پذیرفته بود. شهر شوش محل ملاقات آن‌ها بود و هنر از پیوند این فرهنگ‌ها شکل گرفت. سوی دیگر از سبک‌ها و آداب و رسوم مردم کوهستانی که در شرق بودند، تأثیر پذیرفته بود. شهر شوش محل ملاقات آن‌ها بود و هنر از پیوند این فرهنگ‌ها شکل گرفت که ویژگی‌های خاصی داشت».

هنر عیلام یک هنر برون‌گرا بود و باز هم پس از گذشت تقریباً ۲۵۰۰ سال نه تنها دستاوردهای فنی بلکه برخی از اعمال و اعتقادات آن‌ها هنوز در زندگی ما جاری است. افراد مرموز جلوه هنر این افراد را می‌توان در مجسمه‌ها و مهرهای به جا مانده از این دوران یافت.

۱. آجر لعاب‌دار مربع شکل به ابعاد ۳۷ سانتی متر طول و ۳۷ سانتی متر عرض در هر چهار گوشه دارای سه نقش و نگار می‌باشد. در مرکز آن، روی سطح کلاهک، کتیبه‌ای به خط میخی عیلامی با متن اونتاش گال وجود دارد که در معبد اینشو شیناک B. توسط رومن گیرشمن یافت شده است. این چنین گل‌میخ‌های ساده یا لعاب‌دار از دروازه عیلامی در تزئینات مربوط به بنا در معابد و کاخ‌های عیلامی استفاده فراوانی می‌شد.

۲. آکدی‌ها از نجد و حجاز وارد میانرودان شدند و با سومریان در آمیختند. این حادثه باعث شد تا بتوانند تمدن قدرتمندی به نام آکد تشکیل دهند، این تمدن از هزاره سوم تا پایان هزاره دوم پیش از میلاد به حیات خود ادامه داد. و یکی از مهم‌ترین فرمانروایان آن سارگون آکدی می‌باشد.

هنجارهای اجتماعی این افراد در موضوعات بسیاری مانند: نظام حکومتی، قوانین، ارتش، هنر، معماری، لباس بیان می‌شود. لباس بیان فرهنگی هر دوره تاریخی است و وضعیت اقتصادی جامعه مردم آن را نشان می‌دهد. همچنین اگر بدانیم این لباس برای کدام شخصیت سیاسی ساخته شده است. حتی می‌توانیم تا حدودی روش و نوع نظام حکومتی را مشخص کنیم. پوشاک به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار باقی مانده از این دوره، گویای بسیاری از عقاید، آداب و رسوم و نشان دهنده پیشرفت و تمدن این دوره برای ما است. که راه را برای پژوهشگران برای مطالعه بیشتر درباره این دوران باز می‌کند. با وجود تندیس‌های محدود باقی مانده از این دوران، تعداد کمی از مجسمه‌ها می‌توانند آن را به درستی بیان کنند. که دوره عیلام در صنعت نساجی و طراحی لباس پیشرفتی چشم‌گیر و قابل تامل داشته است. که یکی از نقاط قوت هنر این دوره می‌باشد. بدین وسیله پژوهش و مطالعه دوره عیلامی منتهی به کشف یافته‌های منقول و غیر منقولی شده که هر کدام به نوعی سبب روشنایی قسمت‌های از تاریکی تاریخ عیلام شده است. در نظر مردم سومر، عیلامیان مردمانی خود منش و مغرور، خانواده دوست و اهل سحر و جادو بودند. مردم عیلام همانند برخی اقوام نبودند و در خلق و خوی‌شان چیزی بود که درک ایشان را مشکل می‌کند. در آثار هنری آن‌ها عناصر ضد و نقیض دیده می‌شود، از یک جانب، مقهور قوه تخیل‌اند.

غریب‌ترین مخلوقات و آفریدگان قابل ستایش را می‌آفرینند و از جهت دیگر تنها فقط به واقعیت مستقیم توجه و اهمیت داشتند. و در یک نگاه مردمانی پیش از حد دوراندیش و بیش از حد توانمند بودند. احتمالاً علت آن حضور فرهنگ‌های شهری، روستایی و شبانی در کنار هم بود. واقعه‌ای که تا امروز در زندگی مردمان هم دوره ما نیز وجود دارد. در میان این یافته‌ها تعدادی از سازه‌ها و ساختارهای معماری به دست آمده است. اما وجود برخی از محدودیت‌ها از جمله تعداد اندک ساختارها، و عدم انتشار گزارش‌های کامل برخی از کاوش‌ها باعث شد تا معماری دوره عیلامی به طور جامعه مورد مطالعه قرار نگیرد. با توجه به این نکته که شناخت خصوصیات کمی و کیفی بناها و بافت شهری، بهترین وسیله برای درک جامعه مورد مطالعه است. همچنین از میان ۹ محوطه عیلامی در میانه «شوش، هفت‌تپه، چغازنبیل، فرخ آباد، تل قضیر، چغامیش، شرف

۱. آثار تمدنی در چغامیش از سوزیانا باستان تا هخامنشیان یافت شده است که پیکره‌های انسان و حیوان مربوط به قبل از آغاز نگارش، از گل‌های پخته، ساده و منقوش به دست آمده است. پیکرک از قسمت بدن یک مار از گل نخود پخته ساخته شده است، چشم، پلک، دهان، بینی و گردن با رنگ مشکی کشیده شده است. که بسیار منحصر به فرد می‌باشد. همچنین کوزه‌های سفالی دو دهانه با مارها و بزهای در هم تنیده بسیار استادانه کار شده‌اند.

آباد، ملیان و لیان»، تنها سه محوطه شهر شاهی شوش (محوطه شاهی)، هفت تپه و چغازنبیل دارای آثار معماری مسکونی عیلامی به دست آمده است. که بر اساس این سه دوره تاریخ عیلام باستان ساختارهای مسکونی نیز در سه دوره قدیم، میانه و جدید مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند.

۵-۱۰-۳- معبد زیگورات چغازنبیل^۱ (رنسانس مذهبی)

در کنده کاری‌های یافت شده باستان‌شناسان شهری در حدود ۴۵ کیلومتری جنوب ۱۹۵۱ شرقی شهرستان شوش و در مسافت ۲ کیلومتری رودخانه دز یکی از شگفت‌انگیزترین آثار باستانی جهان مرتبط به ۳۲۰۰ سال پیش مشهور به زیگورات چغازنبیل با گسترشی بالغ بر ۴ کیلومتر مربع وجود داشت. بلندی آغازین این بنا به ۵۲ متر در قالب ۵ طبقه بوده است. که تا امروز ارتفاع آن ۲۵ دو متر و طبقه و نیم از آن به جای مانده است. زیگورات چغازنبیل به ساختمان طبقاتی معبد عیلامیان که به دست شاه اونتاش گال، پادشاه عیلام بنیان شده بود بعدها حفاری‌های باستان‌شناسی در تاریخ تا ۱۹۶۱ میلادی به دست رومن گیرشمن باستان‌شناس فرانسوی انجام شد. که معلومات بسیار مفیدی را از دل خاک در مورد زیگورات چغازنبیل بیرون کشید. بر اساس باورمندی‌هایی که از قدیم وجود داشت این گونه مکان منزه و مقدس نه باید به عمارت‌های معمولی مردمی که فناء می‌شوند و از بین می‌روند شبیه باشد. بلکه مکانی است که مردگان در آن جا مدفون هستند. در آن جا باقی می‌مانند به همین فراخور چغازنبیل محلی جاودانه‌ی ارواح و عبادتگاه ابدی آن‌ها می‌باشد.

این‌گونه بنیان‌ها از آغاز مدنیت اقوام گوناگون جلگه بین‌النهرین وجود داشته است. ابتدا سومری‌ها و سپس بابلی‌ها و آشوری‌ها به احداث چنین ابنیه‌هایی پرداختند. عیلامی‌ها که مذهب آن‌ها از نفوذ همسایگان منفصل نبود با ایجاد زیگورات چغازنبیل همت گماشتند و به طوری که یادآور خواهد شد. ذوق و ابداع خاصی به کار بردند و آن را از زیگورات‌های متشابه در میان رودان متمایز ساختند. زیگورات یا (زیقورات) واژه آکدی می‌باشد و از فعل زقار به معنی بر پا ساختن و بر افراشتن اقتباس شده است. بدین سان واژه سومری آن زیقورات و عیلامی آن

۱. بین شوشتر و شوش در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی شوش قرار دارد. اهالی محله به تپه‌های غیر طبیعی (چغا) و زنبیل در زبان عربی به معنی (سبد) می‌گویند. و چون این مکان قبل از حفاری به شکل یک سبد وارونه بوده به آن چغازنبیل می‌گفتند. این مکان برای نخستین بار در سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ توسط سرپرستان هیئت کاوش در زمان شوش، کنت دو منکم، گمانه زنی شد.

زیقورتو است (چعب، ۱۳۹۹: ۸۱). در سایر زبان‌های بین‌النهرین باستان و عیلام باستان نیز مورد استفاده قرار گرفته است (شگری، ۱۳۹۱: ۱۴۲). زیگورات‌ها ساختمان‌های خشتی تو پری بوده‌اند. که مانند پله ساخته شده بودند از این جهت زیگورات در بین‌النهرین نخستین عبادت گاه برج مانند و دارای پلکان می‌باشد که به معنای واقعی کلمه، کوهستانی کیهانی و نیز به معنای صعود به بالا رفتن نیز آمده است در تمدن‌های باستانی آسیای غربی، زیارتگاه‌ها و معابدی برای ایزدان می‌ساختند که بهترین و مرتفع‌ترین آن‌ها زیگورات نامیده می‌شد.

در بین‌النهرین باور مردم در این مورد بود که ایزدان فراوانی جهان را نظارت و مدیریت می‌کنند و هر شهری را ایزدی می‌باشد که از آن پاسداری و محافظت می‌کند. مردم عیلام در مرکز شهر برای ایزدان خود معبد درست می‌کردند تا در آن زندگی کنند که گاه به فرم زیگورات بود. معابد کوچکتری هم ساخته می‌شد تا مردم هدایاء و پیشکش‌های را تقدیم ایزدان خود کنند. نمونه‌های سابق زیگورات چغازنبیل را می‌توان به تعداد فراوانی در میانرودان پیدا کرد. همچنین در ایران در مجموع چهار زیگورات شناخته شده است. این زیگورات‌ها عبارت بوده‌اند از: «زیگورات شوش»، «زیگورات چغازنبیل»، «زیگورات هفت‌تپه» و «زیگورات سیلک»، بیشترین معلومات موجود درباره‌ی زیگورات شوش از طریق مأخذهای تاریخی راجع به دوره‌ی عیلامیان (حدود هزاره‌ی دوم پیش از میلاد)، به دست ما رسیده است. از زیگورات هفت‌تپه نیز تنها نخستین سکوی آن به جای مانده است. و بیشترین معلومات را درباره‌ی زیگورات چغازنبیل در اختیار داریم. که هم از نظر ساخت و هم از نظر نقشه زیگوراتی است کاملاً متفاوت از تمامی زیگورات‌هایی که تا امروز در ایران و میانرودان شناخته شده‌اند. پرفسور گیشمن، اعلام می‌دارد که زیگورات چغازنبیل مکان مذهبی مهمی بوده که احتمالاً در آن مراسم دینی در مقابل شاه عیلام اونتاش‌گال و زوجه‌ی آن ملکه‌ی ناپیرآسو انجام می‌شده است. و ستایش ایزدان نرینه (مذکر) و مادینه (مؤنث) اساس مذهب عیلام را تشکیل می‌دهد. زیگورات چغازنبیل، بازتابی از پنداره‌ها و باورهای اعتقادی - معنوی عیلامی‌ها است.

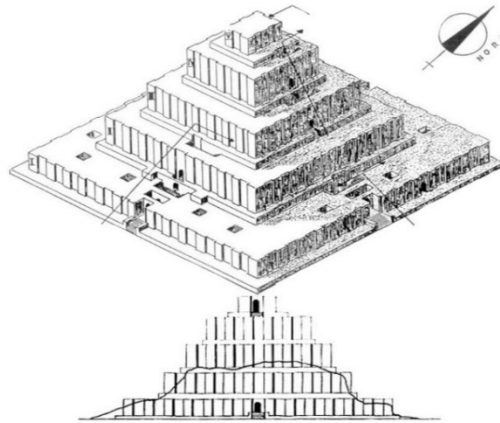
این بنیان سازه‌ای است سمبولیک و نمادین که در کنار خصوصیت‌های اقلیمی، با مجموع‌های از باورها و فرهنگ آئینی - سمبولیک و نمادین منسوب به خود، هویت و اصالت مردم آن تاریخ اقلیم را پدیدار می‌سازد. معبد چغازنبیل که با پلان مربع شکل و حصار خدای مقتدر عیلام بنا شد. بدین سان به عنوان بزرگ‌ترین معبد این اینشوشیناک دایره‌یایش برای پرستش تمدن باقی مانده است. نظام طبقاتی و نمادینش در کنار دیگر نمادها، تفسیر و نمایشی از وحدت الهی، رشد، کمال

و تقدس را به تماشا می‌گذارد. از این جهت برای کشف معانی وجودی زیگورات چغازنبیل، اسرار و نظم هدفمندش، سه طریق توصیه می‌شود: نخست، عینیت بخشیدن به اعتقادات، تفکرات آئینی و ارزش فرهنگی نمادها از طریق عنصر مهم مکان‌مندی - دوم، معرفی معبد زیگورات به عنوان وانمود و تقلیدی از کوه مقدس و وسیله صعود و عروج به آسمان از طریق سمبولیک‌هایی چون خورشید، ماه، پلکان و شماری دیگر و سوم تقدس قسمتی از طریق اعداد و شکل‌های هندسی است. چون در زندگی اجتماعی و حیات معنوی آنان نقش تأثیرگذاری داشته است. زیگورات فرم نمادین خود را حفظ کرده و حاوی قالب مربعی شکل بوده که طول هر ضلع آن تقریباً ۱۰۵ متر می‌باشد. مصالح اصلی در برپایی آن و همین‌طور بناهای این مجموعه خشت و آجر می‌باشد. هسته مرکزی طبقه‌های زیگورات چغازنبیل همگی از خشت تشکیل شده که با روکشی از آجر پوشانده شده می‌باشد. پلکان‌هایی مرکزی در چهار جهت بنا قرار داشته که به طبقه اول مختوم و منتهی می‌شدند. برای بالا رفتن به طبقه‌های بالاتر از پلکان ضلع جنوب غربی استفاده می‌شده است.

معبد زیگورات به دو تن از مهم‌ترین ایزدان عیلام یعنی اینشوشیناک^۱ و نپریشا پیشکش و اهداء شده که معبد‌های اصلی آن‌ها در رأس این بنا واقع بوده‌اند. البته تا به امروز شواهد کاملاً قطعی بر هویت این بنیان که آیا معبد مذهبی (زیگورات) یا کاخ زیگورات و یا فقط قصر بوده است. هویدا نگردیده ولی به هر صورت حجم بزرگ معماری نمایشگر بنای با اهمیتی می‌باشد. سطح زیر بنای این واحد ساختمانی به استثنای دیوارهای خارجی که ساختمان و حیاط را محصور نبوده است. در حدود ۷۵ متر طول شمال جنوبی و در حدود ۶۰ عرض شرقی، غربی دارد و سرزمینی در حدود ۴۵۰۰ متر مربع را در بر گرفته است. همچنین در خلال حفاریات گوناگون در محوطه باستانی چغازنبیل اشیاء منقول فراوانی کشف شده است. که رایج‌ترین این

۱. عیلامی‌ها معتقد بودند که داوری آن جهان در دست اینشوشیناک است. زیرا او را با عناوینی چون «خدای حافظ پادشاه»، «خدای بزرگ»، «حامی بزرگ»، «محافظ شهر ما»، «خدای من»، «حاکم من»، «دنیای من»، «حامی شهر شوش»، «خدای پادشاهان» می‌خواندند، عیلامی‌ها وی را «خدای مردگان و گورها» نیز می‌دانستند، البته خدایانی چون «ایشمکراب» و «لاگامال» نیز در امر قضاوت یاور و دستیار اینشوشیناک بودند. پس اینشوشیناک خدای خیلی چیزها بود و احتمالاً عیلامی‌ها از او می‌ترسیدند و به همین دلیل قضاوت آن جهان را به وی سپردند. اهمیت خدای جهان پس از مرگ و قضاوت عقلانی در متون عیلامی چندان روشن نیست، اما شواهد و قرائن به گونه‌ای است که می‌توان چنین فرض کرد که اهمیت قضاوت عقلانی باعث شده است که این کار مهم به خدای چنین مهمی واگذار شود.

مکشوفه‌ها، مجسمه گاو نر، مجسمه شیر - عقاب، تیر مفرغی، گل میخ و میخ سفالی، شیشه، مهرهای استوانه‌ای، ظروف سفالین، جام‌های ته دکمه‌ای و آجرهای کتیبه‌دار می‌باشد. معبد زیگورات چغازنبیل پلکان صعود به آسمان بوده و جزء معدود بناهایی ایرانی می‌باشد که از سایر زیگورات‌ها می‌توان به: زیگورات اور، آنو، معابد هفتگانه اریدو، تل ریماح بابل و دور شاکلین را یاد کرد. که بنیادی نظیر هم دارند.



تصویر ۳-۳- زیگورات چغازنبیل بالا؛ تصویر ایزومتریک و راه‌های ورودی آن و پایین، بازسازی کامل بنا با توجه به قسمت تخریب شده آن (عرب و شریفی نسب، ۱۳۸۷: ۹۱).
معبد زیگورات چغازنبیل در تاریخ ۱۹۷۹ میلادی در فهرست آثار تاریخی سازمان یونسکو^۱ به ثبت رسیده است. از ویژگی‌های جالب و چشمگیر زیگورات چغازنبیل سیستم آبرسانی^۲ و روش‌های تخلیه آب آن است که نشان دهنده توانایی فنی بالای سازندگان آن می‌باشد (موسوی، ۱۳۹۸: ۶۰).

۳-۱۱- بند زیگورات

بند چغازنبیل در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش قرار دارد و زیر ساخت‌های هیدرولیکی^۳ آن، کانال روباز، مخزن آب و حوضچه می‌باشد. هدایت آب از رود کرخه^۴ به طرف مخزن توسط کانالی به درازای تقریباً ۵۰ کیلومتر انجام می‌شده است. گنجایش مخزن ۳۵۰ مترمکعب و حوضچه ۵/۴ متر مکعب می‌باشد. آب از کانال روباز وارد مخزن آب، و از گذرگاه ۹

1. List of historical monuments of UNESCO
2. water supply system
3. Hydraulic Constructions
4. Karkheh River

حفره که در دیواره مخزن قرار دارند. وارد حوضچه شده؛ با ناسازی سطح بین مخزن و حوضچه، تصفیه فیزیکی به عمل می‌آمده و آن گاه در درون معبد جریان می‌یافته است. مصالح این بند، آجر پخته و ساروج^۱ می‌باشد. و عمر آن تقریباً ۳ هزار و ۳۰۰ سال می‌باشد که به فرمان شاه دور اونتاش گال - پادشاه عیلامی بنیان شده است. بند زیگورات همانند شهر شوش در اثر حمله «آشوربانی‌پال» به خاک عیلام و تخریب شهرها و زیر ساخته‌های آن سرانجام با سرنگونی حکومت عیلام در تاریخ ۶۴۵ پیش از میلاد به تل عظیمی از خاک تبدیل گردید. هندسی مربعی شکل گفته می‌شود. و از زبان سانسکریت سرچشمه گرفته است، ماندالا مظهر اسطوره و نمودار جهان ابدی است. و دایره‌های متعدد آن توسط چندین مربع احاطه شده است. به طوری که چشم ناظر را به کانون مرکزی هدایت می‌کند. این رمز در بودیسم معانی نمادین دارد و شخصی که راز را یاد می‌گیرد در فضای مقدس آن قدم می‌زند. ماندالا مرکز قدرتمند انرژی مادی و هم چنین بازتابی از دنیای الهی و وسیله‌ای برای تمرکز حواس و تأمل سالک است. طرح ماندالا می‌تواند: دو بعدی (روی کاغذ، حریر و ...)، سه بعدی (مجسمه) و یا بزرگ‌تر به صورت معماری مثل برخی از معابد باشد (ذکرگو، ۱۳۷۹: ۹۱).

۱-۱۱-۳- دایره^۲ و مربع^۳ در ماندالا

دایره و مربع این دو شکل معرف نمادین آسمان و زمین هستند؛ «دایره» مظهری است. از پهنه نامحدود و بی‌انتهای عالم معنا که با آسمان بی‌کران مرتبط است. و «مربع» که کامل‌ترین شکل مادی است و چهار جهت جغرافیایی (ذکرگو، ۱۳۷۹: ۹۴). چون: شمال، جنوب، شرق و غرب را در خود متجلی می‌کند، با زمین ارتباط دارد و معبدی که این دو طرح اصلی را در خود دارد، اتصال دو جهان را نشان می‌دهد. بنا زیگورات چغازنبیل از دیگر موارد مورد استفاده از این فرم در معماری ایرانی می‌باشد، اگرچه تکوین این بناهایی در بین‌النهرین بوده ولی الهام و مفهوم آن

1. Saroj

۲. دایره نماد هستی و زندگی، نمادی زنانه، تداعی معانی روان‌شناختی است. دایره مهم‌ترین نمادی است که از قدیم الایام تا به امروز با کمی تفاوت همین ذهنیت را القاء کرده است. از سوی دیگر سمبولیسم و یا نماد آن شامل مفاهیمی چون زمان، حرکت مداوم و دایره آسمانی، ابدیت، کمال و مربوط به الوهیت است.

۳. این نقش متعلق به نماد زمین می‌باشد. مربع با خطوط اریب یا همان مایل، طرح‌های شطرنجی، نشانه زمین کشاورزی است. خطوط موازی داخل مربع نماد جاده یا زمین است. که مربع با خطوط موج دار داخل دایره نشان دهنده ماه، آب یا دریاچه، زمین کشاورزی است.

آشکارا ایرانی است. زیرا زیگورات‌ها در بین‌النهرین به نوعی تقلید از کوه‌های مقدس در فلات ایران بوده است (مهرداد و روشن، ۱۳۹۸: ۲). که از این فرم در معماری ایرانی استفاده شده است، اگرچه ایجاد این بناها در بین‌النهرین بوده است، اما الهام و معنای آن مشخصاً ایرانی است. زیرا زیگورات‌ها در میان رودان نوعی تقلید از کوه‌های مقدس در فلات ایران بوده‌اند.

۲-۱۱-۳- نماد ماندالا در بنای مذهبی معبد زیگورات چغازنبیل

یونگ معتقد است دو بنا و ساختمانی که پایه و اساس ساختاری ماندالا را داشته باشد و بر این اساس ساخته شده باشند، فرافکنی کردن الگویی است. از نا خود آگاه به جهان بیرون و همه این بناها از جمله شهر، معبد «محل حضور ایزدان است. بنابراین مکان مقدسی محسوب می‌شوند. طراح معبد باید همیشه موید تقدیس آن مکان باشد تقسیم‌بندی آن باید آن قدر دقیق باشد که باعث حضور ایزدان گردد. تا نیایش‌گر بتواند خود را از طریق آن با روح پیوند دهد. و جهان را به وحدت برساند، معبد محل اتصال عالم کبیر و عالم صغیر می‌باشد»، معبد زیگورات چغازنبیل از جمله بناهای مقدسی است که عناصر تفکر آمیخته با تقدس در آن دیده می‌شود. این زیگورات بنایی بر اساس طرح ماندالایی است (بلواری، ۱۳۹۵: ۳۵). ماندالاها همواره دارای هندسه ثابت و تقارن پایدار هستند. این نقوش نمادین^۱ دارای یک محور مرکزی و جهت‌های جغرافیایی معین هستند و معرف نقشه سیستم کیهان را نشان می‌دهند. مرکز ماندالا نمادی از ستون کیهانی (Cosmic pillar) است که محور چرخ هستی، شیرازه نظام کائنات و محل استقرار رب الارباب است. زیگورات یک ساختمانی چند طبقه متحدالمرکز مربع شکل است که طبقه اول آن بزرگ‌تر و عریض‌تر از طبقات بالایی است. در اطراف این ساختمان مربع شکل؛ حصارهای دایره‌ای و دروازه‌هایی در چهار جهت که طرح ماندالا را تداعی می‌کند و در مرکز این ماندالا وجود ساختمان زیگورات که از قدیمی‌ترین شکل باقی مانده از هندسه مقدس در قالب بنا به شمار می‌روند واقع شده است.

همچنین تمام جزئیات از ماندالا پیروی شده است. اجزاء دیگر ماندالا، معرف ارتباط اجزاء گوناگون و لایه‌های مختلف هستی با محور مرکزی است. ریشه طرح ماندالاها به آن وجه از تفکر و باورهای انسانی باز می‌گردد. که برای کائنات، نظامی دقیق و از پیش طراحی شده قائل است. ماندالا کوششی است در یافتن طرح اصلی کائنات (عالم کبیر)، و تلاشی است. در انطباق و ارتباط

۱. نقوش نمادین: نشانه‌هایی که از طریق قرار داد یا قاعده‌ای محکم و از طریق همبستگی با ایده‌های کلی به موضوع متصل می‌شوند. آن‌ها در طبقه نمادین قرار می‌گیرند. نمادهایی مانند: پرچم کشورها، کبوترهای صلح از این دسته هستند.

آن با انسان (عالم صغیر)، از آن جا که این نگرش به هستی وجه اشتراک بسیاری از سنن دینی است، بنابراین گرایش به سوی هندسه‌ای متقارن و مستحکم به عنوان نقشه کیهان منحصر به یک فرد و یک سنت دینی نمی‌تواند باشد. ایده متجلی و منسجم نقشه کیهان^۱ را می‌توان در بنای زیگورات‌های بین‌النهرین نیز مشاهده نمود (ذکرگو، ۱۳۷۹: ۹۲).

۳-۱۱-۳- معماری بنای معبد زیگورات چغازنبیل

بنای زیگورات چغازنبیل که از آن می‌توان به عنوان «رنسانس مذهبی» یاد کرد. جایگاهی مقدس با معابد متعددی می‌باشد. معبدهای مربوط به ایزدان دیگر از جمله معبد پی نی کیر، ایم و شل، شیموت و بلت - الی، و ایزدان نپراتب یکی بعد از دیگری در جانب راست درونگاه شاهی در دیوار جنوب شرقی مکان رسمی یا مقدس قرار داشتند، در شمال شرق مجتمع ذکر شده، عبادتگاه هیشیتیک و روهوراتر قرار داشت. اما پرستشگاه‌های ایشنی کرب، نبو، کیریریش و نپیریش درست شمال غرب زیگورات (زیقوره) نزدیک به مرکز محدوده واقع شده بودند. که در حقیقت با سه گونه خشت بنا شده‌اند. خشت خام، خشت پخته و خشت نوع سوم که عبارت بوده‌اند از: خشت خامی که با خشت کوبید مخلوط شده می‌باشد. و همین امر باعث شده که این گونه خشت دارای مقاومت محکم و خوبی باشد. بدین جهت این آجرهای خام دارای اندازه و ابعاد متفاوتی می‌باشند. گوشه‌های زیگورات به جانب جهات اربعه جغرافیایی ساخته شده‌اند. و این امر اثبات کننده این مسأله می‌باشد. که عیلامی‌ها شمال، جنوب، شرق و غرب را به درستی می‌شناختند.

این بنیان توسط میلیون‌ها خشت و آجر ساخته شده است. که نزدیک به پنج هزار آجر نوشته شده است که اکثرشان حامل تن واحدی می‌باشند. آجرهای نوشته شده همگی با دست نوشته شده‌اند و این امر دال بر استفاده از خط برای تزئین آجرها در آن روزگار بوده است. بدین سان از ویژگی‌های مهم زیگورات چغازنبیل آجر نوشته‌هایی می‌باشند. که بخش مهمی از اسرار این بنا را افشاء و آشکار می‌کنند. شمار این آجر نوشته‌ها بسیار زیاد می‌باشند و پنج یا شش تیپ مختلف را در بر می‌گیرند. که بر حسب معیار نوشته‌ها و خطوط از هم متمایز می‌شوند. محتوای بیشتر آن‌ها نفرین بر ویران‌کنندگان این بنا می‌باشد. روی حصارهای معبد آجرهایی به خط عیلامی^۲ و آکدی

1. Cosmogram

۲. نوشته‌های به دست آمده از عیلامی‌های متقدم شامل سه گروه متمایز از یک دیگر می‌باشد. گروه اول احتمالاً مربوط به اواخر هزاره چهارم و آغاز هزاره سوم پیش از میلاد است که در شوش یافت شده‌اند. این گروه شامل اعداد و ارقام با

دیده می‌شود. عیلامی‌ها، برای ایزدان و الهه‌های مورد نیایش خود، پرستشگاه و معابدی بر پا می‌کردند. از دوران‌های اولیه‌ی عیلام هیچ عمارت مذهبی یا معبدی بر جای نمانده است. ولی با بررسی نقوش مهرهای استوانه‌ای هزاره‌ی سوم پیش از میلاد عیلامی می‌توان به چگونگی و خصوصیات معماری آن‌ها پی برد. در ارتباط با معبد‌های عیلامی، بر حسب آخرین معلومات یافت شده از نتایج بررسی‌ها و مطالعات انجام شده مورخان و باستان‌شناسی، نزدیک به ۱۷ معبد عیلامی به دست آمده معبد زیگورات چغازنبیل که هم اکنون تاریخ ۳۲۰۰ ساله کشور ایران را از معماری تمدن عیلامی رقم می‌زند در قرن ۱۳ بر تاق‌دس سردار آباد در منطقه‌ی زاگرس چین خورده بنا شده است. این معبد بعد از سالیان دیرباز دچار دگرگونی‌های بسیاری شده است و آن چه از بازمانده‌های این معبد در دسترس است دو طبقه و نیم از پنج طبقه‌ی نخستین آن می‌باشد. معلومات و آگاهی نسبتاً خوبی درباره‌ی مذهب و عبادتگاه‌های عیلامیان ارائه داده شده است. یکی از خصیصه‌ها و ویژگی‌های برجسته‌ی معبد‌های عیلامی نصب شاخ‌های حیوانات بر روی حصارهای معابد به عنوان جنبه‌ی تقدس آن‌ها بود. در اثر مهری از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد و نقش برجسته‌ای از یک معبد عیلامی یافت شده از کاخ آشور بانی پال در نینوا شاخ‌هایی دیده می‌شوند. کوتیک اینشوشینیک پادشاه عیلام (۲۲۰۰ پیش از میلاد)، در یک لوحه‌ای اظهار کرده که ۳۳ زیگورات یا معبد برای ایزدان خود ساخته و آن‌ها را با شاخ حیوانات تزئین کرده که جنس آن‌ها احتمالاً مفرغ می‌باشد.

خصوصیات دیگر معبد‌های عیلامی این بود که نیایشگران عیلامی نمی‌توانستند بی‌واسطه وارد معابد شوند. بلکه به خاطر تقدس خاصی که برای الهگان عبادتگاه‌ها و معابد آن‌ها قائل بودند. معبد‌ها را به طرزی می‌ساختند که دسترسی به اتاق محراب (محل قرار گرفتن مجسمه‌ی ایزدان)، از ورودی اصلی به صورت غیر مستقیم می‌باشد. همچنین با نگرش به نتایج ارزیابی‌ها در مجموع مهم‌ترین عامل تخریبی معبد در حال حاضر به دلیل خشت و گلی بودن معبد فرسایش در اثر باران‌های ناحیه می‌باشد. در میان معدود محوطه‌های حفاری شده از تمدن عیلامی در شوش قسمت محوطه‌ی شاه‌ی، هفت تپه و چغازنبیل آثار و بازمانده‌ی معماری مسکونی به دست آمده است.

تصاویر حیوانات اهلی است. دسته دوم احتمالاً نوشته‌های دربار بوده است. در این نوشته‌ها حدود پنج هزار تصویر یافت شده‌اند که به نظر می‌رسد ۴۰۰ تا ۸۰۰ عدد از آن‌ها تصاویر اصلی می‌باشد. که در تصویرسازی استفاده شده است. از گروه سوم، نوزده نوشته به دست آمده که ۱۷ تای آن از شوش می‌باشد. این نوشته‌ها؛ کتیبه‌های بزرگی بر روی مجسمه‌ها و ظروف یا به شکل گل وجود دارد. از این ۱۹ کتیبه، ۳ کتیبه آن علاوه بر خط عیلامی دارای کتیبه‌ای به زبان آکدی نیز می‌باشد.

در این پایان‌نامه تلاش شده تا با شناسایی نمونه‌های شاخص و مهم ساختارهای مسکونی عیلام کهن، میانه و نو در دو پهنه مذکور فرم‌های معماری در این دوره معرفی شوند.

۴-۱۱-۳- معبد کوچک مربعی شکل

این معبد بین سال‌های ۱۸۹۹ - ۱۸۹۸ میلادی در بخش جنوب شرقی ارگ شوش کشف گردید. بنای آن چهار گوشه و دارای صدفه‌ای که خارج و داخل آن با آجرهای لعاب دار سبز رنگ تزئین شده بود. در مقابل معبد مقدار زیادی مصالح ساختمانی لعاب‌دار مانند: آجر، مربعات کوچک، گلوله‌های تزئینی و ... به دست آمده است. این معبد مربوط به دوره شوتروک ناهونته دوم که روش جدیدی را در ساخت لعاب‌ها در معابد استفاده کرده‌اند. لعاب‌های به کار گرفته شده در این زمان روشن‌تر و شفاف‌تر از پیش بوده است. رنگ‌های متنوعی چون آبی پر رنگ یا کم رنگ، سبز، زرد، سفید، و خاکستری توسط صنعتگران استفاده شده است. طریق نصب مربعات بر دیوارها به کمک قطعات برجسته گلوله مانندی که میخ‌های چوبی و یا شاید بخش‌های اضافی تصاویر را می‌پوشاند انجام شده است روش تزئین هم چنان در این زمان ادامه یافته است (نیاکان، ۱۳۹۸: ۱۶).

۵-۱۱-۳- معبد گل (هومبان)

معبد گل یا (هومبان) علی‌رغم معبدهای دیگر که به طور کلی به صورت دوتایی یا بیشتر بوده است. و احتمالاً به همین دلیل او را به عناوینی چون «حامی بزرگ» و یا «بزرگ‌ترین شاه» گمان کرده‌اند. معبد گل^۱ یا (هومبان)^۲ علی‌رغم معبدهای دیگر که به طور کلی به صورت دوتایی یا بیشتر بوده است و احتمالاً به همین دلیل او را به عناوینی چون «حامی بزرگ»^۳ و یا «بزرگ‌ترین شاه» گمان کرده‌اند. معبد هومبان قریب دروازه شمالی حصار اول قرار دارد و با یک کف‌سازی آجری به صحن زیگورات^۴ متصل می‌شود. در شاخص این حصارها، ستون‌های چهار گوشه‌ای وجود دارد. که به مسافت‌های معین قرار گرفته‌اند. ورودی عبادتگاه در طرف جنوب خاور است. و به سرسرای باز می‌شود که با حیاط ارتباط دارد. جانب جنوب غربی محوطه، دو اتاق تو در تو وجود داشت که از اتاق آخری به عنوان محراب پرستشگاه استفاده می‌شده است.

-
1. Gel Temple
 2. Humban
 3. Great Patron
 4. Ziggurat courtyard

۱۲-۳- معرفی بناهای باستانی اطراف چغازنبیل

بعد از شناخت همگانی از پیشینه تمدن عیلام باستان و بنای مقدس چغازنبیل، هم چنین شناسایی آثار باستانی اطراف این مجموعه به ویژه هم دوره با این مجموعه ضروری می‌باشد. در تحلیل و بررسی این آثار افزون بر شناسایی بیشتر با تمدن عیلام احتمالاً آشنایی بیشتر با ویژگی‌های همه گیر آن دوره میسر خواهد گشت.

۱-۱۲-۳- مختصری از هنرهای تمدن عیلام باستان

۲-۱۲-۳- مهر^۱ و آثار مهرا

تکامل و پیشرفت هنری عیلامیان در هزاره سوم، به ندرت در آثار مه‌سازان به چشم می‌خورد عیلامیان مهارت و حرفه‌ای را تکمیل نمودند که در هزاره چهارم پیش از میلاد به آنان به ارث رسیده است. هم چنین عمده‌ترین و مهم‌ترین آثار به جای مانده از تمدن عیلام باستان، مه‌رها می‌باشند. که از بین بیست و هشت مهر و اثر مه‌ری که از دوره‌های گوناگون تمدن عیلام باستان مورد مطالعه قرار گرفت. شمار بیست و سه نمونه از آنان حاوی موتیف‌های مذهبی بوده‌اند. اساساً آثار مهر نزد عیلامی‌ها در موارد گوناگونی از قبیل: تجاری، دینی، اداری و... مورد استفاده شده بود. اگر چه تصاویری که بیشتر مردم عیلام برای طراحی بر روی آثار خود انتخاب می‌کردند. ارتباط نزدیکی با باورهای آن‌ها داشته بود. از این رو این تصویرها در برگیرنده موارد مختلفی مانند: نقوش افسانه‌ای، نقوش مربوط به الهه‌ها، نمادهای دین داری و یا صحنه‌های نیایشی و تقدیسی می‌باشند. آن گاه که مه‌رها از طرف کار سالار مفاد مبادلات بازرگانی، استفاده می‌شوند. نوشته‌ها و نقوشی که بر روی آن‌ها کنده‌کاری شده کار مایه‌ای مناسب برای تبلیغات هم به شمار می‌روند. برای این که با رؤیت نقش‌های آن‌ها، پیامی که بر روی آن‌ها کنده‌کاری شده است را نقل می‌گردد.

۱. در اوایل قبل از اختراع خط، مهر در ایران رایج بود و برای مهر و موم کوزه‌ها و سایر ظروف و واگذاری اشیاء یا اسبابی به صاحب آن استفاده می‌شد. مه‌رهای اولیه مخروطی شکل بوده‌اند. پایه مخروط صاف و مسطح است و در بالای آن سوراخی برای عبور ریسمان وجود دارد. مه‌رهای گنبدی شکلی نیز وجود داشته که دارای سوراخ‌هایی برای ریسمان است. در این زمان آب بندی‌های فشار زیادی وجود دارد و اغلب به صورت دکمه‌ای هستند که وسط آن سوراخی دارد. یا این که دسته کوچکی دارد که برای نخ سوراخ می‌شود. نقوش اولیه مه‌رها تنها یک علامت یا نقشی بود که مالک آن را مشخص می‌کرد. اما بعدها شکل حیوانات و تصویر ساده‌ای از انسان روی آن‌ها حک شد. تصاویر حیوانات یا حشرات اغلب معانی نجومی و نمادین دارند. خاستگاه نشانه‌های منطقه البروج که امروزه در سراسر جهان شهرت دارد. شاید در اثر مطالعه آسمان و افسانه‌های کهن ایران تا حدودی بتوان آن را شناخت.

جهت فرو بستن دهانهٔ صندوقچه‌ها، محفظه‌ها یا تنگ‌های سفالی به کار می‌رفته‌اند. همچنین به شرح مختصر مهرهای مسطح و مهرهای استوانه‌ای در زیر می‌پردازیم.

۳-۱۲-۳- مهره‌های مسطح

اکثریت نقش‌های مهرهای اولیه یا (مسطح) را نقوش هندسی^۱ تشکیل می‌دهند. با کار آزموده‌تر شدن صاحبان ذوق مه‌رساز، به تدریج نقش‌های سادهٔ هندسی به نقش‌های هندسی با کار آزموده‌تر شدن صاحبان ذوق مه‌رساز، به تدریج نقش‌های سادهٔ هندسی به نقش‌های هندسی ترکیبی تغییر یافتند و با ازدیاد حجم و شمار مهر در نیمهٔ دوم هزارهٔ چهارم پیش از میلاد نقش‌های نباتی، حیوانی و انسانی به تدریج نمایان شدند. قالب و شکل این چنین از آثار مهرها در ایران متداول بوده است. که یک سطح محدب و یک قالب آن مربع یا گرد بوده که توسط دسته‌ایی کوچک در پشت آن برای آویخته شدن استفاده می‌شده است. بدین سان مهرهای اولیهٔ مسطح به طور کلی با بهره جویی از سنگ‌هایی ساخته و پرداخته شده‌اند. بر روی سطوح صاف و مسطح مهرها نقوش ساده‌ای کنده کاری شده است. که با فشردن بر روی یک ماده نرم مانند گل ورز داده شده، نقوشی بر روی ماده نرم انتقال و ساخته می‌شوند. به جهت متناهی و کوچک بودن سطوح قابل کنده کاری مهرهای اولیهٔ مسطح، موتیف‌های کنده کاری شده بر روی آن‌ها نیز محدود و متناهی بوده است.

مهرهای اولیه مسطح برای مهر کردن به سطح‌های دلخواه به شیوهٔ عمودی با سه انگشت به کار گرفته می‌شوند. یک ضربه در هر بار منحصراً یک شکل را ایجاد نقش به طور متوالی متضمن تکرار حرکت است. در عین حال از بین هر ضربه و بین هر نقوشی که ساخته می‌شود؛ پیوسته یک کرانهٔ خالی وجود دارد. که از آن‌ها می‌توان با استفاده از نقوش، معلوماتی دربارهٔ زندگی روزمره، هنر و دین مردم عیلام به دست آورد. این آثار دارای نقوشی از جانوران و خطوط هندسی می‌باشند. عیلامی‌ها نخستین تمدنی بودند که در حدود هزارهٔ چهارم پیش از میلاد مهر را ابداع کرده و از مهرهای استوانه‌ای بهره جویی می‌کردند. در زمرهٔ مورخان و باستان‌شناسان این عقیده وجود دارد. که سازندگان نخستین نقوش مهرها، برای بیان آرزوها، خواسته‌های مادی و

۱. مردم ایران باستان پس از آشنایی با نقاشی روی سفال، در ابتدا از خطوط هندسی استفاده می‌کردند و سپس به تدریج تقلید از طبیعت جای خطوط هندسی را گرفت و نقاشان به شکلی ساده و تلطیف شده گل و گیاه و حیوان را بر روی آن‌ها نقاشی می‌کردند. آن‌ها نقوش سفال شوش را با ترکیبات هندسی نقاشی می‌کنند که برجسته ترین آن‌ها دایره، مربع، مثلث، خطوط منحنی یا شکسته راه راه دیده شده است.

محسوسات از محیط و نیز مواظبت و حفاظت خود از ارواح و ترس از طبیعت به خلق چنین نقوشی می پرداختند. مهرهای مکشوفه از شوش، همچون مدارک معتبر از دوران حیات این تمدن، سهم عمده‌ای در بازنمایی تصویری از تفکر و تامل، باورها و ارزش‌های حاکم داشته بوده است.

آثار مهرهای عیلامی هزاره سوم پیش از میلاد معلومات ارزشمندی از شیوه‌های متفاوت مردم عیلام در آن زمان در اختیار ما قرار می‌دهد. که شماری از این نقش‌ها به نقش‌های اساطیری شناخته شده است. هم چنین کائنتاتی را به نمایش گذرانده که حاصل اندیشه‌ها و پندارهای عیلامی‌ها بوده است. و یا این که آنان را از تمدن‌های همسایه به استعاره گرفته‌اند. نقوش افسانه‌ای مهرهای عیلامی، به راستی حکایت داستان الهگان و اعتقادات مذهبی عیلامی‌ها بوده است. از این جهت مهرهای استوانه‌ای که از شوش و چغازنبیل به دست آمده‌اند. کمک می‌کنند تا یک پیکره‌بندی از کنده‌کاری در عیلام از دوران قدیم در اوایل هزاره سوم پیش از میلاد و به وسیله عیلام میانه در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد تا دوران عیلام جدید در هزاره اول پیش از میلاد ارائه گردد. همچنین نقش‌های افسانه‌ای مهرهای عیلامی بازگو کننده باورهای مذهبی آنان است. که در جهان راستینگی هویت خارجی نداشته و عینیت بخشیدن به اهریمنها است. به ویژه اهریمنهای فطری؛ نیمی انسان و نیمی جانور یا دو گونه جانور به هم پیوسته که عبارت بوده‌اند از:

گاو - دیو، اسفنکس، گاو - مرد و شیر - دال با پر و بال عقاب و بدن - شیر، قدرت‌های غیر طبیعی می‌باشند. همچنان که آدمیزاد این گونه مهرهایی را به همراه داشته بود. احساس آرامش، بی‌هراسی و امنیت بیشتری داشته است. در نتیجه با طلسم و مهرهایی رو به رو می‌شویم که تجسم الهگان و یا مظاهر آن‌ها هستند و به صورت الهگان و یا کائنتات ترکیبی انسان و جانور و یا جانور - جانور نمایان می‌شوند. از اواسط هزاره سوم پیش از میلاد بود که خدایان از تجسم جانورانی به صورت نیم - انسان نیم - جانور در می‌آیند. مانند الهه مار با نیم تنه انسان و پایین تنه مار این کائنتات بی‌نهایت در عیلام باستان مورد توجه بوده است. که به تعریف و تشریح هر یک از آنان بر اساس شایستگی، به صورتی موجز و نامشروح پرداخته خواهد شد.

۴-۱۲-۳- مهره‌های استوانه‌ای^۱

یکی از عمده‌ترین و مهم‌ترین عناصر هنری تمدن عیلام باستان را می‌توان مهرهای استوانه‌ای آن‌ها دانست. مهره‌های استوانه‌ای که یکی از مهم‌ترین و متداول‌ترین اقسام مهرهای خاورمیانه باستان می‌باشند، از تاریخ نیمه دوم هزاره چهارم پیش از میلاد تا فروپاشی حکومت عیلام در تاریخ (۶۲۱ پیش از میلاد)، در شهرهای گوناگون این سرزمین نظیر: شوش، دور - انتاش (چغازنبیل) و کاپناک؟ (هفت‌تپه) و ... این حکومت متداول بود. همانطور که تا به حال این عنوان گردید. بر روی این مهرها صحنه‌های گوناگون و متفرقه به چشم می‌خورد. که هر کدام از آنان می‌توانند در نوسازی تاریخ فرهنگ و تمدن و تفکر و تأمل مذهبی عیلامی‌ها به ما کمک می‌کنند. همچنین مهرهای استوانه‌ای که در آمار نخستین اسناد و مدارک اداری و شهروندی بشری کاربرد داشته‌اند. یکی از پر متعددترین آثار مصور توصیفی و تشریحی تمدن عیلامی به حساب می‌روند که در تصویر زیر نمونه از آن را می‌بینید.



تصویر ۳-۴- مهرهای استوانه‌ای از جنس سنگ و یک تکه گل با اثر مهر (موزه باستان شناسی شوش، ۱۴۰۱).

همانطور که عیلامی‌ها در نخست الهگان خود را به نقش جانور خیال می‌کردند. از اواخر هزاره چهارم الهگان در اقسام تلفیقی حیوانات متداول یافت. در اواسط هزاره سوم این اقسام جای خود را به الهگان تلفیقی، جانور انسان داد و بعد از آغاز نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد الهگان به قالب انسان تجسم یافتند. سرانجام طی هزاره اول پیش از میلاد نخستین گام‌های تبدیل این الهگان به ایزدانی مجرد و نادیدنی برداشته می‌شود و بر مهرها و اثر مهرها ایزدانی هم به این قالب ترسیم شده‌اند. مردم عیلام اعتقادات مذهبی و قومی خود را در اقسام متفاوت و گوناگونی بر روی آثار مهرهای استوانه‌ای در دوره عیلام باستان و میانرودان حکاکی می‌کردند که متضمن

1. Cylindrical beads

بوده‌اند از: گاو - دیو، شیر - دیو، گاو - مرد، مار - خدا و...، صحنه‌های گوناگونی را بر روی مهره‌ها و اثر مهرهای استوانه‌ای این تمدن شکل‌دهی می‌دهند. نقوش شکار موجودات تلفیقی بر روی مهرهای استوانه‌ای عیلام و الگوهای میان رودان از تفاوت بی‌شماری برخوردار می‌باشند. شماری از این نقوش که به نقوش افسانه‌ای شناخته شده‌اند، که موجوداتی را به عرضه گذرانده که آفریده تصورات و پندارها و اوهام عیلامیان آن زمان بوده است. و یا این که آن‌ها را از تمدن‌های همسایه به عاریت گرفته‌اند.

نقش‌های اساطیری مهرهای عیلامی، به درستی شرح حکایت ایزدان و اعتقادات مذهبی این قوم بوده است. این کائنات غیر واقعی که در دنیای محسوسات وجود خارجی ندارند، تلفیقی از دو نوع جانور مختلف یا ترکیبی از جانور و انسان هستند. که حاوی برترین نیروهای فیزیکی و دماغی می‌باشند. همچنین سنگ نگاره‌ها و جام‌ها بعد از مهرها مواد دیگری می‌باشند. که روی آن‌ها تصویرهای متفاوتی نقش بسته شده است. بیشتر تصاویر سنگ نگاره‌ها و جام‌ها موضوعات رسم و رسوم و سرزمین‌گشایی و پیروزی‌های پادشاهان را در بر می‌گیرد، همانطور که مزبور شد پنداشته می‌شود موضوعات تشریحی از اندرون مهرهای هزاره چهارم به جام‌ها و سنگ نگاره‌های عیلام نو نفوذ یافته باشد. مباحث استفاده مهرهای استوانه‌ای را می‌توان به چهار سهم مجزاء تقسیم نمود؛ این طبقه‌بندی از بدین گونه است: اداری، طلسم‌ها، نذر و استعمال از آن‌ها در خاکسپاری هر مهر احتمالاً در گذر زمان کاربری‌اش، در دو یا چند کاربرد مهم مورد استعمال قرار بگیرد. برای مهر و موم گذاختن نامه‌ها، و گلی که روی کوزه‌های بزرگ قرار می‌گیرند. یا به جهت مهر و موم کردن یا به حکم قفل جعبه‌ها، صندوقچه‌ها، تابوت‌ها و اتاق‌هایی که دستور انبار محصول را دارند برای استعمال قرار می‌گرفته‌اند.

۵-۱۲-۳- کاربرد مهره به عنوان حرز یا طلسم

در محتوای کلی حرز یا طلسم، به منظور دور کردن شر یا خلق جذابیت و دلربایی برای فرد حامل مورد استعمال قرار می‌گرفته‌اند. این باورها، سحر و جادو و احترام به نیروهای جهان زیرین، عیلام را برای بین‌النهرینی‌ها قلمروی جادوگران و پیشه‌وران ساخته بود. بدین جهت مردم عیلام به منظور آن که از فراوانی‌ها و انعام زندگانی برخوردار گردند. به کاهنان و پیشوایان مذهبی خود ملتجی گشته و در رویدادها مانند: قربانی‌ها، افسون‌ها، نمازها، دعاها و مطالعه کواکب از آنان مساعدت می‌جستند. و به آهنگ نغمات نی و تصنیف‌های دلپذیر موسیقی، به نیایش و

فروتنی در آستانه خدایان می‌پرداختند. و هر زمان که از دعا و نماز آن‌ها ایزدان مهربان نمی‌گشتند مجبور به افسون‌هایی به کار می‌بردند که به گمان آن‌ها در آمیزه ایزدان نفوذ می‌کرد. این نوع از اعتقادات و باورها به جذب محبت و برکت و دفع شر و زیان ایزدان، سبب شده بود که عمده اقوام باستانی در مذهب و پرستش‌های خود، سیره دوگانه‌ای را پیش گیرند. از عیلام میانه نیز گردن آویزهای سنگی با نقش حیوانات (شیر)، باقی مانده که نمونه از آن‌ها را در تصویر زیر می‌بینید. شاید نقش طلسم حامی و نگهبان آنان بوده است.



تصویر ۳-۵- آویزهای سنگی با نقش حیوانات (Prudence, 1992)

۶-۱۲-۳- کاربرد نذری

نذری به مفهوم حقیقی کلمه، اختصاص داد شیء به یک الهه درباره عهد و یا خواهش خاص می‌باشد. مهرهای کشف شده در معابد یا دیگر ساختارهای مذهبی یا منطقه مذهبی همگی با این کاربرد تعریف شده‌اند. که عبارت‌اند از: اسفنکس، مار^۱- خدای قایق - مرد، انسان - کژدم و انسان - پرنده از کائنات افسانه‌ای عیلامی هستند. که طبق معمول سر آن‌ها به فرم سر انسان و بدن آن‌ها به قالب انسان و بدن آن‌ها به شکل حیوانات است. این کائنات هم جنبه خدایی و مذهبی برای عیلامی‌ها^۲ داشتند و عبادت و نیایش آن‌ها به غایت در جامعه عیلامی رایج بود.

۱. مار یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین حیوانات و یکی از قدیمی‌ترین نقوش حیوانات است. در پهلوی به آن Mardo و در سانسکریت Mare می‌گویند. به معنای مرگ و مهلک است و از مصدر اوستایی و پارسی باستان به معنای مردن آمده است. برای مار مفاهیم منفی عبارت بودند از: زشتی، بی وفایی، حيله‌گری، خیانت، خشم، افسون، افسردگی، انتقام، نابودی، بدبختی، حسادت و ... است.

۲. عیلامی‌ها به وجود شیاطین بدخیم و مضر و خدایان خوش خیم و سودمند اعتقاد داشتند. در واقع به گفته بابلی‌ها عیلام سرزمین ساحران و جادوگران بوده است.

۱۳-۳- کاربرد تدفین

استفاده دیگر و آخرین نوع استفاده سمبلیک از مهرها، استفاده از آنها در تشریفات رهسپاری جنازه می‌باشد. شماری از مهر و مومها در شوش، بنی سرمه، و کله نثار در بین متاع‌های دیگر در آرامگاه‌ها کشف شده‌اند. بدین جهت احتمال دارد موضوع مهرها مربوط با فرد فوت شده یا سیر زندگی پس از مرگ باشند.



الف ب

تصویر ۳-۶- الف) گور خمره - هفت تپه، عیلام میانه، ب) تابوت سفالی - هفت تپه، عیلام میانه (موزه باستان شناسی هفت تپه، ۱۴۰۲).

به راستی این نقش‌ها گذر از مرحله پرستش جانوران به مرحله ستایش ایزدان، به اقسام انسانی تبدیل شده است. در این گذر، جانور و انسان در هم آمیخته و اقسام ترکیبی و تلفیق جدیدی به وجود آوردند. عیلامی‌های هوشمند تسلط و توانمندی جانورانی مانند: شیر یا گاو را، با تفکر اندیشمندی انسان در هم آمیخته و از آن یک جانور تلفیقی نوینی آفریدند. که می‌تواند بسیاری از ذهنیت‌های آنها را در زمینه‌های مختلف، از جمله موجودات مرگ و زندگی، پاسخ دهد و آنها را خشنود سازد. در این نوشتار مهرها و خصوصاً مهرهای استوانه‌ای^۲ از اواسط هزاره چهارم به دلیل ماهیت کاربردی خود، که به عنوان هویت ظروف به کار می‌رفت. رونق قابل ملاحظه‌ای یافتند. این اشیاء با توجه به ویژگی‌های اشاره شده بالا، خود به لحاظ تکنیکی و موضوعی باعث

-
1. Background
 2. Cylindrical seals

وجود تحولات تازه‌ای در آثار مصور این تمدن شده‌اند. در تصاویر مهرها روش اجرایی حکاکی جای مرکب را می‌گیرد و تصاویر موضوعی و داستانی واسطوره‌ای جای موضوعات تزئینی را می‌گیرد. به نظر می‌رسد واقع‌گرایی به گونه‌ای در آثار این تمدن، با رونق مهرها اوج می‌گیرد و داستان‌های دنباله‌دار و توصیفی با به وجود آمدن مهرهای استوانه‌ای به اوج شکوفایی و درخشش خود می‌رسد. مهرهای استوانه‌ای تمدن عیلامی از مهم‌ترین آثار این تمدن هستند که مضامین و موضوعاتی گوناگون اجتماعی، سیاسی، مذهبی و باورها را می‌توان در درون آنها دید. به نظر می‌رسد این ویژگی و قابلیت از حالت نوارگونه و حرکت افقی تصویر در این مهرها ناشی شده است و باعث خلق تصاویر دنباله دار گشته است (کلاه کج، ۱۳۹۰: ۵۷).

بنابراین حین به تصویر گذراندن بعضی از نقش‌های اساطیری، تلاش شده تا به گونه‌ای خلاصه، موضوع‌هایی پیرامون هر مورد بیان گردد. کائنات اساطیری نقش شده بر مهرهای استوانه‌ای عیلام باستان عبارت‌اند از: گاو- دیو، گریفین^۱، گاو- مرد، شیر - دیو، مار- خدا، موجودات دو سر، بر- ماهی، قایق- مرد، سگ کمان دار و مرغان افسانه‌ای غول‌آسا می‌توان به آنها اشاره کرد. جایگاه این عفریت‌ها در طبیعت آزاد و در میان کوه‌ها بوده است، و اکثر اوقات با خود یا دیگر موجودات در حال نبرد و نزاع بودند. از موجودات اساطیری دیگر که تلفیقی از دو نوع متفاوت جانورانی بودند. می‌توان به گریفون و بز- ماهی اشاره کرد که هر کدام حاوی قدرت و نیروهای برتر دو جانور متفاوت بودند. تمرکز و توجه به چنین قوای نیرومند و برتری در یک موجود واحد می‌توانست. گونه‌ای جدید پدید آورد، که مددکار ناتوانی‌ها و خالق بعضی رویدادها و عناصر طبیعی باشد. همچنین با توجه به غنای فرهنگ و تمدن عیلامی از نظر فراوانی و تنوع سبک‌ها، می‌توان از این منابع غنی که اطلاعات زیادی در اختیار ما قرار می‌دهند بهره‌مند شد. چون مهرها کوچک و قابل حمل بودند از غارت سربازان آشوری که عیلام را سرنگون کردند درامان ماندند. همچنین امکان پنهان شدن آنها در زیر لایه‌های خاک بسیاری از این آثار ارزشمند را حفظ کرده است. اما به دلیل حفاری‌های غیر روشی، مهرهای زیادی به موزه‌های خارجی راه یافت و بسیاری از آنها در مجموعه‌های خصوصی دور از دسترس محققان قرار گرفتند. جنس مهرها در نخست از گل رس بوده ولی پس از این سنگ جای آن را گرفته و آنها را طبق معمول از سنگ می‌ساخته‌اند. مس هم برای درست کردن مهر استفاده می‌شده ولی نتوانسته است جای

۱. گریفین، ترکیبی از عقاب و شیر (شیر دال)؛ این نقش یک ابتکار عیلامی بوده، و با توجه به قدمت این نقش در شوش، می‌توان گفت که ظهور گریفین در هنر مصر باستان به احتمال زیاد متأثر از هنر عیلام بوده است.

سنگ را بگیرد و تا زمان‌های بعد فقط چیزی که در مهرسازی استفاده می‌شده سنگ بوده است. شیوه پردازی به کار رفته در نقش‌های مهرها با شیوه پردازی تزئینات ظروف نقش دار همسانی دارد.

۱-۱۳-۳- مفهوم واژه اسطوره^۱

واژه‌های اساطیر و اسطوره تحت عنوان نقوش اساطیری با یک دیگر ارتباط تنگاتنگی دارند، لازم است تعریفی مختصر از این واژه ارائه شود. اساساً افسانه Myth، این کلمه از زبان عربی گرفته شده است. (الاسطوره و الاساطیره) و به معنای روایت و حدیثی است که اصلی را ندارد. اسطوره از کلمه Historia به معنای «جستجو و دانش» گرفته شده است. برای بیان مفهوم اسطوره بقایای کلمه یونانی Mythos، به معنای «توصیف، خبر و داستان» به کار رفته است. اسطوره نیز مانند تمدن، دارای تعاریف بی‌شماری می‌باشد و هر مکتب و متفکری بر حسب درک و نوع نگرش خود، تعریفی از آن ارائه کرده است. فروید این اسطوره را چنین تعریف می‌کند: «اسطوره‌ها بقایای دگرگون شده تخیلات و خواسته‌های مردم و ملت‌ها و رویاهای فراوان بشریت در دوران جوانی است»، از این رو صحنه‌هایی است. که در آن حیوانات مرکب اسطوره‌ای دیده می‌شوند. آن‌ها زیباترین و در عین حال پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین هستند. این صحنه‌ها به قدری زیبا هستند. که چشم از دیدن این شاهکارهای هنری سیر نمی‌شود. از ترکیب منظم و منسجم انواع صحنه‌هایی که در آن حیوانات مرکب افسانه‌ای دیده می‌شود. آن‌ها زیباترین و در عین حال پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین هستند. این صحنه‌ها به این دلیل زیبا هستند که چشم از دیدن این شاهکارهای هنری سیر نمی‌شود و از ترکیب منظم و منسجم گونه‌های مختلف حیوانی و انسانی شگفت‌زده می‌شود، اما با همه زیبایی‌ها مبهم و پیچیده هستند. زیرا رمزگشایی و درک صحنه‌ها از توان ما خارج است. اسطوره از نظر لالاند^۲ حکایتی موهوم و شگفت، دارای منشأی مردمی و نااندیشیده است که در آن، عملاتی که در زمره اشخاص نیستند و غالباً قوای طبیعت‌اند، در سیمای اشخاص نمودار گشته‌اند و اعمال و ماجراهایشان معنای رمزی دارد. عده‌ای اسطوره را خیالی، غیر واقعی یا افسانه محض می‌دانند. جمعی دیگر آن را واقعیت‌های اجتماعی می‌پندارند که در گذر زمان به صورت رازها و رمزها در آمد است (مهرآفرین، ۱۳۸۰: ۲۷۲).

1. The myth

2. Lalande

۲-۱۳-۳- شیشه‌گری^۱ در هنر عیلام باستان

شیشه به عنوان یکی از مواد مورد استعمال توسط انسان به طور یک شیء شفاف کدر و رنگی از دیر زمان در صنایع و علم مواد مختلف مورد اهمیت بوده است. قدیمی‌ترین نمونه‌های این شیء به هزاره سوم پیش از میلاد بخش باختر نزدیک و سوریه بر می‌گردد. اما نخستین نمونه‌های کتبی در رابطه با کاربرد و ساخت کالاهای شیشه‌ای مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد در همین مناطق بوده است. مفتول‌های شیشه‌ای چغازنبیل به عنوان نخستین نمونه اثرات شیشه‌گری در تاریخ هزاره دوم پیش از میلاد در ایران شناسایی شده و از ارزش خاصی از بابت مواد سازنده، شیوه ساخت، فرم و سبک اختصاصی برخوردار می‌باشند. بدین سان تمدن عیلام باستان از قدیمی‌ترین و اولین تمدن‌های شناخته شده عالم در هزاره سوم پیش از میلاد در تاریخ ۲۷۰۰ پیش از میلاد است. از این جهت شیشه‌های تمدن عیلام میانه را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود: (۱) الف) نمونه نادر یک ظرف شیشه‌ای با فن‌آوری قالب گلی یافت شده از شوش.

(۲) ۲۶ تعداد مهر استوانه‌ای شیشه‌ای از محوطه چغازنبیل یافت شده است. این مهرها محتمل بر تصاویر الهگان، قهرمانان و کمان‌داران و هم چنین جانوران و پرندگان می‌باشند که در موزه‌هایی چون: موزه لوور، پاریس و موزه ملی ایران باستان نگهداری می‌شوند.

(۳) مفتول‌های شیشه‌ای یافت شده از پهنه چغازنبیل که در بعد به آن پرداخته خواهد شد. از عمده‌ترین و مهم‌ترین نواحی مورد حفاری در ارتباط با این تمدن در فلات ایران پهنه‌های هفت تپه و چغازنبیل می‌باشند. اشیاء فرهنگی به دست آمده از این بخش محتمل است بر: مهرهای گلی، سفالینه‌ها^۲، قطعات فلزی (مفرغی) و بقایای ذوب، بقایای ساختارهای معماری و عناصر مربوطه به آن مانند: چینه، خشت و آجر می‌باشد. نشان از آگاهی این تمدن در شناسایی مواد نارسا و شگرد آوری استفاده از مواد فرهنگی دارد. اشیاء یافت شده از زمان نخستین حفاری‌های انجام شده در سرزمین خوزستان، در جنوب باختر فلات ایران از اهمیت فراوانی بهره مند بوده است. از جمله اشیاء یافت شده در حفاری‌های «ال-اونتش - نیپیش» (محوطه مشهور به «چغازنبیل»)، لوله‌های - شیشه‌ای «یا استوانه‌های شیشه‌ای به دست آمده که تا امروز پژوهش‌های جامعی درباره آن‌ها در چارچوب یک مقاله پژوهشی انجام نگرفته است که از دوران کشف بسیار مورد اهمیت و توجه حفاران، باستان‌شناسان و پس از آن کارشناسان شاخه‌های دیگر

1. Glazier

۲. سفالینه، سفالی ساخته شده را می‌گویند.

علوم از آن جمله، علوم پایه بوده است. لوله‌های شیشه‌ای زیگورات - چغازنبیل نه تنها در شیشه‌گری، بلکه در تاریخ معماری نیز ارزش و اهمیت دارد. و به عنوان نخستین اثرات صنعت شیشه در هزارهٔ دوم پیش از میلاد در کشور ایران معرفی می‌گردند که در تصویر زیر می‌بینید.



تصویر ۳-۷- میله‌های شیشه‌ای - عیلام میانه، سدهٔ ۱۴ پیش از میلاد (موزهٔ باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

این مفتول‌ها به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شیشه‌های ایران و در واقع همچون عنصری تزئینی در چهارچوب‌های درهای چوبی دو لنگهٔ بعضی از عبادتگاه‌های زیگورات چغازنبیل جای گرفته بوده‌اند. مفتول‌ها از شیشهٔ نیمه شفاف ساخته شده و درون بعضی از آنها قالب‌های میله‌ای از جنس مفرغ ظاهر، یافت شده است. از این نوع لوله‌ها تنها از زیگورات چغازنبیل پیدا شده است. منظور از این نوشتار آشنایی با هنر شیشه‌سازی در دورهٔ عیلام میانه^۱ و به خصوص این شیشه‌ها است. همچنین هنر و صنعت شیشه‌سازی^۲ از دورهٔ عیلام به ویژه با روی کار آمدن دورهٔ هخامنشیان تا امروز مورد اهمیت بسیار بوده است.

۳-۱۳-۳- سفال در هنر عیلام باستان

سفال یکی از اولین و مهم‌ترین ابداعات دست بشر است و با نقوش زیبای خود بیانگر باورها، آئین‌ها و آداب و رسوم مردم باستان به محیط اطراف‌شان می‌باشد و به همین دلیل برای مورخان و

1. Middle Elam
2. Art and craft of glass making

باستان‌شناسان از ارزشمندی بالایی برخوردار است. سفال‌ها طبق معمول به دو نمونه ساخته می‌شوند:

(۱) بدون استفاده از چرخ سفالگری که شامل شکل دادن به گل به روش شش طرفه، شکل دادن به گل به روش فیتله، شکل دادن به گل به روش ورقه‌ای یا تخته‌ای و روش قالبی می‌باشد.

(۲) استفاده از چرخ سفالگری

همچنین نقش‌های به کار رفته بر روی سفالینه‌ها و الواح گلی می‌تواند شناسه دانش و باورهای مردمانی باشند که استطاعت خواندن و نوشتن را نداشته‌اند. از طریق مطالعه نقش‌های سمبلیک می‌توان به فرهنگ‌ها، اعتقادات و سنت مردمان دوران باستان پی برد چرا که این نقش‌ها سرشار از معانی و مفاهیمی هستند. عدم اطلاع در این باره باعث می‌شود که به‌اندیشه سازندگان این آثار پی نبرده و فقط از زیبایی آن‌ها لذت ببریم، در همان هنگام که هر شکل و تصویر برای خود مفهوم و معنی داشته است.



تصویر ۳-۸- سفال - عیلام میانه، شوش (موزه باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

۴-۱۳-۳- میخ‌ها و گل میخ‌های تزئینی

گل میخ لعاب‌دار از جنس گل‌رس با یک زائده دسته‌مانند، که بر روی سطح کلاهک گل میخ کتیبه‌ای به خط میخی عیلامی با نوشته اونتاش ناپیریشا وجود دارد. این گونه گل میخ‌های ساده و یا لعاب‌دار از دوره عیلام میانی در تزئینات وابسته به بنا در ساختمان معابد و کاخ‌های عیلامی مورد استفاده قرار داده می‌شد. این گل میخ‌ها توسط رومن‌گیرشمن^۱ کشف و در موزه‌ها نگهداری می‌شود (نیاکان، ۱۳۹۸: ۳۰).



۱. رومن‌گیرشمن باستان‌شناسی
۲. سیلات خویس را در

۱. رومن‌گیرشمن باستان‌شناسی
متولد شد. او در سال
دانشگاه سوربن، مدرس

تصویر ۳-۹- میخ‌ها و گل میخ‌های تزئینی، شوش (موزه باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

۱۴-۳- نتیجه‌گیری فصل سوم

تمدن عیلام باستان در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد در حدود ۳۲۰۰ - ۳۱۰۰ پیش از میلاد، در جنوب غربی ایران ظاهر شد. باستان‌شناسان تاریخ این تمدن را به چهار دوره آغاز عیلامی (پروتو - عیلامی)، عیلام کهن (هم زمان با ظهور نخستین دودمان ۲۷۰۰ - ۱۵۰۰ پیش از میلاد)، عیلام میانی (۱۵۰۰ - ۱۱۰۰ پیش از میلاد) و عیلام نو (۸۲۱ - ۶۴۰ یا ۵۲۵ پیش از میلاد)، تقسیم کرده‌اند. مدارک موجود در خصوص خط و زبان، مذهب، هنر، آداب و رسوم تمدن عیلام اندک و پراکنده می‌باشد. همچنین شواهد باستان‌شناسی به تعدادی از مراکز مذهبی عمده عیلامیان اشاره کرده است. و تأثیر مذهب عیلام در رشد و توسعه هنرهای مختلف را از جمله: موسیقی^۱، مجسمه‌سازی^۲، معماری^۳، نقش برجسته^۴، مهرسازی^۵ و ... را نیز مطرح کرده است. از این رو مذهب به عنوان بخش مهمی از زندگی عیلامی تأثیرات مستقیمی در شکل‌گیری و رشد فرهنگ و هنر عیلامی داشته است. و شاید فارغ از مذهب، تمدن عیلام هرگز به چنین سطحی از توسعه نمی‌رسید.

-
1. Music
 2. Sculpture
 3. Architecture
 4. Relief
 5. Seal making

فصل چهارم:

تحلیل بصری اشیای عیلامی موزه باستان شناسی شوش و هفت تپه

اشیاء موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه از سویی، بسیار متعدد و از سوی دیگر، بسیار انگشت شمار هستند. در این فصل از پایان‌نامه به تعداد ۹ شیء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه در متن زیر اشاره خواهیم کرد. که همه آن‌ها به طور قطعی مستندنگاری شده‌اند، و دارای شماره و شناسنامه هستند. اما از آن جایی که در مورد تعلق برخی از این اشیاء در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه (با رقم و بدون رقم)، ابهام و شبهه وجود دارد. در اثبات فرضیه و استناد، تنها به‌اشیای پرداخته خواهد شد که تعلق آن‌ها فقط به این موزه‌ها خواهد بود. و در مواردی که ضرورت بحث ایجاب کند، به موارد منسوب نیز در متن اشاره خواهیم کرد. زیرا استحکام دلایل انتساب یک اثر از این آثار می‌تواند تا حدود زیادی اندیشه و روش کار یک هنرمند صاحب قریحه و تأثیرگذار را تعیین کند. همچنین در حال حاضر آثار هنرمندان عیلام در موزه‌های باستان‌شناسی ایران^۱ و سایر موزه‌های کشورهای و احتمالاً نیز در چندین شهر بزرگ آنان پراکنده شده‌اند که به صورت غیر مستقیم و در عین حال تنها از طریق جمع‌آوری «کتاب» یا «اینترنت» قابل مشاهده‌اند.

اما بدیهی است که در مشاهده غیر مستقیم از نظر رنگ‌ها، طرح‌ها و بسیاری از عناصر ساختار بصری^۲، کمبودهایی وجود خواهد داشت. بنابراین بهتر است که مشاهده مستقیم پژوهشگر تنها از طریق موزه‌ها و مراکز دیگر امکان‌پذیر شود که این امر نیز پس از عبور از موانع اداری و کاغذ پراکنی‌های بی‌شمار و تحمل هزینه‌های سفر خارج از کشور امکان‌پذیر می‌باشد. در هر صورت تنها گزینه موجود مشاهده این آثار در کتاب‌های (خارجی)، با کیفیت چاپ خوب می‌باشد. که می‌تواند آن را معیاری برای سنجش عناصری مانند: رنگ‌ها، طرح‌ها و ...، و همچنین گزارش‌های به دست آمده از مشاهده مستقیم آثار باشد. بدین‌سان با وجود تمام این شرایط، نگارنده اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه^۳ را مورد مشاهده مستقیم قرار داده است.

-
1. Archaeological Museums of Iran
 2. Elements of visual structure
 3. Shush and Haft Tepe Archaeological Museum

۲-۴- سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک زن



تصویر ۴-۱- سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک زن عیلامی (موزه باستان شناسی شوش، ۱۴۰۱).

نام اثر: سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک زن

دوره: گذر از عیلام قدیم به میانه، در حدود ۱۵۰۰-۱۶۵۰ پیش از میلاد

محل کشف: استان خوزستان، شوش، منطقه هفت تپه

سالن کارگاه در ترانسه: MXXXIII

حفار: دکتر عزت الله نگهبان

حالت سر: روبه رو

حالت دست و پا: ندارد

زیور آلات: سربند

فرم بدن: ندارد

فرم صورت: گرد

وزن: ۸/۴۵۸ کیلو گرم

طول: ۱۸/۵ سانتی متر

عرض: ۱۷ سانتی متر

ارتفاع: ۲۴ سانتی متر

شماره شناسایی: ۹۰ - ۴۱۹۷

شماره ثبت: ۷۰۱

نوع جنس: گل خام

وضعیت: ناقص

محل نگهداری اثر: موزه باستان شناسی شوش

در زمینه مجسمه‌سازی تنها دو سردیس و یک ماسک صورت گزارش داده شده است. هر سه اثر در اندازه تقریباً طبیعی و از گل ساخته و رنگ‌آمیزی ساخته شده‌اند. سردیس‌ها و ماسک‌هایی که با مردگان دفن می‌شوند را نیز می‌توان در گروه مجسمه‌های آئینی قرار داد. که این نوع از هنرها برای مردمانی که توانایی خواندن را نداشتند به صورت ملموس و قابل مشاهده منتقل می‌شد. در واقع هنرمندان عیلامی آثار بصری را هم در خدمت فرمانروا و هم به «کمیسر خلق» بودند. نکته‌ای که باید به آن اشاره کنیم این است که همه این اقدامات و همه این آثار هنری فقط در خدمت قدرت نمایی فرمانروایان عیلامی و شخصیت‌های مهم مذهبی و سیاسی آن زمان بوده است. همچنین برخی از این سردیس‌ها قالب هستند. ساخت این سردیس‌های تدفینی با مهارت زیادی انجام شده و برای هر نفر یک سردیس در نظر گرفته شده است. که این سردیس‌ها را در داخل قبر می‌گذاشتند. در این سردیس‌ها شباهت صورت مهم‌ترین مسأله‌ای بود که مجسمه‌ساز عیلامی باید آن را در نظر بگیرد. به عنوان مثال: استحکام سبک و مسائل ضروری در این سردیس نیز لازم بود.

بنابراین، به ویژه در مورد افراد مشهور چون فرمانروایان عیلامی و ...، عموماً هنرمندان عیلامی سردیس‌ها را از مواد و سنگ‌های قیمتی رنگ‌آمیزی و تراشیده شده استفاده می‌کردند. علاوه بر این، سردیس‌های سفالی، مجسمه‌های چینی و مفرغی از جمله وسایل تدفینی می‌باشند که همراه با مرده‌ها در قبور قرار می‌گرفتند. اگر چه زنده یاد «مرحوم دکتر عزت الله نگهبان» یکی از سردیس‌ها را مربوط به یکی از فرمانروایان عیلامی میدانست (رجوع کنید به تصویر ۴-۱-۱- سردیس گلی رنگ‌آمیزی شده یک زن عیلامی)، این سردیس با در نظر گرفتن نظرات استاد محترم دکتر عزت الله نگهبان و ا. رنید در این گروه قرار گرفته و از محل سالن کارگاه در ترانشه MXXXIII کشف شده است (موزه باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

اما با توجه به سنت مجسمه‌سازی عیلامی می‌توان گفت که سردیس یاد شده منسوب به یک زن بوده است. تا یک مرد، که احتمالاً مربوط به ملکه عیلام (همسر تپتی - آهر) می‌باشد. همچنین وجه تمایز مرد از زن در هنر عیلام باستان، در درجه نخست وجود ریش می‌باشد که این سردیس فاقد یک چنین خصوصیتی می‌باشد. نکته دیگر این که هنرمندان عیلامی در همه دوره‌ها همواره

زنانی را با موهای کاملاً آراسته و مرتب نشان داده اند و موهای این سردیس دارای چنین خصوصیتی می‌باشد. بدین سان به علت فشار خاک قسمت‌هایی از صورت این اثر در قسمت جلوی چهره به خصوص در قسمت دماغ و بینی شکستگی‌هایی وجود دارد، و بخشی از آن کاملاً از بین رفته است و قسمت لب را کمی نیز مضطرب و پریشان نموده است. همچنین ترک‌هایی که ناشی از فشار خاک بر روی مجسمه وارد شده است. از بازسازی برخی قسمت‌های سالم خوداری گردید و تنها جهت حفظ آن مقداری محلول رقیق چسب بدان تزریق شده است.

همچنین نکته قابل توجه نحوه آرایش و تزئین مو و سرپند این سردیس می‌باشد. موهای مجسمه دارای جعد و چین خوردگی خاص و ظریفی می‌باشد که به ترتیب خاصی بافته شده و در دو طرف سر به طرف پشت سر جهت گرفته شده است. که به انتهای موی سر نواری پهن بسته شده که یک سر آن رها و آویزان می‌باشد و چین و چروک‌های بسیار ظریف و ریز به موازات هم در بالای سر دیده می‌شود که خطوط موج مو به وضوح مشخص است. و با نوار یا (سر بندی) تزئین شده است، این مدل مو را می‌توان در نمونه‌های دیگر سردیس به دست آمده از اور و آشور مقایسه کرد. در نمونه دیگری سردیسی که منتسب به دوره آکدی است، سر کوچک زنی از جنس دیوریت وجود دارد. و از گیگ پارکو (خانه عروس)، به دست آمده در اور دارای همان سبک تزئین مو را دارد و همچنین در نمونه دیگری که درون خاکسترها در لایه G معبد ایشتار آشور یافت شده است، شکل مو (فرم گیسوان) و آرایش مو مانند سردیس ملکه (تپتی آهر) به فرم شینیون^۱ در پشت سر جمع شده است. که با کمک نوار پهنی بسته شده است. این نوار بسیار پهن روی پیشانی نزدیک گوش‌ها در دو طرف قرار می‌گیرد.

بر روی این پیشانی نوار مدور برجسته‌ای وجود دارد که با گچ سفید رنگ آمیزی شده و دایره سیاهی در وسط آن نقش بسته است. همچنین از بقایای رنگ آبی که هنوز در برخی از قسمت‌های پیشانی بند دیده می‌شود، به نظر می‌رسد که تمام پیشانی بند به رنگ آبی رنگ شده است. بنابراین رنگ یاد شده در واقع حامل اخبار و اطلاعات زیادی برای ما می‌باشد و به همین سبب برای کسانی که در زمینه ارتباطات بصری فعالیت می‌کنند مهم و واجد اهمیت بسیاری می‌باشد. بدین‌گونه، هر رنگ حاوی معناهای زیادی است که بعضی از آن‌ها با یک چیز طبیعی همراه بوده‌اند و بعضی دیگر از طریق سمبلیک آن معنا را داشته‌اند. در نتیجه رنگ در آموزش و سواد بصری اهمیت زیادی در زمان گذشته و آینده پیدا کرد. که همه ما از جلوه و معنای خاصی

که از رنگ‌ها داریم آگاه هستیم که معانی دیگر با رنگ‌هایی که سمبولیک^۱ هستند همراه می‌باشد. از این رو رنگ‌ها در انتقال اخبار بصری قدرت خاصی برای ما دارند. رنگ نه تنها دارای معانی کلی است که مورد قبول مردم عیلام باستان در آن زمان بود، بلکه دارای معانی نمادینی نیز برای آن‌ها بوده، که علاوه بر این که عیلامی‌ها هر یک به فراخور به نوع شخصیت خود دارای سلیقه‌های شخصی در انتخاب رنگ بودند ولی به رغم تمام اهمیتی که برای رنگ قایل بودند در نحوه انتخاب آن به ندرت همراه با تجزیه و تحلیل درست و حساب شده انجام می‌دادند، با این حال، خواه خوب فکر کرده باشند یا خیر، بدین جهت هنرمندان عیلامی زمانی که یک رنگی را انتخاب می‌کردند، معانی زیادی را همراه با آن به بیننده منتقل می‌کردند.

بدین سان قسمت اعظم پیشانی با مو و نوار پیشانی پوشیده شده است. در فرق آن شکافی وجود دارد که احتمالاً در آن زمان عیلامی‌ها، کلاه‌گیس طلایی یا مسی جایگزین آن می‌کردند. این سردیس سر حتماً بدنی داشته بود که از بین رفته است. بدین سان صورت صاف با برجستگی متناسب و انحناهای ظریف، لب‌های متناسب و چشمان درشت، چنان تعادل حساسی ایجاد کرده که فقط برای خدایان عیلامی مناسب بوده است. ارتفاع این سردیس ۲۴ سانتی‌متر می‌باشد (دیناروند، مصاحبه، ۲۹ آبان ۱۴۰۱). از نظر هنر و زیبایی‌شناسی این سردیس با بهترین آثار مصر باستان و مجسمه سر یک زن واژکا برابر می‌باشد. همچنین در این سردیس ابروها نسبتاً بلند، کشیده و به هم پیوسته و چسبیده‌اند که ظاهراً برگرفته از یک سنت دیرینه‌تر سر چشمه هستند. چشم‌های مجسمه بادامی شکل و قسمت سفید آن با گچ و قسمت سیاه چشم‌ها بسیار بزرگ و با رنگ مشکی رنگ‌آمیزی شده است. بنابراین در این سردیس قسمتی از بینی مجسمه (همانطور که قبل یاد شده است)، شکسته و ناقص می‌باشد. لبه بالایی مجسمه کلفت و ضخیم‌تر و لب پایین از فرم خود کمی خارج شده است، همچنین لب‌های حساس این سردیس یادآور تندیس‌های واژکا می‌باشند. که در تصویر زیر می‌بینید.



تصویر ۴-۲- سردیس زن، از اوروک (الورقاء).

حدود ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ پیش از میلاد. از سنگ مرمر، بلندی ۲۰ سانتی متر، محفوظ در موزه باستان شناسی عراق، بغداد (جنسن، ۱۳۹۹: ۵۰).

در این سردیس زن، واژکا وحدت شکل های طبیعی و غیر طبیعی که وجه مشترک همه هنرهای بین النهرینی (آشور، آكد، بابل، عیلام و ...) است. به وضوح بیشتر در آن دیده می شود. در عین حال خشکی و قرار دادی بودن این سردیس ها قدرت توصیفی و روایتی فراوانی با هم از نظر عناصر بصری را با هم دارند. همین طور لب های سردیس زن عیلامی بر اثر فشار خاک کمی از شکل طبیعی خود خارج شده اند. علاوه بر این صورت مجسمه گرد و تو پر با گونه های کوچک ساخته شده است. هنرمند عیلامی فقط قسمتی از گردن را ساخته است. کف یا قسمت زیرین مجسمه کاملاً هموار و صاف می باشد و در وسط گردن سوراخی ایجاد شده است که احتمالاً این سوراخ برای نصب این سردیس روی پایه یا بدنه بوده است. چشمان سردیس در موقعیتی ساخته شده اند که مستقیماً در جهت مقابل به نظر می رسند. نحوه حرکت چشم های این سردیس در حین نگریستن در جهت مقابل را می توان با راه های عملی ثبت و بررسی کرد که جریان دیدن آن ها را همواره توأم با حرکت می باشد.

بنابراین چشم ها همواره با نگریستن سریع به نقاط گوناگون یک شیء یا منظره مقابل خود، آن را بازیابی می کنند و می بینند. این نوع نگریستن سریع در عمل خواندن نظم خاص و معناداری یافته است. که گاه ممکن است به سبب ریتم و آهنگ موجود در یک کمپوزیسیون یا ترکیب بندی، حالت «حرکت»^۱ را به آن نسبت می دهند. همچنین چشم ها به عنوان یک جزء و عنصر بصری از جذابیت خاصی در چهره انسان برخوردارند که انسان با این عضو تصاویر و مقاصد فراوانی را

دنبال می‌کند. بدین سان در این سردیس حجم داخلی چشم به وسیله پوشش ضخیمی از گچ سفید رنگ پر شده است. و مردمک چشم دارای دایره مدور سیاه می‌باشد. در مجموع با این که قسمت‌هایی از صورت مجسمه شکسته است اما زیبایی خاص و چشم نواز صاحب آن که احتمالاً ملکه عیلام (همسر تپتی آهر) بوده است، به خوبی خود نمایی می‌کند. از نمونه‌های به دست آمده از آثار عیلامی‌ها مشخص می‌شود که هنرمندان عیلامی قوانینی را برای ساختن تصاویر، پیکره‌ها و سردیس‌های انسانی ابداع کرده‌اند. مانند سردیس بالاچشمان درشت این سردیس شباهت فراوانی با مجسمه‌های سومری «تل اسمر» و «ورکا» (تندیس‌هایی از معبد آبو، تل اسمر - حدود ۴۵۰۰ سال^۱ پیش و سر مرد - تل اسمر، در حدود ۴۵۰۰ سال پیش)، را دارند.

همچنین در این تندیس‌های یاد شده یکی از ویژگی‌های هنر مجسمه‌سازی سومریان، چشم‌ها می‌باشند، همانطور که در هنر خاور نزدیک معمولاً تندیس‌های تمام رخ چشم‌ها بسیار درشت‌اند. ترکیب زیبای چهره این سردیس که طراوت جوانی در آن منعکس شده است به همراه رنگ چشم‌ها و درشتی آن‌ها که با تزئیناتی در مو و پیشانی بند تزئین شده است، ترکیبی بی‌نظیر در نوع خود ایجاد کرده است. البته واضح است که هنرمند مجسمه‌ساز عیلامی برای حفظ وقار و شوکت و تأکید بر مقام الهی پادشاهان و ملکه‌های خود، سردیس‌ها را به‌ایده آل‌ترین شکل فیزیکی طراحی می‌کردند. در سردیس ملکه عیلامی پشت مجسمه کاملاً صاف و بدون تزئینات ساخته شده است و این وضعیت نشان می‌دهد که احتمالاً با دیوار یا جای دیگری در پشت آن تماس داشته است. علی‌رغم این که قسمتی از ناحیه گردن شکسته و ناقص است. (به احتمال این مجسمه بدنی داشته که از بین رفته است)، و در قسمت‌های مختلف صورت و گردن ترک‌هایی وجود دارد که به این وضعیت باقی گذاشته شده و بازسازی و ترمیم نگردیده است. پشت سر مجسمه، یک قطعه نی بلند حدود ۱۵ سانتی‌متر در مکانی صاف قرار داشت. (انتقال وزن سردیس به روی قطعه نی که تکیه گاه قرار می‌گیرد)، هم چنین در قسمت‌های کناری سر نزدیک قسمت پشت سر سوراخ‌هایی وجود دارد که احتمالاً اشیاء یا چیزهایی در آن اضافه شده است. از این جا در این سردیس به این نتیجه خواهیم رسید که ارتباط تصویری با مردمی که آموزش کلامی بسیار کمی دارند باید از طریق کارهای تصویری ساده و واقع‌گرایانه انجام شود (علیزاده، مصاحبه، ۱۳ خرداد ۱۴۰۲).

1. Statues from the Temple of Abu, Tell Esmer - about 4500 years

در چنین مواقعی ظرافت زیاد و پیچیدگی بیش از حد اثر مخربی را در خود خواهد داشت، در واقع هنرمند باید وضعیت متعادلی را در کار خود ایجاد کند که در آن جزئیات غیر ضروری زیادی وجود نداشته باشد که باعث پیچیدگی کار شود و نه چندان در ساده کردن راه به افراط پیش گیرد که باعث ناپدید شدن جزئیات لازم گردد. بدین سان هنرمند عیلامی در این سردیس، اگر چه از نظر بصری به سنت‌های دیرینه پایبند بوده، اما بر احساسات و بینش شخصی خویش هم تکیه کرده است. که نشانه‌ها و ویژگی‌های شخصی را تا حد ممکن در کار خویش حفظ کرده است و شاید بتوان گفت که این سردیس از موفق‌ترین و بارزترین سردیس‌های مرحله گذر از عیلام قدیم به میانه، در حدود ۱۶۵۰-۱۵۰۰ پیش از میلاد از حیث بیان حالت‌های درونی و عاطفی می‌باشد.

ظاهراً هنرمندان عیلامی تا حد امکان در چهره‌سازی به طبیعت وفاداری نشان می‌داده‌اند که در این سردیس سعی کرده‌اند چهره همسر پادشاه تپتی آهر را تا حد امکان با ابهت و نافذ بسازند که به نحوی خیره‌کننده و زنده نما باشد و وجود چشم‌های درشت و خیره شده به مقابل این زنده نمایی بودن را برای مخاطب بیننده بیشتر کرده است. همچنین این سردیس از نظر طراحی^۱ و ظرافت^۲، تناسب^۳ و زیبایی^۴ صفحه جدیدی در تاریخ هنر مجسمه‌سازی عیلامی را برای ما گشوده است. همین طور ذوق لطیف فرمانروایان عیلامی در تزئینات هنر مجسمه‌سازی بیشتر برای ما محسوس شده است. در این سردیس چهره مشخصی به طور طبیعی نشان داده شده است که از هنر محلی دوره عیلام الهام گرفته شده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم این سردیسی که تا کنون از این دوره به دست آمده است؛ مهارت و سلیقه خاص هنرمندان این دوران را به ما نشان می‌دهد (حیدری‌زاده، مصاحبه، ۴ دی ۱۴۰۱).

-
1. Design
 2. Elegance
 3. Fit
 4. Beauty

۳-۴- سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک مرد (سردیس تپتی آهر)



تصویر ۳-۴- سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک مرد، سردیس تپتی آهر (موزه باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

نام اثر: سردیس گلی رنگ آمیزی شده یک مرد (سردیس تپتی آهر)

محل کشف: خوزستان؛ شهرستان شوش، محوطه هفت تپه

دوره: گذار از عیلام قدیم به میانه، حدود ۱۶۵۰ - ۱۵۰۰ پیش از میلاد

شماره شناسنامه: ۹۰ - ۴۱۹۹

شماره ثبت: ۷۰۰

شماره ثبت اثر در فهرست آثار ملی: ندارد

نوع مالکیت: دولتی

حفار: نامشخص

مشخصات:

شماره اموالی: ندارد

ارتفاع: ۲۸ سانتی متر

طول گردن تا بینی: ۱۷ سانتی متر

عرض گوش تا گوش: ۱۹/۵ سانتی متر

عرض: ۳۶ سانتی متر

وزن: ۶/۰۶۶ کیلوگرم

نوع جنس: گل پخته

محل نگهداری اثر: موزه باستان‌شناسی شوش

این سر دارای ارتفاع ۲۸ سانتی‌متر و دور گردن ۳۶ سانتی‌متر می‌باشد. محل کشف این سردیس، سالن کارگاه در قسمت جلویی محوطه حفاری هفت‌تپه می‌باشد، از خشت بسیار ریز و نرم که بسیار خمیر شده و احتمالاً با مقدار بسیار کمی چربی یا روغن مایع مخلوط شده، ساخته شده است. یا قیر طبیعی و پس از رنگ‌آمیزی شکل و در کوره قرار داده شده است. یک سوراخ در داخل گردن تعبیه شده است. که احتمالاً به منظور اتصال و استحکام سر مجسمه بر روی بدنه یا پایه آن بوده است. (انتقال وزن این سردیس به روی یک پایه که تکیه گاه قرار می‌گیرد)، سردیس پادشاه عیلامی تپتی آهر دارای مدل مو و سربند خاصی است. که در نوع خود در میان چهره‌های عیلام بی‌نظیر می‌باشد (موزه باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

این سر بند و یاربند نمونه‌ای از سربندهای سنتی آن زمان را نشان می‌دهد. (این سربند بر سر گذاشته شده پادشاه تپتی آهر کنایه از الوهیت وی در آن زمان می‌باشد)، همچنین بر روی پیشانی بند برجستگی‌هایی به شکل دایره در فواصل مختلف وجود دارد، روی این برجستگی‌های دایره مانند دکمه‌های برنزی گذاشته می‌شده که تعداد کمی از آن‌ها باقی مانده است، تعادل^۱ و تقارن^۲ در این دایره‌ها کاملاً مشهود است. همین طور لبه پیشانی بند با خطوط موازی کوچک به چند تقسیمات متعددی تقسیم شده است. در زمینه تجزیه و تحلیل ویژگی‌های زیبایی‌شناسی نشان می‌دهد. که خطوط نه تنها وسیله‌ای برای نمایش اجسام و اشیاء هستند. بلکه چشم انسان را به تعقیب دلچسب و خاص ویژه‌ای وا می‌دارند. این خطوط موازی باعث پیدایش حرکت و سایه‌های خاصی در کار مجسمه‌سازی و ابزار کار هنرمند مجسمه ساز عیلامی پدیدار کرده‌اند که طبیعتاً معانی خاصی را برای ما دارند و در واقع چشم ما، تعادل نهفته در میان این خطوط را با دقت خاصی درک می‌کند. هم چنین که در تصویر سردیس تپتی می‌بینیم به نظر می‌رسد، تپتی آهر کلاهی بر سر دارد که در مقایسه با سربند پادشاهان عیلامی بسیار ساده است. به طور کلی هیبت و تزئینات این سردیس بسیار ساده‌تر و متواضع‌تر از پادشاهان بین‌النهرین است. (به تصویر سر یک حکمران آکدی، برنز، نینوا - در حدود ۴۲۰۰ سال پیش)، که در زیر می‌بینید نگاه کنید.

-
1. The balance
 2. Symmetry



تصویر ۴-۴- سر یک فرمانروای آکدی، از نینوا (کویونجیک).

حدود ۲۳۰۰ تا ۲۲۰۰ پیش از میلاد. مفرغ، بلندی ۳۰ سانتی متر. موزه باستان‌شناسی عراق - بغداد (ذکرگو، ۱۳۸۳: ۲۶).

این سادگی و فروتنی با اعتقادات این پادشاه عیلامی در مورد لقب سلطنتی متعلق به خداوند شهر و قرار دادن قدرت سیاسی به عنوان بخشی از قدرت معنوی معبد هماهنگی کاملی را دارا است. همچنین در هر قسمت تفاوت چین و شکستگی مو در فاصله بند پیشانی قابل مشاهده است. ابروهای این سردیس گلی ممتد و چشم‌های بادامی شکل که در قسمت داخلی آن از گچ ساخته شده است. (از مفهوم جدید فرمانروایی مطلق، چشم‌های درشت این سردیس که به دلیل نبود سنگ‌های قیمتی که روزگاری در حفره‌های آن‌ها بود بزرگ شده است)، بینی سردیس بزرگ، صاف و کشیده، لب بالایی پهن و دراز و دهان متوسط می‌باشد. و ترکیب کلی صورت گرد و گوشت آلود و گودال چانه دیده می‌شود و در مجموع حالت طبیعی را در خود دارد. این اثر از حفار محوطه هفت تپه زنده یاد مرحوم «دکتر عزت الله نگهبان»^۱ می‌باشد. منسوب به پادشاه عیلامی تپتی آهر^۲ و طبق گاهشماری هفت تپه مربوط به دوره عیلام میانی می‌باشد.

می‌بینیم که از کلیه نمادها و نقوش برای تثبیت و تجلیل مقام پادشاه تپتی آهر استفاده می‌شود. چیزی که در هنر عیلامی‌ها به وضوح دیده می‌شود. همانطور که دیده‌ایم، امکان قدرت الهی برای پادشاهان در تمدن‌های دیگر نیز رواج داشته و آثاری با همین انگیزه خلق شده است. همچنین عجیب‌ترین اثری که در این مجموعه یافت شده است سر حجاری شده یک پادشاه و ملکه عیلامی (مربوط به تصویر ۴-۳- سردیس گلی رنگ‌آمیزی شده یک زن عیلامی که در بالا دیده‌اید)، که در اندازه طبیعی با ماسک گلی رنگ‌آمیزی شده چهره یک مرد «سردیس تپتی آهر»، مربوط به دوره عیلام قدیم به میانه، حدود ۱۶۵۰-۱۵۰۰ پیش از میلاد می‌باشد. شباهت این سه

1. The late "Dr. Ezzatullah Gardhan"

2. The Elamite king Tepti Ahar

سردیس‌ها را می‌توانیم در تصاویر ذکر شده به خوبی مشاهده کنیم. همچنین به برآمدگی‌های بینی، لب و دهان و ... ، در این سه اثر دقت بیشتری کنید. و آن را با تأکید اغراق‌آمیز در تصاویر مقایسه کنید. بنابراین باید بدانیم که قدرت مذهب عیلام باستان همان قدرت پادشاهی بوده است، زیرا پادشاهان عیلام مانند پادشاهان مصری خود را دارای قدرت الهی می‌دانستند. پادشاهان عیلام باستان را «رب النوع» می‌نامیدند، و مردم عیلام رب النوع را موجودات جاودانی می‌دانستند. که در مقررات جاری در عالم هستی و حیات طبیعی شرکت داشتند. به همین سبب بوده است که آثار هنری عیلام باستان در بیشتر موارد به شکل نقش برجسته، مجسمه پادشاهان و ملکه‌ها (پیکرتراشی)، به شکل مقابر پادشاهان (معبد زیگورات چغازنبیل^۱) و تصاویر مربوط به زندگی آن‌ها در این دنیا یا جهان بعد از مرگ جلوه‌گر می‌کند. نوع ترسیم و ساخت و ساز این سردیس‌ها تابع روش خاصی می‌باشد. بر اساس این روش، چهره دو سردیس^۲ و ماسک گلی^۳ همواره از جلو و با نگاهی خیره‌کننده به جلو نشان داده شده است. بنابراین، ما نباید تصور کنیم. این روش به دلیل ناآگاهی هنرمندان مجسمه ساز عیلام باستان^۴ از قوانین تصویرگری طبیعی است، برعکس آثار بسیار متفاوتی وجود دارد که از دانش و مهارت هنرمندان آن عصر حکایت می‌کند. از آن چه بیان شد، چنین بر می‌آید که هنر^۵ مجسمه‌سازی در عیلام باستان از وحدت زیادی برخوردار بوده است (علیزاده، مصاحبه، ۱۳ خرداد ۱۴۰۲).

۱-۳-۴- ماسک گلی رنگ آمیزی شده چهره یک مرد (سردیس تپتی آهر)



1. Chaghazanbil Ziggurat Temple
2. Sardis
3. Mud Mask
4. Sculptor of ancient Elam
5. Art

تصویر ۴-۵- ماسک گلی رنگ آمیزی شده چهره یک مرد، سردیس تپتی آهر (موزه
باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

نام اثر: ماسک گلی رنگ آمیزی شده چهره یک مرد (سردیس تپتی آهر)

محل کشف: خوزستان، شوش، محوطه هفت تپه

دوره: گذار از عیلام قدیم به میانه، حدود ۱۶۵۰ - ۱۵۰۰ پیش از میلاد

شماره شناسنامه: ۹۰ - ۴۱۹۸

شماره ثبت: ۷۰۲

وزن: ۱/۰۳۶ کیلو گرم

طول: ۱۰ سانتی متر

عرض: ۱۶ سانتی متر

ارتفاع: ۲۰ سانتی متر

محل نگهداری اثر: موزه باستان‌شناسی شوش

از دیگر آثار هنری دوره (عیلامی)، می‌توان به ماسک گلی رنگ‌آمیزی شده چهره یک مرد (سردیس تپتی آهر) اشاره کرد. ماسک‌ها معمولاً برای استفاده جادوگران در مراسم شفابخشی و یا مراسم «احضار ارواح» در تمدن‌های پیش از اسلام ساخته می‌شدند. نمونه مشخص ماسک یاد شده با چهره کاملاً اغراق شده پر حالت، این نشان می‌دهد که هنرمند مجسمه ساز عیلامی توانایی ارائه چهره‌های واقعی را نیز داشته، اما نقوش و شیوه‌های سنتی را ترجیح می‌داده است. به طور کلی، شیوه‌ها و شکل‌های متنوع و گوناگون هنر عیلامی خواه از جهت تزئینی و خواه از جهت نمادین، گواه بر حساسیت و قریحه هنری این مردم بومی این منطقه (خوزستان)، است. و استفاده خلاق آن‌ها را از مواد و مصالح محلی، اتکاء و احترام آنان را نسبت به محیط طبیعی خود منعکس می‌سازد. بدیهی است که تمدن عیلام باستان، شکل‌های منسجم از جوامع بشری بودند که توجه بشر را بر اهمیت خود متمرکز کرده‌اند. به طوری که آن‌ها زیبایی و عظمت نیروهای جاودانی را در قالب‌های انسانی چون پیکره‌ها، سردیس‌ها، ماسک‌ها و ...، به تصویر می‌کشیدند. که بیشتر چهره‌های اولیه تصاویر ایزدان و الهه‌ها بودند. که در معابد و مقبره‌ها یافت شده‌اند. (ماسک گلی رنگ‌آمیزی شده چهره مرد (تصویر ۴-۵- ماسک گلی رنگ‌آمیزی شده چهره مرد (سردیس تپتی

- آهر)، شاید بتوان گفت ماسکی است. از یک الهه یا ملکه که قدمت آن به‌گذار از عیلام قدیم به میانه، حدود ۱۶۵۰ - ۱۵۰۰ پیش از میلاد باز می‌گردد (موزه باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

بدین سان گودی و حفره چشم‌ها و ابروان گلی ممتد به هم پیوسته آن ظاهراً از سنتی دیرینه‌تر مایه گرفته است. هم چنین به برجستگی‌های بینی و لب‌ها و دهان در این سه اثر یاد شده به دقت توجه کنید و آن را با تأکیدات اغراق‌آمیز در تصاویر مقایسه کنید. علاوه بر این چشم‌های این ماسک گلی بادامی شکل بوده که از داخل با گچ ساخته شده‌اند احتمالاً روزی با صدف و سنگ‌های رنگارنگ پر شده بود و سر آن نیز به یک شیء شاید بتوان گفت (کلاه گیسی با طلاء تزئین شده بود.)، تجسم یافته شده بود. بدین‌سان چشمان درشت این ماسک یکی از مواردی است که در بیشتر چهره‌های باقی مانده از هنر میان رودان دیده می‌شود. چشم که یکی از نافذترین اعضای بدن انسان می‌باشد، همواره به عنوان «دریچه روح» مورد توجه هنرمندان بین‌النهرین و عیلامی بوده است. به همین دلیل است که چشم در سردیس‌های تمدن‌های بین النهرین، گاهی با سنگ‌های قیمتی پر می‌شدند. و گاهی به صورت ساده، علی‌رغم این اغراق در اندازه چشم‌ها را می‌توان در سایر آثار سومری مانند پیکره‌های موجود در معبد «ابو» واقع در «تل اسمر» که در متن قبلی یاد کردیم نیز مشاهده کرد.

بدین جهت محتمل است ساده‌سازی خاصی که در این ماسک گلی دیده می‌شود و در بیننده این گمان را ایجاد کند. که ضعف در دانش فنی مجسمه ساز عیلامی باعث پیدایش چنین هیبت‌هایی شده است. اما وقتی چهره‌های ساده و یک نواخت این ماسک گلی و سردیس‌ها را با حالت طبیعی، عمیق و دقیق سردیس الهه اوروک (تصویر ۲-۴- سردیس یک الهه یا ملکه از اوروک از ال‌ورقاء (وارکا)، حدود ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد، ارتفاع: ۲۰ سانتی‌متر. موزه عراق - بغداد)، مقایسه کنیم. خود را با گونه‌های خوش حالت، لب و دهانی که حالتی جدی، متفکر و طبیعی را منعکس می‌کند، به قضاوت خود شک خواهیم کرد. حقیقت این جا است که هنرمندان مجسمه ساز عیلامی نه تنها در ساختن پیکره‌های سنگی مهارت داشته بودند، بلکه طبع خلاق و دست توانمندی آن‌ها آثاری را از تلفیق مواد مختلف پدید آورده که مایه تحسین هر بیننده صاحب قریحه قرار گرفته است. همانطور در نظام اجتماعی و سیاسی عیلامیان، پادشاه و فرمانروا از قدرت کامل و متمرکز برخوردار بودند و از این حیث بوده است که آثاری مانند: پیکرک، سردیس، ماسک و ...، پادشاهان این دوره در محوطه‌های شوش و هفت تپه بیشتر یافت شده است. گر چه تصویری برای تطبیق این ماسک با سردیس‌هایی که از روی آن ساخته شده وجود

ندارد، اما هنرمند مجسمه ساز عیلامی در این ماسک چنان مهارتی از خود نشان داد که می‌توانیم حدس بزنیم. که نمی‌توانست در شبیه‌سازی با چنین استادی و چیره دستی اشتباه کند. توانایی خلق اثر هنرمند عیلامی زمانی بیشتر نمایان می‌شود که می‌بینیم با وجود نظم طبیعی و عجیب چشم‌های درشت و ...، هیچ آسیبی به چهره طبیعی و شگفت‌انگیز وارد نشده است. توصیف و تحلیل این ماسک نشان دهنده خصوصیات وجودی و اساطیری ماسک در دوره‌های گذشته تا به امروز در تمدن‌های مختلف میانرودان را بیان می‌کند. تا این حد ممکن است این ماسک جنبه اسطوره‌ای داشته باشد.

در موارد دیگر ممکن است جنبه نمادین و گاه فداکاری داشته باشد. می‌بینیم که دانش امروز از ما به اعتقادات دینی گذشته در بسیاری از موارد از طریق اشیاء هنری به دست آمده است. اساساً روش مجسمه‌سازی و نوع آرایش سر و صورت در هنر عیلام باستان تا حد زیادی متأثر از آثار میانرودان می‌باشد. در همین فصل مقایسه خواهیم کرد. که آیا می‌توانیم اشتراکات موجود در اشیاء عیلامی موجود موزه باستان‌شناسی شوش را پیدا کنیم؟ آیا یک سنت هنری را در میان این اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش می‌بینیم؟ گرچه این آثار از مواد گوناگون و در زمان‌های مختلف ساخته شده‌اند، اما با نگاهی دقیق به جزئیات و ترکیب کلی عناصر تشکیل دهنده آن‌ها می‌توان دریافت کرد. که همگی از یک منبع فرهنگی مشترک برخاسته‌اند. لذا این اشیاء منفرد و کوچک موجود در موزه باستان‌شناسی شوش هنگامی که در کنار هم قرار می‌گیرند همچون حلقه‌های زنجیره‌ای ارتباط و اتصال اجزای یک فرهنگ را در طول تاریخ به ما نشان می‌دهند.

اگر چه این سه اثر دارای عناصر بصری متفاوتی هستند، اما هیچ تفاوت فردی با یک دیگر ندارند تزئینات سر کلاه، چشم، ابرو، دهان و ...، با دقت حجاری شده‌اند. و چشم‌های درشت، مهارت هنرمند مجسمه‌ساز عیلامی را در معرفی اثر به ما نشان می‌دهد. در مجموع روی هم رفته در این سه اثر یاد شده حالتی عمیق و زنده وجود دارد. که شبیه مجسمه‌ها و سردیس یک زن را برای ما دارند. به طور کلی هنر مجسمه‌سازی عیلام باستان به سمت زیبایی و ظرافت گام بر می‌دارد و در حرکت و فرم ذوقی تازه می‌یابد. اما اساس و پایه آن برگرفته از هنر سومری^۱ می‌باشد (علیزاده، مصاحبه، ۱۶ خرداد ۱۴۰۲).

۲-۳-۴- بخش انتهایی یک ناودان که به شکل سر جانور (شیر)



تصویر ۴-۶- بخش انتهایی یک ناودان که به شکل سر جانور و از جنس سفال (موزه باستان شناسی شوش، ۱۴۰۱).

نام اثر: ناودان به شکل سر جانور (شیر)

دوره: عیلام

محل کشف: استان خوزستان، شوش

حالت سر: رو به رو

فرم بدن: ندارد

وزن: ندارد

طول: ندارد

عرض: ندارد

ارتفاع: ندارد

تزئینات: ندارد

نوع جنس: سفال

وضعیت: ناقص

محل نگهداری اثر: موزه باستان شناسی شوش

آثار سفالی دوره عیلام باستان بسیار بدیع و متنوع بوده است. که دارای ظرافت و دقت خاصی همراه با نظم حاکمیت می باشد. هنرمندان عیلامی از موادی همچون: طلا، نقره، برنز، سنگ و ... در ساخت اشیاء استفاده می کردند. و برای تزئین از نقوش انسانی و حیوانی استفاده می کردند.

ساخت این نوع مجسمه‌ها در قالب حیوانات مختلف مانند: «بز»، «شیر»^۱، «گاو» و ... در تمدن عیلام باستان بسیار رایج و مورد توجه هنرمندان عیلامی بوده است. از این رو مهم‌ترین ویژگی مجسمه‌سازان عیلامی، طرح‌های انتزاعی یا شبه انتزاعی و پویا می‌باشد. بنابراین استفاده از این مصالح سنتی به شیوه‌ای نوین و استفاده از مواد و مصالح جدیدی است که قبلاً استفاده نمی‌شد. اما حتی در جدیدترین آثار تجربی مجسمه‌سازی عیلامی، ویژگی اصلی این هنر حفظ شده است. این حجمی است که قابل رؤیت و لمس کردن می‌باشد. یک فیگور یا مجسمه باید در فضای سه بعدی ساخته شود (دیناروند، مصاحبه، ۲۹ آبان ۱۴۰۱).

مجسمه‌سازی، سفالگری، مهرسازی و... همانطور که گفتیم برخی از این آثار پاسخگوی نیاز بازار برای افرادی می‌باشد که ذوق خاصی را دارند و فراهم می‌کند. بنابراین در تمدن عیلام باستان به مجسمه برخی از این حیوانات به عنوان عنصر تزئینی معماری در کنار یا بر روی آبچکان‌ها و ناودان‌ها کنج و کنار سقف‌ها استفاده می‌شده است. در توصیف کلی این هنر می‌توان بیان کرد که هنر مجسمه‌سازی به دلیل تمایز سبک و کیفیت فنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. همچنین حیوانات نقش اساسی در تزئین اشیاء این دوره داشتند، حیوانات به اشکال طبیعی یا خیالی ظاهر می‌شوند. در این دوره از شکل‌های انسانی، زن، مرد و هیولاهای انسانی نیز استفاده می‌شود. این اشیاء عموماً تزئینی یا عرضه شده بودند که در نواحی شوش و هفت تپه، در استان خوزستان یافت شده‌اند. در این دوره نقش مفصل‌تر می‌شود و تصاویری از شیر، بز و انسان‌هایی شبیه به دیو ساخته می‌شود. این علائم نشانه‌های خانوادگی نبوده‌اند زیرا نشانه‌های خانوادگی کمی دیرتر از دوره هخامنشیان ظاهر شد و از صورت‌های فلکی انتخاب شد آن‌ها به یک نیروی ماوراء الطبیعی اعتقاد داشتند. که از آن برای حل مشکلات خود استفاده می‌کردند. همچنین با توجه به آثاری که در نواحی شوش، هفت تپه و جاهای دیگر به دست آمده است. باید گفت که در این دوران هنرمند مجسمه ساز عیلامی در کار خود به تخیل خود دامن زده است. زیرا در میان‌اشیای یافت شده گاهی مجسمه‌هایی با دو صورت یا تلفیقی از سر انسان، شیر و ... می‌بینیم. آن چه در این نقش‌ها بیش از حد دیده می‌شود شکل چشم‌ها، دهان و ... می‌باشد که به این اشیاء داده شده است، همچنین در میان این آثار کشف شده می‌توان مجسمه ناودان به شکل

۱. شیر در تمدن‌های پیش از اسلام و همچنین در تمدن عیلام باستان نماد قدرت می‌باشد.

سر جانور (شیر) را بیان کنیم. لذا در تصویر بالا بخش انتهایی یک ناودان که به شکل سر جانور و از جنس سفال ساخته شده است را می‌بینیم. که ترکیبی از سر انسان و شیر می‌باشد و در عین حال بسیار حساس، عصبانی و با خشم شدید به نظر می‌رسد. این ناودان چشم‌های بی‌رحم، بیدار و دهان بازی دارد. اگر بیشتر به این اثر دقت کنیم می‌بینیم که مجسمه‌های حیوانات عیلامی پر از قدرت و شکوه هستند زیرا هنرمندان عیلامی علاقه زیادی به نشان دادن قدرت و شجاعت خود داشتند و در اغلب مجسمه‌های تلفیقی انسان و حیوان این تمایل را به خوبی منعکس کرده‌اند. بدون شک مردم این منطقه مردمی خشن و خشمگین بودند. زیرا آثار کشف شده عموماً انقباض عضلات صورت مجسمه را نشان می‌دهد و این نظریه را برای ما تأیید می‌کند. که به صورت سمبولیک و اسطوره‌ای تجسم یافته‌اند. بدین منظور این نوع اشیاء بیشتر در معابد، گورستان‌ها و عبادت گاه‌های عیلامی استفاده می‌شده است (علیزاده، مصاحبه، ۱۶ خرداد ۱۴۰۲).

همچنین در چهره این جانور با سر شیر از عناصر تزئینی هندسی استفاده شده است، اما با خط منحنی عمودی - که مرز را مشخص می‌کند به پدیده‌ای زنده و متحرک تبدیل شده است. در قسمت فوقانی این اثر نقوش هندسی متشکل از خطوط و سطوح مستقیم، مورب و منحنی به چشم می‌خورند. اگر چه پایه‌های هندسی الگوها کاملاً آشکار است، اما آزادی، نوآوری و تضاد بین سطوح تیره و روشن، خطوط مستقیم و نقوش موج، حرکات افقی و عمودی، همگی طرحی را به وجود آورده‌اند که در عین هندسی بودن از یک نواختی دور است و جذابیت بصری را برای مخاطب دارند. بنابراین با استفاده از نقوش، خطوط عمودی و افقی، تصاویر و نمادها در این ناودان اولین تلاش برای بیان پیام به این وسیله صورت می‌گیرد. بدین‌سان باید در نظر گرفت که هر یک از این آثار از نظر ترکیب عناصر بصری اولیه ویژگی‌های خاصی دارند. اما این وجه مشترک همه آن‌ها حجم مجسمه می‌باشد، که بافت و حجم واقعی دارند. بدین جهت اشیاء عیلامی‌ها در فلات ایران بهترین منبع اطلاعاتی درباره فرهنگ، هنر و سبک زندگی مردم آن زمان می‌باشند که از شکل‌های یافت شده می‌توانیم در مورد چگونگی زندگی پیشینیان بدانیم. بیشتر این اشیاء در محوطه شوش و هفت تپه پیدا شده است. این نمونه نشان می‌دهد که هنرمندان مجسمه‌ساز عیلامی دارای میراثی گران بها از واژگان بصری^۱ و روشی کاملاً تثبیت شده در مجسمه‌سازی بودند. این مجسمه‌ها محافظه کاری ذاتی این سنت را بیان می‌کنند. اما در عین حال

ترکیبی ارائه می‌دهند که برای این که بتواند پیام خاصی را منتقل کند قابل جرح و تعدیل است (روان جو، مصاحبه، ۱۲ مرداد ۱۴۰۲).

۳-۳-۴- سنگ وزن به شکل یک اردک ارجان (متعلق به هزاره یکم پیش از میلاد)



تصویر ۴-۷- سنگ وزن اردک ارجان یافت شده از محوطه ارجان شهرستان بهبهان، استان

خوزستان (Wicks and Alvarez, 2022).

نام اثر: سنگ وزن اردک ارجان

دوره: هزاره اول پیش از میلاد

محل کشف: استان خوزستان، شهرستان بهبهان (ارجان)

محل نگهداری: موزه باستان شناسی شوش

حالت سر: چرخانده شده به عقب

حفار: احسان یغمایی

فرم بدن: ساده

فرم بال و پاها: ندارد

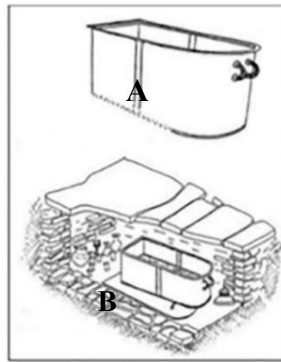
وزن: ۳۰/۷۱۰ کیلوگرم

طول: ۸×۱۰، ۴×۹ سانتی متر

نوع جنس: سنگ دیوریت و هماتیت

سنگ وزن اردکی که امروز در موزه باستان شناسی شوش به نمایش گذاشته شده، نسبتاً کامل به نظر می‌رسد. این سنگ وزن به فرم یک اردک، برای نخستین بار در میانرودان در ربع هزاره سوم پیش از میلاد گزارش شده است. بعد از آن این نوع سنگ وزن در فلات ایران و به ویژه در

شهر شوش تا دوره هخامنشیان (سده چهارم تا ششم پیش از میلاد)، مورد استفاده قرار گرفته است. اما با این حال بعد از کشف آن در دشت بهبهان^۱ بر این نکته تأکید شده است. احسان یغمایی^۲ این سنگ وزن اردک را در میان قلوه سنگ‌های بدون تاریخ و تکه‌های سفال جا به جا شده توسط تجهیزات حفاری در مجاورت آرامگاه ارجان کشف کرده است. کشف اصلی این منطقه یک شاهزاده عیلامی بود که در یک تابوت برنزی^۳ «(حمام)» قرار داشت (آرامگاه منتشر شده توسط توحیدی و همکاران خلیلیان ۱۹۸۲). همچنین چند سفال شکسته و یک لوح گلی در جایی نزدیک سطح آرامگاه یافت شده است.



تصویر ۴-۸- A - تابوت برنزی ارجان. - B. طرح ایزومتریک آرامگاه ساخته شده از سنگ،

نشان دهنده موقعیت نسبی آلات و ادوات تدفین (علیزاده و وطن دوست، ۱۳۶۵).

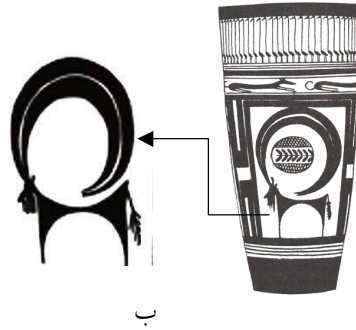
بدین سان اهمیت منطقه بهبهان به عنوان یک مرکز اداری متصل به شبکه بزرگ‌تر نئو عیلامی^۴ متاخر مستقر در شوش، که در اواخر قرن ششم پیش از میلاد به امپراتوری ایران به ارث رسیده، شناخته می‌شود. بنابراین این سنگ وزن تا حدی آسیب دیده است. که هر دو طرف بدن و سمت چپ سر حاوی تراشه‌های سطحی بوده و سمت راست سر، بخش کوچکی از گردن درست در پس آن و همین‌طور بخشی از جانب راست صورت حساب آسیب دیده است. همچنین در چنین سنگ وزنی فرم بدن اردک ارجان به صورت بدنی ساده با سر چرخانده شده است به طوری

۱. بهبهان: مرکز شهرستان بهبهان در استان خوزستان امروزی می‌باشد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهرستان بهبهان ۱۲۲۶۰۴ نفر بوده است.

۲. احسان یغمایی یا اسماعیل یغمایی باستان شناس و نویسنده ایرانی تبار است. یغمایی سرپرست بسیاری از کاوش‌های باستان‌شناسی در مناطق مختلف ایران بوده است.

۳. رجوع شود به مقاله جناب آقای عباس علیزاده و رسول وطن‌دوست زیر عنوان: (آرامگاهی مربوط به دوره عیلام نو در ارجان «نزدیک بهبهان» لوحه‌های ۲۸ و ۲۹ درنگی ۱).

که به جانب عقب خوابیده است، که سر، گردن و دم توسط کارشناسان مرمت بازسازی شده‌اند. هیچ نشانه‌ای از بال‌ها، پاها یا سایر جزئیات آناتومیکی و تشریحی وجود ندارد. از این اثر مشخص می‌شود که هنرمند مجسمه‌ساز عیلامی آثار خود را به شکل واقع‌گرا ساخته و از روی طبیعت الگوبرداری کرده است. بنابراین سنگ وزن خیلی استیلیزه و ساده می‌باشد و این بدان معنا است که هنرمند مجسمه‌ساز عیلامی گرایش به روحیه سادگی و استیلیزه کردن را داشته بود (Wicks and Alvarez, 2022). مانند بز کوهی^۱ معروف در جام سفالی شوش^۲ در دوره عیلام این جام سفالی نخودی رنگ شوش، متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد به ارتفاع ۲۹ سانتی‌متر و قطر دهانه ۱۶/۴ سانتی‌متر، فرم آن به شکل دوار و سطح خارجی مزین به نقوش هندسی و حیوانی سیاه رنگ بر روی زمینه نخودی رنگ است. که در موزه لوور، پاریس نگهداری می‌شود (پولاد چنگ و همکاران، ۱۳۹۲: ۸).



تصویر ۴-۹- الف) لیوان شوش، پرندگان با گردن‌های کشیده و بز کوهی، هزاره چهارم پیش از میلاد، ب) شوش، هزاره چهارم پیش از میلاد، موزه لوور (حاتم، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

و این یکی از آثار مهم هنر عیلامی در آن زمان می‌باشد که نقوش حیوانات را به شکل ساده و سمبلیک می‌ساختند. شکل سنگ وزن اردک مشخصه‌ای را نشان می‌دهد که تا اوایل هزاره سوم پیش از میلاد در تمدن عیلام در جنوب غربی ایران در پایان هزاره زمانی که کنترل بر دشت

۱. بز کوهی در شوش و عیلام باستان، بز کوهی نمادی از کامیابی و نیز خدای زندگانی گیاهی به شمار می‌رفته است. آنان معتقد بودند. که میان بز کوهی با شاخ‌های خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه‌ای وجود دارد و شاخ‌های قوسی بز کوهی می‌تواند باعث بارش باران شود (پولاد چنگ و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱).

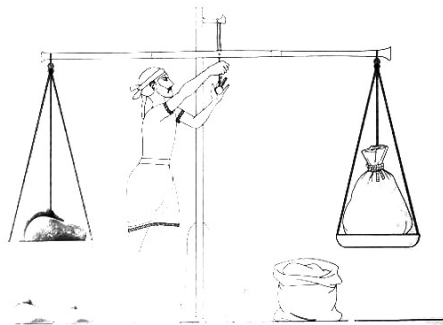
۲. رجوع شود به مقاله سرکار خانم مرضیه پولاد چنگ، مائده جابری راد و ادهم ضرغام با عبارت: تحلیل نقوش جام شوش از منظر ساختار و مفهوم. دو فصل نامه، دانشگاه هنر شوشتر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز.

سوزیانا را نشان می‌دهد. همچنین سنگ وزن اردک ما را به یاد یک نمونه دیگر، از تصویری از چند غاز (نقاشی دیواری غذاهای مدوم)، که در آن هنرمند با استادی کامل کار خود را انجام داده است. گردن‌های ظریف غازها، نرمی بدن‌ها و درستی حرکتهای آنها از دقتی تحسین‌انگیز برخوردار است (کنشلو و ناصحی، ۱۳۷۹: ۲۹). مانند سنگ وزن اردک ارجان به نظر می‌رسد.



تصویر ۴-۱۰- تصاویر غذاهای مدوم، تمدن مصر باستان، در حدود ۶۶۰۰ پیش از میلاد، نقاشی دیواری خشک، بلندی تقریباً ۴۵ سانتی متر. موزه مصر، قاهره (کنشلو و ناصحی، ۱۳۷۹: ۲۹).

به طور کلی، می‌توان گفت که نقاشان مصری، از شکل‌های نزدیک به طبیعت (ناتورالیسم) سرمشق می‌گرفتند. از این‌رو به نظر می‌رسد عیلامی‌ها اردک را یکی از پرندگان هم زیست در محیط خود می‌دانستند. چرا که آن را مربوط به آب، گرما و خشکی می‌دانستند. بر این اساس که اردک در کنار ساحل آب پرورش داده می‌شد و از نظر محیط زیست و ... برای عیلامی‌ها بسیار با ارزش و مهم بوده است. گمان می‌رود اردک نیز خوراک مهم مردم عیلام در آن زمان بوده پس به مرور زمان هنرمند مجسمه ساز عیلامی فرم و قالب این حیوان را تبدیل به یک شاخص وزنی^۱ برای تبادلات کالا نموده است.



تصویر ۴-۱۱- مردم عیلامی و شاخص وزنی سنگ وزن اردک ارجان(موزه

باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

همچنین استفاده از حیوانات در هنر مجسمه‌سازی تمدن عیلام باستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. در میان رویکرد انتزاعی این اثر می‌توان آن را به شکلی ساده و ناتورالیسم^۱ نیز مشاهده کرد. بنابراین، این سنگ وزن اردک تجلی راز زندگی و الهام از طبیعت توسط هنرمند مجسمه‌ساز عیلامی می‌باشد. که با توانایی تشخیص و درک داستان زمان خود برای ما از جوامع آن زمان را روایت می‌کند(علیزاده، مصاحبه، ۱۷ خرداد ۱۴۰۲).

ترسیم این نقوش در مرکز هر شیء روی آورده است. وی سعی کرده با جمع‌بندی تصاویر ناتورالیسم و با استفاده از فرم‌های استیلیزه و رعایت اصول کمپوزیسیون^۲ با دنیای پیرامون خود ارتباط ایجاد کند. این روش هنوز در صنایع بازار امروزی عصر ما مورد استفاده است. و یکی از روش‌های مؤثر و ساده برای بیان بصری آن شاخه (ارتباط تصویری یا گرافیک^۳) است. که با اندکی تفکر و تأمل در خصوص ویژگی‌های نقوش به کار رفته در سنگ وزن اردک ارجان می‌توان به شباهت آن در آثار کشف شده پیش از تاریخ پی برد. بدین سان بر روی این سنگ وزن، کتیبه کوچکی به خط میخی عیلامی جدید «یک (۱) گی - ام (l gi-um)» نوشته شده است که احتمالاً اندازه «یک» و «گی-ان» واحد وزن را نشان می‌دهد. بدین جهت اندازه آن ۸×۱۰ ، ۶×۹ سانتی متر می‌باشد. و در وضعیت فعلی خود، با قطعات بازسازی شده در ماده مصنوعی که احتمالاً دقیقاً با سنگ آهک اصلی مطابقت ندارد. برای ساختن این چندین وزن

۱. طبیعت‌گرایی یا ناتورالیسم (Naturalism)، گرایش و نهضت ادبی است. مشابه رئالیسم و در مقابل رمانتیسم و سنت‌گرایی که در اواخر قرن ۲۰ میلادی تحت تاثیر نظریه‌های داروین شکل گرفت. این جنبش مبتنی بر رئالیسم اجتماعی سفت و سخت بود و در نتیجه شباهت‌های زیادی به رئالیسم نیز داشته بود.

۲. مهم‌ترین کار در حل یک مسئله بصری کمپوزیسیون یا ترکیب بندی آن است. در واقع کمپوزیسیون عاملی است که با ساماندهی مؤثر به چگونگی چیدمان و نظم عناصر بصری در یک فضا و کادر مشخص بر اساس ذهنیت و روابط بصری هنرمند ایجاد می‌شود. تا مخاطب اثر بتواند ارتباط مؤثری با آن برقرار کند.

۳. گرافیک یا (ارتباط تصویری) زبان بصری می‌باشد. که از نشانه‌های بصری برای ایجاد ارتباط بصری و انتقال پیامی خاص استفاده می‌شود. فرم اساس یک اثر گرافیکی می‌باشد. که وظیفه اصلی آن انتقال پیام اثر برای مخاطب را دارد.

اردکی شکل معمولاً از سنگ‌هایی از خانواده دیوریت و هماتیت استفاده می‌شود (موزه باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

ترکیب قیر، همانطور که در مورد ظروف حکاکی شده و سایر اشیاء استفاده می‌شود. ممکن است جایگزین ارزان قیمتی برای سنگ بوده باشد، بدین‌سان وزن استاندارد برخی از این سنگ وزن‌ها را می‌توان با توجه به نوشته‌های واحد اندازه‌گیری و حتی نام قدرت تضمین‌کننده بر روی آن‌ها شناسایی کرد. در مقیاس الکترونیکی این سنگ وزن ۳۰۷۱۰ کیلوگرم وزن دارد. (احمدزاده، لقمان. این سنگ وزنه را ۱. ۲۹۰ کیلوگرم سبک‌تر از ۳۲ کیلوگرم می‌داند که توسط *Ascalone* و *Basello* ارائه داده شده است)، این سنگ وزن اردکی حکاکی شده ارجان نشان دهنده تعامل فرهنگ مادی با عناصر گوناگون «بسته کتابت» یعنی اندازه‌شناسی، شمارش و سواد در خدمت دولت عیلامی بوده است. همچنین با عنایت به وزن تقریبی این سنگ وزن‌ها، واحد اندازه‌گیری به احتمال زیاد اغلب استعدادی می‌باشد. بنابراین تداوم استفاده بیش از دو هزار سال از این فرم بدون تغییر سبک، تاریخ‌گذاری دقیق این گونه‌اشیاء را تقریباً غیرممکن کرده است، به جزء مواردی که از پایه باستان به دست آمده یا نمونه‌های دارای کتیبه است (موزه باستان‌شناسی شوش، ۱۴۰۱).

هنرمندان عیلامی در برخی از این آثار هنری، جنبه‌های مختلفی از زندگی خود را به نمایش گذاشته‌اند. همچون: دین، اخلاق، هنر و ... ، با مطالعه بصری این آثار می‌توان به روابط بین تمدن‌های میانرودان و عیلام پی‌برد. مجسمه‌ساز عیلامی مهارت‌های شگفت‌انگیزی در ترسیم و تجسم حیوانات در آن اعصار داشته بود. شاید تبدیل چهره خدایان به مجسمه حیوانات یکی از دلایل تقدس آن‌ها در این خصوص بود که موضوع مهم آثار هنری باستانی و سفال‌گران در دوران عیلام شد. همچنین بیشتر آثار هنری پیش از تاریخ در ابتدا با طرح‌های تزئینی و هندسی همراه بود. پس از مدتی نقوش حیوانات دوباره رایج شد و سپس اشکال هندسی دوباره گسترش یافت این دگرگونی در نقش پردازی موتیف‌های حیوانات در دوره‌های متمادی تمدن عیلام باستان قابل مشاهده است. از این رو در این اثر به نظر می‌رسد مجسمه‌ساز عیلامی از نظر هنری به درجه ممتازی رسیده بود. چون نوعی ناتورالیسم ابتدایی در سبک ساخت این سنگ وزن اردک دیده می‌شود (علیزاده، مصاحبه، ۱۷ خرداد ۱۴۰۲).

از این رو هخامنشی‌ها مانند عیلامی‌ها که در بالا گفتیم به منظور توسعه فعالیت‌های اقتصادی اقدام به ایجاد وزنه‌ها و ابزار سنجش استاندارد نموده و کلیه اوزان و مقیاس‌های خصوصی و محلی را کنار گذاشتند. خوشبختانه از این دوران ارش شاه، خط کش سنگی به درازای ۱۸ اینچ که

بر آن نام عناوین داریوش حک شده بود به دست آمده است (مستقیمی و دهقان، ۱۳۹۳: ۱۰۸). همچنین واحد وزن آن‌ها کنده چوبی بود که تقریباً ۱۱ کیلوگرم وزن داشت. یکی از این وزن‌ها با عنوان پادشاه داریوش از خزانه تخت جمشید به دست آمده است. که بر روی این سنگ وزن عنوان پادشاه داریوش بزرگ به خط پارسی باستان، بابلی و عیلامی ثبت شده است. همچنین سنگ وزن دیگری با همین مشخصات از کرمان یافت شده است.

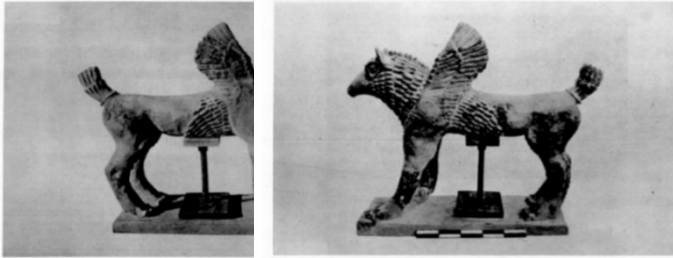


تصویر ۴-۱۲- به تصویر سنگ وزن، دوره هخامنشی، در حدود قرن ۶-۴ پس از میلاد، شوش (Prudence, 1992).

علاوه بر آن اوزان دیگری نیز وجود داشته‌اند، مَنه که از کرشه بالاتر بوده و بالاتر از مَنه، تالان بوده که معادل شصت مَنه بوده است. کرشه به نوبه خود به واحدهای کوچک‌تری تقسیم می‌شده که هر یک از واحدها معادل ۹ شکل بوده است (مستقیمی و دهقان، ۱۳۹۳: ۱۰۸). این وزن‌های سنگی معمولاً در مشاغل و حرفه‌های گوناگونی مانند: زرگری، جواهرسازی و معماری استفاده می‌شدند. و برای اندازه‌گیری ابعادی مانند: وزن، طول و حجم استفاده می‌شدند. احتمالاً دلیل ساخت این وزنه‌های سنگی به قالب حیوانات این بوده که مردم باستان اغلب زندگی روزمره خود را با انواع حیوانات وحشی و غیر وحشی همچون: «اردک»، «شیر»، «بز»، «گاو» و ... سپری می‌کردند. و این که چرا مجسمه‌سازان عیلامی از اردک در کار خود استفاده کرده‌اند و چرا نه حیوان دیگری؟ طبیعی به نظر می‌رسد. که این حیوان از ارزش ویژه‌ای نزد مردم عیلام برخوردار بوده است. از این رو برای ساختن این نوع سنگ وزن، هنرمند عیلامی از این حیوان در کار خود الهام گرفته است. علاوه بر این شیء باستانی، «سنگ وزن اردک ارجان» برای نخستین بار در سال ۱۳۹۶ پس از مستندسازی، پاکسازی، حفاظت و مرمت توسط کارشناسان پایگاه شوش، در موزه باستان‌شناسی شوش در معرض دید عموم قرار گرفت.

۱. بز را سمبل جامعه شهری می‌دانستند.

۴-۴- مجسمه نگهبان شیردال (شیر - عقاب)، اونتاش گال



تصویر ۴-۱۳- مجسمه نگهبان شیردال (شیر - عقاب)، اونتاش گال (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۲۸۲).

نام اثر: مجسمه نگهبان شیردال^۱ (شیر - عقاب)، اونتاش گال

دوره: عیلام میانه ۱۲۰۰-۱۴۰۰ پیش از میلاد

محل کشف: محوطه تاریخی چغازنبیل، استان خوزستان

محل نگهداری اثر: موزه باستان شناسی هفت تپه^۲

شماره ثبت اثر در فهرست آثار ملی: ندارد

شماره اموالی: ۵۰۰۹۸

تاریخ ثبت: ندارد

نوع مالکیت: دولتی

مشخصات:

ابعاد و اندازه: ۱۱۹ × ۱۱۶/۷۷ × ۱۱۲ سانتی متر

فرم بدن: سالم، موجودی خیالی به شکل شیر و عقاب

فرم بال و پاها: سالم، بال‌ها به حالت باز رو به بالا

دم: سالم، کامل و به حالت رو به بالا

۱. واژه دال در زبان پارسی به «عقاب» گفته می‌شود.

۲. موزه باستان‌شناسی هفت تپه یکی از مهم‌ترین موزه‌های باستان‌شناسی کشور ایران می‌باشد. که در مجاورت محوطه باستانی هفت‌تپه، شوش قرار دارد. و در تاریخ ۱۳۵۲ با هدف حفاظت، نگهداری و نمایش آثار و اشیاء تاریخی کشف شده از محوطه هفت‌تپه و چغازنبیل تأسیس شده است. موزه باستان‌شناسی هفت‌تپه ساختمانی یک طبقه با اسکلت سیمانی و نمایی از سنگ و آجر می‌باشد.

حالت سر: رو به مقابل

نوع کاربرد: آئینی

حفار: تانیا گیرشمن

وضعیت: سالم، کامل

نوع جنس: گل پخته لعاب دار

تزئینات: دارد

نام هنرمند: ثبت نشده است

تاریخ، برای مردمی که هزاران سال از طریق آن زندگی کردند. یادآور زندگی کهن بشر و نشانه گاه شماری و گذشت زمان بوده است. انسان همراه با جریان پیوسته ادوار تاریخی، فراز و نشیب‌های زندگی را پشت سر گذاشته و در طول سالیان متمادی کوشیده خودآگاهانه اثری از خود در تاریخ به جای بگذارد تا نام خود را جاودانه کند. از این رو برای پرداختن به این موضوع آثاری خلق کرد و پس از آن نیز تمدن و فرهنگ بسط یافت. انسان‌ها برای خلق اثر هنری از سمبل و نشانه‌ها برای ثبت افکار و مفاهیم ذهنی خود به صورت انتزاعی بهره می‌برند. از این رو در معماری عیلام باستان نیز شیردال به عنوان نگهبان در دروازه‌ها و معابد عیلامی استفاده می‌شده است. در میان آثار تمدن عیلام شوش، هفت تپه، چغازنبیل و ... ، نقش حیوانات ترکیبی افسانه‌ای و گاهی به شکل نیمه انسان - نیمه حیوان و... مربوط به موجودات نیمه الهی را می‌توان در آثار برجسته مشاهده نمود. این آثار پژوهشگر را به باورهای این دوره برمی‌گرداند(موزه باستان‌شناسی هفت تپه، ۱۴۰۲).

همینطور ادیانی چون عیلام باستان در ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، که ارباب انواع را می‌پرستیدند و معمولاً رب‌النوع‌های خود را در قالب حیواناتی که تأثیر زیادی در زندگی آن‌ها داشت به تصویر می‌کشیدند. بدین سبب در آغاز هزاره سوم پیش از میلاد، ایزدان و موجودات الهی با هم ترکیب می‌شدند و سپس به شکل انسان و حیوان و ... تبدیل می‌شدند. مجسمه شیردال یاد شده (تصویر ۴-۱۳-) موجودی خیالی از ترکیب شیر و عقاب مربوط به دوره عیلام میانه می‌باشد. که به آن گیریفین یا گریفون نیز می‌گویند. این یکی از حیوانات اسطوره‌ای رایج در میان بسیاری از مردم آسیا و اروپا است. بنا به نظرات «رومن گیرشمن» ساخت این نوع مجسمه‌ها از ابداعات و ابتکار هنرمندان مجسمه ساز عیلامی بوده است. پس نقش گیریفین را می‌توان در بسیاری از آثار هنری عیلامی مشاهده نمود. همچنین مجسمه گیریفین یاد شده یکی از

مجسمه‌های نگهبان دروازهٔ معبد بزرگ چغازنبیل^۱ در حوالی شهر دور - اونتش می‌باشد که از خشت پخته لعاب‌دار ساخته شده است. و آن زمان به عنوان نگهبان از دروازهٔ جنوب غربی معبد دیگورات چغازنبیل محافظت می‌کرده است. هم چنین در تمدن‌های کهن «حیوانات بال دار حاصل اختلاط ویژگی‌های اندامی ایزدان مختلف هستند». ترکیبی از عقاب، شیر، شیر دال و ... نمونهٔ قدیمی این اختلاط است»، تصویر مجسمهٔ شیردال مورد بحث که به شکل شیردال (شیر-عقاب) است.

چنان‌که مشاهده می‌شود، دارای بدنی به شکل شیر، سر عقاب، بال، دم و ... می‌باشد. افزون بر این بر روی ران این مجسمه که در شوش پیدا شده کتیبه‌ای به خط میخی عیلامی توسط پادشاه عیلام اونتاش گال نوشته شده است به این مضمون که این مجسمه را به اینشوشیناک ایزد، ایزدان عیلام باستان هدیه داده است. این مجسمه در دههٔ ۴۰ در حفاری چغازنبیل کشف شده که به دست خانم تانیا گیرشمن^۲، مرمت و بازسازی شده و تحویل موزهٔ باستان‌شناسی شوش^۳ گردید. بعد از جنگ تحمیلی عراق و ایران به دلیل آسیب‌های وارده به مجسمه، به نقل از خانم فکری نژاد طهرانی دوباره در سال ۱۳۶۷ تلاش‌هایی برای مرمت و بازسازی آن انجام شد. مجسمهٔ شیردال اونتاش گال در حال حاضر در موزهٔ باستان‌شناسی هفت‌تپه در معرض دید همگان قرار دارد. می‌توان گفت که مردم ایران باستان شیر را نگهبان گنجینهٔ خدایان می‌دانستند. در عیلام شیر نماد عظمت، قدرت، شجاعت، عدالت و قانون بوده و از سوی دیگر نماد ظلم، بی‌رحمی و جنگ می‌باشد. در این میان سر این مجسمه که به شکل عقاب است به مثابه یکی از سمبل‌های مورد علاقهٔ بشر در طول تاریخ در تمدن‌های مختلف از جمله: میانرودان، ایران، یونان، روم، مصر

۱. این بنا که در تاریخ ۱۹۷۹ میلادی در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفت. در استان خوزستان ایران و در جنوب شرقی شهر باستانی شوش قرار دارد. این بنا در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد توسط اونتاشگال برای ستایش خدای اینشوشیناک، نگهبان شوش ساخته شده بود. این بنا در حملهٔ آشوربانی‌پال پادشاه قهار آشوریان همراه با تمدن عیلام باستان ویران شد و بعد از آن در زیر خاک ناپدید شد تا زمان حاضر که توسط عیلامی شناس فرانسوی رومن گیرشمن خاک برداری و کاوش شد.

۲. تانیا گیرشمن (Tania Ghirshman)، با نام (Antoinette Levienne)، باستان‌شناس و مرمت‌شناس فرانسوی وی با الاصل اوکراینی تبار بود.

۳. موزهٔ باستان‌شناسی شوش یکی از مهم‌ترین موزه‌های ایران می‌باشد. این موزه که در میان باغی بزرگ ساخته شده است دارای ۶ تالار بزرگ می‌باشد و آثار به نمایش در آمده در آن حاصل کاوش‌های محوطهٔ شوش و چغازنبیل است. آثار این موزه مربوط به دورهٔ قبل از تمدن عیلام تا دوران پس از اسلام است.

باستان و تمدن‌های دیگر قلمداد می‌شود. عقاب نیز مانند برخی دیگر از موجودات این سرزمین‌ها سمبل ایزدان و نماد قدرت و از مهم‌ترین سمبل‌های آن زمان بود که بر روی آثار هنری تمدن‌های باستانی ترسیم شده است و جلوه‌ای از حس قدرت و جاه‌طلبی ناخودآگاه جمعی بشر را از دوران باستان تا به امروز با خود دارد. همینطور بال‌های این پیکره مانند شیر به عنوان نماد قدرت و حفاظت و نشانه‌ای ایزدی در هنر پیش از تاریخ^۱ در بسیاری از آثار بر روی بدن انسان یا حیوان یا موجودات نیمه حیوان و نیمه انسان دیده می‌شود.

از این رو بافت^۲ ایجاد شده در دم و بال‌ها جنبه کیفیت ملموس یک اثر را دارد و به حس لامسه مخاطب پاسخ می‌دهد. این عنصر متناسب با مضمون و تحت تأثیر مضامین، فضای دم و بال‌های این مجسمه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو هنرمند مجسمه ساز با توجه به این مؤلفه و هم چنین پرهیز از فضای خالی و تزئین، از ریتم دم و بال‌های عقاب برای ایجاد بافتی ظریف با خطوط منحنی^۳ و نرم مانند از دم و بال‌های عقاب استفاده کرده است. بنابراین نشانه‌های دیداری مجسمه که جنبه فیزیکی دارند باعث می‌شوند مخاطب احساس آرامش پرواز و ... را در این مجسمه درک کند. این اشکال و نشانه‌ها برای ما حامل انتقال پیام هستند. آن‌ها از طریق حواس انسان درک می‌شوند. به چیزی خارج از خودشان که مورد توافق یک جامعه است دلالت دارند. هر نشانه‌ای از دال و مدلول شکل گرفته است. در حوزه هنرهای تجسمی دال شکل دیده و مدلول معناست. که باعث می‌شود علامت در ذهن مخاطب ظاهر شود. با توجه به موتیف عقاب در این مجسمه مشخص می‌شود. که عقاب در آن زمان مقام اول اهمیت در بین مردم عیلام بوده است.

بنابراین اهمیت عقاب و تقدم آن نشان از اعتقاد و باورهایی دارد که مربوط به صفات عقاب می‌باشد. همچنین با توجه به این که عقاب پرنده‌ای قدرتمند، تیزپرواز و فرمانروای آسمان‌ها بوده است. در جایگاه ایزدانی چون: خورشید، آسمان، جنگجویان و ... می‌نشیند. این موتیف نیز در تمدن‌های ایران و تمدن مصر به وضوح در آثار به جای مانده از آن‌ها دیده می‌شود و سمبل قدرت و اقتدار پادشاهان را برای ما به یاد می‌آورد. از این رو با توجه به وجود مشترک این موتیف در اساطیر و تصاویر بر جای مانده از آن‌ها بر روی آثاری مانند: مجسمه‌ها، نقش برجسته‌ها، فلزکاری، سفال و ...، با کاربری متناسب با فضا و مکان ابنیه استفاده می‌شده است. از

-
1. Befor Islam
 2. Texture
 3. Curved Lines

نگاه دیگر تمدن از آن جا که آثار باستانی مانند مجسمه‌ها، نقش برجسته‌ها، فلزکاری‌ها و سایر مصنوعات دست ساز بشر میراث و گنجینه‌های ناملموس فرهنگ هستند. در بسیاری از قلمروهای هویتی معرف سمبل‌ها، باورهای کهن فرهنگی و ملی بسیار ارزشمند عمل می‌کنند. به هر کشوری هویت فرهنگی می‌بخشند و به واسطهٔ فراگیری معنای‌شان موجبات برقراری روابط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ...، با دیگر تمدن‌ها را فراهم می‌آورد.

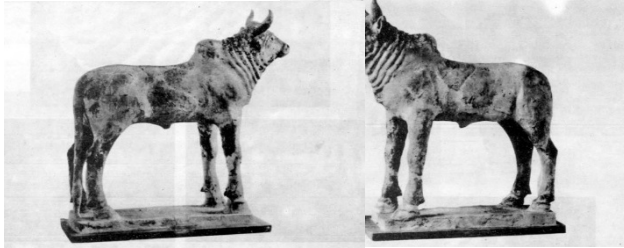
به عنوان مثال: قلمروی دیرینهٔ مصر با فرهنگ غنی و هنر اسرارآمیز خود، این صنایع دستی را با نقوشی مزین و تزئین می‌نمود که از معانی عمیق فلسفی^۱ و اسطوره‌شناختی^۲ سر چشمه می‌گرفت. افزون بر موارد یاد شده، فرهنگ و تمدن عیلام یکی از فرهنگ‌هایی ایرانی است که همیشه در زمینه‌های مختلف فرهنگی ممکن است. تأثیرات فرهنگی را از تمدن‌های شکوفای همجوار پذیرفته باشد. و ظهور نقش و سمبل عقاب نیز می‌تواند از پیامدها آثار این‌گونه مبادلات با تمدن‌های باستانی دیگر مناطق مانند تمدن مصر باستان و میانرودان بوده باشد. در هر صورت تصویر عقاب یکی از مضامینی می‌باشد که در اغلب آثار هنری تمدن عیلام باستان با معنایی سمبلیک و اسرارآمیز به چشم می‌خورد. البته شایان ذکر است که این موتیف از عصر فلز به بعد در ایران به اشکال مختلف بر روی آثار هنری نقش بسته و همواره مربوط به ایزدان و مضامین اساطیری بوده است. بنابراین برگردیم به مجسمهٔ نگهبان شیردال (شیر - عقاب)^۳، این مجسمه ما را به یاد نقوش شیرهای اساطیری بر روی صفحه‌های حلقه‌های زرین ارجان^۴ می‌اندازد. که در این دو اثر وحدت شکل‌های طبیعی و غیر طبیعی که وجهٔ مشترک همه هنرهای میان‌رودانی (آشور^۵، آکد^۶، بابل^۷، عیلام^۸ و ...) است.

به وضوح بیشتر در آن‌ها دیده می‌شود. هر یک از این دو اثر اطلاعات ارزشمندی در مورد فنآوری^۹ و تفکر عیلامی‌ها را به دست می‌دهد. یافتن شیر در هنر مصر، میانرودان و ایران باستان نشان می‌دهد که شیر زمانی در این مناطق زندگی می‌کرده است. به عنوان فرمانروای سرزمین‌ها

-
1. Philosophical
 2. Cognitive myth
 3. The Statue of the Guardian of Shirdal (Lion-Eagle)
 4. The Golden Ring of Arjan's Power
 5. Assyria
 6. Akad
 7. Babylon
 8. Elam
 9. Technology

شناخته می‌شده است. پس بواسطه قدرت بی‌رقیب، نمادی مربوط به پادشاهان و سلاطین قلمداد می‌شود. در واقع همانطور که شیر سلطان حیوانات است، پادشاه نیز سلطان آدمیان است. بنابراین نقش شیر در قدیمی‌ترین نقاشی‌ها و تصاویر آثار پیش از اسلام دیده می‌شود. زیرا شیرها نگهبان عبادتگاه‌ها، کاخ‌ها، مقبره‌ها و... بوده‌اند.

۵-۴- مجسمه گاو نگهبان از معبد چغازنبیل



تصویر ۴-۱۵- مجسمه گاو نگهبان از معبد چغازنبیل، عیلام (گیرشمن، ۱۳۷۳: ۲۳۱).

نام اثر: گاو نگهبان از معبد چغازنبیل

دوره: اواخر هزاره دوم پیش از میلاد، عیلام

محل کشف: استان خوزستان، محوطه چغازنبیل

محل نگهداری اثر: موزه ملی ایران باستان^۱

شماره ثبت اثر در فهرست آثار ملی: ندارد

تاریخ ثبت: ندارد

نوع مالکیت: دولتی

مشخصات:

شماره اموالی: ندارد

جنس: گل پخته لعاب دار

ارتفاع: ۱۰۶ سانتی متر

بدنه: ۱۰۸ سانتی متر

۱. موزه ملی ایران باستان (National Museum of Ancient Iran)، با نام رسمی موزه ملی ایران، اولین موزه ایران در قسمت غربی میدان مشق تهران در خیابان ۳۰ تیر واقع شده است. ساخت این موزه در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۰۸ به دستور رضا شاه پهلوی توسط معمار فرانسوی آندره گدار (Andre Godard) آغاز شد. ساختمان این موزه در تاریخ ۱۳۱۶ خورشیدی به پایان رسید و موزه در معرض دید عموم مردم قرار گرفت.

تزیینات: ندارد

نام هنرمند: ندارد

در بخش تاریخی موزه ملی ایران باستان یک گاو سفالی وجود دارد. طرح گاو با بال در آبدانای شوش با آجر لعاب‌دار ساخته شده است. پیکره‌های کوچک گاو از دوران سوم عیلام در شوش نیز پیدا شده است که مشابه این گاوها در تخت جمشید از سنگ یمانی نیز وجود دارد (فرزان فر، ۱۳۹۱: ۴۰). همچنین این گاو به دستور پادشاه عیلامی اونتاش ناپیریشا به عنوان نگهبان بر دروازه ورودی شمال شرقی زیگورات چغازنبیل که یکی از مهم‌ترین بناهای دوره عیلام میانه بین تاریخ ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد می‌باشد. در دو طرف پله‌های این زیگورات نقش‌هایی از حیوانات به عنوان نگهبان وجود داشت که بیشتر آن‌ها از بین رفته‌اند و یکی از جالب‌ترین نمونه‌های باقی مانده، گاو کوهان داری می‌باشد که با پاهای نسبتاً بلند می‌باشد. که در ورودی شمال شرقی معبد زیگورات چغازنبیل وجود داشت (مستقیم و دهقان، ۱۳۹۳: ۳۱).

«این اثر در گذشته جزء آثار شاخص موزه باستان‌شناسی هفت تپه بود، که بعد از مدتی به موزه ملی ایران باستان منتقل شد»، نوع این گاو از گل پخته لعاب دار به ارتفاع ۱۰۶ سانتی‌متر و بدنه آن ۱۰۸ سانتی‌متر است. که کتیبه‌ای با این مضمون «من اونتاش ناپیریشا، فرزند هومبان نومنا پادشاه دودمان انشان و شهر شوش، گاو نر از گل پخته لعاب دار که پادشاهان کهن آن را ساخته‌اند را ساختم و در این مکان مقدس (به عنوان نگهبان) به خدای اینشوشیناک^۳ نهادم. که به این مکان مقدس اقتدار معنوی بخشد، آن را وقف می‌کنم. برای به دست آوردن عمر طولانی، و همچنین به دست آوردن سلامتی و ...، برای انتقال به نسل خود به همین منظور بود که این را من ساختم و به خدای خود اینشوشیناک تقدیمش کردم. خدایی که به این مکان مقدس اقتدار معنوی بخشد. خدای اینشوشیناک که در این مکان مقدس دارای حجت معنوی است، امیدوارم آن را به عنوان پیشکش از من بپذیرد»، به خط پروتوعیلامی بر پشت این گاو نگهبان نوشته شده است. بنابراین از این گاو کوهان دار به عنوان نگهبان ورودی معبد در زمان عیلام قابل ذکر بود. در زیگورات چغازنبیل از دوره عیلام، به صورت مجسمه در درگاه قرار داده شده است (فرزان فر، ۱۳۹۱: ۴۰).

-
1. Ontash Napirisha
 2. Humban Numba
 3. Inshushinak



تصویر ۴-۱۶- گاو کوهان دار نگهبان چغازنبیل (گیرشمن، ۱۳۷۳: ۲۷۳).

که بی شک مردم عیلام باستان به وجود شیاطین بدخیم، مضر و ایزدان خوش خیم و سودمند بسیار اعتقاد داشته‌اند. از این رو حیوانات تخیلی همچون: گریفون (شیر - دال)^۱، گاو کوهان دار و ... را به عنوان محافظ و نگهبان معابد خود ابداع نمودند. که برای مردم سومر نیز ناشناخته بود. همینطور باید بیان کرد سبکی که مجسمه‌ساز عیلامی برای به تصویر کشیدن این حیوان به کار برده بسیار ناتورالیسمی و واقع‌گرایانه می‌باشد. زیرا جثه وی را به شکل و حرکتی که طبیعتاً بوده در این اثر به وضوح نشان داده است. این اثر به قدری جالب و زیبا ساخته و ترسیم شده که مشخص است. هنرمند عیلامی پشتوانه بسیار غنی و پر باری از این هنر در آن زمان داشته بود. بی شک این اثر کار هنرمندانی می‌باشد که سال‌ها این کار را تجربه کرده‌اند. علاوه بر این گاو کوهان دار نشان دهنده این واقعیت است که انسان پیش از اسلام حافظه فوق‌العاده‌ای برای تجسم حیوانات نگهبان برای معابد خود داشته بود. و تصاویر حیوانات را با دقت و مهارت زیادی تجسم می‌کرده است. تسلط مجسمه‌ساز عیلامی در این اثر کمک مؤثری در آشنایی ما با عادات، آداب و رسوم مشترک آن‌ها با تمدن‌های پیش از اسلام می‌باشد. از ویژگی‌های مهم این اثر غنای فوق‌العاده رنگ‌های به کار رفته، بافت و استفاده از برجستگی‌های نامنظم در کنده کاری بدنه آن برای نشان دادن برآمدگی‌های بدن حیوان می‌باشد. به تصویر زیر گاو کوهان دار با دقت بنگرید این گاو چشم‌های بی‌رحم و بیداری دارد چنان‌گویی تند و خیره به ما می‌نگرد. که انگار نیرویی در پشت سیمایش نهفته است.

1. Griffon (Lion - Dal)



تصویر ۴-۱۷- گاو نگهبان معبد چغازنبیل از رو به رو (موزه ملی ایران باستان، ۱۴۰۲).

همچنین گردن کوتاهی دارد، دو پای جلو تمام سنگینی جنه وی را بر روی جهان مجسم می‌کند. از این معلوم در واقعیت همینطور بوده است. این مجسمه در اشکال سمبلیک و اسطوره‌ای تجسم یافته است. زیرا گاو نر حیوانی مقدس، نگهبان و محافظ معبد، مظهر شجاعت و ... در آن زمان در بین مردم بین‌النهرین و عیلام باستان شمرده و به خدایان نیز پیشکش می‌شده است. از این رو این اثر از نظر تعادل، فرم و زنده بودن در تمام تاریخ هنر میانرودان از نظر باستان‌شناسان یگانه است. این اثر از نظر هنری معرف احساس قوی ترکیب و تنظیم هنرمندان دوران عیلام است. حتی به نظر می‌رسد تحت تأثیر فرهنگ‌های بین‌النهرین و تمدن‌های پیش از اسلام ساخته شده است. مجسمه این نوع حیوان به عنوان یک عنصر تزئینی معماری نیز در ورودی معابد در آن روزگار کهن استفاده می‌شده است. از این معلوم این مجسمه از نظر اعتقادی و کاربردی ما را به یاد نقاشی‌های گاوهای وحشی کشف شده در غارهای لاسکو^۱ در فرانسه، آلتامیرا^۲ در اسپانیا و ... می‌اندازد. اگر نسبت اجزای بدن این گاو را با نقوش حیوانات در غارهای یاد شده مقایسه کنیم به اشتراکات کاربردی و اعتقادی موجود در آنها نیز پی خواهیم برد.

۱-۵-۴- مجسمه انسانی - ابوفندوا، عیلام میانه

۱. غار لاسکو (Lascaux) نام گروهی از غارهایی می‌باشد که در جنوب غربی کشور فرانسه واقع شده‌اند. که به خاطر نقاشی‌های غارهایش که به دوران پارینه سنگی (Paleolithic) می‌رسند مشهور شده است. غارهای اصلی در نزدیکی روستای مونتینیاک (Montignac) در شهرستان دوردون (Dordogne) قرار دارند. در داخل این غارها تعدادی از بهترین هنرهای دوره پارینه سنگی مدرن وجود دارد.

۲. غار آلتامیرا (Altamira) غاری است، در سی کیلومتری غرب شهر سانتاندر در شمال اسپانیا که تصاویری از حیوانات بر روی دیوارها و سقف آن نقاشی شده است و یکی از مهم‌ترین آثار هنری «عصر حجر» می‌باشد.



تصویر ۴-۱۸- مجسمه انسانی - ابوفندوا عیلام میانه (موزه باستان شناسی هفت تپه، ۱۴۰۲).

نام اثر: مجسمه انسانی - ابوفندوا

دوره: عیلام میانه

محل کشف: استان خوزستان، شوش، محوطه هفت تپه

محل نگهداری اثر: پایگاه میراث جهانی چغازنبیل و هفت تپه

حفار: مرحوم دکتر عزت الله نگهبان

شماره ثبت اثر در فهرست آثار ملی: ندارد

تاریخ ثبت: ندارد

نوع مالکیت: دولتی

مشخصات:

شماره اموالی: ۲۶۳ م

جنس: گل پخته

ابعاد و اندازه: $۱۰/۸ \times ۳/۹ \times ۱/۹$ سانتی متر

طول: $۱۰/۸$ سانتی متر

عرض پاها: $۲/۲$ سانتی متر

پایین تنه: $۳/۹$ سانتی متر

بالا تنه: $۵/۱$ سانتی متر

ضخامت: $۱/۹$ سانتی متر

تزیینات: دارد

نام هنرمند: ندارد

نخستین نمونه یافت شده با نقش زن از هنر عیلام، مجسمه یک زنی است. که به نام مجسمه انسانی - ابوفندوا^۱ نام گذاری و در محوطه هفت تپه یافت شده است. تحقیقات باستان شناسان به دست آمده نشان می دهد که زنان در عصر عیلام نه تنها به عنوان الهه تجسم یافته اند، بلکه از جایگاهی با وقار و قابل احترام در جامعه برخوردار بوده اند. این شیء یک مجسمه انسانی زن (الهه) که متعلق به دوران عیلام میانه بوده است. از بررسی و تحقیقات باستان شناسی گروه کاوش زنده یاد آقای دکتر عزت الله نگهبان در تپه ابوفندوا در تاریخ ۱۳۵۴ خورشیدی به دست آمده است. این مجسمه نیز مانند سایر مجسمه های پیش از اسلام و میانرودان در قالب ساخته شده است که با پوشش گلی و نیمه برهنه و دارای عملکردی آئینی و مذهبی است (موزه باستان شناسی هفت تپه، ۱۴۰۲). به باور آنها یکی از علل ساخت این مجسمه ها با پدیده های مختلفی چون: تولید مثل، باروری، تولد، شیردهی، رشد، مرگ، فراوانی، حاصل خیزی و ... مربوط می شود.

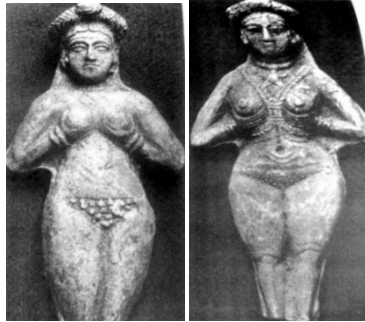
بنابراین بنگرید به حالت این مجسمه متأثر از همان آرامش اشرافیت و نجیب زادگی در مجسمه های الاهگان عیلامی می باشد. این مجسمه دارای کمری باریک، باسن پهن، سینه های بزرگ و پاهایی به شکل چماق می باشد. همانطور انتهایی پاها شکسته و گم شده اند. در این جا هنرمند عیلامی همه حالتها و زاویه دیدهایی را که ممکن است به پنهان شدن یا مبهم شدن بخش های مشخصه مجسمه بیانجامد از اثر خود حذف کرده و اثر خود را به طور تمام رخ حکاکی کرده است. به عنوان مثال: زمانی که مجسمه در وضعیت نیم رخ قرار می گیرد. به طور معمول باید یک دست و احتمالاً یک پا از دید پنهان باشد و بدن باید نصف عرض واقعی آن را داشته باشد. و چشم را نمی توان به طور کامل دید اما هنرمند مجسمه ساز عیلامی همه این قوانین را زیر پا می گذارد. و برای اثبات کار خود از دیدگاه خاصی برای این اثر استفاده کرده است.

اگر با دقت به تصویر مجسمه مذکور نگاه کنید، دو دست این تأثیر دستها بر روی سینه قابل تشخیص است. همین طور نوع قرار گرفتن دستها روی سینه بعدها از ویژگی های بارز بیشتر مجسمه های برهنه ی دوره عیلام میانه شد. در این جا هنرمند مجسمه ساز عیلامی به اصل «انتقال وزن»^۲ (انتقال وزن بدن یا مرکز ثقل)، پرداخته است. بخش یا مرکز ثقل که نیمه تنه بالای این

1. The Human Statue Of - Abu Fandawa

2. Weight Transfer

مجسمه است را به ما نشان داده است. در این مجسمه هنرمند عیلامی علاوه بر دقتی که در ارائه حجمها و تناسبات ظاهری^۱ نشان داده، حالت اشرافیت و ... را نیز ماهرانه به ما نمایانده است. علاوه بر این مجسمه با گل نخودی مطلوبی همراه با ماسه ساخته شده است. که شباهت زیادی نیز به مجسمه‌های دوره عیلام میانه از لحاظ ساختاری و کاربردی دارد (تصویر ۴-۱۹)، تعدد این مجسمه‌ها به خاطر آن بود که این مجسمه‌ها بتوانند به طور تمثیلی در معابد و عبادتگاه‌ها حضور داشته باشند و خدمت‌گزاری خود را به ایزدان اثبات کنند (جباری، ۱۳۹۵: ۵۸-۵۷).



تصویر ۴-۱۹- از راست نمونه مجسمه زنی با لگن کوچک و نمونه دیگر مجسمه زنی با یک جفت دستبند تک بندی و خلخال در پا از دوره عیلام میانه (جباری، ۱۳۹۵: ۵۷-۵۸).

از این رو بر گردیم به تزئینات به کار برده شده در مجسمه انسانی - ابوفندوا به صورت بند دور سینه، گردن بند و النگو است. که بند سینه در دو ردیف به صورت قیطان (گیس) بافته شده در بالای سینه و ساده در زیر سینه نمایش داده شده است. این سینه بندها که متأسفانه ما اطلاع نداریم از چه جنسی بودند، تا اواسط دوره عیلامی بسیار رایج بودند. در عصر مفرغ در شوش، حکاکی‌ها یا گل‌های ظریف اطراف سینه نشان‌دهنده سینه بند هستند. در این مجسمه این زن سینه‌های خود را در دستان خود گرفته است. این حالت در تمام شخصیت‌های شوشی اواسط دوره عیلامی بسیار رایج بوده است. همچنین یک رشته گردنبندهایی به گردن آویزان به شکل ستاره‌ای چند پر این مجسمه در گردن دارد. که در وسط سینه دیده می‌شوند و وی را همچون ملکه‌ای نمایان شده برای ما مجسم کرده‌اند (فرج‌زاده، مصاحبه، ۲۰ تیر ۱۴۰۲). «از دوره عیلامی نیز گردنبند‌های متعلق به آغاز هزاره دوم پس از میلاد به دست آمده است. که از طلاء و چینی و سایر فلزات تشکیل شده اند. که از جمله نقوش دیگری که به کرات در آویزهای گردنی استفاده

شده است. نقش گل هشت پر^۱ و ... می باشد. که در (تصویر ۴-۲۰- آویز گردنبند با نقش ستاره هشت پر) می بینید است».



تصویر ۴-۲۰- آویز گردنبند با نقش ستاره هشت پر، جنس طلا، تمدن عیلام باستان (اصغر پور ساروئی، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

به این نتیجه می رسیم که عیلامیان به قدرت جادویی و ماورایی زیورآلات اعتقاد فراوانی داشتند. شواهد باستان شناسی و شمایل نگاری از دوره عیلام به وضوح کاربرد جواهرات و تزئینات در میان مردمان عیلام را آشکار کرده است. زنان عیلامی از گوشواره، گردنبند، حلقه مو، گیره لباس، بازوبند، دستبند، انگشتر، خلخال و ... استفاده می کردند. این شواهد نیز حتی حکایت از استفاده مردان عیلامی از گردنبند، دستبند و انگشتر دارد. تزئینات عیلامیان به این موارد محدود نبوده، بلکه انواع تزئینات بر لباس افراد مانند لباس ملکه عیلامی ناپیرآسو همسر اونتاش ناپیریشا نیز جلوه گری می کرده است. جواهرات در دوره عیلام نه تنها نمایش گر منصب و جایگاه افراد بوده است. بلکه جنبه آئینی نیز داشته اند. مجسمه انسانی - ابوفندوا علی رغم انتزاعی بودن دو برجستگی روی سینه خود و همچنین در قسمت نیمه تنه پایین دایره های کوچک مانند برجسته ای را می بینیم که از نظر اندازه با هم متناسب و یکسان هستند، به طور متناوب تکرار شده اند را در نیمه تنه پایین این مجسمه به وضوح می بینیم. که بیان گر رابطه آنها با باروری و الهه بانوی مادر می باشد.

این مجسمه با مجسمه های همانند خود که آنها را در بالا نام بردیم از ناحیه کمر باریک و در قسمت پایینی بدن به صورت پهن می باشد. همین طور ۳ عدد الگو چسبیده به هم در هر دو دست های مجسمه انسانی - ابوفندوا نیز دیده می شوند. که ما را نیز به یاد یکی از عمده ترین آثار مجسمه سازی در دوره عیلام، مجسمه ملکه عیلامی ناپیرآسو، زوجه پادشاه عیلامی اونتاش

1. Eight feather flower pattern

ناپیریشا می‌اندازد (مستقیم و دهقان، ۱۳۹۳: ۲۹). قدمت این مجسمه به ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد. این مجسمه که با لایه‌ای از مس و طلا روی قالب برنزی (مفرغ) ساخته شده حدود ۱۳۰ سانتی‌متر ارتفاع، ۷۰ سانتی‌متر عرض و ۱۷۵۰ کیلوگرم وزن دارد. که در میان تپه‌ی است و با تکنیک موم و با استفاده از نیمه‌ای که با دو نیمه‌ای که با دو لولای مفرغی به هم وصل می‌شده، تولید شده است (روان جو و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱).

مانند سایر آثار از شوش (سوزیانا) به دست آمده و همین‌طور مربوط به عیلام میانه می‌باشد. این مجسمه مفرغی در تاریخ ۱۹۰۲ مصادف بود با تاریخ (۱۲۸۲ خورشیدی) توسط ژاک دو مورگان^۱ در حفاریات معبد «نین هورساگ» شوش کشف شد، و امروز در موزه لوور^۲ پاریس نگهداری می‌شود. البته سر این مجسمه از بین رفته است. و هنوز مشخص نیست. که آیا سر این مجسمه در حمله آشوریان به شوش شکسته شده است یا زمانی که به کشور فرانسه منتقل شده است. لمپر، یکی از اعضای هیئت فرانسوی روایت کرده است: در حالی که مجسمه در قایقی در رودخانه کارون حمل می‌شد، مجسمه شکسته شد. و در لبه گودالی عمیق افتاده بود که مجسمه ملکه‌ی عیلامی در حال غرق شدن بود. و نجات آن به دشواری در آن زمان صورت گرفته است. با این حال از روایت باستان‌شناس عیلامی لمپر نتیجه می‌گیریم علی‌رغم آسیب‌هایی که به این مجسمه رسیده بود. در مجسمه ملکه‌ی ناپیر آسو^۳ انواع جواهرات، مانند: حلقه، دستبند، گیره و تزئینات پیراهن قابل مشاهده است. همچنین در موزه باستان‌شناسی هفت‌تپه دکمه‌های مفرغی، احتمالاً برای تزئینات پیراهن، نمونه‌های مفرغی از سنجاق سر و زیورآلات از سنگ‌های متنوع جلوه‌ای دیگر از این زیورآلات می‌باشند. در این جا وی دارای ۴ انگو در دست راست (اصغرپور ساروئی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). مانند الگوهای مجسمه انسانی - ابوفندوا (بنگرید به تصویر ۴-۲۱-)، و

۱. ژاک دو مورگان با (Jacques de Morgan)، نام کامل ژاک ژان ماری دو مورگان (زاده ۱۸۵۷ - درگذشته ۱۲ ژوئن ۱۹۲۴) وی باستان‌شناس و محقق فرانسوی دوران باستان بود. ژاک دو مورگان به مدت ۱۵ سال از تاریخ (۱۲۷۶ تا ۱۲۹۱ هجری قمری)، رهبری گروه باستان‌شناسان فرانسوی را در کشور ایران و شهر شوش بر عهده داشت.

۲. موزه لوور بزرگترین موزه هنری و ساختمان تاریخی در مرکز شهر پاریس، در کشور فرانسه می‌باشد. این موزه یکی از بناهای معروف فرانسه و پاریس است که در سمت راست رودخانه سن، در منطقه ۱ شهر پاریس قرار دارد.

۳. این مجسمه نه تنها یک اثر هنری می‌باشد، بلکه نقطه اوج هنر ریخته‌گری برنز است. که حکایت از حضور صنعتگران فوق العاده ماهر و چیره دست را در قلمروی عیلام باستان را به ما نشان می‌دهد. این مجسمه بزرگ‌ترین اثر فلزی است که قدمت آن به شرق باستان باز می‌گردد، حتی در مصر، بابل و آناتولی نظیر این مجسمه دیده نشده است. این مجسمه یک اثر هنری بسیار مهم است که برای بزرگداشت، احترام و تکریم شهبانوی عیلامی ساخته شده است و در واقع ارزش و جایگاه زن را در تمدن عیلام باستان را به ما نشان می‌دهد.

یک حلقه در دست چپ مجسمه، همواره نظر پژوهش گران را جلب کرده که آیا این حلقه مفهومی مشابه حلقه‌های ازدواج در دوران معاصر را دارد یا خیر؟!



تصویر ۴-۲۱- مجسمه ملکه ی عیلامی ناپیر آسو همسر اونتاش گال، جنس برنز، شوش، عیلام
میانه، منبع: (آمی، ۱۳۹۴).

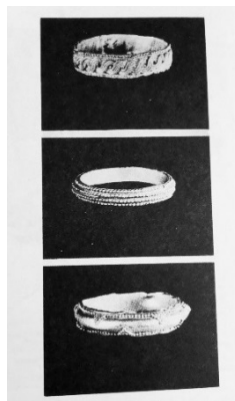
با نظر به سایت‌های باستانی محوطه‌های شوش، هفت تپه و چغازنبیل به این نکته بر می‌خوریم که اغلب زیور آلات در محوطه شوش در معبد چغازنبیل به دست آمده‌اند. و اگر نگاهی به آثار یافت شده در تمدن عیلام باستان و منطقه شوش نظری بیافکنیم، به زیورهای منقوش بر نقوش برجسته و مجسمه‌های سفالی الاهگان همچون مجسمه ملکه ی عیلامی ناپیر آسو همسر اونتاش ناپیریشا بر می‌خوریم. که بر اساس این مطلب است که این زیور آلات و مجسمه‌ها هدیه‌ای به معبد بوده‌اند. مثلاً در (تصویر ۲۲-۴-)، حلقه ساده‌ای دیده می‌شود که از دو حلقه به هم پیوسته تشکیل شده و جنس آن از نقره می‌باشد و از شوش «معبد اینشوشیناک»، به دست آمده است (اصغر پور ساروئی، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

۱. اونتاش ناپیریشا یا (اونتاش گال یا اونتاش هومبان) پادشاه بزرگ عیلامی و بنیان گذار معبد زیگورات چغازنبیل در استان خوزستان در شهرستان شوش می‌باشد. وی نام خود را به عنوان بانی این زیگورات در کتیبه‌ای جاودانه نموده است. اونتاش گال نوه پاهیر ایشان بنیان گذار این دودمان حکومتی در قلمروی عیلام بود. وی همچنین پدر پادشاه عیلامی کیدین هوتران دوم و نانارسین بود.



تصویر ۲۲-۴- حلقه عیلامی، معبد چغازنبیل (اصغر پور ساروئی، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

لذا اگر مقایسه کنیم این حلقه شباهت فراوانی با حلقه‌ی مجسمه مذکور ملکه ناپیر آسو دارد. می‌توان بیان کرد که این نوع حلقه‌ها به عیلام میانه تعلق دارند. البته به نظر می‌رسد که عیلامی‌ها در آن زمان بیشتر از طلا برای ساخت زیور آلات خود استفاده می‌کردند. و زیور آلات مفرغی بسیار کمی از این تمدن به دست آمده است. این نیز نشان دهنده اعتقادات عیلامی‌ها به جهان پس از مرگ است و نکته دیگر این که بیشتر زیورآلات به دست آمده از طلا بوده است. زیرا عیلامی‌ها به این نتیجه رسیده بودند. که طلا فلزی است مقاوم در برابر عوامل آسیب‌رسان نسبت به سایر فلزات از دوام بیشتری برخوردار است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۷۱). مانند نمونه‌های (تصویر ۲۳-۴-)، که می‌بینید.



تصویر ۲۳-۴- انگشترهای طلا که جزء اشیاء قبری واقع در مقابل اینشوشیناک به دست

آمده است، ارگ شوش. قرون ۱۳ و ۱۲ پیش از میلاد، منبع: (آمی، ۱۳۹۴).

نوع کار بسیار عالی و پیشرفته این انگشترها که از طریق ماریچ، دندان‌های و خوشه‌ای است، برابر با بهترین جواهرات یونانی دوران بسیار قبل است. تزئینات خوشه‌ای در گروه مهرهای استوانه‌ای کاسی و عیلامی همان دوره و کمی بعد دیده می‌شود (آمی، ۱۳۹۴). و اما برگردیم به

نقش برجسته‌ای برگ مانند سمت پشت و جلوی مجسمه ملکه‌ی ناپیر آسو با یک گیره ساده در بالای بازو و یک گیره درشانه راست به شکل درختی با چهار شاخه آویزان است که به جوانه ختم می‌شود. و سه شاخه برجسته درشانه راست مجسمه ملکه‌ی عیلامی ناپیر آسو به یکدیگر متصل هستند. در (تصویر ۴-۲۱)، این مجسمه دیده می‌شوند. که مشخص نیست تکه‌ای از زینت است یا جزئیات لباس وی می‌باشد. و اگر با دقت به مجسمه ملکه‌ی ناپیر آسو بنگرید بدنه لباس وی توسط صدها دایره مانند دایره‌هایی که در نیمه تنه پایینی مجسمه انسانی - ابوفندوا است نشان داده که با نقطه‌های مرکزی پوشانده شده‌اند. که اگر برای نشان دادن گلدوزی یا دیسک‌های فلزی در نظر گرفته نشده باشند. ممکن است نشان دهنده اتصال لوازم فلزی گران بها واقعی باشند. همچنین در ساخت مجسمه انسانی - ابوفندوا مانند مجسمه ملکه‌ی عیلامی ناپیر آسو از رئالیسم^۱ درخشانی استفاده نشده است تا جایی که عناصر و خطوط به کار رفته در آن به ندرت نشان داده نشده‌اند. در برخی موارد سر مجسمه نشان داده نمی‌شود.

به نظر می‌رسد هنرمند مجسمه‌ساز عیلامی در تلاش برای نشان دادن باروری زنانه در مجسمه انسانی - ابوفندوا بوده است تا رئالیسم نمایی! در واقع همان چیزی که وی در ذهن خود تصور و ترسیم کرده است زن نبوده بلکه باروری بوده است. این مجسمه احتمالاً جنبه پیشکسی و نذری داشته بود. زیرا مجسمه‌های زنان دارای نمادهای زایش و جنبه‌های مذهبی و آئینی داشته‌اند (علیزاده، مصاحبه، ۱۷ خرداد ۱۴۰۲). همینطور مجسمه‌های کوچک بسیاری از ایزدان زن برهنه که در ایران ما قبل از تاریخ یافت شده‌اند. به ما اجازه می‌دهند که بگوییم مردم ما در نجد قبل از تاریخ چنین اعتقاداتی داشتند. در مجسمه‌های کوچک زنانه‌ای که به الهه باروری نسبت داده می‌شوند. همینطور تعداد فراوانی از آنان در محوطه‌های عیلامی به دست آمده‌اند، زیورآلاتی مانند: گوشواره، دستبند، خلخال و گردنبند نمایان است. انواع مهره‌های مفرغی، سنگی، سفالی، بدل چینی به اشکال گوناگون هندسی و برگرفته از محیط زیست پیرامون عیلامیان مانند: انواع جانوران، گیاهان و عناصر طبیعت در هفت تپه و چغازنبیل به دست آمده است. این تنوع مهره‌ها،

۱. رئالیسم یا واقعگرایی (Realism) در هنرهای تجسمی و ادبیات، نمایشی از چیزهایی می‌باشد. که در زندگی روزمره اتفاق می‌افتند، بدون هرگونه آرایش یا تفسیر اضافی، و این اصطلاح همچنین برای توصیف آثار هنری نیز به کار می‌رود. که به ترتیب بر مواردی مانند زشتی و پستی تأکید کرده‌اند. نیز به کار می‌رود.

در گردنبندهای مجسمه‌های سفالی زنان عیلامی مانند (تصویر ۴-۲۴)، قابل شناسایی و مشاهده است.



تصویر ۴-۲۴- گردنبندهای یکی از زنان کارگزار دربار پادشاه عیلامی (موزه باستان شناسی هفت تپه، ۱۴۰۲).

بنابراین بر گردیم به اصل مطلب این الهه (تصویر ۴-۱۸- مجسمه انسانی، ابوفندوا)، احتمالاً همسری داشته که وی نیز یکی از ایزدان بوده (همسر این مجسمه برای باستان‌شناسان و محققان نامشخص می‌باشد)، و هم زمان شوهر و فرزند وی محسوب می‌شده‌اند. بی‌شک در این دین ابتدایی است که می‌توان منشأ ازدواج بین برادران و خواهران را جستجو نمود. لازم به ذکر است که در مدت نسبتاً کوتاهی پایتخت عیلامی‌ها از شوش به هفت تپه (قرن پانزدهم پیش از میلاد)^۱ و سپس، به چغازنبیل (دهه‌های اول قرن سیزدهم)^۲ منتقل شد (فرج‌زاده، مصاحبه، ۲۰ تیر ۱۴۰۲).

۲-۵-۴- خنجر با دسته مرصع - هفت تپه، عیلام میانه



تصویر ۴-۲۵- خنجر با دسته مرصع هفت تپه، عیلام میانه (موزه باستان شناسی هفت تپه، ۱۴۰۲).

نام اثر^۳: خنجر با دسته مرصع - هفت تپه

1. Th century BC
2. The first decades of the 13th century
3. Name of Work

تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه

شماره ثبت اثر در فهرست آثار ملی^۱: ندارد

تاریخ ثبت^۲: ندارد

نوع مالکیت^۳: دولتی

محل نگهداری اثر^۴: موزه باستان‌شناسی هفت تپه

حفار^۵: دکتر بهزاد مفیدی نصر آبادی

مشخصات^۶:

شماره اموالی^۷: ۵۰۷۹۸

قدمت^۸: عیلام میانه

جنس^۹: فلز (مس)

ابعاد و اندازه: ۳۶۱ × ۴۲ میلی متر

طول: ۳۶۱ میلی متر

بیشترین عرض دسته: ۴۲ میلی متر

بیشترین عرض تیغه: ۲۶ میلی متر

تزیینات: دارد

نام هنرمند: ندارد

از زمان نخستین تلاش‌های انسان‌ها در شکار حیوانات تا نبرد با سایر گروه‌ها و اقوام «جنگ‌افزارها» بخشی از دست ساخته‌های بشر بوده‌اند. در دوره عیلام میانه نیز جنگ‌افزارها، کاربرد فراوانی داشتند. و نمونه‌های بسیاری از آن‌ها به دست آمده است همچون: گرز، تبر، پیکان، نیزه، خنجر و فلاخن انواع جنگ‌افزارهایی هستند. که از محوطه هفت تپه و چغازنبیل می‌شناسیم. در چغازنبیل، این جنگ‌افزارها چغازنبیل، این جنگ‌افزارها به عنوان پیشکش به خدایان عیلامی

-
1. The registration number of the work in the list of national works
 2. Registration Date
 3. Type of Ownership
 4. Place of Storage of the Work
 5. Digger
 6. Specifications
 7. Property Number
 8. Old Age
 9. Gender

تولید و اهداء شدند و جنبه کاربردی نداشته است. این جنگ‌افزارها، یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های اشیای فلزی محوطه هفت تپه هستند. که نشان دهنده اهمیت جنگ و دفاع در زندگی روزمره ساکنان شهر است و عمدتاً از جنس مفرغ هستند. استقرار در هفت‌تپه با جنگ و آتش سوزی به پایان رسیده و پیدا شدن اجساد فراوان در یکی از بخش‌های شهر انشان از پایان خشونت بار حیات در محوطه دارد. به نظر می‌رسد جنگ‌افزارهای هفت‌تپه، جنبه کاربردی داشته‌اند.

با این حال در هفت‌تپه نیز، خنجرهای مرصع شده‌ای ساخته شده که بیشتر جنبه تزئینی و پیشکشی داشته‌اند تا جنبه کاربردی مانند: خنجر با دسته مرصع - هفت‌تپه که در (تصویر ۴-۲۵) می‌بینید، این خنجر فلزی در سال ۱۳۸۹ مصادف با تاریخ (۲۰۱۰ میلادی)، در حفاری‌های دکتر بهزاد مفیدی نصرآبادی^۱ در اتاق الف (a) بخش شماره ۲ یافت شد. و بر روی دسته این خنجر مثبت کاری وجود دارد. تمام پرکننده‌های استفاده شده به رنگ سفید هستند و براساس مستندات، جنس این خنجر معمولاً از طلا نمی‌باشد و ممکن است از سنگ یا استخوان و عاج ساخته شده که در موارد نادر از سنگ‌های قیمتی نیز در آن استفاده شده است. این خنجر مرصع بحث برانگیز منسوب به یکی از پادشاهان عیلامی بود. که در حال حاضر در موزه باستان‌شناسی هفت تپه در معرض دید عموم مردم قرار دارد (موزه باستان‌شناسی هفت‌تپه، ۱۴۰۲). از آن جایی که تمدن عیلام آمیزه‌ای عالی، معتدل و متوازن از مجموع تمام تمدن‌های پیشین و همسایه خود بود و در ظاهر از سنت‌های هنری کشورهای مختلف وام گرفته بود، اما در ساختار این خنجر از سادگی، ریتم، تعادل، قرینگی و دیگر عناصر بصری استفاده کرده است. از این رو هنرمندان عیلامی از تقارن و چیدمان دقیق‌تری نسبت به آثارشان بهره می‌برند. و از نظر کمپوزیسیون، طراحی اولیه، تعادل و توازن و همچنین ارتباط بین فضاها پر و خالی و نیز حرکت و ارتباط خطوط منحنی، افقی، عمودی، مورب و هندسه بنیادی نقوش در اوج کمال بوده‌اند.



۱. دکتر بهزاد مفیدی نصرآبادی، دارای رساله دکتری با عنوان: «مراسم تدفین در بین‌النهرین در نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد» در دانشگاه توبینگن است. دکتر بهزاد مفیدی نصر آبادی در تاریخ ۱۳۷۸ با همکاری سازمان میراث فرهنگی، تحقیقات باستان‌شناسی محوطه چغازنبیل را بر عهده گرفت.

تصویر ۲۶-۴- بخشی از دسته خنجر منبت کاری شده (موزه باستان‌شناسی هفت تپه، ۱۴۰۲).

بدین سان خنجری شبیه به این خنجر با دسته خاتم کاری شده در حفاری‌های زنده یاد مرحوم دکتر عزت الله نگهبان در محوطه هفت تپه قبل از انقلاب یافت شد. تجزیه و تحلیل‌های اولیه نشان داد که هر دو دسته و تیغه از برنج (مس) ساخته شده‌اند. بدین ترتیب در طراحی برخی از ابزار جنگی عیلامی می‌توان به شباهت آن‌ها با ابزار جنگ قبل از اسلام اشاره کرد. به عنوان مثال طراحی خاص برخی از این جنگ‌افزارها همچون: خنجر^۱، شمشیر^۲، تیردان‌ها^۳، سپرها^۴ و ... با طراحی تجهیزات نظامی هخامنشی تفاوتی ندارد. با این تفاوت که در عین وجود نشانه‌های پیش از اسلام مانند نقوش هندسی و گل نیلوفر^۵، با نقوش گیاهی^۶ ترکیب شده و هویت جدیدی به خود گرفته‌اند. این جنگ‌افزارها^۷ از مهم‌ترین نقوشی هستند. که در آثار یافت شده آن‌ها در دوره‌های مختلف تمدن عیلام باستان خودنمایی می‌کنند. این ادوات جنگی معمولاً ساده نقر شده‌اند. تنها فرم و ظاهر کلی سلاح مورد توجه و اهمیت هنرمندان عیلامی قرار گرفته است. این جنگ‌افزارها به عنوان سلاح شکاری^۸ و یا ابزار جنگی در صحنه‌های مختلف و بر روی اجسام مختلفی همچون: مهره، سفال و ... قرار گرفته‌اند.

۴-۶- نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری این فصل کوشش شده است به بررسی اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه پرداخته شود. تفاوت‌ها و شباهت‌های اشیای عیلامی به صورت بصری و فرمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ویژگی‌های مهم آن در این فصل توضیح داده شده است. همانطور که پیش‌تر در گفته شد. اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت تپه که آن‌ها را در تصاویر فصل پیش دیده‌اید. با مذهب عیلامی بسیار مرتبط بوده و نقش ویژه‌ای در آن زمان بین مردم عیلام داشته‌اند. بدین سان نتیجه می‌گیریم که این اشیاء عیلامی در زندگی روزمره مردم آن زمان کاربرد فراوانی داشته‌اند.

-
1. Daggers
 2. Swords
 3. Spears
 4. Shields
 5. Geometric patterns and lotus flowers
 6. Slimy knots
 7. Weapons
 8. Hunting Weapon

فصل پنجم:

جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادها

۱-۵- جمع بندی


در فصل اول به کلیات پژوهش، بیان مسئله، فرضیه، قلمرو تحقیق از بعد زمانی و مکانی و کاربرد موزه‌های باستان‌شناسی و جغرافیای تمدن عیلام باستان و بین‌النهرین به طور کامل و مختصر در این فصل پرداخته شده است. همچنین در فصل دوم با توجه به پیشینه تحقیق مذکور، تاکنون پژوهش مستقلی با عنوان «تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه» انجام نشده است. اما هرگونه تحقیق در تاریخ و هنر عیلام باستان تا حدودی به پژوهش حاضر نزدیک می‌باشد و قابل استناد و استفاده هستند. همچنین کتاب‌ها، مقالات و پایان نامه‌های زیادی در رشته‌های مختلف در رابطه با دانش، فرهنگ، هنر، مذهب، در دوره عیلام باستان وجود دارد. که مبنای مطالعاتی در این زمینه هستند و می‌باشند. در پیشینه یاد شده (فصل دوم پایان نامه)، محققان و باستان‌شناسان متعدد مقالاتی در مجلات مختلف در ارتباط با فرهنگ و هنر تمدن عیلام باستان و مهرهای عیلامی به دست آمده از نقاط باستانی تحت سیطره‌ی عیلامی‌ها منتشر کرده‌اند. علاوه بر این در فصل سوم به شناخت دوره‌های تمدن عیلام باستان و هنرهای مردم آن زمان به طور کامل و مختصر نیز پرداخته شده است. در این فصل باستان‌شناسان تاریخ عیلام را به چهار دوره مقدم، قدیم، وسطا و جدید تقسیم کرده‌اند.

در فصل چهارم، اشیاء عیلامی موجود در دو موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها از لحاظ بصری و فرمی مورد بررسی قرار گرفت و ویژگی‌های مهم آن در این فصل ارائه و توضیح داده شده است. همانطور که گفته شد این اشیاء با باورهای مذهبی عیلامی همراه بوده و نقش ویژه‌ای را داشته‌اند. این اشیاء همچنین به طور گسترده در زندگی روزمره مردم عیلام مورد استفاده قرار می‌گرفتند و حضور داشته‌اند. بنابراین با توجه به مطالب یاد شده، جدول اشیائی که در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند با توضیحات مختصر آن‌ها آورده می‌شود:

جدول ۵-۱- سه سردیس عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش (نگارنده).

نقش مایه	تصاویر	توضیحات
سربند و صورت		سربند و صورت با جزئیات بیشتر و ظرافت بیشتر نمایان شده است، سربند روی پیشانی به احتمال حالت موج‌دار داشته بود.
سربند، کلاه و صورت		تاکید بر ویژگی‌های صورت بزرگی چشم‌ها، دهان و گردن، چهره‌ای که احساسات را به خوبی منتقل می‌کند. در این جا کلاه و سربند دقیق‌تری را با دایره‌های برجسته‌تر نسبت به سربند نشان می‌دهد.
ماسک، سربند و صورت		ماسک با چهره کاملاً اغراق شده پر حالت، گودی و حفره چشم‌ها (چشم‌ها با اغراق بسیار بیشتری با نمونه‌های پیشین مشاهده می‌شود)، ابروان ممتد، گونه‌ها خوش حالت و حالت برجستگی بینی و لب‌ها که حالتی جدی، متفکر، طبیعی و به هم پیوسته‌اند. ظاهراً این ماسک از سنتی دیرینه‌تر مایه گرفته است.

جدول ۵-۲- تصاویر اشیاء عیلامی موزه باستان‌شناسی شوش (نگارنده).

نقش مایه	تصاویر	توضیحات
صورت و جزئیات آن		صورت شیر دارای ظرافت و دقت خاصی است. که این نوع قالب حیوانات در تمدن عیلام باستان بسیار رایج بوده است. حالت چشم‌ها بی رحم، بیدار و دهان باز که ظاهر آن پر از قدرت و شکوه است که در این مجسمه برای بیننده نمایان شده است.

<p>فرم بدن اردک به صورت بدنی ساده با سر چرخانده شده است به طوری که به جانب عقب خوابیده است. در این سنگ وزن هیچ نشانه‌ای از بال‌ها، پاها و سایر جزئیات آناتومیکی و تشریحی وجود ندارد. یعنی سنگ وزن اردک خیلی استیلیزه و ساده می‌باشد. عیلامی‌ها در آن زمان قالب این حیوان را به یک شاخص وزنی برای تبادلات کالا استفاده می‌کردند.</p>		<p>فرم بدن اردک، سر، بال‌ها و سایر جزئیات</p>
---	---	---

جدول ۵-۳- ویژگی‌های اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی هفت تپه (نگارنده)

توضیحات	تصاویر	نقش مایه
<p>گردنبندهای سنگین و طوق مانند، و نشان دادن پستان بند از این دوره متداول می‌شود. در بیشتر پیکرک‌ها دست‌ها باز یا محکم به پستان‌ها چسبیده، یا در جلوی سینه به هم گره خورده است. الگوهایی به دور دست‌ها برای ما نمایان شده‌اند. همچنین بازوها حالت ناتورالیسم‌تری (واقع گرایانه) دارند. ناف‌ها بزرگ و خطوط پیوسته مشخصی را می‌توان روی شکم مشاهده کرد. مثلث شرمگاهی با تاکید بیشتری با نقاطی یا همان دایره‌های تکرار شده مشخص شده است. پاها ساده و به هم متصل هستند. در برخی موارد به صورت یک پارچه نشان داده شده‌اند. و حتماً دارای پابند می‌باشند.</p>		<p>زیورآلات، دست‌ها، ران‌ها و پاها</p>

<p>این مجسمه از خشت پخته لعاب‌دار ساخته شده است. و موجودی خیالی از ترکیب شیر و عقاب است. شیر در عیلام نماد عظمت، قدرت، شجاعت، عدالت و قانون بوده است. و از سوی دیگر نماد ظلم، بی‌رحمی و جنگ می‌باشد همچنین عقاب نماد قدرت و از مهم ترین سمبل‌های آن زمان بوده است. این مجسمه از دوره عیلام میانه می‌باشد که به آن گریفون می‌گویند.</p> <p>همچنین می‌توان بیان کرد که این مجسمه از معانی عمیق فلسفی و اسطوره‌شناختی سر چشمه گرفته است.</p>		<p>جزئیات شیر و عقاب</p>
---	--	--------------------------

جدول ۵-۴- ویژگی‌های اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی هفت تپه (نگارنده).

۲-۵- نتیجه گیری

با توجه به جداول و موارد یاد شده، می توان یک ارزیابی کلی از دستاوردهای این پژوهش را ارائه نمود. از این رو می توان گفت که اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان شناسی شوش و هفت

توضیحات	تصاویر	نقش مایه
<p>نوع این گاو از گل پخته لعاب دار است. کتیبه ای با مضمون «من اونتاش ناپیریشا، فرزند هومبان نومنا پادشاه دودمان انشان و ...»، بر روی آن نوشته شده است. عیلامی ها این نوع حیوانات نگهدارنده را به عنوان محافظ و نگهدارنده معابد خود ابداع نمودند. این اثر بسیار ناتورالیسم (واقع گرایانه) می باشد. مجسمه ساز طوری که جنه وی را به شکل و حرکتی که طبیعتاً بوده در این مجسمه به وضوح نشان داده است. همچنین غنای فوق العاده رنگ های به کار برده شده، بافت و استفاده از برجستگی های نامنظم در کنده کاری بدنه آن برای نشان دادن برآمدگی های بدن حیوان می باشد.</p>		<p>جنه، گردن، پاها و ...</p>
<p>جنگ افزارها بخشی از دست ساخته های عیلامی ها بوده اند. که به عنوان پیشکش به ایزدان عیلامی اهداء می شده اند همچنین جنبه کاربردی در آن زمان داشته اند. که از سنگ های نادر و قیمتی در آنها نیز استفاده می شده است. در ساختار این خنجر سادگی، ریتم، تعادل، قرینگی و سایر عناصر بصری استفاده شده است. و از نظر کمپوزیسیون، طراحی اولیه، تعادل و توازن و همچنین ارتباط بین فضاهای پر و خالی و نیز حرکت و ارتباط خطوط منحنی، افقی، عمودی، مورب و هندسه بنیادی نقوش در اوج کمال بوده اند.</p>		<p>جنگ افزار و جزئیات به کاربرده شده در آن</p>

تپه در این تمدن بیشتر جنبه کاربردی و تشریفاتی (و یا آئینی) داشته اند. اما با تکیه بر شواهد و

مطالعات موجود در این پایان نامه می‌توان پاسخ‌های مطروحه و نکات ملموس موارد زیر را بر شمرد:

۱. اشیاء عیلامی موجود در موزه‌های باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه را می‌توان در حیطه آثار کاربردی و آئینی در نظر گرفت. زیرا در آن زمان این اشیاء نقش و حضور مهمی در مناسک مذهبی دارا بودند. همچنین این اشیاء جنبه تشریفاتی و احترام برای مردم عیلام باستان داشته است.

۲. اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه از عناصر، تمهیدات بصری و الگوهای مشترکی همانند آثار مصر و یونان و بین‌النهرین پیروی می‌کنند که این پایان نامه در جهت شناخت این الگوها تلاش نموده تا گامی کوچک بردارد. با مطالعات دقیق تر و مستمر می‌توان به آن الگوها و هندسه پنهان و معناهای مستتر در آنها پی برد. نوع فرم‌ها و نحوه ترکیب‌بندی‌ها و کیفیت ساخت آنها، خصوصیت‌های متنوع و پیچیده این اشیاء هنری موجود، مفهوم خاصی را از نظر زیباشناسی و اسطوره‌ای برای ما بیان می‌کنند.

۳. بیشتر اشیاء عیلامی مهم و مطرح در سطح جهانی، متأسفانه در موزه‌های جهان و ایران باستان پراکنده شده‌اند. و تعداد کمی از آثار موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه باقی مانده‌اند. که توانسته شد در حد امکان آثاری را که واجد اهداف این پایان نامه بودند انتخاب کنیم. در حالی که این دو موزه مهم استان خوزستان منسوب به تمدن عیلامی هستند و در جوار سرزمین این تمدن قرار دارند، بالعکس باید غنی از آثار با ارزش این تمدن در وهله اول باشند و در صورت امکان با مولاژ (مثلاً مجسمه ناپیرآسو و جام سفالی بز شاخ‌دار و ...)، شاید بتوان این نقیصه را بر طرف نمود. زیرا این دو موزه از جایگاه مهمی در استان از نظر محل رجوع استادان و دانشجویان و جهانگردان برخوردار است.

۴. و باید توجه ویژه‌ای از هر نظر در این زمینه صورت بگیرد. آثار مذکور عیلامی با اهدافی همچون: کاربردهای اساطیری، جادویی، تزئینی و زیباسازی محیط اطراف خود چون: معابد، مقبره‌ها و ... ایجاد شده‌اند. این اشیاء و پدیده‌های این تمدن اصیل ایرانی، در ادراک حسی و حافظه بصری باعث نه فقط باعث شناخت، بلکه نقش بسیار مهمی در فرآیند تکمیل اطلاعات لازم و موجود را دارد.

۳-۵- پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده

به نظر می‌رسد از آنجایی که تمدن عیلام باستان در مقایسه با مطالعات گسترده‌ای که از تمدن‌های دیگر و هم‌جوار خود شده‌اند، همچنان اطلاعات کم و مبهمی در این زمینه احساس می‌گردد. بنابراین برای رفع این کمبودها می‌توان به صورت مفصل و دقیق‌تر بسیاری از این موضوعات بکر و جذاب و از هر جنبه را برای تحقیقات بعدی فراهم نمود. لذا در این زمینه و در مورد اشیاء موجود در موزه باستان‌شناسی شوش و هفت‌تپه، به چند مورد اشاره می‌کنیم که هر کدام به تنهایی موضوع پیشنهادات برای جستجوهای آینده به حساب آید و به شرح زیر است:

۱. بررسی ارتباط و تاثیر و تاثیر هنر عیلامی بر روی آثار تمدن‌های بین‌النهرین (بابل، آکد، آشور، سومر و هخامنشی)، جیرفت، سیلک، شهر سوخته و ...، از طریق مطالعات تطبیقی.
۲. تحلیل نشانه‌شناسی و آیکونولوژی اشیاء عیلامی موجود در موزه‌های باستان‌شناسی استان خوزستان و رسیدن به درکی متفاوت و همه‌جانبه از باورها، اساطیر و زندگی در تمدن عیلام باستان.

منابع و مآخذ
فارسی - انگلیسی

منابع فارسی

- [۱] آمیه، پیر، (۱۳۹۴)، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۲] اصغرپور سارویی، سمیرا، و آذری، زهرا، «بررسی زیورآلات زنان در ایران باستان (عهد عیلامی)»، مجله پژوهش هنر، سال اول - شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۲)، صص ۱۴۱-۱۴۴.
- [۳] اعظم زاده، محمد، (۱۳۹۲). واژه نامه عمومی هنر، چاپ اول، تهران، انتشارات سیمای دانش.
- [۴] الزرکی، سمر، «بلاد الرافدین و عیلام»، مجله المعرفة، شماره ۶۳۰ (محرّم ۱۴۳۵)، صص ۲۸۷-۲۹۲.
- [۵] السادات وزیریان، مریم، (۱۳۹۲)، بررسی نماد ماه و خورشید در سفالینه‌های عیلام، پایان نامه کارشناسی ارشد MSc، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- [۶] افکنده، احسان، «مشروعیت آسمانی در آثار نوشتاری عیلام»، مجله تاریخ اسلام و ایران، شماره ۳۲ (زمستان ۱۳۹۵)، صص ۹-۳۱.
- [۷] بهروزی، محمد. (۱۳۹۹). طراحی پهنه گردشگری با تاکید بر مدیریت زیر ساخت‌های صنعت گردشگری، شوش، ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول.
- [۸] بلواری، سارا، (۱۳۹۵)، پژوهشی پیرامون فرم چهار ضلعی در معماری ایرانی با تاکید بر بنای چغازنبیل و کاربرد آن در طراحی گرافیک (پروژه نظری)، طراحی یک یادمان نمادین برای یکی از میادین شهر تهران با توجه به نتایج بدست آمده (پروژه عملی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه آموزشی هنرهای تصویری در رشته ارتباط تصویری، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه تهران پردیس هنرهای زیبا.
- [۹] پور علی، امین، (۱۳۹۳)، بررسی آثار باستانی شوش با هدف تعیین مزیت‌ها و چالش‌ها با رویکرد توسعه گردشگری فرهنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- [۱۰] پولاد چنگ، مرضیه، جابری راد، مائده، و زرغام، ادهم، «تحلیل نقوش جام شوش از منظر ساختار و مفهوم»، مجله بیکره، شماره ۵ (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، صص ۷-۲۲.

- [۱۱] ترابی، مزده، (۱۳۹۵)، بررسی عناصر هویت ساز و کاربرد آن در طراحی مبلمان و غرفه‌های خدماتی مورد نیاز در محوطه ی میراث جهانی چغازنبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، دانشگاه شهید چمران واحد شوشتر.
- [۱۲] جباری، فروغ، (۱۳۹۵)، نقشمایه‌های زن با تاکید بر ایزدبانوان باروری در تمدن عیلام (۲۷۰۰ الی ۶۴۰ قبل از میلاد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده هنر واحد شوشتر.
- [۱۳] جنسن، دورا جین، (۱۳۹۹)، تاریخ هنر (پژوهشی در هنرهای تجسمی از سپیده دم تاریخ تا زمان حاضر)، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۴] جوزی، زهره، (۱۳۷۲)، مذهب ایلام با نگرشی بر مهرهای استوانه ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۱۵] حصاری، مرتضی، و یوسفی زشک، روح الله، «پیدایش نهادهای پیش حکومتی در فلات ایران؛ خان سالارهای آغاز ایلامی در تپه سفالین پیشوا»، مجله مطالعات باستان شناسی، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، صص ۱-۲۲.
- [۱۶] حاتمی نصاری، طیبه، «معماری مذهبی ایلام»، مجله مطالعات ایلام شناسی، شماره ۸ (پاییز ۱۳۹۷)، صص ۱-۲۳.
- [۱۷] حاتم، غلامعلی، (۱۳۸۹)، آشنایی با هنر در تاریخ (۱)، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- [۱۸] ذکرگو، امیرحسین، هنرهای تجسمی: ماندالا: تجلی ماوراء الطبیعه در هنر دینی هند، مجله هنر، شماره ۴۶ (زمستان ۱۳۷۹)، صص ۸۹ - ۱۰۰.
- [۱۹] روان جو، احد، علیزاده، سیامک، و عامری، فرح (۱۴۰۲) «بررسی و شناخت پیکره‌ها و نقش برجسته‌های کوچک در تمدن عیلام»، دهمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن، تفلس - گرجستان، دانشکده بین المللی ابن سینا گرجستان.
- [۲۰] زندگی، ناهید، (۱۳۹۰)، طبقه بندی و گونه شناسی پیکرکهای زنان در دوره ایلام میانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه تاریخ و باستان شناسی، گرایش تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- [۲۱] زینلی، سمیه، (۱۳۹۶)، تابستان، مطالعه و تحقیق بر روی حلقه‌های قدرت مکشوفه در سرزمین ایلام باستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی دوره تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه

- [۲۲] شمیلی، فرنوش، و غفوری فر، فاطمه، «تحلیل عناصر تصویری سفالینه‌های شوش (براساس رویکرد نشانه‌شناختی)»، مجله رهپویه هنر، شماره ۵ (زمستان ۱۳۹۸)، صص ۱۳-۲۴.
- [۲۳] شگری، ونوشه، (۱۳۹۱)، طرح حفاظت و نگاهداری بنای کاخ - آرامگاه زیر زمینی در محوطه باستانی دور اونتاش (چغازنبیل)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مرمت معماری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- [۲۴] صالحی، سودابه، «روش شناسی‌های تحقیق بصری: خوانش تصویر»، مجله نقد کتاب هنر، شماره ۵ و ۶ (بهار ۱۳۹۴)، صص ۲۵۱-۲۶۶.
- [۲۵] عامریان، حمید، «نگاهی به ایلامیان و هنر آنان و نقش این قوم در آغاز تاریخ ایران»، فصلنامه هنرنامه، سال هشتم، شماره ۲۶ (بهار ۱۳۸۴)، صص ۳۱-۴۳.
- [۲۶] علی بمانی، مریم، (۱۳۹۰)، بررسی و مطالعه ظروف سنگی هخامنشی در موزه‌های شوش، تخت جمشید، ملی و رضا عباسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی - دوره تاریخی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - دانشکده ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- [۲۷] علنی، میثم، و همتی ازندریانی، اسماعیل، ذال، محمد حسن، رایگانی، ابراهیم، «بررسی تطبیقی تاثیرات فرهنگی و هنری تمدن عیلام بر امپراتوری هخامنشی»، مجله هنرهای حوزه کاسپین، شماره ۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، صص ۶۷-۹۶.
- [۲۸] عزیزی خادم، الهام، (۱۳۹۴)، مکان یابی دهکده گردشگری از طریق سیستم اطلاعات جغرافیایی و هوش محاسباتی با در نظر گرفتن ارزیابی محیطی (شهرستان شوش)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- [۲۹] علی سلیمان، صبا، (۲۰۱۷)، الحضاره العیلامیه و علاقتها بحضارات وادی الرافدین من بدایه الالف الثالث ق.م حتی منتصف الالف الثانی ق.م، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و علوم انسانی، دانشگاه تشرين سوریه.
- [۳۰] عرب، حسن علی، و شریفی نسب، کوثر، «دین سالاری؛ کانون اندیشه و تمدن در ایلام باستان»، مجله پژوهش نامه تاریخ، شماره ۱۴ (بهار ۱۳۸۸)، صص ۷۷-۹۶.
- [۳۱] فاضلی پور، طوبی، «ELAMI ایلام؛ از ظهور تا افول»، مجله رشد آموزش تاریخ، شماره ۱ (پاییز ۱۳۷۸)، صص ۳۰-۳۶.

- [۳۲] فلکی، معین، و احمد زاده، فرید، (۱۳۹۴)، «مطالعه و شناخت نقوش اساطیری مهرهای استوانه ای آغاز عیلامی»، دومین همایش ملی باستان شناسی ایران، مشهد.
- [۳۳] فرج اله چعب، حسین، و جعفری ماجد، احمد، (۱۳۹۹). بیت القصب، خانه ای از نی و اسطوره، چاپ اول، قم، انتشارات ائمه (ع).
- [۳۴] فکری نژاد طهرانی، الهام، (۱۳۹۱)، بررسی ساختاری و فنی مجسمه‌های سفالی ایلامی با تاکید بر بازنگری وضعیت حفاظتی و مرمتی مجسمه شیر - عقاب یافته شده از محوطه چغازنبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- [۳۵] فرزانه فر، فریبا، (۱۳۹۱)، واکاوی نگاره و انگاره نگهبان در شرق نزدیک (مطالعه موردی: نیایشگاه اینشوشیناک شوش، کاخ کپره، کاخ خرساباد، تخت جمشید)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان.
- [۳۶] قنبری، لیلا، (۱۳۹۱)، فرهنگ و تمدن عیلام، پایان نامه کارشناسی ارشد (M.Sc)، گروه تاریخ، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- [۳۷] کمرون، جورج گلن، (۱۳۸۱). ایران در سپیده دم تاریخ (ترجمه حسن انوشه)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- [۳۸] کلاه کج، منصور، «بررسی سیر تکامل بصری تمدن عیلامی از منظر تجسمی»، مجله پیکره، شماره ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، صص ۵۱-۶۰.
- [۳۹] کنشلو، علی، و ناصحی، محمد علی، (۱۳۷۹). تاریخ هنر جهان: کلیه رشته‌ها (به جز رشته نقشه کشی معماری)، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
- [۴۰] گیرشمن، رومن، (۱۳۷۳). چغازنبیل، (دور - اونتاش) (جلد اول) زیگورات، (ترجمه اصغر کریمی)، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- [۴۱] گیرشمن، رومن، (۱۳۷۵). چغازنبیل (دوراونتاش) (جلد دوم) تمنوس (محل مقدس)، معابد، کاخها، قبور (ترجمه اصغر کریمی)، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- [۴۲] ملکزاده بیانی، ملکه، (۱۳۶۳). تاریخ مهر در ایران (از هزاره ی چهارم تا هزاره اول)، چاپ اول، تهران، ناشر یزدان.

تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه

[۴۳] محمودی، ماندانا، «ساختار شکل گیری اولیه تمدن ایلام»، مجله مطالعات ایلام شناسی، شماره ۱۱ (۱۳۹۸ تابستان)، صص ۴۲-۵۰.

[۴۴] محمدی فر، یعقوب، (۱۳۷۵)، پژوهشی نو در سبک و کاربرد پیکره‌های انسانی ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

[۴۵] میرزایی، آریتا، فیروزمندی، بهمن، «معماری مسکونی دوره ایلام»، مجله پژوهشهای باستان شناسی و مطالعات میان رشته‌ای، شماره ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۵)، صص ۵۳-۷۷.

[۴۶] مهدی قائم پناه، نور الدین، (۱۳۹۲)، پژوهشی بر نقوش اساطیری در ایلام باستان با تأکید بر نقوش مهرها و اثر مهرها، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

[۴۷] مهر آفرین، رضا، (۱۳۷۵)، بررسی نشانه‌های تمدنی نقوش حیوانی بر روی مهرهای استوانه ای ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان شناسی - دوران تاریخی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

[۴۸] مجید زاده، یوسف، (۱۳۷۰). تاریخ و تمدن عیلام، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی تهران.

[۴۹] مستقیمی، علی اکبر، دهقان، احمد، (۱۳۹۳). تاریخ فرهنگ و هنر ایران (پیش از اسلام)، چاپ اول، تهران، دانشگاه پیام نور.

[۵۰] موسوی، خدیجه، (۱۳۹۸)، ارزیابی توسعه طبیعت گردی پایدار در قالب مکان یابی بهینه اقامتگاه‌های بوم گردی در شوش دانیال (ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشکده منابع طبیعی علوم زمین، دانشگاه کاشان.

[۵۱] نجفی، فرزاد، (۱۴۰۰). کتاب سفال‌های عیلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات سنجش و دانش.

[۵۲] نخعی اشتری، مسعود، (۱۳۹۱)، ارائه ی ترکیب مناسب برای تولید آجر سبک مرمتی به منظور مرمت تزئینات تاقی چغازنبیل با نگاه به مرمت تاق آرامگاه شماره ۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، واحد علوم و تحقیقات.

- [۵۳] نگهبان، عزت الله، «حفاری‌های زاغه هفت تپه مارلیک و تاثیر آن در باستان شناسی ایران»، مجله ایران نامه، شماره ۴۸ (پاییز ۱۳۷۳)، صص ۶۴۹-۶۷۲.
- [۵۴] نیاکان، لیلی، «مطالعه و بررسی ویژگی‌ها و مشخصات خشت‌های رنگین و آجرهای لعاب دار دوران ایلامی»، مجله مطالعات ایلام شناسی، شماره ۱۲ (پاییز ۱۳۹۸)، صص ۱-۴۱.
- [۵۵] هیتس، والتر، (۱۳۸۷). شهر یاری ایلام (مترجمان: پرویز رجبی، عباس اسماعیلی، شادی ابراهیمی)، چاپ اول، تهران، ناشر ماهی.
- [۵۶] هیتس، والتر، (۱۳۹۶)، دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروزنیا فیروز، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).
- [۵۷] هادیان دهکردی، منیژه، (۱۳۹۵) «نقش آنالیزهای فیزیکی و شیمیایی ملات در تعیین اصالت کالبدی بناهای تاریخی مطالعه موردی: زیگورات چغازنبیل»، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین - آلمان، دوره ۲.
- [۵۸] یوسفی ژشک، روح الله، و یزدانی، سحر، «ارائه نسخه جدید و بازخوانی گل نبشته‌های آغاز ایلامی 33, 31 MDP و 27, 31 MDP موجود در موزه لوور»، مجله مطالعات باستان شناسی پارسه، شماره ۶ (زمستان ۱۳۹۷)، صص ۴۱-۵۲.
- [۵۹] محمودیان، وحید، «ارتباط سیاسی - اقتصادی ایلام و بین‌النهرین در دوران باستان»، مجله مطالعات ایلام شناسی، شماره ۶ (بهار ۱۳۹۷)، صص ۴۸-۵۸.
- [۶۰] میرزایی، آریتا، و فیروزمندی، بهمن، «معماری مسکونی دوره ایلام»، مجله پژوهشهای باستان شناسی و مطالعات میان رشته‌ای، شماره ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۵)، صص ۵۳ - ۷۷.
- [۶۱] مهرداد، جواد، و روشن، محسن، «الگوهای هندسی معماری ایران و بررسی این الگوها از پیدایش اولین تمدن‌ها تا دوران معاصر»، نشریه معماری شناسی، شماره ۱۳ (زمستان ۱۳۹۸)، صص ۵۳ - ۶۳.
- [۶۲] امید فر، امید. ۱۵ دی ۱۴۰۱. مصاحبه با موزه دار موزه باستان شناسی شوش، گفت و گو با کارمند موزه، درباره اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان شناسی شوش در شهرستان شوش.
- [۶۳] حیدری زاده، بیژن. ۴ دی ۱۴۰۱. مصاحبه با مدیر پایگاه میراث جهانی شوش، گفت و گو مستقیم درباره اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان شناسی شوش، محل گفت و گو موزه باستان شناسی شوش در شهرستان شوش.

تحلیل بصری اشیاء عیلامی موزه شوش و هفت تپه

- [۶۴] دیناروند، سعید. ۲۹ آبان ۱۴۰۱. مصاحبه با موزه دار موزه باستان شناسی شوش، درباره سه سردیس تپتی - آهر، محل گفت و گو موزه باستان شناسی شوش در شهرستان شوش.
- [۶۵] روان جو، احد. ۱۲ مرداد ۱۴۰۲. مصاحبه با استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز - واحد شوشتر، درباره ارتباط تصویری در اشیاء موزه ایی. گفت و گو تلفنی.
- [۶۶] علیزاده، سیامک. ۱۳ خرداد ۱۴۰۲. مصاحبه با استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز - واحد شوشتر، درباره اشیاء موزه ایی. گفت و گو تلفنی.
- [۶۷] علیزاده، سیامک. ۱۶ خرداد ۱۴۰۲. مصاحبه با استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز - واحد شوشتر، درباره ماسک گلی رنگ آمیزی شده چهره یک مرد. گفت و گو تلفنی.
- [۶۸] علیزاده، سیامک. ۱۷ خرداد ۱۴۰۲. مصاحبه با استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز - واحد شوشتر، درباره کاربرد سنگ وزن اردک ارجان در هنر مردم عیلام. گفت و گو تلفنی.
- [۶۹] فرج زاده، علیرضا. ۲۰ تیر ۱۴۰۲. مصاحبه با باستان شناس موزه باستان شناسی هفت تپه، گفت و گو مستقیم درباره اشیاء عیلامی موجود در موزه باستان شناسی هفت تپه. محل گفت و گو موزه باستان شناسی هفت تپه در شهرستان هفت تپه.
- [۷۰] موزه باستان شناسی شوش، ۲۹ آبان ۱۴۰۱، (بازدید حضوری از موزه باستان شناسی شوش).
- موزه باستان شناسی هفت تپه، ۲۰ تیر ۱۴۰۲، (بازدید حضوری از موزه باستان شناسی هفت تپه).
- [۷۱] موزه ملی ایران باستان، ۱۰ شهریور ۱۴۰۲، <https://www.karnaval.ir/blog/cow-guardian-chogha-zanbil> (دستیابی در شهریور ۱۰، ۱۴۰۲).

منابع انگلیسی

[72] Prudence, O. Harper. (1992). Royal City of Susa. Ancient Near Eastern Treasures in the Louvre. Metropolitan Museum.

[73] Wicks, Yasmina and Alvarez-Moon, J. (2022). An Elamite duck weight in the Susa Museum: New evidence for the Behbahan Plain in the late 7th/early 6th century BCE. Achaemenid Research on Texts and Archeology (ARTA), 2022, 1-22.

Ancient Elamite civilization, one of the most outstanding and magnificent ancient and native civilizations of Iran in the late third millennium BC, which historically belongs to the four periods of the Elamite or "Proto-Elamite Period" (Proto-Elamite Period) around 3000-3200 BC. Milad, Old Elamite Perido around 1500-7700 BC, Middle Elamite Perido around 1500-1000 BC and Neo Elamite Perido around 1100-539 BC. have became. Artifacts and objects from this civilization have been preserved or exhibited in the archeological museums of Susa and Haft Tepe due to archaeological discoveries from the mentioned periods. The main question of this research regarding some of these exposed objects is this. What characteristics and artistic aspects do they have? And do these works also represent a concept for us? Therefore, the purpose of the present research is to describe and visually analyze some selected Elamite objects in these two museums. To be able to reach a minimum knowledge of them from the artistic aspect. In addition, according to the desired needs, the research aims to consider the type of their application as much as possible. The results of this research show that these objects probably had a practical and ceremonial or (ritual) aspect. Also, the achievements of this research, while creating the ground for further research with an artistic approach, provide more knowledge of this civilization through the study and review of the mentioned works.

Shahid Chamran University
Faculty Art Shooshtar
Group: Art
On: Art research

Title:
Visual analysis of Elamite objects in Shush and Haft Tepe Museum

Supervisor:
D.r Ahad Ravanjoo

Advisor:
D.r Siamak Alizadeh

By:
Farah Ameri

Stember- 2023